

۴۱۶

کسپهان

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح‌زاده
جمعه ۲۶ خرداد تا ۱ تیرماه ۱۴۰۲ خورشیدی
سال چهارم - شماره ۱۸۸۲

بن بست اقتصادی و شارلاتانیسم جمهوری اسلامی



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

@KayhanLife

@kayhanlife

@KayhanLife

<https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما، کیهان لندن

@KayhanLondon

@kayhanlondon

@kayhanlondon

https://t.me/kayhan_london

P.O. Box 435, Old Brompton Road 2, London, SW7 3DQ

Tel: +(44)-(0)20 3633 3684

Fax: +(44)-(0)20 3633 3685

e-mail: ads@kayhan.london

www.kayhan.london

سال چهارم

کیهان شماره ۱۸۸۲ (۴۱۶)

جمعه ۲۶ خرداد تا ۱ تیر ماه ۱۴۰۲

۱۶ تا ۲۲ ژوئن ۲۰۲۳



مژده به هم‌میثالی که خواستار کتاب **سقوط بهشت** بودند می‌توانند چاپ دوم این کتاب را از کیهان خریداری نمایند
نسخه دیجیتال کتاب نیز به‌زودی در دسترس خواهد بود

سقوط بهشت

خاندان پهلوی و روزهای پایانی ایران پادشاهی

اندر و اسکاگ کوپر

ترجمه رضا تقی‌زاده



KAYHAN LONDON
NEWS AND VIEWS FOR A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی

KAYHANLIFE

SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

www.kayhanlife.com

کیهان لندن منتشر کرد:



پیشگفتارها: رضا تقی‌زاده و حسن شریعتمداری

کتاب «سوره: چاله عنکبوت» به قلم حامد محمدی (اسر خان)

برای نخستین بار ایجاد گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالتهای رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. علاقه‌مندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق ناس یا کیهان لندن سفارش کنند. ads@kayhan.london

و با انتشارات ساتراپ و سوپر هورمز در لندن و کتابفروشیهای معتبر ایران در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com www.satrap.co.uk
Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

تسلیت

درگذشت بانوی ارجمند و نیکوکار

سهیلا اسلامی (مقالچی)

را به همسرشان جناب آقای مهدی مقالچی و فرزندشان خانم گلناز مقالچی تسلیت می‌گوییم.

دکتر هوشنگ قدیمی، دکتر مهرداد خوانساری، هوشنگ دیده‌بان، حسن خاکباز، علیرضا رستگار، علی عباسی، دکتر رامین غفاری، پرویز سیگوردسون، محمدرضا قنبری، سعید جلوه، شهرام سیاح، صادق جهان‌بخش، مهدی ورزی، دکتر علی کرانمایه.

آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:

www.kayhan.london

روابط عمومی:

info@kayhan.london

آگهی و تبلیغات:

ads@kayhan.london

سر دبیری:

editorial@kayhan.london

سر مقاله - رُک و صریح: بله، شما! به کاسی با خون جانباختگان و / الا هه بقرات ۴

بن بست اقتصادی و شار لاتانسیم جمهوری اسلامی... / روشنگ آستر کی ۴-۵

وکلا می گویند اتحادیه اروپا می تواند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را... / ۶

نمایشگاه «زخم های جهان» شهلا دادستان در پاریس با حضور شهبانو... / کتابیون حلاجان ۷

در گذشت سر هنگ کیومرث جهان بینی از فرماندهان ارشد گارد شاهنشاهی... / ۷

زادروز پسر رنگین کمان و کودک ایران خونین شد... / ۸

تکرار ادعاها و افکنی هادر گزارش کمیته حقیقت یاب مسمومیت دانش آموزان... / ۸-۹

اقدامات حقیرانه جمهوری اسلامی علیه مزار جانباختگان میهن... / ۱۰-۱۱

شیر به فضا گفت... / خیر اندیش (احمد احرار) ۱۱

آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه (۱۷)... / دکتر هوشنگ نهاوندی ۱۲-۱۳

فیروز نادری در گذشت... / ۱۴

پیام شهبانو فرح پهلوی به مناسبت درگذشت دکتر فیروز نادری... / ۱۴

«حکومت بچه کش»؛ یک کودک ۹ ساله در استان خوزستان به دلیل شلیک... / ۱۵

نسل زد؛ ایران سازانی نیازمند به بستر مناسب در محیط کسب و کار... / روشنگ آستر کی ۱۶-۱۷

سفر احتمالی علی باقری کنی به نروژ برای برجام... / ۱۸

هشدار رئیس شورای اطلاع رسانی دولت درباره «اُپر پروژه امنیتی» علیه... / ۱۹

مفهوم تعهدات جهانی و مواضع جمهوری اسلام... / محمود مسائلی ۲۰-۲۱

فاینشال تایمز: آمریکابه زودی تخلیه نفت از نفتکش توقیف شده ایرانی... / ۲۱

پرسش و پاسخ صدرالدین الهی و دکتر مصباح زاده درباره سیاست کیهان و... / ۲۲-۲۶

دردد گردیسی؛ مقاله پنجم: فنان بی آب نان دار... / یوسف مصدقی ۲۶-۲۷

«ممنوع النطق» شدن نماینده افشاگر رشوه گیری اتومبیل های شاسی بلند در... / ۲۸-۲۹

آتش زدن دو «امامزاده» در دهلران و آبدانان... / ۲۹

نماینده مجلس: در عمل آزادسازی پول های بلو که شده اتفاق نمی افتد... / ۳۰-۳۱

آزاد ساختن حدود ۲/۷ میلیارد دلار پول های بلو که شده ایران... / ۳۱

آمریکارسمار سال پهباد از جمهوری اسلامی به روسیه از طریق دریای خزر... / ۳۲

بر طرف شدن اختلافات دانشگاه کلمبیا و بنیاد دانشنامه ایرانیکا... / ۳۲-۳۳

فخری خورش بازیگر پیشکسوت ایرانی درگذشت... / ۳۳

فرش قرمز زیر پای سر کوبگران؛ «علیرضا اکانی» را آنهایی به بروکسل... / ۳۴

سفر ابراهیم رئیسی به آمریکای لاتین؛ شراکت ملاحا و سپاه پاسداران با... / ۳۵

ادعاهای عجیب رئیس کل بانک مرکزی درباره منابع ارزی ایران،... / ۳۶-۳۷

«قدرت اتمی و موشکی» برای هواشناسی «رادار» ندارد... / ۳۷

نامه اعتراضی جمهوری اسلامی به شورای حکام: تورقوز آباد انبار ضایعات است... / ۳۸

«خدا»، «موشک» و «غنی سازی اورانیوم» ارکان راهبرد نوین جمهوری اسلامی... / ۳۹

عروسک های پارسی در پاریس... / کتابیون حلاجان ۴۰

سوخت بران؛ گلوله و شعله های آتش برای لقمه ای نان... / ۴۱

مذاکرات پشت پرده بین جمهوری اسلامی و فرستاده های دولت بایدن... / ۴۲

نشست «اسرائیل و اپوزیسیون ایران»؛ «رضا پهلوی» را به اسرائیل بردند تا... / ۴۳

قیمت نجومی محصولات لوازم خانگی مونتاژ داخل... / ۴۴

سردار «اقتصاددان» محسن رضایی از معاونت اقتصادی دولت سیزدهم... / ۴۵

رای اعتماد مجلس شورای اسلامی به یک مدیر رانتی نزدیک به سپاه پاسداران... / ۴۶-۴۷

قطع آب در تهران و کرج وارد پنجمین روز شد... / ۴۷-۴۸

کمبود دارو به مرز هشدار رسید... / ۴۸-۴۹

پشت جلد - عکس هفته ۲۶ خرداد روز مجید رضارهنورد «روز ملی شیر و خورشید» ۵۰

بازنشر

بازنشر

بازنشر



تیر هفته

بن بست اقتصادی و شارلاتانیسم جمهوری اسلامی



● **تغییر موضع رهبر جمهوری اسلامی به امید کسب دلار، دست و پا زدن لابی حکومت در خارج کشور و «خبردرمانی» و جو سازی رسانه‌ای درباره پول‌های آزاد شده همگی نشانه‌هایی از اثبات تأثیر تحریم‌ها و فلج شدن جمهوری اسلامی است.**

یک کنفرانس خبری با تأیید خبر آزاد ساختن پول‌های بلوکه شده ایران در عراق تأکید کرده که این مبلغ تنها برای اهداف بشردوستانه و مبادلات غیرتحریمی استفاده خواهد شد. خبرگزاری «رویترز» پیشتر به نقل از یک مقام وزارت خارجه عراق، رقمی را که قرار است در ازای دریافت کالا و خدمات از آن کشور با جمهوری اسلامی تسویه شود، ۲/۷۶ میلیارد دلار اعلام کرده بود.

این خبر از سوی یحیی آسحاقی رئیس اتاق بازرگانی ایران و عراق نیز تأیید شده است: «قرار است بخشی برای تامین نیازهای حج پرداخت شود، بخشی نیز صرف واردات کالاهای اساسی و قطعات صنعتی مورد نیاز ما می‌شود.»

بجز تأیید آزاد ساختن بخشی از ۱۲ میلیارد دلار پول‌های پول بلوکه شده ایران در عراق، هنوز هیچ یک از ادعاهای مقامات جمهوری اسلامی درباره آزادسازی پول‌های بلوکه شده و حتی مبلغ بلوکه شده در کره جنوبی از سوی منابع موثق تأیید نشده است. همچنین تا اینجا مشخص شده که قرار نیست هیچ پول نقدی به جمهوری اسلامی در شرایط کنونی داده شود بلکه مقادیری کالاهای اساسی وارداتی با این پول تسویه خواهد شد که به نظر نمی‌رسد اثر چندانی بر اقتصاد کشور داشته باشد؛ پرداخت هزینه حجاج هم که به نوعی هدر دادن منابع کشور در شرایط کنونی اقتصادی و اقدامی غیرمؤثر است.

از سوی دیگر به نظر می‌رسد دیگر کشورها هم آماده هستند که در صورت چراغ سبز ایالات متحده برای آزاد ساختن رقم بیشتری از منابع بلوکه شده ایران، بدهی جمهوری اسلامی را تسویه کنند. برای نمونه وحید حاجی‌پور سردبیر وبسایت «میز نفت» همین هفته در توییتی نوشت که «با محکومیت ایران در داور بین‌المللی، حکم آمد که ۱/۶ میلیارد دلار بدهی به ترکمنستان باید از محل منابع بلوکه شده تسویه شود.»

مقامات جمهوری اسلامی در هفته‌های گذشته خبرها و ادعاهای سازمانیافته‌ای را در زمینه آزاد ساختن پول‌های بلوکه شده و بهبود وضعیت شاخص‌های مهمی چون تورم منتشر کردند. اما نوسان قیمت ارز ثابت کرده که دیگر «خبردرمانی» هم برای مشکلات عمیق اقتصادی ایران چاره‌ساز نیست. با اینهمه دور جدیدی از ادعاهای سازمانیافته مقامات حکومتی درباره آزادسازی پول‌های بلوکه شده ایران، پیشرفت در روند مذاکرات و نزدیک شدن به توافق با ایالات متحده، و همچنین ادعای کاهش تورم و بهبود شاخص‌های اقتصادی آغاز شده است.

خبرگزاری «ایسنا» نیمه خردادماه گزارش داد که در پی سفر پادشاه عمان به تهران قرار شده به زودی بیش از ۲۴ میلیارد دلار از پول‌های بلوکه شده ایران آزاد شود. بر اساس این گزارش، «هفت میلیارد دلار منابع ارزی بلوکه شده ایران در کره جنوبی و بالغ بر ۱۰ میلیارد دلار آن منابع بلوکه شده ایران در عراق» آماده آزاد شدن می‌شود که غالب آن مرتبط به صادرات انرژی از ایران به این کشورها بوده است.

محمدرضا فرزین رئیس کل بانک مرکزی روز دوشنبه ۲۲ خردادماه در سخنانی ادعا کرد که «بالای ۱۰۰ میلیارد دلار منابع ارزی داریم و با اقدامات خوب دستگاه دیپلماسی باید از منابعی که در کشورهای دیگر داریم استفاده کنیم.»

محمد مخبر معاون اول رئیس‌جمهوری اسلامی اما ادعای بزرگتری را مطرح کرده و روز چهارشنبه ۲۴ خرداد ۱۴۰۲ از آزادسازی همه پول‌های بلوکه شده ایران در دیگر کشورها خبر داده است. محمد مخبر گفته که «دارایی‌های بلوکه شده ایران در برخی از کشورها آزاد شده است و در برخی از کشورها نیز در حال آزادسازی است.»

تا کنون اما فقط آزاد ساختن پول‌های بلوکه شده در عراق آنهم به صورت «مشروط» تأیید شده است. ماتئو میلر سخنگوی وزارت خارجه آمریکا روز سه‌شنبه ۲۳ خرداد در

سرمقاله رُک و صریح: بله، شما! به کاسبی با خون جانباختگان و زندگی دادخواهان پایان دهید!

با وجود اطمینانی که هم جامعه و هم حکومت از بروز خیزش‌های اعتراضی داشته و دارند، اما هیچکس نمی‌دانست از ۲۲ شهریور ۴۰۱ که مهسا امینی توسط گشت ارشاد اسلامی در تهران دستگیر می‌شود و بر اثر ضرب و جرح به کما فرو می‌رود، تجمعاتی که از حوالی بیمارستان کسری در پایتخت شکل گرفت، فراتر از تکرار اعتراضات سراسری، به یک انقلاب ملی فراخواهد روید که جهان را مشغول خواهد ساخت.

در حالی که کشتار آبان ۹۸ و شلیک موشکی به پرواز پی‌اس ۷۵۲ دامنه‌ی دادخواهی چهل و اندی ساله را گسترش داده بود، کیهان لندن اوایل شهریورماه و پیش از قتل حکومتی مهسا، دختر ایران، در سرمقاله‌ای با عنوان «دادخواهی بسی فراتر از درد مشترک» یادآوری کرده بود: «تمامیت ارضی ایران و تعلق به آب و خاکی که همزیستی مسالمت‌آمیز جمعیت از همه نظر متنوع ایران را تداوم بخشیده، همواره از سوی قدرت‌های داخلی و خارجی و گروه‌های وابسته به آنها به پرسش کشیده شده و نه از سوی مردمانی که به دور از ترفندها و دسیسه‌های متکی بر منافع سیاسی، با صلح در کنار هم زندگی کرده‌اند. ایران مانند هر کشور متحد و یکپارچه دیگر در تمامیت مشترک و همه ساکنان خود معنی پیدا می‌کند. این تمامیت از سوی هیچکس جز جمهوری اسلامی که به بدخواهان ایران فرصت بهره‌برداری‌های ضدملی را می‌دهد در خطر قرار نگرفته است» اما «از آنجا که مثلث زیانبار و خرابکار آخوند-امنیتی-سپاه برای حفظ قدرت خود بر سرکوب بی‌امان استوار است، پس همزمان سبب شکل گرفتن فراگیرترین گروه اجتماعی شد که هدف‌اش نه تنها در صنف و سیاست با دیگر گروه‌های اجتماعی مشترک است بلکه حقوقی نیز هست: دادخواهان!»

کیهان لندن بر این نکته نیز تأکید کرده بود که «دادخواهی مشترک و همگرایی ایرانیان در برابر این اقلیت حاکم قادر به برانداختن آن و تغییر شرایط موجود است. اینهمه پروژه و پولپاشی جهت دروغ و تحریف و تفرقه برای به تعویق انداختن این رویداد محتوم صورت می‌گیرد». اندکی بعد در اوج خیزش انقلابی ۴۰۱ بیش از پانصد تن دیگر کشته شده و بر شمار خانواده‌های دادخواه باز هم افزوده شد.

ولی درست به همین دلیل اهمیت و گستردگی، دادخواهی نیز می‌تواند مورد سوء استفاده از جمله برای تفرقه و همچنین کاسبی‌های سیاسی و اقتصادی جهت کسب سود شخصی و گروهی قرار گیرد آنهم در حالی که تنها در یک نمونه، منوچهر بختیاری و ناهید شیرپیشه، پدر و مادر پویا، یکی از شاخص‌ترین نمادهای کشتار آبان ۹۸، مدت‌هاست در زندان و حبس در تبعید بسر می‌برند و خانواده‌های دادخواه ۴۰۱ زیر شدیدترین فشارها قرار دارند.

در این میان، یک نکته مسلم است: پیگیری دادخواهی در جمهوری اسلامی ممکن نیست اما سوء استفاده از این جنبش فراگیر و همگانی نه تنها توسط وابستگان رژیم بلکه افرادی که سیاست و حقوق بشر برای آنها به منبع درآمد تبدیل شده، کاملاً محتمل و ممکن است. درست است که بیشترین امکانات جمع‌آوری اسناد و مدارک و شواهد در خارج کشور فراهم است و شماری از نهادهای حقوق بشری با جدیت به انجام وظیفه و مسئولیت مشغولند اما در مواردی که درباره آنها شک و شبهه وجود دارد، یک معیار اینست که دید در عمل چه تأثیر مثبتی داشته‌اند! وگرنه با صراحت باید اعلام کرد: شما، بله، شمايي که خود بهتر از همه می‌دانید با کدام انگیزه و هدف ناراست مشغول فعالیت هستید، بس کنید! با خون جانباختگان و زندگی دادخواهان کاسبی نکنید!

تبدیل پول و خلق نقدینگی تبدیل شده است. حجم نقدینگی در کشور نشان از افزوده شدن روزانه چهار هزار میلیارد تومان بر نقدینگی دارد که ریشه آن در تلاش‌های جمهوری اسلامی با خزانه خالی، برای جبران کسری بودجه و تأمین هزینه‌های جاریست؛ روندی که می‌توان آن را جان‌کندن برای سرپا نگه داشتن اقتصاد کشور به صورت روزانه و هفتگی ارزیابی کرد و زیان‌های آن دیر یا زود از جمله با افزایش پله‌ای تورم و سقوط دنباله‌دار ارزش پول ملی نمایان می‌شود. در آنسو اما از سال گذشته نیز صدها هزار میلیارد تومان کسری بودجه روی دست دولت مانده است. بدین ترتیب و بر اساس اعلام یکی از مقامات سازمان برنامه و بودجه، رقم کسری بودجه در حال حاضر ۷۹۴ هزار میلیارد تومان برآورد می‌شود. جمهوری اسلامی اگر بخواهد صرفاً کسری بودجه سال ۱۴۰۲ را جبران کند باید بر اساس پیش‌بینی لایحه بودجه روزانه یک میلیون و ۴۰۰ هزار بشکه نفت را به بهای بشکه‌ای ۳۵۲ دلار بفروشد!

بدهی دولت به نیز به شدت افزایش یافته و بر اساس آخرین آمارهای حکومتی به رقم ۳۰۰ هزار میلیارد تومان رسیده که معادل ۳۱ درصد تولید ناخالص داخلی است. این ارقام همگی نشان از مبلغ هنگفتی دارد که جمهوری اسلامی تنها برای پرداخت هزینه‌های امسال و جبران بدهی‌ها باید داشته باشد. از سوی دیگر برای موارد خیلی ضروری در کوتاه‌مدت از جمله خروج تولید و صنعت از بن‌بست، اقدامات ضربتی-نه زیربنایی و توسعه‌ای-در حوزه انرژی از جمله برای جلوگیری از قطع برق و گاز و آب، و بهبود وضعیت معیشت مردم که بیش از دو سوم از آنها زیر خط فقر قرار دارند نیز جمهوری اسلامی به منابع سرشاری نیاز دارد که در حال حاضر در اختیار ندارد.

فرای همه اینها جمهوری اسلامی همواره هزینه‌کرد برای اهداف ایدئولوژیک خود را بر هر هزینه‌ای در درون کشور و به سود مردم ارجح دانسته و با آزادسازی پول‌های بلوکه شده و هر رقم دیگری که با توافق احتمالی به دست آورد، اولویت با پر کردن جیب گروه‌های نیابتی و شبه‌تروریستی وابسته در منطقه و پولپاشی هنگفت به نهادهای تبلیغاتی و ایدئولوژیک و به ویژه سروکوبگر برای حفاظت از نظام در مقابل اعتراضات مردم خواهد بود.

اقتصاد ایران جدا از تحریم، در فهرست سیاه FATF قرار دارد که بحرانی به مراتب بزرگتر از تحریم است و حتی در صورت توافق و برداشته شدن تحریم‌ها، ماندگاری ایران در این فهرست سبب اختلال در هرگونه تبادلات مالی با دیگر کشورها خواهد شد. این موضوع همچنین یکی از موانع بر سر راه آزادسازی و رسیدن پول‌های بلوکه شده به ایران، حتی در صورت موافقت ایالات متحده، است.

اینهمه نشان می‌دهد حتی اگر بر فرض محال و در بهترین سناریوی ممکن به سود جمهوری اسلامی، منابع بلوکه شده ایران در خارج کشور همگی آزاد و به صورت پول نقد در اختیار آن قرار بگیرد، باز هم با توجه به حفره‌های متعدد و عمیق که نیاز به ترمیم سریع و بنیادی دارند، و با توجه به ساختار فاسدی که آماده است تا سهم زیادی از این منابع را بلعد، نمی‌توان امید به بهبود شرایط اقتصادی کشور یا حل بحران‌هایی با اولویت حیاتی داشت.

در سطح کلان نیز تا زمانی که جمهوری اسلامی برکشور حاکم است و مافیاهای شبکه‌ای حکومت سکاندار اقتصاد کشور هستند، هیچ اصلاح ساختاری در اقتصاد رخ نمی‌دهد و همچنان سفره انقلاب برای تقسیم منابع کشور مانند غنائم جنگی میان وابستگان به سر و بدنه‌ی قدرت و «خودی»ها ادامه خواهد داشت.

روشنگ آسترکی

رسانه‌ای درباره پول‌های آزاد شده همگی نشانه‌هایی از اثبات تأثیر تحریم‌ها و فلج شدن جمهوری اسلامی است. در چنین شرایطی این پرسش مطرح است که نمش دولت جو بایدن و طرفین اروپایی مذاکره، و آزادسازی پول‌های



بلوکه شده به عنوان یک سناریو، و حتی به فرض دستیابی جمهوری اسلامی به توافق هسته‌ای، آیا اینهمه برای اقتصاد کشور و معیشت مردم راهگشاست؟!

ساختار معیوب است، تحریم بهانه است!

واقعیت‌های موجود در اقتصاد ایران که همواره از سوی مقامات جمهوری اسلامی سانسور و یا کتمان شده نشان می‌دهد که تنها اثر «خبردرمانی» و ایجاد جو روانی با خبرهای غیرواقعی و دستکاری شده درباره آزادسازی پول‌های بلوکه شده ایران، تنها برای چند روز در بازار ارز به سود حکومت نقش بازی می‌کند و پس از چند روز بار دیگر عوامل زیربنایی و مؤلفه‌های واقعی اقتصاد بر موج خبری-رسانه‌ای جمهوری اسلامی غلبه می‌کنند.

در هفته‌های گذشته هم همه خرسازی‌ها و ادعاهای مقامات جمهوری اسلامی درباره آزادسازی پول‌های بلوکه شده، کاهش تورم و امیدبخشی به بهبود وضعیت اقتصادی با مقاومت بازار ارز روبرو شد و در نهایت هم قیمت ارز تنها برای چند روز در هفته گذشته کاهش یافت و بار دیگر از اواسط هفته گذشته روند معکوس در پیش گرفت و افزایشی شد. قیمت دلار که به کانال ۴۷ هزار تومان رسیده بود در روزهای گذشته دوباره به مرز ۵۰ هزار تومان افزایش یافت. در دیگر بازارها از جمله بازار طلا نیز همین روند تکرار شد و در حالی که قیمت سکه طلا برای چند روز کاهشی بود بار دیگر از اواسط هفته و همزمان با افزایشی شدن قیمت‌ها در بازار ارز، قیمت سکه نیز بیش از دو میلیون تومان افزایش یافت. بازار ارز در ایران نه به سیاست‌های دستوری قیمت‌گذاری به عنوان ارز «ترجیحی» اهمیت می‌دهد و نه واکنش ماندگاری به «خبردرمانی» دارد؛ قیمت ارز در ایران بر اساس عرضه و تقاضا در بازار آزاد نمایان می‌شود و به سرعت بر دیگر بازارها نیز اثر می‌گذارد. بازار ارز «نیمایی» و «ترجیحی» هم متأثر از نرخ ارز در بازار آزاد است؛ بازاری که مقامات پولی جمهوری اسلامی ماهیت و کارکرد آن را لاپوشانی کرده و آن را یک بازار سیاه ناشی از وجود دلالتان و سوداگران معرفی می‌کنند.

از سوی دیگر جمهوری اسلامی مدت‌هاست به ماشین

آزاد ساختن رقم ۱/۶ میلیارد دلار در عراق پیشتر از سوی جواد اوجی وزیر نفت جمهوری اسلامی نیز به عنوان نتیجه «دیپلماسی فعال انرژی و پس از چندماه مذاکره» تبلیغ شده بود. فعال شدن دیپلماسی غیررسمی جمهوری اسلامی

در حالی که شرایط اقتصادی ایران در بحرانی‌ترین وضعیت سال‌های گذشته قرار دارد، ارزش پول ملی به شدت سقوط کرده و تورم فزاینده رفع نیازهای روزمره و ضروری خانوارها را دشوارتر از همیشه کرده، مقامات جمهوری اسلامی تلاش دارند با بهره‌گیری از منابع بلوکه شده حتی در ازای دریافت کالاهای اساسی مانند دارو و نهاده‌های دامی از سرعت تشدید بحران‌های اقتصادی بکاهند.

مقامات حکومت همچنین برخلاف شاخ و شانه‌هایی که از برخی تریبون‌ها و رسانه‌ها علیه مذاکره و ایالات متحده می‌کشند، به شدت روند دیپلماسی غیررسمی خود را برای انجام توافقی حتی حداقلی با دولت بایدن به کار گرفته‌اند. عمان در حال حاضر به عنوان واسطه دیپلماسی غیرمستقیم جمهوری اسلامی با ایالات متحده را پیش می‌برد و لابی حکومت در کشورهای غربی نیز به شدت فعال شده تا به سود انجام توافق همسویی ایجاد کند.

علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی هم که پیشتر در دی‌ماه سال گذشته گفته بود تسلیم نشدن در برابر دشمن مستکبر و زورگو جزو اصول انقلاب است و «تا کنون تسلیم نشده و از این پس نیز نخواهیم شد»، حالا تغییر موضع داده و روز یکشنبه ۲۱ خرداد در جریان دیدار با جمعی از مدیران سازمان انرژی اتمی ایران گفته که توافق با غرب در صورتی که زیرساخت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی تخریب نشود «عیبی ندارد!»

در حالی که تحریم‌های اقتصادی با هدف فشار حداکثری علیه جمهوری اسلامی تأثیرات خود را بیش از پیش نشان می‌دهد اما مقامات نظام آنقدر دل به موفقیت توافق هسته‌ای بسته‌اند که شه‌یار حیدری عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی روز پنجشنبه ۲۵ خرداد ۱۴۰۲ با بیان اینکه مذاکرات در آینده نه‌چندان دور در یک کشور ثالث برگزار می‌شود گفته «بعد از برجام اگر آمریکا از گذشته خود پشیمان شد، آمادگی برپایی سفارتخانه هم داریم!»

تغییر موضع رهبر جمهوری اسلامی، دست و پا زدن لابی حکومت در خارج از کشور، و «خبردرمانی» و جو سازی



جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در تهران / ۲۵ ژوئن ۲۰۲۲

وکلا می گویند اتحادیه اروپا می تواند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را بدون تأخیر در لیست تروریستی قرار دهد

نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی با سرکوب‌های خشن که دست کم ۵۰۰ کشته- از جمله ۷۰ کودک- برجای گذاشته به اعتراضات پاسخ داده‌اند.

این استدلال که اتحادیه اروپا می‌تواند با استناد بر «موضع مشترک ۹۳۱» سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را یک سازمان تروریستی اعلام کند، در گزارشی که ۳۰ ژانویه توسط ماتئو لویت مدیر «برنامه راینهارد در امور ضدتروریسم و اطلاعات» در اندیشکده موسسه واشنگتن ارائه شد، مطرح شده بود.

وی تأکید کرده بود: «در شواهد کمبودی وجود ندارد و همگی تأییدکننده‌ی قواعد تروریستی اعلام کردن یک تشکیلات توسط اتحادیه اروپا و برای حمایت از روند تروریست نامیدن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قابل قبول هستند.»

قانونگذاران در بریتانیا نیز در ماه‌های اخیر بارها از دولت این کشور خواسته‌اند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در فهرست سپاه قرار دهد.

سیاستمداران نماینده احزاب محافظه‌کار، کارگر، لیبرال دمکرات و همچنین ناسیونال اسکاتلند در جریان مباحثه‌ای در ۷ ژوئن در پارلمان از دولت خواستند سپاه را یک نهاد تروریستی اعلام کند.

مقامات پارلمانی آشنا به موضوع گفته‌اند وزارت کشور بریتانیا در گزارشی که ۱۶ ژانویه در روزنامه فایننشال تایمز منتشر شد نسبت به تأثیر چنین گزینشی بر ایرانی‌تبارها در بریتانیا ابراز نگرانی می‌کنند.

درخواست قبلی که در یک قطعنامه چندحزبی برای اعلام سپاه پاسداران به عنوان یک سازمان تروریستی مطرح شد، در رای‌گیری ۱۲ ژانویه در مجلس عوام بریتانیا به تصویب رسید. این قطعنامه اما لازم‌الاجرا نیست و دولت را موظف به هیچ اقدامی نمی‌کند.

پارلمان اروپا نیز روز ۱۸ ژانویه در قطعنامه‌ای که ۵۹۸ قانونگذار از آن حمایت کرده‌اند، اتحادیه اروپا را ترغیب کرد تا سپاه پاسداران را تروریست اعلام کند. ۹ عضو این اتحادیه رأی مخالف و ۳۱ عضو رأی ممتنع دادند.

این قطعنامه تأکید داشت که برداشتن چنین گامی علیه سپاه پاسداران در واقع اقدام علیه «فعالیت‌های تروریستی آن، سرکوب معتزضین در ایران و همچنین تحویل پهباد به روسیه در جنگ علیه اوکراین» خواهد بود.

*منبع: کیهان لایف

*نویسنده: ناتاشا فیلیپس

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

و خارجی ایران را کنترل می‌کند و در چندین دعوی حقوقی در آمریکا و کانادا در ارتباط با اقدامات تروریستی در سراسر جهان درگیر بوده است.

آمریکا در آوریل ۲۰۱۹ سپاه پاسداران را یک سازمان تروریستی اعلام کرد. قرار گرفتن سازمان‌های تروریستی در لیست سپاه، کشورها را قادر می‌سازد فعالیت‌های مرتبط با تروریسم را با مسدود کردن دارایی‌ها و حساب‌های متعلق به افراد و گروه‌های مورد نظر محدود کند.

با اینهمه جوزپ بورل روز ۵ آوریل ۲۰۲۳ در پاسخ به درخواست ۱۶ فوریه ۳۰ قانونگذار اروپایی برای تحریم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، گفت آنچه مورد نیاز است یک «حکم قانونی توسط یک نهاد حقوقی صالح در یک کشور عضو اتحادیه یا کشوری ثالث است، مانند تصمیم یک دادگاه یا حکم یک مرجع حقوقی رسمی».

سهند صابر یکی از وکلایی که این نامه حقوقی را تنظیم کرده است به کیهان لایف می‌گوید: «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان یک تشکیلات قانونی در دادگاه‌های اتحادیه اروپا به رسمیت شناخته نشده و بنابراین نمی‌تواند به محاکمه کشیده شود.» وی افزود: «در چنین شرایطی اتحادیه اروپا و کشورهای عضو آن می‌توانند بر اساس تصمیمات قضائی که در جاهای دیگر گرفته شده، یک تصمیم حقوقی اتخاذ کنند.»

این وکیل همچنین تأکید کرد: «هیچ مانع قانونی برای اعلام سپاه پاسداران به عنوان یک سازمان تروریستی وجود ندارد. تنها چیزی که در حال حاضر مورد نیاز است اراده سیاسی برای این اقدام است. تردید کشورها بطور عموم، و نه فقط اتحادیه اروپا، این است که نمی‌خواهند مناسبات بدی با جمهوری اسلامی داشته باشند و می‌خواهند به فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی و تجاری با رژیم ادامه دهند. ما باید آنها را متقاعد سازیم که بهترین راه پایان دادن به رژیم، حمایت از جنبش مردم است.»

در پایان این نامه آمده است که از سر گرفته شدن مذاکرات آمریکا و بریتانیا با جمهوری اسلامی ایران برای احیای توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ موسوم به برجام و برداشتن تحریم‌ها، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را تقویت خواهد کرد و به این ترتیب سرکوب میلیون‌ها شهروند ایرانی که از نیمه سپتامبر ۲۰۲۲ برای دفاع از حقوق خود به خیابان‌ها آمده‌اند، ادامه خواهد یافت.

اعتراضات سراسری علیه جمهوری اسلامی در ماه سپتامبر ۲۰۲۲ و در پی قتل حکومتی مهسا (ژینا) امینی دختر ۲۲ ساله‌ای که در سفر خانوادگی از سقز به تهران بر اثر ضرب و جرح در بازداشت گشت ارشاد اسلامی کشته شد، آغاز گشت.

● در نامه‌ای که تاریخ ۹ ژوئن ۲۰۲۳ دارد و کیهان لایف آن را دیده است، این وکلا می‌گویند شرایط قانونی از جمله یک ماده مهم با عنوان «موضع مشترک ۹۳۱» که به تصویب اتحادیه اروپا رسیده، این نهاد را قادر می‌سازد سپاه پاسداران را بی‌درنگ محدود و ممنوع کند.

● این نامه به صورت گزارش ۲۲ صفحه‌ای برای تمام ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا و همچنین جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا و شاهزاده رضا پهلوی فرستاده شده است.

● سهند صابر یکی از وکلایی که این نامه را تنظیم کرده است به کیهان لایف می‌گوید: «هیچ مانع قانونی برای اعلام سپاه پاسداران به عنوان یک سازمان تروریستی وجود ندارد. تنها چیزی که در حال حاضر مورد نیاز است اراده سیاسی برای این اقدام است. تردید کشورها بطور عموم، و نه فقط اتحادیه اروپا، این است که نمی‌خواهند مناسبات بدی با جمهوری اسلامی داشته باشند و می‌خواهند به فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی و تجاری با رژیم ادامه دهند. ما باید آنها را متقاعد سازیم که بهترین راه پایان دادن به رژیم، حمایت از جنبش مردم است.»

ناتاشا فیلیپس (کیهان لایف) - هفت وکیل دعوی ایرانی‌تبار مقیم فرانسه نامه‌ای امضا کرده‌اند که حاکمیت اتحادیه اروپا می‌تواند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را بدون تأخیر یک سازمان تروریستی اعلام کند، بدون آنکه ناچار باشد نخست در صدد اخذ رأی دادگاه برآید.

در نامه‌ای که تاریخ ۹ ژوئن ۲۰۲۳ دارد و کیهان لایف آن را دیده است، این وکلا می‌گویند شرایط قانونی از جمله یک ماده مهم با عنوان «موضع مشترک ۹۳۱» که به تصویب اتحادیه اروپا رسیده، این نهاد را قادر می‌سازد سپاه پاسداران را بی‌درنگ محدود و ممنوع کند.

وکلا نویسنده این نامه تأکید کرده‌اند که بر اساس قوانین جاری، اتحادیه اروپا می‌تواند از مشمولیت‌های رسمی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی توسط کشورهای خارج از اتحادیه اروپا نیز برای قراردادن آن در فهرست سپاه استفاده کند.

این نامه به صورت گزارش ۲۲ صفحه‌ای برای تمام ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا و همچنین جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا و شاهزاده رضا پهلوی فرستاده شده است. نامه توسط سهند صابر وکیل مدافع امور کیفری نوشته شده و به امضای صابر، هیرید دهقانی-آذر، پروشا دهقانی، شاپرک صالح، ریحانه نویر، سینا حاذقی و سعید عابدی رسیده است.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سیاست‌های امنیتی، اقتصادی

نمایشگاه «زخم‌های جهان» شهلا دادستان در پاریس با حضور شهبانو فرح پهلوی



شهبانو فرح در نمایشگاه آثار شهلا دادستان پاریس / ۱۳ ژوئن ۲۰۲۳

● شهلا دادستان می‌گوید: برخی از کارهای من از سال ۲۰۱۱ تا سال ۲۰۲۳ در این نمایشگاه گرد آمده. با اینکه نقاشی‌ها در سال‌های مختلف کشیده شده‌اند اما همه بهم ربط دارند و به نوعی نابسامانی، نبود توازن و ناپایداری در جهان و طبیعت را نشان می‌دهند.

● شهبانو فرح پهلوی روز ۱۳ ژوئن در این نمایشگاه حضور یافته و از آثار شهلا دادستان بازدید نمود. همچنین کارلا لازو خواننده و بازیگر و آهنگساز مکزیکی ساکن پاریس در این روز پرفورمانسی را با مضمون نمایشگاه «زخم‌های جهان» اجرا کرد.

کتایون حلاجان - نمایشگاه نقاشی‌های شهلا دادستان با عنوان «زخم‌های جهان» در پاریس مروری دارد بر برخی آثار این هنرمند از سال ۲۰۱۱ تا امروز. حدود ۱۹ اثر از وی در این نمایشگاه به تماشای همگان گذاشته شده است. نمایشگاهی که شهبانو فرح نیز به تماشای آن رفت.

آنچه در جهان سخت این روزها می‌گذرد هر انسان متعهدی را تحت تاثیر قرار می‌دهد. هنرمندان نیز با تکیه بر حساسیت‌ها بیشترین سهم را از این تاثیرات می‌برند. جغرافیایی که در آن زندگی می‌کنند، اتفاقات اجتماعی و سیاسی و حتی زیست محیطی تاثیر خود را بر هنرمند می‌گذارد و هر یک به شیوه خویش به مرور در آثارشان جلوه‌گر می‌شود.

از همین رو نه فقط اتفاقات جهان بلکه به ویژه آنچه در ایران می‌گذرد بر شهلا دادستان هنرمند ایرانی و آثار وی تاثیری عمیق برجای گذاشته است. آثار شهلا دادستان به سبک آبستره و زبان روز است. رنگ‌های سیاه، خاکستری و قرمز و حرکت قلم مو در آثار وی برجسته هستند.

شهلا دادستان می‌گوید: برخی از کارهای من از سال ۲۰۱۱ تا سال ۲۰۲۳ در این نمایشگاه گرد آمده. با اینکه نقاشی‌ها در سال‌های مختلف کشیده شده‌اند اما همه بهم ربط دارند

و به نوعی نابسامانی، نبود توازن و ناپایداری در جهان و طبیعت را نشان می‌دهند.

شهلا دادستان می‌افزاید: چند تابلویی که با رنگ سیاه و خاکستری کار شده‌اند نمایانگر عدم آزادی فکر است. بسان اینکه دهان شما را ببندند و یا جلوی چشم و اندیشه شما را به عنوانی مختلف بگیرند تا خودشان بمانند.

شهبانو فرح پهلوی روز ۱۳ ژوئن در این نمایشگاه حضور یافته و از آثار شهلا دادستان بازدید نمود. همچنین کارلا لازو خواننده و بازیگر و آهنگساز مکزیکی ساکن پاریس در این روز پرفورمانسی را با مضمون نمایشگاه «زخم‌های جهان» اجرا کرد.

نمایشگاه نقاشی «زخم‌های جهان» از تاریخ ۱۲ تا ۱۸ ژوئن در گالری Rue Francaise در محله یک پاریس برپاست.



شهلا دادستان و امیلی پیرونو مدیر برگزاری نمایشگاه «زخم‌های جهان»

درگذشت سرهنگ کیومرث جهان‌بینی از فرماندهان ارشد گارد شاهنشاهی



تصویری از سرهنگ جهان‌بینی در جریان سفر کارتر به ایران در کنار محمدرضا شاه پهلوی / دی‌ماه ۱۳۵۶

● شاهزاده رضا پهلوی روز سه‌شنبه ۲۳ خرداد ۱۴۰۱ با اعلام خبر درگذشت سرهنگ کیومرث جهان‌بینی از فرماندهان ارشد گارد شاهنشاهی فقدان وی را به همسر و فرزندان و دوستان وی تسلیت گفت.

● شادروان جهان‌بینی در ایران به عنوان رئیس گاردهای محافظ شاه فقید خدمت می‌کرد. وی یکی از افسرانی بود که ۲۶ دی‌ماه ۱۳۵۷ در جریان سفر پادشاه و شهبانو فرح و فرزندانشان به مصر آنها را همراهی می‌کرد.

● رئیس گارد محافظان پادشاه بعدها در مورد این سفر گفته بود «وقت زیادی برای آماده کردن خود داشتم. فقط نمی‌توانستم باور کنم که دیگر باز نخواهم گشت. بدین جهت تقریباً هرچه را که داشتم، باقی گذاشتم.»

شاهزاده رضا پهلوی روز سه‌شنبه ۲۳ خرداد ۱۴۰۱ با اعلام خبر درگذشت سرهنگ کیومرث جهان‌بینی از فرماندهان ارشد گارد شاهنشاهی فقدان وی را به همسر و فرزندان و دوستان وی تسلیت گفت. شادروان جهان‌بینی در ایران به عنوان رئیس گاردهای محافظ شاه فقید خدمت می‌کرد. شاهزاده رضا پهلوی در توییتی با ابراز تأسف از درگذشت سرهنگ جهان‌بینی وی را از جمله افسران زبده گارد شاهنشاهی دانست و نوشت «از نزدیک با او آشنا بودم.»

یکی از افسرانی که ۲۶ دی‌ماه ۱۳۵۷ در جریان سفر پادشاه و شهبانو فرح و فرزندانشان به مصر آنها را همراهی می‌کرد سرهنگ جهان‌بینی بود. وی بعدها در مورد این سفر گفته بود «وقت زیادی برای آماده کردن خود داشتم. فقط نمی‌توانستم باور کنم که دیگر باز نخواهم گشت. بدین جهت تقریباً هرچه را که داشتم، باقی گذاشتم.»

شهبانو فرح پهلوی در جلد چهارم کتاب «تاریخ پهلوی» نقل کرده که در پرواز به مصر، امیراصلاح افشار رئیس کل تشریفات دربار شاهنشاهی و سرهنگ کیومرث جهان‌بینی نیز حضور داشتند.

آخرین فرمانده گارد جاویدان شاهنشاهی تیمسار سرلشکر علی نشاط بود که ۲۲ فروردین ۱۳۵۸ با حکم صادق خلخالی اعدام شد.

زادروز پسر رنگین کمان و کودک ایران خونین شد؛ مأموران امنیتی «پویا مولایی راد» پسر عموی مادر کیان پیرفلک را کشتند



تصویر سمت راست: مراسم تولد کیان بر مزار وی؛ تصویر سمت چپ: پویا مولایی راد

خبرگزاری «میزان» وابسته به قوه قضائیه کشته شدن یک مأمور پلیس و یک شهروند در جریان مراسم تولد کیان پیرفلک را تأیید کرده است.

در این گزارش ادعا شده «در حمله یک فرد ناشناس در شهرستان ایذه، یک مأمور کشته شد و فرد مهاجم نیز در تیراندازی مأموران پلیس مجروح و در بیمارستان فوت کرده است.» قوه قضائیه و مقامات جمهوری اسلامی در ارتباط با کشته شدن کیان پیرفلک و زخمی شدن میثم پیرفلک پدرش نیز ادعا کرده بودند که افرادی غیر از نیروی انتظامی و مأموران حکومت به آنها شلیک کرده است.

خبرگزاری میزان در توییتی نوشته است فردی با ماشین «تیبیا» به صورت عمدی به یکی از کارکنان نیروی انتظامی به نام سروان محمد قنبری حمله کرده است.

پویا مولایی راد ۲۱ سال داشت. یکی از نزدیکانش می‌گوید: «در شوک هستیم. اصلاً نمی‌دانیم چه شد. با ماشین داشت می‌رفت روستا... مأموران ماشین را به رگبار بستند.» گزارش شده است که در حال حاضر فضای ایذه در استان خوزستان به شدت امنیتی است. در بعضی نقاط شهر نیروهای امنیتی مستقر شده‌اند و اینترنت تقریباً قطع شده است.

شاهزاده رضا پهلوی در پیامی با بیان اینکه «رژیم ضحاکي جوان دیگری را به قتل رساند» با خانواده‌های مولایی راد و پیرفلک ابراز همدلی کرده و نوشته است: «یاد و نام پویا مولایی راد، این جوان میهن‌پرست بختیاری، جاودان شد؛ رژيم جوان‌کش اما جاودان نیست. این شرارت محض به اراده ملت ایران برخورد افتاد و آمران و عاملان قتل کودکان و جوانان ایران محاکمه خواهند شد. این وعده‌ای ملی و خلل‌ناپذیر است. برای خانواده مولایی راد و پیرفلک آرزوی شکیبایی دارم.»

پست‌های پویا مولایی راد در حساب کاربری وی نشان می‌دهد که او جوانی آگاه و میهن‌دوست و عاشق طبیعت و آب و خاک خویش بوده است.

با دخالت مأموران امنیتی در مراسم تولد کیان پیرفلک درگیری‌ها آغاز شد. با بالاگرفتن تنش میان مأموران و مردم، آنها به سمت حاضران تیراندازی کردند.

خبرگزاری میزان در توییتی نوشت فردی با ماشین «تیبیا» به صورت عمدی به یکی از کارکنان نیروی انتظامی به نام سروان محمد قنبری حمله کرده است! مقامات مسئول در مورد قتل کیان پیرفلک و زخمی شدن پدرش میثم پیرفلک نیز مدعی شدند که افرادی غیر از نیروهای انتظامی به آنها شلیک کردند!

پویا مولایی راد که امروز کشته شد ۲۱ سال داشت و یکی از نزدیکانش می‌گوید: «در شوک هستیم. اصلاً نمی‌دانیم چه شد. با ماشین داشت می‌رفت روستا... مأموران ماشین را به رگبار بستند.»

شاهزاده رضا پهلوی در پیامی با بیان اینکه «رژیم ضحاکي جوان دیگری را به قتل رساند» با خانواده‌های مولایی راد و پیرفلک ابراز همدلی کرده و نوشته است: «یاد و نام پویا مولایی راد، این جوان میهن‌پرست بختیاری، جاودان شد؛ رژيم جوان‌کش اما جاودان نیست.»

پست‌های پویا مولایی راد در حساب کاربری وی نشان می‌دهد که او جوانی آگاه و میهن‌دوست و عاشق طبیعت و آب و خاک خویش بوده است.

امروز یکشنبه ۲۱ خردادماه، در جریان برگزاری مراسم تولد ده سالگی و نخستین زادروز کیان پیرفلک که ۲۵ آبان ۱۴۰۱ با شلیک مستقیم مأموران جمهوری اسلامی به قتل رسید، مأموران حکومتی پویا مولایی راد، پسر عموی ۲۱ ساله‌ی ماه‌منیر مولایی راد، مادر کیان را در مسیر مزار کیان در روستای پرچستان ایذه کشتند.

بر اساس خبرها در شبکه‌های اجتماعی، این مراسم با دخالت نیروهای امنیتی به درگیری کشیده شد و بالا گرفت تنش بین مردم و سرکوبگران، مأموران به سمت حاضران تیراندازی کردند.

تکرار ادعاها و فرافکنی‌ها
در گزارش کمیته حقیقت‌یاب
مسمومیت دانش‌آموزان:

«غرض و شیطنت
عده‌ای» با «هم‌ب‌های
بدبو» بود!

● رئیس «کمیته حقیقت‌یاب مسمومیت دانش‌آموزان» گفته در موضوع بدحالی و مسمومیت دانش‌آموزان «عده‌ای با غرض و شیطنت و با استفاده از هم‌ب‌های بدبو که در بازار وجود دارد دست به این کار زدند.»

● حمیدرضا کاظمی از بازداشت عده‌ای در رابطه با مسموم ساختن دانش‌آموزان خبر داده اما توضیح نداده افرادی که «پشت صحنه بخشی از مسمومیت‌ها» بودند چه کسانی هستند و هدف آنها چه بوده است.

● شواهدی موجود است که احتمال دست داشتن بخشی از جریان امنیتی حکومت در سازماندهی و اجرای حملات را قوت می‌بخشد.

رئیس «کمیته حقیقت‌یاب مسمومیت دانش‌آموزان» در مجلس شورای اسلامی از نهایی شدن گزارش کمیته و ارسال آن به رئیس مجلس خبر داده است. بر اساس این گزارش که تکرار ادعاهای پیشین حکومت است «غرض و شیطنت عده‌ای» و «هم‌ب‌های بدبو» عامل مسمومیت هزاران دانش‌آموز طی ماه‌های گذشته اعلام شده است!

با گذشت شش ماه از آغاز مسموم ساختن سازمانیافته دانش‌آموزان در مدارس، حمیدرضا کاظمی رئیس «کمیته حقیقت‌یاب مسمومیت دانش‌آموزان» روز یکشنبه ۲۱ خرداد از «نهایی شدن گزارش کمیته» و ارسال آن به محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی خبر داد. این گزارش قرار است در صحن علنی مجلس شورای اسلامی قرائت شود.

حمیدرضا کاظمی درباره روند کار و تدوین گزارش «کمیته حقیقت‌یاب مسمومیت دانش‌آموزان» گفته که کار این کمیته پایان یافته است. او افزود «برای بررسی این اتفاق در مدارس از دستگاه‌های مربوطه از جمله آموزش و پرورش، امنیتی، درمان و انتظامی دعوت کردیم تا اطلاعات خود را به مجلس ارائه کنند بعد از جمع‌آوری گزارش‌های شفاهی و مکتوب، جمع‌بندی نهایی صورت گرفت و گزارش به رئیس مجلس برای قرائت در صحن علنی ارسال شد.»

بر اساس اظهارات نماینده پلدختر در مجلس شورای اسلامی، با جمع‌آوری اطلاعات دستگاه‌های مربوطه مشخص شد در موضوع بدحالی و مسمومیت دانش‌آموزان «عده‌ای با غرض و شیطنت و با استفاده از هم‌ب‌های بدبو که در بازار وجود دارد دست به این کار زدند، همچنین برخی با هدف به تعطیلی کشاندن مدارس و عده‌ای به دنبال اقدام کار کودکانه در زمینه مسمومیت دانش‌آموزان فعالیت کرده‌اند.»

رئیس «کمیته حقیقت‌یاب مسمومیت دانش‌آموزان» ←

مختلف وابسته به پایگاه‌های بسیج و حسینیه‌ها و حوزه‌های علمیه بوده‌اند گفته که «در بازجویی گویا مشخص شده که این افراد در شهرهای مختلف با یکدیگر هماهنگ بوده و همه گفته‌اند که «حضرت آقا در فلان سخنرانی گفته که بچه‌های دانش‌آموز [در اعتراضات ماه‌های گذشته] شیطنت کرده‌اند و با یک تنبیه کوچک درست می‌شوند. ما هم مقلد آقا هستیم و هرچه آقا بگوید ما آتش به اختیار هستیم و انجام می‌دهیم». ضمن اینکه هر کسی بازداشت شده، از سوی حسینیه‌ها، حوزه‌های علمیه و مساجد و ریش سفیدهای محل تماس‌هایی شروع شده و با اعمال نفوذ در نیروی انتظامی، این افراد آزاد شده‌اند.»

در اوایل اسفندماه سال گذشته محمدتقی فاضل میبیدی، استاد حوزه علمیه در اظهاراتی گفته بود که «عمدی بودن این ماجرا واقعیت دارد. گفته می‌شود گروهی موسوم به هزاره‌گرا مسئول این مسمومیت‌های سریالی در مدارس هستند. این گروه و تفکر معتقد است که دختران نباید درس بخوانند یا نهایتاً باید تا سوم دبستان درس بخوانند. این جریان یک جریان مذهبی و ضد مدرنیته است.»

کردند هنوز سرخ مشخصی درباره آمران و عاملان در دست نیست. در این میان، شواهدی موجود است که احتمال دست داشتن بخشی از جریان امنیتی حکومت در سازماندهی و اجرای حملات را قوت می‌بخشد. همچنان اما درباره هدف حکومت از سازماندهی این حملات و چگونگی سازماندهی و اجرای آن تردیدهایی وجود دارد که تا کنون در حد حدس و گمان باقی مانده است.

در همین رابطه نجات بهرامی روزنامه‌نگار و تحلیلگر سیاسی که حدود دو دهه سابقه تدریس در آموزش و پرورش را دارد اواخر فروردین‌ماه امسال در گفتگو با «کیهان لندن» درباره ماهیت این حملات گفته بود: «یک مسئله که در مورد مسمومیت‌ها خیلی مهم است و می‌بینیم رسانه‌ها زیاد به آن می‌پردازند اینست که مسموم کردن دانش‌آموزان با هدف آسیب رساندن به دانش‌آموزان نیست، یعنی یک نقطه و میدانی انتخاب شده که برای خانواده‌ها و والدین و افکار عمومی حساس است و از طرفی انعکاس این مسمومیت‌ها خیلی سریع در تمام کشور پخش می‌شود؛ مثلاً شما یک تروریستی را در نظر بگیرید که می‌رود نقطه

→ همچنین گفته است که «اما مشخص شد افرادی نیز پشت صحنه بخشی از مسمومیت دانش‌آموزان بودند که پس از شناسایی توسط دستگاه امنیتی دستگیر شدند. گزارش نهایی شد و به رئیس مجلس ارسال شد تا دستور قرائت در صحن علنی صادر شود.»

حمیدرضا کاظمی توضیح نداده افرادی که «پشت صحنه بخشی از مسمومیت‌ها» بودند چه کسانی بوده و هدف آنها چه بوده است.

آنچه رئیس «کمیته حقیقت‌یاب مسمومیت دانش‌آموزان» درباره علت مسمومیت هزاران دانش‌آموز طی ماه‌های گذشته گفته تکرار سخنان و ادعاهای فرافکنانه مقامات امنیتی و دولتی در ماه‌های اخیر بوده است.

مسمومیت شیمیایی دانش‌آموزان در ایران از اوایل آذرماه سال گذشته آغاز و در نیمه دوم زمستان به اوج رسید. بلافاصله پس از پایان تعطیلات نوروزی و در نخستین روز بازگشایی مدارس این حملات ادامه یافته و طی دو هفته گذشته ده‌ها مدرسه در استان‌های مختلف مورد حمله قرار گرفتند.



این مدرس حوزه علمیه توضیح داده بود که «یک جامعه‌شناس که نمی‌توانم نامش را بگویم در قم پژوهشی در این زمینه انجام داده و در جلسه‌ای این موضوع را برای برخی شرح داده‌است. در این تحقیقاتی که انجام داده به این نتیجه رسیده‌است که هزاره‌گراها این اقدامات را انجام می‌دهند. این مسمومیت‌ها اتفاقی نیست. این جریان شبیه طالبان هستند، گرچه طالبان اجازه نمی‌دهد دختران به دانشگاه بروند اما این گروه می‌گویند دختر نهایتاً تا سوم دبستان باید درس بخواند. من در شگفتم که چرا دولت و نهادهای امنیتی این جریان را دنبال و موضوع برای مردم شفاف نمی‌کند.»

محمدتقی فاضل میبیدی تأکید کرده بود هسته سازماندهی حمله به مدارس در قم و اصفهان است: «در مدارس دخترانه ربع و وحشت حاکم است. جامعه‌شناسی که پژوهشی در این خصوص انجام داده، معتقد است مرکز ثقل این جریان در قم و اصفهان است.»

حساس و پرجمعیت شهر و بازاری را که رفت و آمد زیادی دارد هدف قرار می‌دهد؛ این تروریست هدفش ضربه به بازاریان نیست بلکه تلفات بیشتر بوده است. نظرم این است که شواهد و قرائن در این چند ماه، چه در سال گذشته و چه در روزهای پس از نوروز که از بازگشایی مدارس گذشته، نشان می‌دهد قضیه بسیار سازماندهی شده‌تر از آنست که فکر می‌شد. یعنی نمی‌شود یک سیستم امنیتی و اداری پشت این حملات نباشد و صرفاً یک جمع افراطی خودشان تصمیم گرفته باشند این حملات را انجام دهند.»

نجات بهرامی در ادامه توضیح می‌دهد که «این سازماندهی یا از قبل بسترایش فراهم بوده، مثل حوزه‌های علمیه و پایگاه‌های بسیج، که در همه شهرها وجود دارد و یا اینکه واقعا بخشی از دستگاه امنیتی بستری برای سازماندهی این حملات در همان ماه‌هایی که اعتراضات سال گذشته از اواخر شهریورماه در جریان بود، فراهم کرده است.» او با بیان اینکه شماری از افراد بازداشت شده در شهرهای

بر اساس گزارش‌ها حملات شیمیایی سازمانیافته به مدارس کشور در سه ماه پایانی سال گذشته در بیش از ۲۵ استان و ۲۵۰ شهر گسترش یافت، دست‌کم به ۱۳ هزار دانش‌آموز بر اثر این حملات که هنوز علت و عوامل آن اعلام نشده است، آسیب دیدند. دور تازه حملات نیز بلافاصله با پایان تعطیلات نوروزی و در نخستین روز بازگشایی مدارس آغاز شد و شمار آن روزانه افزایش یافت بطوری که تنها در روز سه‌شنبه ۲۲ فروردین‌ماه بیش از ۲۸ مدرسه در سراسر ایران مورد حملات شیمیایی قرار گرفتند.

حملات تروریستی و بیولوژیکی به مدارس ایران در ابتدا دبیرستان‌های دخترانه را هدف قرار داد اما پس از مدتی تعدادی از دبیرستان‌های پسرانه، دبستان‌های دخترانه و پسرانه و خوابگاه‌های دانشجویی و دانشگاه‌ها نیز هدف این حملات قرار گرفتند.

مقامات جمهوری اسلامی در اسفندماه گذشته و فروردین امسال از بازداشت برخی افراد مظنون خبر دادند اما تأکید

اقدامات حقیرانه جمهوری اسلامی علیه مزار جانباختگان میهن؛ از شکستن سنگ و حریق تا قیرپاشی و شعارنویسی!



نوشته‌اید، ما هم گفتیم هیچگونه عنوان مجرمانه‌ای ندارد و قانونی نمی‌توانید برای سنگ مزارش به ما فشار بیاورید. حالا می‌بینیم که شکستند چون می‌دانند حقیرند.»

گلی حسینی تأکید کرده که «بشکنید ما دوباره می‌سازیم، نه یک بار بلکه هزاران بار.»

خانواده ابوالفضل آدینه‌زاده نیز مانند صدها خانواده دادخواه که فرزندان‌شان طی سرکوب‌های جمهوری اسلامی جان باختند، با انواع فشارهای روانی، قضایی و امنیتی روبرو هستند. در هفته دوم خردادماه امسال مرضیه خواهر ابوالفضل با انتشار تصویر احضاریه نوشته که به همراه پدرش از سوی دادسرا با اتهاماتی چون «تبلیغ علیه نظام» احضار شده‌اند.

به گفته مرضیه پدرش در حالی که پیگیر رسیدگی به «روند پرونده قتل فرزند بی‌گناه خود در دادسرای نظامی بود» با این احضاریه در کارتابل سامانه ثنا مواجه شد. او نوشته که این احضاریه در حالی برای حضور در «دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان فاروج» صادر شده که به گفته او، پیش از آن هیچ اطلاعیه یا حتی پیامکی درباره این آن برای آن‌ها ارسال نشده بود.

مرضیه آدینه‌زاده اتهاماتی را که برای آن‌ها به دادسرا احضار شده، «سراسر واهی و تمسخرآمیز» و شامل «تبلیغ علیه نظام و انتشار عکس مبتذل» خوانده است.

یکی دیگر از مزارهای تخریب شده جانباختگان در روزهای گذشته مربوط به مزار میلاد سعیدیان‌جو از کشته شدگان ۲۵ آبان ایزده بوده است. خواهر میلاد نیز با انتشار تصاویر مزار برادرش که بخش بزرگی از سنگ قبر آن تخریب شده نوشته این اقدام به صورت شبانه و مخفیانه صورت گرفته است.

زهرآ سعیدیان‌جو با تأکید بر اینکه «حکومت بچه‌کش، با مخدوش کردن سنگ قبر برادرم تنها به ما نشان دادید

برادر تازه اعدام‌شده‌اش به آرامستان حبیب آباد در نزدیکی اصفهان برده و غریبانه به خاک سپردند.

این منبع نزدیک به خانواده کاظمی گفته که «برادر مجید کاظمی را بردند یک جای پرت، په چاله کوچک کردند، پیکر برادرش را به زور کردند تو قبری که برایش کوچک بوده است. بعد گوشی را به برادرش دادند که به خانواده‌اش بگوید که به محل خاکسپاری بیایند.»

همچنین در حالی که خانواده مجید کاظمی در حال تدارک برگزاری مراسم سوم درگذشت او بودند، مأموران امنیتی شامگاه شنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۲ با حمله به خانه این معترض اعدام شده پدر، مادر و دو برادر او را به شدت مورد ضرب و شتم قرار دادند و در ادامه دو برادر مجید کاظمی را بازداشت کردند. ساعتی بعد به دلیل پیگیری خواهر مجید کاظمی درباره بازداشت برادرانش، مأموران بار دیگر به خانه آمده و خواهر مجید کاظمی را نیز بازداشت کردند.

مزار ابوالفضل آدینه‌زاده نوجوان ۱۶ ساله‌ای که در اعتراضات ۱۶ مهر ۱۴۰۱ مشهد با شلیک ۲۵ گلوله نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی کشته شد تخریب شده است. گلی حسینی مادر ابوالفضل با انتشار یک ویدئو در استوری اینستاگرامش توضیح داده که شیشه و بخشی از سنگ مزار فرزندش شکسته شده است.

گلی حسینی در این ویدئو توضیح داده که «درست ۹ روز مانده به تولد پسرم جاویدنام ابوالفضل آدینه‌زاده، شیشه مزار پسرم و گوی سنگ مزار پسرم رو شکستند. با این هتک حرمت‌ها فقط ما رو مضمتم‌تر خواهید کرد.»

مادر ابوالفضل آدینه‌زاده افزود که «درست در هفته گذشته در بیدادگاه جمهوری اسلامی حضور پیدا کرده بودیم و یکی از مواردی که بازگو کردند این بود که چرا شعار «زن، زندگی آزادی، مرد، میهن، آبادی» را روی مزار

● خانواده مجید کاظمی روز گذشته از به آتش کشیدن مزار این جوان جانباخته در آستانه سالروز تولدش خبر دادند.

● مزار ابوالفضل آدینه‌زاده نوجوان ۱۶ ساله‌ای که در اعتراضات ۱۶ مهر ۱۴۰۱ مشهد با شلیک ۲۵ گلوله نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی کشته شد تخریب شده است.

● یکی دیگر از مزارهای تخریب شده جانباختگان در روزهای گذشته مربوط به مزار میلاد سعیدیان‌جو از کشته شدگان ۲۵ آبان ایزده بوده است.

● امجد امینی پدر مهسا هم گفته بود بامداد یکشنبه ۳۱ اردیبهشت، افرادی سنگ مزار دخترش در گورستان سقر را تخریب کرده‌اند.

● مسعود شکاری پدر محسن شکاری معترض اعدام‌شده توسط جمهوری اسلامی فروردین امسال از تخریب سنگ مزار فرزندش برای دومین بار در طول یک هفته خبر داد.

● ماه‌منیر مولایی راد مادر کیان پیرفلک کودک ۹ ساله‌ای که شامگاه ۲۵ آبان با شلیک مأموران حکومتی در ایزده جان باخت، از شعارنویسی حکومتی بر مزار فرزندش خبر داد.

● مادر ابوالفضل آدینه‌زاده نیز می‌گوید «هفته گذشته در بیدادگاه جمهوری اسلامی حضور پیدا کرده بودیم و یکی از مواردی که بازگو کردند این بود که چرا شعار «زن، زندگی آزادی، مرد، میهن، آبادی» را روی مزار نوشته‌اید، ما هم گفتیم هیچگونه عنوان مجرمانه‌ای ندارد و قانونی نمی‌توانید برای سنگ مزارش به ما فشار بیاورید. حالا می‌بینیم که شکستند چون می‌دانند حقیرند.»

در روزهای گذشته مزار دست‌کم چهار جانباخته جنبش ملی در ایران از سوی عوامل جمهوری اسلامی تخریب شده است. حکومت نه تنها در برابر قتل سازمانیافته و کشتار مردم در ایران پاسخگو نیست بلکه به روش‌های گوناگون آزار و اذیت بازماندگان جانباختگان را در دستور کار دارد.

مجید کاظمی، ابوالفضل آدینه‌زاده، میلاد سعیدیان‌جو، جواد حیدری و مهسا امینی از جمله جانباختگانی هستند که به تازگی خانواده‌هایشان از تخریب مزار آنها توسط عوامل جمهوری اسلامی خبر داده‌اند.

مجید کاظمی یکی از سه معترض اعدام شده در پرونده «خانه اصفهان» است که ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۲ به همراه سعید یعقوبی و صالح میرهاشمی بلطاقی به اتهام واهی «محاربه» در زندان دستگرد اصفهان اعدام شدند.

خانواده مجید کاظمی روز گذشته از به آتش کشیدن مزار این جوان جانباخته در آستانه سالروز تولدش خبر دادند. آتش زدن مزار مجید کاظمی در نخستین ساعات بامداد روز پنجشنبه ۱۸ خرداد ۱۴۰۲ صورت گرفته است.

ساعتی پیش از این اقدام نیز مأموران امنیتی با خانواده مجید کاظمی تماس گرفته و آنها را تهدید کردند که حق ندارند برای فرزندشان مراسم یادبودی به مناسبت زادروزش بگیرند.

آزار خانواده مجید کاظمی از نخستین لحظات پس از اعدام این جوان آغاز شد. بر اساس گزارش منابع نزدیک به خانواده کاظمی، روز جمعه ۲۹ اردیبهشت و دقایقی پس از اعدام مجید مأموران امنیتی با برادرش تماس گرفته و گفتند بیا زندان و به کسی هم چیزی نگو. بعد او را به همراه پیکر

شیر به فِضه گفت...

(کیهان لندن شماره ۱۰۰۷) خرداد ۱۳۸۳

خیراندیش (احمد احرار)

باز نشر



تباد، خطی دور خود رسم کند و به مدت چهل شبانه‌روز در داخل آن خط محصور بماند و اوراد و ادعیه مخصوص احضار جن بخواند. در این مدت باید رنج گرسنگی و تشنگی را بر خود بخرد و از هیچ چیز نترسد و پا از دایره بیرون نگذارد زیرا بیرون رفتن از دایره همانست و جن زدگی یا به‌عبارت دیگر دیوانه شدن و غش کردن و هذیان گفتن همانا. مرد نومید، رفت به یک زیر زمین تاریک و دور خود خط کشید و چله‌نشینی آغاز کرد. روز چهلم جنی بر او ظاهر شد و تعظیم کرد و گفت من فرمانبردار و خدمتگزار شما هستم. بفرمائید چه خدمتی از دستم برایتان ساخته است تا انجام دهم. مرد گفت در حال حاضر بیش از هر چیز به غذا احتیاج دارم. یک پرس چلوکیاب سلطانی برایم حاضر کن. جن دست به‌دست مالید و گفت سرور من، معذورم دارید که من آشپزی بلد نیستم!

گفت بسیار خوب، پس فوراً ترتیبی بده که قرضهای من ادا شود و مبلغی پول هم برای مخارج یومیه‌ام برسان، خودم می‌دانم چلوکیابی کجاست.

جن از خجالت سر به‌زیر انداخت و گفت ارباب بزرگوار، معاف بفرمائید که من بانکدار نیستم!

گفت زخم بیمار است و خرج حکیم و دوا ندارم، کاری کن که شفا پیدا کند.

جن، سرمزده پاسخ داد این کار هم از دستم برمی‌آید. من طبیب نیستم!

گفت پس تو چه کاره‌ای و چه کار از دستت برمی‌آید؟

گفت پدرم اهل منبر بود و خودم تحصیلات حوزوی دارم و از ابتدای جوانی منبر رفته‌ام و روضه خوانده‌ام. خوب حرف می‌زنم و خوب روضه می‌خوانم. با این حال و روز که در شما ارباب بزرگوار می‌بینم بیش از هر چیز احتیاج به روضه‌خوان دارید. اگر اجازه فرمائید چنان روضه‌ای برایتان خواهم خواند که اشک دشمنان را هم جاری کند!

حجت‌الاسلام خاتمی و حجت‌الاسلام کربوی هیچکدام آذربایجانی نیستند اما جلسه‌ای که به‌عنوان وداع با نمایندگان مجلس ششم تشکیل دادند (و یکی از وکلا آن را مجلس ترحیم اصلاحات نام نهاد) به عزاداری آذربایجانیها شباهت داشت.

هموطنان آذربایجانی ما در مجالس روضه‌خوانی آنچنان شیون و زاری می‌کنند که صدای روضه‌خوان در غوغای مجلس گم می‌شود. در حقیقت آنها برای گریستن به مجلس روضه‌خوانی می‌روند نه برای شنیدن حرفهای روضه‌خوان که معمولا تکرار یک حکایت کهنه است. در بعضی نقاط آذربایجان حتی برای برگذاری مجلس روضه‌خوانی احتیاج به روضه‌خوان ندارند. خودشان دایره‌وار بر زمین می‌نشینند و اولی شروع می‌کند به خواندن: «شیر به فِضه گفت...» اما حق حق گریه مجال نمی‌دهد که جمله را تمام کند. همانطور حق حق کنان به پهلو دستی اشاره می‌کند که تو بگو. نفر بعدی نیز مثل نفر قبلی «شیر به فِضه گفت...» را می‌گوید و می‌افتد به حق و حق.

سومی و چهارمی باز همین را تکرار می‌کنند تا می‌رسد به نفر آخری. او در حال حق حق زدن می‌پرسد «شیر به فِضه چه گفت؟» جواب می‌شود: «شیر به فِضه گفت... حق حق هق!»

اما خودمانیم. درین مجلس الوداع حاج آقا خاتمی روضه شورانگیزی خواند و حساسی از مستمعین اشک گرفت.

حجت‌الاسلام بی آنکه صریحاً از شمر و یزید نام ببرد، از جفای آن ظالمان بر مجلس مظلوم و وکلای شهید داد سخن داد و گفت: «به نظر من در طول شش دوره مجلس شورای اسلامی هیچ مجلسی مانند مجلس ششم تحت فشار و جفا نبوده است. این جفا بر مجلس ششم رخ داد که به‌خاطر ملاحظات از حق طبیعی‌اش محروم شد.

قانون اساسی می‌گوید تنها مرکز قانونگذاری کشور مجلس است. اما اگر با ملاحظات و با توجهات عجیبی بگوییم که مجلس در مسأله‌ای حق قانونگذاری ندارد، آیا این جفا نیست؟»

همانطور که اشاره رفت آقای خاتمی به «ملاحظات» نمی‌خواست یا نمی‌توانست از شمر و یزید و نهادها و شوراهایی که به‌فرمان آنها عمل می‌کنند نامی بر زبان بیاورد. تنها از شورای انقلاب فرهنگی نام برد و گفت «مثلا اگر نظریه‌ای مخالف نظر شورای انقلاب فرهنگی باشد آیا مخالف شرع و قانون اساسی است؟» از آنجاکه ریاست شورای عالی فرهنگی را شخص ایشان بر عهده دارد، در واقع برای شور بر انگیختن در مجلس، اقدام به خودزنی کرد!

مردی که در عسرت افتاده و امیدی به راه حلهای متعارف برایش باقی نمانده بود تنها چاره را در آن دید که چله‌نشینی کند و جَنی را به تسخیر خود درآورد.

مردمانی بوده‌اند و هستند که به وجود از ما به‌تران معتقدند و تصور می‌کنند از دست جنیان کارهایی ساخته است که از آدمیان ساخته نیست و انسان اگر جنی در تسخیر داشته باشد مشکلاتش حل می‌شود.

برای تسخیر جن باید چله‌نشینی کرد. چله‌نشینی یعنی این که انسان برود در یک جای تاریک، جایی که آفتاب در آن

→ که نباید سکوت پیشه کنیم» نوشته که «جسم میلاد زیر خاک اما جای میلاد در قلب‌های ماست، قلب‌هایی که اگر تکه‌پاره هم شوند یاد و نام قهرمانان خود را زنده نگه خواهند داشت.»

پیش از این نیز اشکان امینی برادر مهسا امینی با انتشار تصویری در اینستاگرام خود از شکسته شدن شیشه مزار خواهرش خبر داد.

امجد امینی پدر مهسا هم گفته بود بامداد یکشنبه ۳۱ اردیبهشت، افرادی سنگ مزار دخترش در گورستان سقز را تخریب کرده‌اند.

تخریب سنگ مزار جانبختگان که وجه دیگری از اقدامات سرکوبگرانه جمهوری اسلامی است پیش از این نیز بارها تکرار شده است. برای نمونه مسعود شکاری پدر محسن شکاری معترض اعدام‌شده توسط جمهوری اسلامی فروردین امسال از تخریب سنگ مزار فرزندش برای دومین بار در طول یک هفته خبر داد.

در نخستین تخریب عوامل حکومتی بر روی سنگ مزار محسن شکاری رنگ پاشیده بودند و در دومین تخریب که ۲۵ فروردین ۱۴۰۲ صورت گرفت عوامل حکومتی اینبار به جای رنگ، بر روی سنگ مزار قیر پاشیده بودند تا پاک کردن آن دشوار باشد. مسعود شکاری اما نوشته بود که توانسته قیر را نیز از روی سنگ مزار فرزندش پاک کند.

فاطمه حیدری خواهر جواد حیدری از معترضان جانبخته در قزوین هم نیمه فروردین‌ماه امسال با اعلام خبر بازداشت پدر و برادرش از تهدید مأموران امنیتی درباره تخریب سنگ مزار برادرش خبر داده بود و حتی گفته بود که «صمد حکمیان، بازپرس شعبه پنج دادرسی قزوین، پس از بازداشت خانواده‌ام به پدرم گفته یا سنگ را بردار یا می‌اندازمت زندان.»

یکی از شیوه‌های مخدوش کردن سنگ مزار جانبختگان از سوی عوامل جمهوری اسلامی به صورت «شعارنویسی» بر روی سنگ مزار صورت می‌گیرد. در همین رابطه ماه‌منیر مولایی راد مادر کیان پیرفلک کودک ۹ ساله‌ای که شامگاه ۲۵ آبان با شلیک مأموران حکومتی در ایذه جان باخت، از شعارنویسی حکومتی بر مزار فرزندش خبر داد.

ماه‌منیر مولایی راد ۱۷ فروردین‌ماه ۱۴۰۲ با انتشار تصاویری در اینستاگرام نوشت که حامیان حکومت شبانه اقدام به نوشتن شعارهایی در حمایت از خامنه‌ای بر سر مزار فرزندش کرده‌اند. او افزود: «کودک معصوم از نامت می‌ترسند، حتی از سنگ قبرت.»

تخریب مزار جانبختگان تنها بخشی از انواع آزار و اذیت خانواده‌های آنها است. احضار، تشکیل پرونده قضایی، تهدید، قطع اینترنت، کنترل خانه، یورش و تفتیش خانه‌ها، اخراج از کار، جلوگیری از برگزاری مراسم، حمله نظامی و مسلحانه به مراسم یادبود، عدم پیگیری عادلانه قضایی پرونده‌ها همگی از دیگر نمونه‌های دیگر آزار خانواده‌های دادخواهی است که به دنبال روشن شدن علت قتل حکومتی فرزندان خود هستند.

پیکر بسیاری از معترضان نیز با فشار نیروهای امنیتی و بدون رضایت خانواده در مکان‌هایی دورتر از محل زندگی خانواده و حتی به صورت مخفیانه به خاک سپرده شدند. در برخی موارد گزارش شده که نیروهای امنیتی برای تحویل پیکر جانبخته به خانواده‌اش شرط عدم شکایت از نهادهای انتظامی و امنیتی در پی قتل فرزند، و همچنین عدم برگزاری هر گونه مراسمی را گذاشته‌اند.

همه این فشارها اما نتوانسته موج گسترده دادخواهی از سوی خانواده جانبختگان و همچنین حمایت گسترده دیگر شهروندان از آنها را خاموش کند.

برای تشکیل دولت قدرتمندی با شرکت تعدادی از رهبران جبهه ملی توافق شده بود اما هیچکدام به جایی نرسید

(تاریخ نشر در کیهان لندن: از آذر ۱۳۸۳ تا شهریور ۱۳۸۴ - از شماره ۱۰۳۳ تا ۱۰۷۱)



بازنشر

آخرین روزها
پایان سلطنت و
درگذشت شاه
(۱۷)

دکتر هوشنگ نهاوندی

اساس رویدادها و حوادث واقعی زندگی انسانها نوشته می‌شود. برای نوشتن این کتاب، نویسنده از کمکهای بی دریغ و سخاوتمندانه اردشیر زاهدی، دکتر اصلاص افشار، شجاع‌الدین شفا، پروفیسور عباس صفویان و دکتر داریوش شیروانی بهره‌مند بوده است. این شخصیتها که در ماههای آخر سلطنت محمدرضا شاه تاس روزانه با او داشتند، اطلاعات، خاطرها و به‌یادمانده‌های خود را در اختیار نویسنده قرار داده‌اند. نویسنده ضمناً از دکتر هادی هدایتی، دکتر کاظم ودیعی و بیژن خلیلی مدیر شرکت کتاب سپاسگزاری کرده است. کتاب «آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه» دارای ۱۵ فصل است و با یک پی‌نوشت کوتاه و احساسی به‌پایان می‌رسد. کیهان بخشهایی از این کتاب را با موافقت نویسنده و ناشر، از این شماره به‌چاپ می‌رساند.

چند دقیقه بعد پذیرفته شد و قرار شد ساعت هفت، در دفتر مجاور آپارتمان خصوصی شاه باشم.

در باشگاه فرانسه، حمید رهنما وزیر پیشین اطلاعات که او نیز آمده بود ناهار بخورد، به ما پیوست. متن را برای آن دوست قابل اطمینان که همواره رهنمودهای خردمندانه‌ای می‌داد، خواندم. گفت: «گمان نمی‌کنی کمی زیاده‌روی می‌کنی؟» بدون آن که از گردهمایی کاخ - که در نامه به آن اشاره نکرده بودم - سخنی بگویم، گفتم: دیگر نمی‌توانم رفتارهای دولت را تأیید کنم. با صدای بلند خندید و گفت: «کدام دولت؟ مگر هنوز دولتی هست؟»

ساعت هفت شب، کاخ نیاوران، دفتر کار کوچک به زحمت روشن بود. چهره شاه با آن که عینک تیره بر چشم داشت، غرق در خستگی بود. پوزش خواستم که تقاضای شرفیابی فوری کرده‌ام. گفت با وضعی که بر کشور مستولی شده، می‌فهمد و افزود: «چه شده؟»

- اعلیحضرتا، شما با طرز اندیشه من آشنا نیستید. من برخلاف میل به این دولت پیوستم. تنها به دلیل میهن پرستی و احترام به شاهنشاه اومرتان را گردن نهادم. اما امروز حضور من در این ترکیب، هیچ معنایی ندارد. چرا هیچ یک از تصمیماتی که آن شب گرفته شد، به اجرا درنیامد؟

- آنها دیگر از پس هیچ کاری بر نمی‌آیند.

- شاید باید به سوی راه‌های دیگری رفت.

- کدام‌ها؟

- دولتی که برخی از عناصر مخالف را در خود داشته، و

از پشتیبانی ارتش نیز برخوردار باشد.

- و اگر آن نیز از پس کاری برنیامد؟

- دولت نظامی.

به او گفتم که برآیم تا دولت را ترک کنیم. از نامه‌ام هم آگاه

شد. نخست به نظر رسید که تکان خورده، آن گاه گفت:

«می‌دانید با اینها که نوشته‌اید، چه خطری می‌کنید؟ این

روزها کسی دیرتری گفتن این چیزها را ندارد.»

دوباره به پرسش پیشین بازگشت: «هر دو راه حل را در

نظر بگیریم. بروید ببینید تشکیل دولت ائتلافی چه اندازه

امکان پذیر است. این مأموریتی است برای آن که

سر کلاس می‌رفت و هیچگاه کار تدریس را رها نکرد و به‌مدد همین سوابق دانشگاهی بود که پس از مهاجرت به فرانسه ۱۷ سال به‌عنوان استاد در دانشگاه پاریس تدریس کرد.

نهاوندی در سالهای ۱۳۵۰ گروه بررسی مسایل ایران را بنیان گذاشت به امید آنکه پیشنهادات این گروه راهگشای اصلاحاتی در ساختار آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ایران شود.

نهاوندی برای جمع‌آوری مطالب کتاب پانصد صفحه‌ای خود، مختصری از حافظه معروفش و مقدار زیادی از یادداشتهای روزانه یا شبانه‌اش سود جستند.

کتاب از آغاز تا پایان، سرشار است از حوادث پرهیجان و اخبار دست اول که بیشتر اوقات نویسنده شخصاً درگیر آن بوده است و به همین دلیل محتوای کتاب شبیه رمانهای جذابی است که بر

ترجمه فارسی کتاب «آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه» نوشته دکتر هوشنگ نهاوندی از سوی شرکت کتاب در لس‌آنجلس منتشر شده است.

پهروز صوراسرافیل و مریم سیحون مترجمان این کتاب، به‌خوبی از عهده برگرداندن آن از زبان فرانسه به فارسی برآمده‌اند.

دکتر نهاوندی در دوران سلطنت محمدرضا شاه پهلوی وزارت آبادانی و مسکن و علوم و آموزش عالی و ریاست دانشگاههای پهلوی و تهران را به‌عهده داشت. وی مدتی نیز رئیس دفتر علیاحضرت شهبانو و چندی رئیس هیأت مدیره انجمن آثار ملی بود. اما در تمام این سالها وی بیشتر با محافل روشنفکری، علمی و دانشگاهی نشست و برخاست داشت تا با دولتیان. نهاوندی در دوران ریاستش بر دانشگاههای پهلوی و تهران هفته‌ای چند ساعت

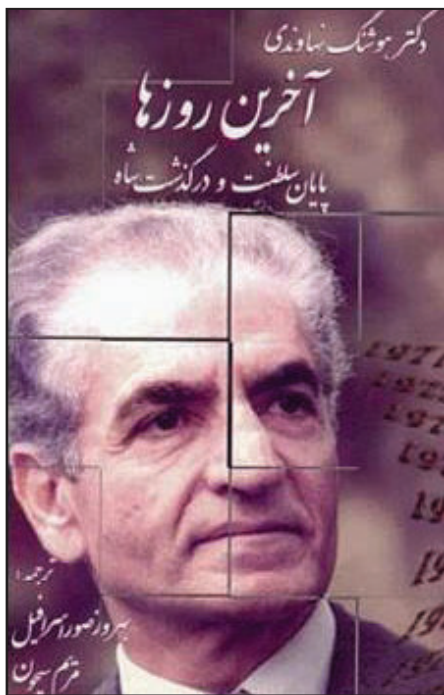
تصمیمات اضطراری

پس از شام، گفتگوها دوباره آغاز شد. اندک اندک روشی که باید در پیش گرفته شود، و به راستی خردمندانه بود، شکل گرفت: مهار کردن رسانه‌های گروهی به ویژه رادیو - تلویزیون، به کار گرفتن روشهای قاطعانه‌تر برای اعاده نظم در شهرهای بزرگ، دستگیری اخلاص گران، جدا کردن محله‌ها از نظر انتظامی برای پیشگیری از برخوردها، به جریان انداختن پرونده پاره‌ای از مسئولان که مرتکب خطاهای مهم شده بودند در دادگاههای عادی...

برای عملی کردن این تصمیمات و همچنین به ویژه انجام اصلاحات سیاسی اجتناب‌ناپذیر، بالاخره به منظور انجام گفتگو با سلسله مراتب قم و مخالفان، از مواضع روشن و مستحکم، دولت ترمیم و با پیوستن شخصیتهای ممتاز، تقویت می‌شد. قرار شد این اقدامات از صبح همان روز به اجرا درآید.

اما نه در روز ۸ اکتبر و نه در فردای آن آن، هیچ نشانه‌ای از آغاز اجرای آن «تصمیمات اضطراری» دیده نشد. هیچ دگرگونی‌ای در دولت اعلام نشد. آیا این، به علت مخالفت شهبانو بود که در آن جلسه، یک واژه نیز سخن نگفت، یا به سبب مخالفت سفارتخانه‌های غربی...؟ حدس و گمانهای گوناگون در دنیای کوچک سیاسی تهران زده می‌شد.

xxx



دانشگاه تهران، تایپ شد. در آن نامه شتاب زده، تاریخچه گونه‌ای از رویدادهای ۲۷ اوت به بعد، کارهای نیم بند، بیراهه‌رفتنها و سهل‌انگاری‌های نخست وزیر را برشمردم و همچنین بر خوشنیتانی که هر روز بالا می‌گرفت تأکید کردم. برای تأثیر بیشتر، زیر جمله‌ای که مورد نظر بود خط می‌کشیدم: به کجا می‌رویم؟ خلاصه، ابراز اطمینان کردم که سیاست دولت بی چون و چرا محکوم به ناکامی است و نتایج چنین شکستی برای مملکت فاجعه بار خواهد بود.

روحانی‌زاده که آمده بود نامه را بگیرد، قول داد که آن را تایپ شده ساعت یک و نیم بعد از ظهر به «باشگاه فرانسه» که در آنجا ناهار می‌خوریم بیاورد. آن گاه از تشریفات دربار، تقاضای شرفیابی فوری به حضور اعلیحضرت کردم.

درخواست یک دیدار فوری با نخست وزیر کردم که اوایل صبح روز ۱۱ اکتبر مرا پذیرفت. خسته و کمی خشمگین به نظر رسید. با تندی از او پرسیدم: «آقای نخست وزیر، پس تصمیماتمان چه شد؟» در پاسخ توضیحاتی بی‌ربط داد و از تجربه‌های خود در مورد بحرانهای سخت و دسیسه‌های شرکتهای نفتی سخن گفت (که این نظریه‌ها را از ودیعی یاد گرفته بود!) از من خواست که بصور باشم و گفتم: «همه چیز آرام خواهد گرفت. اوضاع را در مهار دارم.» و از هم جدا شدیم. به محض آن که به دفترم باز گشتم، نامه استعفای درازی برای نخست وزیر نوشتم، و برای ایمی بیشتر و آن که خبرش درز نکند، بیرون از وزارتخانه توسط منشی دکتر ناصر روحانی‌زاده، استاد و رئیس بخش فیزیک اتمی دانشکده علوم

در این زمینه اطلاعاتی به دست آورید، نه ماموریتی برای تشکیل دولت. اما عمیقاً در این مورد کند و کاو کنید. همه ارتباطاتتان را هم به کار گیرید. اما بسیار بی سرو صدا رفتار کنید. موقعیت شریف امامی آنقدر درخشان نیست که ناتوان تر هم بشود.»

xxx

نامه کناره‌گیری‌ام فرمایش به نخست وزیر رسید. من در بیش از ربع قرن، نخستین شاغل مقام وزارت بودم که بی آن که وادارم کنند، کناره گرفتم. متن نامه کناره‌گیری را برای همه اعضای دفتر هماهنگی «گروه بررسی مسائل ایران» فرستادم. چهار وزیر بر سر کار محمد باهری، کریم معتمدی، کاظم ودیعی و محسن فروغی هم رونوشت نامه را دریافت کردند. جهت گیری‌هایشان بسیار به من نزدیک بود و نمی‌توانستم از دلایل رفتن آگاهشان نکنم. البته خبر درز کرد و چند روزنامه نکات مهمش را چاپ کردند. دو روز بعد «کیهان بین‌المللی» که به زبان انگلیسی و بسیار پرخواننده بود، به تحلیل بسیار دقیق جزء جزء نامه پرداخت و بر آن عنوانی چنین در صفحه نخستین داد:

«هشدار جدی به نخست وزیر.»

با وسواس و تلاش بسیار، خود را وقف انجام «ماموریت اطلاعاتی» کردم که پادشاه به من واگذار کرده بود. از سه تنی که «جبهه ملی» را رسماً رهبری می‌کردند، کریم سنجابی برای شرکت در گردهمایی سوسیالیستها در خارج بود. بختیار، از همان زمان به دلایلی که بعداً درخواهیم یافت، تکروری می‌کرد. فقط داریوش فروهر مانده بود. پیام فرستادم که می‌خواهم با او دیدار کنم.

به خواست او، دیدارمان در «جایی بی‌طرف» یعنی در خانه وردستش تکمیل همایون انجام شد. او جامعه شناس بود و هنگامی که برای گذراندن یک دوره تخصصی به اسرائیل رفته بود، با زنی از آن کشور ازدواج کرده بود. او را خوب می‌شناختم زیرا در سالهای واپسین دهه پنجاه، دانشجوی دوره فوق لیسانس من بود. فروهر، بی‌تردید برای حفاظت خود در برابر هم‌زمانش، از صاحبخانه خواسته بود که در ملاقات شرکت جوید. من، ناگزیر نبودم به کسی پاسخگو باشم، با این حال از همکارم دکتر روحانی‌زاده که در محافل روشنفکران مخالف نفوذ داشت، خواستم که حاضر باشد. بیش از سه ساعت، من و فروهر در حضور دو شاهد تقریباً لال، گفتگو کردیم. تکمیل همایون گاهی یادداشت بر می‌داشت. روحانی‌زاده هم دو یا سه بار دخالت کرد. در برابر فروهر، و همه مخالفان دیگری که با آنان دیدار کردم، یک برهان اصلی داشتم: پادشاه صادقانه خواهان تحول سیاسی است. اما اگر شما به توافق گردن ننهید، دخالت ارتش، به هر شکلی که لازم باشد، اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. همه، و بیش از همه فروهر نگران این فرجام بودند. بیم دخالت ارتش، آنان را به بکارگرفتن خردشان وا می‌داشت. البته آنان که آن عملیات را از خارج رهبری می‌کردند، سرگرم آماده کردن طرح خنثی کردن ارتش بودند. اما ما در آن زمان بی‌خبر بودیم: هم شاه، هم مخاطبینم و هم خود من. بنابراین، برهانهای من اثر می‌کرد. بسیاری از مخاطبان من آغاز به درک دو خطری که «جنش» شان را تهدید می‌کرد، نموده بودند: خطر روزافزون چپ افراطی، حزب توده، «مانوئیست» ها و «تروتسکیست» ها - و یک جناح بنیادگرای اسلامی که آشکارا از سوی برخی از دیپلماتهای «انگلو-ساکسون» مقیم تهران پشتیبانی و نیرومند می‌شد. آنان هنوز راه حل بر اساس قانون اساسی را پسنندیده‌تر می‌انگاشتند که مورد تأیید و تضمین شاه و رهبران مذهبی قم باشد. به این ترتیب، نزد مخاطبان خود، گونه‌ای حسن نیت می‌دیدم.

با همه گروه‌های مخالف، رایزنی گسترده‌ای انجام شد: از «نهضت آزادی» به رهبری مهدی بازرگان (که سپس نخست

وزیر خمینی شد)، «جامعه دفاع از حقوق بشر» پیرامونیان مصدق، نخست وزیر پیشین، که با وجود کهنولت سن، بیشترشان هنوز اعتبار معنوی زیادی داشتند، و همچنین علی امینی که در همه جا سخن از او بود. رایزنی‌ها آسان نبود، اما در نهایت برنامه‌ای که همه‌شان را راضی کند ریخته شد. هنگامی که آیت‌الله شریعتمداری از این تلاش‌ها آگاه شد، او نیز برنامه را پذیرفت. اولیاتی که همه می‌پذیرفتند بازگرداندن نظم و آرامش بود. همه پذیرفتند که مردم را بی‌چون و چرا به این راه حل بخوانند. قرار بود پس از رسیدن به این هدف، دولت اندک اندک مقررات حکومت نظامی مجازی را سبک‌تر کند. سپس احزاب سیاسی مخالف به رسمیت شناخته شوند، اصلاحاتی در ساواک انجام گیرد، اتاق اصناف منحل شود، دگرگونی‌هایی در بنیاد پهلوی صورت پذیرد و از برخی از اعضای خاندان پهلوی درخواست شود تا برای استراحت به اروپا بروند و در مرحله پس از آن یک «شورای نظارت بر انتخابات مجلسین» ایجاد گردد. قرار بود یکی از قضات عالی‌رتبه دیوانعالی کشور، ریاست این شورا را برعهده داشته و نمایندگان مخالفان و روحانیون نیز در میان اعضایش باشند.

چند تن از رهبران جبهه ملی و برخی رجال سالخورده ولی برخوردار از اعتبار عمومی پذیرفتند که وارد هیأت دولت شوند: توافق شد که وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، بازرگانی و دادگستری به چهره‌های شهره مخالف واگذار شوند و وزارت اطلاعات (و جهانگردی) به کسی که در آن

تضمین آیت‌الله‌های قم را به دست آورد. ملاقات من با آیت‌الله شریعتمداری دشوار شده بود، بنابراین او سه تن را با اختیارات تام برای تعیین چگونگی توافقها فرستاد.

پس از ده روز، برنامه و فهرست وزیران دولت احتمالی را به پادشاه دادم.

شاه يك ساعت و نیم گفته‌های مرا شنید، از همه چیز سخن گفت، از شنیدن پاره‌ای نامها شگفت زده شد، و از چانه زندهای يك امیر بازنشسته نیروی دریایی که از رهبران مخالفان شده بود، برای تعیین مقام خود از ته دل خندید. من به او پیشنهاد وزارت بازرگانی را داده بودم، او آموزش و پرورش را می‌خواست، و من پذیرفتم. شاه گفت: «می‌دانستم خر است، اما نه تا این اندازه. بازرگانی وزارت آرامی است، اما در آموزش و پرورش با دشواری روبرو خواهد شد. ولی ما در شرایطی هستیم که...»

هنگامی که شاه از همه جنبه‌ها آگاه شد، به جای نتیجه‌گیری، زمانی دراز به من نگریست. نفهمیدم آیا اصلاً فکرش جای دیگری است، از درون خالی شده، یا عمیقاً در اندیشه است. انتظار داشتم از من بپرسد آیا زمان همه اینها نگذشته است. خودم هم دور از این اندیشه‌ها نبودم. اما گفت: «شاید اوضاع بهتر شود... سرگرم گفتگو با آمریکایی‌ها هستیم که پشت همه این تحریکات هستند.»

حقیقت این بود که شاه اردشیر زاهدی سفیر ایران در واشنگتن را به تهران احضار کرده بود و او با همکاری خسرو



داریوش فروهر



آیت‌الله شریعتمداری

افشار وزیر امور خارجه، با جدیت سرگرم کار برای «اقدامات روشنگرانه» در مورد مقامات کاخ سفید و وزارت امور خارجه آمریکا بود. اقداماتی که در نهایت سرانجامی نیافت. غربی‌ها طاس‌هایشان را ریخته بودند.

در پایان شرفیابی شاه، برخلاف همیشه که فاصله‌ای را حفظ می‌کرد، صمیمانه از این که آن مأموریت دشوار را به بهترین شکل انجام داده‌ام سپاسگزاری کرد. واقعیت آن بود که وی بالاخره امتیازاتی را که در سطح داخلی باید می‌پذیرفت، دریافت کرده بود.

درخواست مرخصی کردم، اما در آستانه دفتر ناگهان شنیدم که به فرانسه رفت: «بسیار خوب با هم کار کردیم! درباره پیشنهاد شما خواهیم اندیشید. شب دراز است و...»

واحد چندین دست را بازی می‌کرد!

وزارت کشور که نقش بسیار حساسی داشت، موجب گفتگوهای فراوان و تلخی شد. بالاخره موافقت شد آن مقام به جواد صدر، سفیر پیشین که سالها پیش همین سمت را داشت و هویدا او را به دلیل استقلال رأی و رک‌گویی‌اش برکنار کرده بود، سپرده شود.

مخالفان پذیرفتند که تصمیم‌گیری در مورد وزارت امور خارجه و جنگ به شاه واگذار شود و سه نظامی بلندپایه - يك دریاسالار، يك دریا‌دار، يك سپهبد نیروی زمینی - مسئولیت وزارتخانه‌های صنایع و معادن، آبادانی و مسکن و پست و تلگراف را برعهده گیرند.

نامزد مقام وزیر مشاور که مسئول ارتباط با روحانیون بود،

فیروز نادری در گذشت

پیام
شهبانو
فرح پهلوی
به مناسبت
درگذشت
دکتر فیروز
نادری

فیروز نادری دانشمند علوم فضایی

با نهایت اندوه از درگذشت نابهنگام هموطن برجسته، دکتر فیروز نادری آگاه شدم.

به رغم دهها سال دوری، عشق و دلبستگی او به ایران نمونه بارزی از وفاداری به زادگاه خود بود، نکته‌ای که شاهزاده رضا و من در دیدار با او در منزل در پاریس، سال‌های پیش شاهد آن بودیم، پیوندی که در این سال‌ها همچنان پابرجا ماند.

جایگاهی که او در علوم فضایی به آن رسید، باعث افتخار من و تمام ایرانیان و جای او برای همه ما خالی است.

من این واقعه اسفناک را به خاندان گرامی نادری و دوستان بی‌شمار آن زنده‌یاد از صمیم قلب تسلیت می‌گویم.

فرح پهلوی

می‌توانید قوانین ۱۴۰۰ سال پیش را در جامعه پیچیده قرن بیستم پیاده کنید.»

دکتر نادری در همین گفتگو ابراز امیدواری کرد که کار تغییر رژیم در ایران «از داخل و توسط مردم ایران» صورت گیرد.

شاهزاده رضا پهلوی که بیشتر از حادثه‌ای که برای پرفسور نادری پیش آمده بود به شدت ابراز تأسف و آرزوی تندرستی این دانشمند را کرده بود، بلافاصله پس از اعلام خبر درگذشت وی در پیامی او را از «مفاخر علمی» ایران نامید و افزود «او ایران را دوست داشت و تا آخرین روزهای زندگی پربارش به دنبال راهی برای کمک به هم‌میهنانش بود. تلاش‌های فیروز نادری برای رساندن اینترنت ماهواره‌ای به جوانان ایرانی در اوج انقلاب ملی ایران هرگز از یادها نمی‌رود. فقدان این دانشمند بنام کشورمان را به ملت ایران و به‌ویژه خانواده و دوستانش تسلیت می‌گویم. یادش گرامی، و نامش همیشگی!»

خبر درگذشت فیروز نادری را جمعه ۱۹ خرداد ۱۴۰۲ خواهر زاده او در شبکه‌های اجتماعی اعلام کرد.

● خبر درگذشت فیروز نادری دانشمند سرشناس ایرانی-آمریکایی را جمعه ۱۹ خرداد ۱۴۰۲ خواهر زاده او در شبکه‌های اجتماعی اعلام کرد.

● شاهزاده رضا پهلوی که بیشتر از حادثه‌ای که برای پرفسور نادری پیش آمده بود به شدت ابراز تأسف و آرزوی تندرستی این دانشمند را کرده بود، بلافاصله پس از اعلام خبر درگذشت وی در پیامی او را از «مفاخر علمی» ایران نامید و افزود «او ایران را دوست داشت و تا آخرین روزهای زندگی پربارش به دنبال راهی برای کمک به هم‌میهنانش بود.

پرفسور فیروز نادری دانشمند ایرانی‌تبار سازمان فضایی و هوایی آمریکا و چهره شناخته‌شده بین‌المللی در سن ۷۷ سالگی در آمریکا درگذشت. وی چندی پیش طی حادثه‌ای که به فلج شدن کامل وی انجامیده بود، در بیمارستان بستری شد. این دانشمند سرشناس بیش از ۳۵ سال در مناصب و موقعیت‌های گوناگون در ناسا کار می‌کرد، ولی فعالیت‌هایش بیشتر بر بخش‌های مختلف آزمایشگاه و نیروی رانش جت JPL متمرکز بود و سهم عمده‌ای در بسیاری از پروژه‌های رباتیک داشت. او همچنین مدیر واحد اکتشافات منظومه خورشیدی ناسا بود.

پرفسور فیروز نادری در سال ۲۰۱۶ بازنشسته شد، با این حال به عنوان مشاور مدیریت ناسا به کار ادامه داد. او با وجود دور بودن از ایران، از آنچه در سرزمین مادری‌اش می‌گذشت فارغ نبود و درباره مسائل سیاسی ایران فعال بود و به اظهار نظر می‌پرداخت.

فیروز نادری چندی پیش در گفتگو با نازنین انصاری روزنامه‌نگار بین‌المللی و مدیرمسئول کیهان لندن و کیهان لایف درباره تحریم‌های آمریکا علیه جمهوری اسلامی، بحران‌های اقتصادی و اجتماعی و محیط زیست سخن گفت. او همچنین توضیح داد که چگونه انرژی، دانش و استعداد نیروی انسانی ایرانیان در خارج کشور می‌تواند جوانان تحصیل‌کرده و هوشمند در داخل را برای فراهم آوردن امکانات رشد نیرومند و پایدار در ایران یاری دهد.

دکتر فیروز نادری در سال ۱۹۶۴ ایران را ترک کرد. اما سه سال بعد بازگشت و در «مرکز سنجش از دور» در تهران به کار پرداخت. وی در ژوئیه ۱۹۷۹، پس از وقوع انقلاب اسلامی در ایران، برای همیشه به آمریکا مهاجرت کرد.

او در مصاحبه با نازنین انصاری از جمله گفت « شما



از خبر درگذشت جناب فیروز نادری بسیار متأثر و غمگین شدم. دکتر نادری از مفاخر علمی ایران بود که خدمات شایانی به جهان دانش و تکنولوژی کرد. او ایران را دوست داشت و تا آخرین روزهای زندگی پربارش به دنبال راهی برای کمک به هم‌میهنانش بود. تلاش‌های فیروز نادری برای رساندن اینترنت ماهواره... نمایش موارد بیشتر



«حکومت بچه‌گش»؛ یک کودک ۹ ساله در استان خوزستان به دلیل شلیک مأموران انتظامی کشته شد

را با شلیک به سرش می‌کشند. گزارش‌ها افزوده‌اند که اتومبیل یگان ویژه یک «کامیون بی‌شابهت به خودروهای» پلیس بوده و نیروهای مستقر در آن بدون اعلام ایست، اقدام به شلیک به ماشین حامل خانواده امیرعلی کرده‌اند.

مرکز اطلاع‌رسانی پلیس اصفهان با تأیید این خبر مدعی شد که «مأموران به خودروی سواری با پلاک غیربومی مشکوک شده و به سوی آن تیراندازی کرده‌اند» و در این تیراندازی «گلوله کمانه کرده» و کودک خردسال را کشته است.

در گزارش‌های غیررسمی آمده است که پیکر امیرعلی تادوروز به بهانه تحویل در تهران، شهر محل سکونت او، به خانواده‌اش تحویل داده نشده و در پرونده او «قتل غیرعمد» ثبت شد. در حادثه‌ای دیگر در دی ماه ۱۴۰۱ نیز سهی اعتباری ۱۲ ساله بر اثر تیراندازی مستقیم مأموران به یک اتومبیل در مسیر لامرد به بستک استان هرمزگان کشته شد.

بر اساس گزارش‌ها اتومبیل خانواده سها اعتباری توسط یک اتومبیل متعلق به نیروهای لباس شخصی تعقیب شده بود. مأموران ابتدا به لاستیک این ماشین شلیک کرده و حتی پس از متوقف شدن اتومبیل، مأموران همچنان به تیراندازی ادامه دادند. سها اعتباری زخمی و پس از انتقال به بیمارستان جانش را از دست داد.

سرهنگ مهرداد مشوق جانشین فرمانده انتظامی هرمزگان در توجیه این حادثه گفته بود که در این تعقیب و گریز و باتوجه به پستی و بلندی‌های متعدد مسیر و پنجره خودرو متأسفانه یکی از سرنشینان خودرو مورد اصابت تیر قرار گرفته که با همکاری مأموران و عوامل امدادی به بیمارستان انتقال گردید. همچنین در اردیبهشت ۱۴۰۰ یک کودک پنج ساله در ابرانشهر در جنوب استان سیستان و بلوچستان بر اثر تیراندازی مستقیم مأموران مبارزه با مواد مخدر به اتومبیل پدرش جان خود را از دست داد.

بر اساس گزارش منابع محلی «مأموران امنیتی پس از توقیف خودرو، به قصد کشت به سمت میثم نارویی کودک بلوچ و پدر و مادر او تیراندازی کرده‌اند. این خانواده نه مسلح بودند و نه مواد مخدر به همراه داشتند، اما نیروهای امنیتی به سمت آن‌ها تیراندازی کرده‌اند.»

بر اساس گفته‌های این شاهد عینی، «پس از تفتیش خودرو توسط مأموران و شهروندان حاضر در صحنه هیچ چیزی در داخل خودرو نبوده و این کودک تنها به همراه پدر و مادر خود بوده که هدف تیراندازی مأموران امنیتی قرار گرفته است.» کیان پیرفلک کودک ۹ ساله نیز در اعتراضات شامگاه ۲۵ آبان ۱۴۰۱ در شهر ایذه بر اثر شلیک مأموران به اتومبیل پدرش کشته شد. بر اثر به رگبار بسته شدن مردم در خیابان‌ها توسط نیروهای جمهوری اسلامی در شامگاه ۲۵ آبان دست کم ۱۰ نفر در شهر ایذه کشته و ده‌ها تن زخمی شدند.

با وجود تلاش حکومت برای انتساب این قتل سازمانیافته حکومتی به «تروریست‌ها» خانواده کیان پیرفلک به عنوان شاهدان عینی حادثه تأکید کرده‌اند که مأموران حکومتی به سوی مردم تیراندازی کردند.



تصویر منتشر شده از مرتضی دلف‌زرگانی

خود ما هنوز مطلع نیستیم که چه کسی بازداشت است و تنها شنیده‌ایم که بازداشت است.»

روح‌الله بیگدلی فرمانده نیروی انتظامی شهرستان شوشتر ماجرا را اینگونه شرح داد: «نیروهای ما به ماشین مسروقه دستور توقف و هشدار می‌دهند اما توجهی نمی‌کند و به سمت شوشتر فرار می‌کند. مأموران تیر هوایی شلیک می‌کنند اما باز هم توقف نمی‌کند.»

فرمانده نیروی انتظامی شهرستان شوشتر افزوده که «در نهایت پس از تمام اقدامات قانونی، با تیراندازی خودرو را متوقف می‌کنند. ماشین که متوقف می‌شود، کودکی که همراه سارق بود فوت کرده بود.»

روح‌الله بیگدلی تأکید کرده که راننده «سارق» بوده و اضافه کرده اگر «اصلاً خودرو را سرقت نکرده است، چرا به دستور پلیس توجه نمی‌کند و مرتکب «مُرد از دستور» می‌شود؟ چرا فرار می‌کند؟»

او در عین حال گفته که هیچ مأموری بازداشت نشده و افزوده است: «برای چه مأموران باید بازداشت شوند؟ اقدامات مأموران نیروی انتظامی قانونی بوده است.»

شلیک نیروی انتظامی به اتومبیل‌های در حال حرکت با ظن حمل مواد مخدر یا کالای قاچاق تا کنون جان چندین کودک را در ایران گرفته است اما باز هم این حوادث مرگبار تکرار می‌شود. در یکی از نمونه‌ها در استان اصفهان که اسفندماه گذشته رخ داد کودک دو ساله‌ای به نام امیرعلی که به همراه پدر، مادر و برادرش در اتومبیل بودند در پی شلیک مأموران مبارزه با قاچاقچیان مواد مخدر جان خود را از دست داد.

بر اساس گزارش‌ها، این خانواده با اتومبیل شخصی خود در حال سفر بودند که یک کامیون متعلق به یگان ویژه جلو آنها می‌پیچد. راننده اتومبیل [پدر امیرعلی] فکر می‌کند این کامیون خفت‌گیر است و می‌خواهد راهش را عوض کند که نیروهای یگان ویژه به سمت آنها شلیک می‌کنند و کودک آنها

● جعفر دلف‌زرگانی پدر مرتضی گفته که «ماشین پلیس بدون هیچ هشدار یا اعلام ایست یا آژیر، ماشین را به رگبار بست و تیر به کودک ۹ ساله ما اصابت کرد و در همان لحظه فوت کرد.»

● شلیک نیروی انتظامی به اتومبیل‌های در حال حرکت با ظن حمل مواد مخدر یا کالای قاچاق تا کنون جان چندین کودک در ایران را گرفته است اما باز هم این حوادث مرگبار تکرار می‌شود.

● اسفندماه گذشته کودک دو ساله‌ای به نام امیرعلی که به همراه پدر، مادر و برادرش در اتومبیل بودند در پی شلیک مأموران مبارزه با قاچاقچیان مواد مخدر استان اصفهان کشته شد. ● در دی ماه ۱۴۰۱ نیز سهی اعتباری ۱۲ ساله بر اثر تیراندازی مستقیم مأموران به یک اتومبیل در مسیر لامرد به بستک استان هرمزگان جان خود را از دست داد.

● در اردیبهشت ۱۴۰۰ یک کودک پنج ساله در ابرانشهر در جنوب استان سیستان و بلوچستان بر اثر تیراندازی مستقیم مأموران مبارزه با مواد مخدر به اتومبیل پدرش جان باخت.

شلیک مستقیم نیروی پلیس جمهوری اسلامی به اتومبیل‌ها اینبار جان یک ۹ ساله را در استان خوزستان گرفت. این کودک همراه پدرش در یک وانت‌پراید در حال حرکت بودند که پلیس بدون ایست قبلی به سوی اتومبیل شلیک کرده است. بر اثر شلیک مستقیم مأموران پلیس جمهوری اسلامی به یک اتومبیل در ساعت پنج عصر روز جمعه ۱۹ خردادماه ۱۴۰۲ در جاده اهواز به شوشتر، نرسیده به سه‌راهی دیلم یک کودک ۹ ساله با نام مرتضی دلف‌زرگانی کشته شد.

نیروی انتظامی مدعی است که پلیس ۱۱۰ گزارش سرقت این اتومبیل را دریافت کرده و مأموران نیز پس از مشاهده ماشین «مسروقه» به فرد مظنون دستور «ایست» می‌دهند، اما در پی بی‌توجهی راننده به آن شلیک کرده‌اند.

بر اساس توضیحات کمال دلف‌زرگانی عموی کودک جانباخته به خبرنگاران، پدر مرتضی تعمیرکار اتومبیل بوده و وانت‌پراید را تعمیر کرده بود. به نظر می‌رسد مالک اتومبیل به دلیل جرّ و بحثی که سر تعمیر اتومبیل با پدر مرتضی داشته یا فرد دیگری گزارش سرقت اتومبیل را داده است.

او گفته که پدر مرتضی هم اتومبیل را برداشته و به سوی مالک آن می‌برده تا با او درباره تعمیرات گفتگو کند اما نیروی انتظامی در میان راه اتومبیل را به رگبار بسته است.

عموی مرتضی توضیح داده که سرعت اتومبیل کم بوده و برادرش «زمانی که ماشین کلانتری را پشت سر خود دید، قصد توقف داشت، اما بدون هیچ هشدار و بدون حکم یکباره ماشین به رگبار بسته شد. مرتضی تنها به پدر خود نگاهی کرد، لبخند زد و درجا فوت می‌کند.»

جعفر دلف‌زرگانی پدر مرتضی هم گفته «ماشین پلیس بدون هیچ هشدار یا اعلام ایست یا آژیر، ماشین را به رگبار بست و تیر به کودک ۹ ساله ما اصابت کرد و در همان لحظه فوت کرد.»

او افزوده «به ما گفته شد که قاتل، بازداشت شده است، اما

نسل زد؛ ایران‌سازی نیازمند به بستر مناسب در محیط کسب و کار (بخش دو)



اعتراضات سراسری در ایران وارد دوازدهمین روز خود شده است و حضور زنان و دختران جوان نیز در این اعتراضات بسیار پررنگ است

● نخستین مرحله آموزش رسمی در مدارس آغاز می‌شود و مدارس ایران از سال ۵۷ و پس از استقرار جمهوری اسلامی با تغییرات ساختاری و محتوایی بر پایه ایدئولوژی جمهوری اسلامی روبرو شدند. نظام آموزش و پرورش در ایران سال‌هاست بجای اینکه محلی برای پرورش استعدادها و آموزش به کودکان برای ساختن آینده کشور و پیشبرد حوزه‌های مختلف علمی و اقتصادی و خدماتی کشور باشد، به محلی برای تزریق ایدئولوژی حکومت با هدف تربیت افرادی در خدمت اُمت اسلام و آماده برای جهاد در پیشبرد و توسعه نگاه ایدئولوژیک جمهوری اسلامی و صدور انقلاب تبدیل شده است.

این گزارش تحقیقی توسط روشنگ آسترکی کارشناس اقتصادی و همکار کیهان لندن برای اندیشکده «پروژه ققنوس ایران» تهیه شده که در چند بخش در اختیار علاقمندان قرار می‌گیرد.

بخش دو نسل زد در ایران

نسل زد در ایران هرچند به دلیل روابط گسترده با دنیا، دارای ویژگی‌های مشترکی با هم‌نسلان خود در جهان است اما همزمان به دلیل تجربیات ویژه در حوزه اجتماعی، اقتصادی، آموزشی و سیاسی زیر سایه حکمرانی جمهوری اسلامی، تفاوت‌هایی نیز با هم‌نسلان در دیگر کشورها دارد. نسلی زد در ایران با رانت و فساد ساختاری، اقتصادی همواره توأم با رکود تورمی، روابط بین‌المللی ناپایدار ایران با دیگر کشورها و اثرات سوء آن بر زندگی شهروندان، فاصله عمیق میان دولت و ملت و پتانسیل اعتراضی-انقلابی در جامعه، دگردیسی اجتماعی ایرانیان درون کشور به دلیل تناقضات فرهنگی با فشارهای ایدئولوژیک حکومت روبرو بوده است. نسل زد در ایران اما چندان اسپر سیاست‌گذاری جریان‌ات حکومتی نبوده است؛ اصلاح‌طلبان اگر توانستند بر دو نسل پیشتر از اواسط دهه هفتاد تا پایان دهه ۸۰ اثرگذار باشند و دست‌کم برای دوره‌هایی نسل‌های پیشتر از نسل زد را با خود همراه کنند اما در تشکیل پایگاه اجتماعی متشکل از نسل زد ناکام ماندند.

هرچند در دیگر کشورها نسل زد را چندان علاقمند به مشارکت فعال در تحولات سیاسی ارزیابی نمی‌کنند اما حضور سیاسی نسل زد ایرانی در اعتراضات با شعار «اصلاح‌طلب اصولگرا دیگه همومه ماجرا» در اعتراضات دی‌ماه ۹۶ و از تجمع دانشجویان دانشگاه تهران آغاز شد که مرزبندی شفاف با همه جناحین جمهوری اسلامی را به نمایش گذاشت.

این مرزبندی با کلیت جمهوری اسلامی همواره شفاف و روشن ادامه یافت بطوری که در اعتراضاتی که از شهریور ۱۴۰۱ آغاز شده به اوج رسید و جنبش دانشجویی و دانش‌آموزی ایران نقش محوری در اعتراضات داشته و ساختارشکنانه‌ترین اعتراضات را برگزار و تندترین شعارها را سر دادند.

هرچند در برخی کشورها عدم داشت عرق ملی در میان نسل زد مطرح است، در ایران اما تجربه‌ی زیست در یک حکومت اُمت‌محور ضدملی سبب شده نسل زد بخشی از موج بیداری ملی برای عبور از جمهوری اسلامی و تکیه

خود از سوی جمهوری اسلامی روبروست. جرقه اعتراضات شهریور ۱۴۰۱ با قتل حکومتی مهسا امینی توسط نیروهای گشت ارشاد زده شد؛ پوشش مهسا، دخالت در نوع پوشش او و تجاوزی به حریم فردی او که به ضرب و جرح مأموران، به کما رفتن و در نهایت جان باختن مهسا منجر شد توانست خشم انباشته این نسل از دخالت‌های پی در پی حکومت در سبک زندگی و انکار «هویت فردی» را که برای این نسل اهمیت ویژه‌ای دارد به صورت انفجاری رها کند و آنها با ایجاد یک هویت جمعی در جریان اعتراضات، برای بازیابی هویت فردی خود، با دست خالی اما شجاعانه در مقابل نیروهای حکومتی ایستادند.

در نگاهی کلان‌تر، با پیروزی جنبش ملی که از شهریور ۱۴۰۱ آغاز شده و همچنان ادامه دارد، این نسل که در حال حاضر در دبیرستان و دانشگاه مشغول تحصیل هستند یا به تازگی وارد بازار کار شده‌اند، به عنوان بخش مهمی از ایران‌سازان خواهند بود که قرار است حوزه‌های مختلف اقتصادی، زیست‌محیطی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را پیش ببرند.

پرسش اما اینجاست که با توجه به تفاوت‌های آشکار این نسل با نسل‌های گذشته، چقدر برای آموزش و آماده‌سازی این نسل برنامه‌ریزی و عمل شده است؟ چالش‌ها برای حضور موثر و با بهره‌وری بالای این نسل در روند بازسازی ایران کجاست و چگونه می‌توان برای جبران بی‌تفاوتی جمهوری اسلامی به این نسل مهم، از هم‌اکنون، آماده شد و بسترهای لازم را فراهم کرد؟

برای پاسخ به چنین پرسش‌هایی می‌توان دو بخش محوری «آموزش» و «فضای کسب و کار» را مورد بررسی قرار داد تا خلاءها و کمبودها شناسایی شده و بتوان و پیشنهاداتی برای متناسب‌سازی فضای آموزش و کسب و کار برای این نسل ارائه داد.

به عرق ملی برای بازسازی دوباره کشور و بازیابی دوباره هویت از جمله هویت فردی خود باشد.

پس از جنبش ملی علیه جمهوری اسلامی که از شهریور ۱۴۰۱ و در پی جان باختن مهسا امینی به دلیل ضرب و جرح نیروهای گشت ارشاد آغاز شد، نهادهای امنیتی نظام تلاش کردند که نشانه‌های برجسته این اعتراضات را که همچنان از پتانسیل‌های مهم براندازی برای مخالفان به کار می‌رود انکار کنند. یکی از مهمترین ویژگی‌های اعتراضات ماه‌های گذشته در ایران که به ویژه از سوی نسل جوان برجسته بود تأکید آنها بر نام ایران، و مفهوم وطن و میهن در کنار آزادی بود. سرودهای «ای ایران» و «وطنم» در دانشگاه‌ها از سوی دانشجویان نسل زد، تولید محتوای اعتراضی از جمله ترانه‌هایی با تأکید بر مفاهیم ملی، برافراشته شدن پرچم شیروخورشید در اعتراضات درون کشور از سوی جوانان نسل زد از جمله مصادیق توجه ویژه این نسل به میهن و میهن‌دوستی است.

از سوی دیگر مطالعات صورت گرفته بر روی نسل زد در اکثر کشورها بیانگر اینست که کنش‌های این نسل همواره بر محور «هویت فردی» است و با چنین پیش‌فرضی، نقش‌آفرینی جنبش دانش‌آموزی و جنبش دانشجویی در اعتراضات انقلابی نیمه دوم سال ۱۴۰۱ خورشیدی، شگفت‌آور و بی‌پاسخ می‌نمود.

در توضیح حضور محوری نسل زد در جنبش انقلابی اخیر، باید گفت که جمهوری اسلامی تمام ابعاد زندگی و حیات شهروندان ایران در حوزه فردی، اجتماعی، خصوصی و عمومی را زیر رصد قرار داده و به عنوانی مختلف در این محورهای زندگی شهروندان مداخله می‌کند.

از دید نسل زد، نوع پوشش و سبک زندگی شخصی به عنوان بخشی از هویت فردی قابل توجه ویژه است و این نسل سال‌هاست با سرکوب ابعاد مختلف هویت فردی



آموزش نسل زد در ایران

نخستین مرحله آموزش رسمی در مدارس آغاز می‌شود و مدارس ایران از سال ۵۷ و پس از استقرار جمهوری اسلامی با تغییرات ساختاری و محتوایی بر پایه ایدئولوژی جمهوری اسلامی روبرو شدند. نظام آموزش و پرورش در ایران سال‌هاست بجای اینکه محلی برای پرورش استعدادها و آموزش به کودکان برای ساختن آینده کشور و پیشبرد حوزه‌های مختلف علمی و اقتصادی و خدماتی کشور باشد، به محلی برای تزریق ایدئولوژی حکومت با هدف تربیت افرادی در خدمت اُمت اسلام و آماده برای جهاد در پیشبرد و توسعه نگاه ایدئولوژیک جمهوری اسلامی و صدور انقلاب تبدیل شده است. تفاوت تعریف از آموزش در سال‌های پیش و پس از انقلاب تا آنجا بود که پس از استقرار جمهوری اسلامی مصرع «توانا بود هر که دانا بود» سروده فردوسی از ابتدای دروس درسی حذف و بجای آن جمله «تعلیم و تعلم عبادت است» منسوب به روح‌الله خمینی جایگزین شد و بدین ترتیب ایدئولوژی شیعه‌محور جایگزین دانایی و عقل‌محور بودن در نظام آموزشی جمهوری اسلامی شد.

هرچند مدت‌هاست مشخص شده تغییر ساختار آموزش و پرورش نتوانسته از کودک- شهروندان ایرانی، اعضای از پیکره‌ی اُمت اسلامی مد نظر جمهوری اسلامی بسازد، اما نبود سیاست‌گذاری و چشم‌انداز در حوزه آموزش، همچنان آسیبی جدی به شمار می‌رود. این آسیب در آموزش نسل زد را که نیازمند تغییرات ساختاری در شیوه، ابزارها و محتوای آموزشی، متناسب با خصوصیات این نسل هستند، می‌توان به عنوان تهدیدی جدی در زمینه آموزش تحلیل کرد؛ تهدیدی که همچنان برای نسل آلفا نیز وجود دارد.

نجات بهرامی تحلیلگر که خودش دو دهه سابقه آموزگاری در ایران داشته و برای مدتی معاون مرکز اطلاع‌رسانی و روابط عمومی وزارت آموزش و پرورش نیز بوده، معتقد است همخوانی و هماهنگی نظام آموزشی با خصوصیات و نیازهای نسل زد «فاجعه» و «بحران» است. او توضیح می‌دهد «از آنجا که در نظام آموزش و پرورش هیچ قدم اصولی برداشته نمی‌شود در نتیجه درک درستی هم از نیازها و ویژگی‌های این نسل انجام نمی‌شود. یکی از اصلی‌ترین مسائل اینست که آنچه از ملزومات زندگی این نسل است و به اصطلاح نمی‌شود از آنها کند و جدا کرد، در محتوای آموزشی یا فوق برنامه‌ها نمی‌آورد؛ یعنی نظام آموزشی جمهوری اسلامی هیچ تلاشی نکرده تا به این نسل نزدیک شود یا حتی در بین آنها اعتمادسازی کند.»

نجات بهرامی معتقد است که «خیلی بخواهیم در زمینه محتوا و نظام آموزشی ذره‌بین دست بگیریم می‌بینیم پس از سال‌ها، یک درس به عنوان «سواد رسانه» به دروس دبیرستان اضافه شده؛ گفته شده علت افزودن این درس هم این بوده که این نسل با رسانه زاده و بزرگ شده و حالا با چنین درسی اعتماد متقابل بین حکومت و این نسل ایجاد کرده و آنچه را می‌خواهیم کم‌کم به آنها القاء می‌کنیم. وقتی از این درس بعد از کلی تبلیغات روغمایی کردند دیدیم در کتابی که قرار است به نوجوانان دبیرستانی آموزش داده شود، همان نگاه، رویکرد و سخنان ایدئولوژیک سران جمهوری اسلامی درباره «فضای مجازی» گنجانده شده است. یعنی بیش از آگاه‌سازی، هدف هیولاسازی و ترساندن از رسانه در این کتاب دنبال شده است. از سوی دیگر محتوای آموزشی دروس اصولاً ضد این نسل است. یعنی محتوای دروس در نظام آموزشی جمهوری اسلامی اساساً ضد پرسشگری، ضد ارتباط متقابل

است و مبنی بر روی منبر رفتن است. دروس پرورشی و برنامه‌های فوق برنامه مدارس و هر چیزی به نظام آموزشی مرتبط است هیچ سنخیتی با نگاه، انتظارات و ویژگی‌های نسل زد ندارد.»

این آموزگار پیشین تأکید کرده که «سن دبیرستان یک سنی است که آنجا دیگر باید استعدادیابی به غر بنشیند و هر دانش‌آموزی به سوی علاقتاش سوق داده شود. در مجموع ما در این چهار دهه آن نگاه کلی و استراتژیکی را که تصمیم‌سازان هر کشور باید در سطح ملی برای آینده کشور ترسیم کنند که مثلاً اقتصاد این کشور قرار است طی سال‌های آینده مبتنی بر تکنولوژی باشد، صنعت باشد، یا توریسم باشد، نداشتیم. هر دفعه بر مبنای سخنرانی‌ها و تصمیمات یک‌شبه مسئولان یک چیزی در ایران اولویت می‌شده و می‌شود. در سطح مدارس هم وضعیت بحرانی‌تر است. یعنی ارتباطی بین مدرسه، بخش صنعت، بخش توریسم، بخش خدمات وجود ندارد. با اینکه ما مخصوصاً در سال‌های گذشته و از یک دهه پیش یک هجوم سرسام‌آور به رشته‌های مهندسی در دانشگاه داشتیم و طبیعتاً دانش‌آموزان زیادی رشته ریاضی فیزیک را انتخاب می‌کردند تا بتوانند در کنکور برای رشته‌های مهندسی اقدام کنند، اما می‌بینیم در دبیرستان، هیچ ارتباطی میان دروس و علوم نظری، با دروس تئوریک نبوده. در کلاس درس یک چارچوب بسته کلاس و تخته سیاه یا وایت بُرد بود و معلم محتوا را به صورت ذهنی به دانش‌آموزان آموزش می‌داد و دانش‌آموزان رها می‌شدند. در حالی که می‌بینیم در کشوری مثل آلمان که بر پایه صنعت و تکنولوژی است، مثلاً شرکت زیمنس روی دانش‌آموزان سرمایه‌گذاری کرده و در مدارس زیمنس برای دانش‌آموز از ابتدا رابطه موثری میان بخش تئوری و صنعت وجود دارد و ارتباط ناگسستگی میان دانش تئوری و عملی ایجاد می‌شود. در ایران اما حتی در سطوح بسیار پایین مثلاً در سطح کشاورزی که از ابتدا مورد تأکید سران جمهوری اسلامی بوده و آن ساختار کشاورزی که محیط زیست و منابع آبی را به نابودی می‌کشاند هم در دبیرستان‌ها هیچ ارتباطی میان دروس و بخش عملی وجود ندارد. قبلاً چندین طرح از جمله طرح کاد وجود داشت که یک روز در هفته دانش‌آموزان بجای کلاس درس، در حوزه‌های مختلف تولیدی، هنری و صنعتی مشغول می‌شدند؛ بعد دوباره جمهوری اسلامی خواست که هنرستان‌ها که در گذشته بخشی از نظام آموزشی بودند را احیا کند که به خاطر نبود استراتژی کلان و چشم‌انداز از سوی حاکمیت، و نبود امکانات اولیه که هیچ کارگاهی تجهیز نشد و دوباره به یک چارچوب کلاس درس خلاصه شد، و این طرح به این ترتیب در عمل موفق نبود. در نهایت دانش‌آموز در ایران اگر خانواده‌ی باسواد و آگاهی داشته باشد، ممکن است یک رشته را در دانشگاه انتخاب کند که بتواند برایش شغل ایجاد کند اما متأسفانه در حال حاضر بالای ۹۰ درصد از دانش‌آموزان در شهرهای بزرگ صرفاً برای راه یافتن به دانشگاه‌های خوب و در نهایت تقاضا برای دانشگاه‌های دیگر کشورها و اکثراً در چند رشته خاص تربیت می‌کنند بدون آنکه در نظر بگیرند این رشته‌ها برای آینده کشور مورد نیاز است یا نه.»

نبود درک و شناخت درستی از نسل زد اما جدا از اثرات مستقیم منفی بر آنها در نظام آموزشی و از نظر محتوای آموزشی، بطور غیرمستقیم نیز اثراتی منفی بر خود دانش‌آموزان دارد. نجات بهرامی در اینباره توضیح داده که «به دلیل تفاوت سبک زندگی و ظاهر و استایل نوجوانان نسل زد بسیاری از آموزگاران و معلمان پرورشی تصور

می‌کردند که این بچه‌ها «غیرنرمال» هستند و مشکلات حد دارند و احتمالاً دچار یک بحران اخلاقی هستند. بعد می‌دیدیم دانش‌آموزی که با چنین قضاوتی از سوی کادر مدرسه روبرو شده، مدل مویی دارد که معمول نیست، یا با موسیقی آشنایی دارد و گوش می‌کند که این موسیقی را معلم تا الان نشنیده است، یا یک عادت‌ها، رفتارها یا آواز خواندن‌ها یا تیپ زدن و لباس پوشیدن این نوجوانان برای اکثر کسانی که اطرافش هستند، غیرعادی به نظر می‌رسد.» نجات بهرامی معتقد است ناآگاهی نظام آموزشی نسبت به ویژگی‌های نسل زد در کنار نبود ارتباط موثر میان والدین و مدرسه سبب پریشان‌احوالی والدین هم شده است چون بسیاری از والدین به ویژه در اقشار سنتی نیز قضاوت‌هایی مشابه نسبت به فرزند نوجوان خود داشته و وقتی به مدرسه مراجعه می‌کنند با قضاوت‌هایی یکسان و حتی شدیدتر از سوی کادر مدرسه نسبت به «غیرعادی» و «انحراف» فرزندشان روبرو می‌شوند.

این کارشناس آموزش پیشنهاد می‌دهد نظام آموزشی در ایران باید بطور کلی متحول شود و تغییر کند. نگاه ایدئولوژیک از تنظیم محتوای درسی حذف، دروس مدرسه بر اساس استانداردهای آموزشی به‌روز شود و در مجموع محتوای درسی بر اساس سیاست‌گذاری توسعه‌ی کشور و نیازسنجی‌های بخش‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تنظیم شود. در آنسو رابطه بین والدین و مدرسه نیز نیازمند یک تحول بنیادین است. والدین باید ارتباط مستمر با مدرسه داشته باشند و بخشی از پیشبرد برنامه‌های آموزشی بوده و در روند اقدامات و تصمیمات مدارس سهیم باشند. ارتباط میان والدین و مدرسه می‌تواند به شکل موثری در افزایش بهره‌وری نظام آموزش و پرورش دانش‌آموزان نقش آفرین باشد.

مشکلات در سطح آموزش عالی و در دانشگاه‌ها نیز ادامه پیدا می‌کند؛ جمهوری اسلامی از ابتدا با «انقلاب فرهنگی» شالوده علم‌محور را که بر اساس نیازسنجی در کشور در دوره پهلوی در دانشگاه‌ها بنا نهاده شده بود، بهم ریخت. جدا از آنکه در قالب انقلاب فرهنگی و در همه سال‌های پس از آن بسیاری از اساتید دانشگاه به دلیل نگاه غیر ایدئولوژیک و همسو با جمهوری اسلامی از تدریس و آموزش کنار گذاشته شدند. محتوای دروس به ویژه در رشته‌های علوم انسانی دستخوش تحولاتی هم‌راستا با نگاه ایدئولوژیک جمهوری اسلامی شد و ذهن پرسشگر دانشجویان سرکوب گشت و فرهنگ مدرک‌محوری توسعه یافت. ساختار فاسد جمهوری اسلامی محیط‌های دانشگاهی را هم بی‌بهره نگذاشته و گذراندن دروس با پرداخت رشوه و خرید و فروش پایان‌نامه‌های دانشگاهی رواج دارد.

از سوی دیگر ظرفیت رشته‌های تحصیلی در دانشگاه‌ها هیچ تناسبی با نیازهای کشور نداشته و در حالی که ایران در برخی رشته‌های تحصیلی با کمبود متخصص روبروست در برخی رشته‌ها نیز موجی از فارغ‌التحصیلان بی‌کار وجود دارد. نگاه سرکوبگرانه و امنیتی از ابتدای انقلاب با شکل‌گیری بخش‌هایی چون «حراست»، «انجمن اسلامی» و «بسیج» در دانشگاه‌ها تثبیت شد و همواره دانشجویان از جمله اقشاری بوده و هستند که زیر فشار امنیتی و قضایی جمهوری اسلامی قرار دارند.

عدم بازنگری در فضای دانشگاه‌ها چه از نظر علمی و تغییرات در امکانات و تجهیزات، و چه از نظر امنیتی بودن فضای دانشگاه با ذهن کنجکاو، جستجوگر، مستقل و واقع‌گرای نسل زد هیچ تناسبی ندارد.

[ادامه دارد]



علی باقری کنی نماینده جمهوری اسلامی در مذاکرات اتمی وین در مقابل هتل کوبورگ

سفر احتمالی علی باقری کنی به نروژ برای برجام؛ سخنگوی وزارت خارجه آمریکا: هرگاه منافع ما ایجاب کند به جمهوری اسلامی پیام می‌دهیم

ناشی از رژیم ایران و گروه‌های نیابتی است. نتانیاهو بار دیگر تکرار کرد «توافقی با ایران وجود ندارد که اسرائیل به آن ملزم باشد... حداکثر تلاش‌مان را برای دفاع از خودمان خواهیم داشت... هر توافقی که آمریکا آن را درباره برنامه هسته‌ای ایران با این کشور امضا کند برای اسرائیل الزام‌آور نیست.»

برخی نمایندگان پارلمان اروپا در تلاش‌اند تا سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در فهرست سازمان‌های تروریستی اتحادیه قرار دهند اما همزمان نماینده‌های دولت‌های غربی به دنبال روزنه‌ای برای گفتگو با رژیم ایران هستند.

هنوز مشخص نیست طرفین بر سر «احیای برجام» مذاکره می‌کنند یا «توافق موقت». با اینهمه محمدجواد ظریف وزیر خارجه پیشین جمهوری اسلامی در دو دولت حسن روحانی اخیراً در نشست مجازی که در کلاب‌هاوس برگزار شد به دو نکته اشاره کرد: (۱) روسیه مانع اصلی بی‌نتیجه ماندن گفتگوها با غرب برای «احیای برجام» است و (۲) امکان رسیدن توافق بهتر از برجام وجود ندارد. او توضیح داد: «اگر برجام از بین برود، جانشین آن نمی‌تواند توافقی باشد که بعضی خواسته‌های دیگر غربی‌ها را در بر نداشته باشد.»

منافع آمریکا منبای پیام به رژیم ایران است

سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در جریان نشست مطبوعاتی روز سه‌شنبه در ارتباط با مذاکره با جمهوری اسلامی در مورد مسائل اتمی و گروه‌های آمریکایی در ایران گفت: «محرکز ایالات متحده بر جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح اتمی است.»

ماتیو میلر تأکید کرد: «ایالات متحده همیشه این توانایی را دارد که هرگاه منافع آمریکا را ایجاب کند پیام‌هایی را به جمهوری اسلامی برساند.» وی بر «تعهد دولت جو بایدن» بر جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای تأکید کرد و افزود که «دیپلماسی رویکرد ارجح است ولی با وجود این راه را برای گزینه‌های دیگر نیز باز نگه می‌داریم.» میلر اما ادعاهای مربوط به «توافق موقت» را رد کرد و مدعی شد که اینگونه خبرها کاملاً نادرست هستند.

خارجه جمهوری اسلامی برای دیدار با مقامات اروپایی به اسلو پایتخت نروژ می‌رود.

هنوز جزئیات این سفر مشخص نیست اما وی روز دوشنبه ۲۲ خرداد در ابوظحبی پایتخت امارات با نمایندگان بریتانیا، فرانسه و آلمان دیدار کرد و خبر آن یک روز بعد رسانه‌ای شد. پایگاه خبری «امواج مدیا» که اخبار منطقه را پوشش می‌دهد درباره سفر باقری کنی به نروژ می‌نویسد هیچ تأییدی مبنی بر موافقت وی برای سفر به اسلو وجود ندارد و مشخص نیست که آیا این دعوت مربوط به دیدارهای دوجانبه است یا جلسات با همتایان وی از سه کشور اروپایی امضاکننده‌ی برجام خواهد بود.

یک منبع ارشد ایرانی به «امواج مدیا» گفت: «وقتی او با این سه کشور در ابوظحبی ملاقات کرد، چرا باید به اسلو برود؟» علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی اخیراً در دیدار با رئیس و اعضای سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی از مواضع قبلی خود عقب‌نشینی کرد و گفت: «توافق عیبی ندارد اما زیرساخت‌های هسته‌ای دست نخورد.» برخی تحلیلگران معتقدند این اظهارات خامنه‌ای یک نرمش قهرمانانه‌ی دیگر و چراغ سبز به غربی‌ها برای معامله است اما در همان سخنرانی نیز تأکید کرد «زیر بار حرف زور آژانس در مورد مسائل پادمانی» و خواسته‌های «بیشتر» نروید!

منظور از مسائل پادمانی پروژه‌های هسته‌ای مشکوک است که برخی شواهد نشان می‌دهد مربوط به ساخت تسلیحات هسته‌ای است. علاوه بر عمان، مقامات کویت و امارات نیز پشت صحنه به عنوان «واسطه» و «میانجی» در پی منافع خود این موضوع را پیگیری می‌کنند.

بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل روز سه‌شنبه در نشست کمیته امنیت و سیاست خارجی پارلمان اسرائیل (کنست) گفت که «ایران و آمریکا به دنبال توافق کوچک هستند... بر اساس این توافق آنها درباره چیزهایی مثل آزادسازی پول‌های بلوکه شده و مبادله زندانیان در برابر توقف غنی‌سازی اورانیوم ایران در سطح بالا در حال گفتگو هستند.» وی تأکید کرد که «۹۰ درصد از مشکلات امنیتی اسرائیل

منابع عربی گزارش دادند علی باقری کنی معاون وزیر خارجه جمهوری اسلامی برای دیدار با مقامات اروپایی به اسلو پایتخت نروژ می‌رود. پایگاه خبری «امواج مدیا» که اخبار منطقه را پوشش می‌دهد درباره سفر باقری کنی به نروژ می‌نویسد هیچ تأییدی مبنی بر موافقت وی برای سفر به اسلو وجود ندارد و مشخص نیست که آیا این دعوت مربوط به دیدارهای دوجانبه است یا جلسات با همتایان وی از سه کشور اروپایی امضاکننده‌ی برجام خواهد بود.

علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی اخیراً در دیدار با رئیس و اعضای سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی از مواضع قبلی خود عقب‌نشینی کرد و گفت: «توافق عیبی ندارد اما زیرساخت‌های هسته‌ای دست نخورد.» برخی تحلیلگران معتقدند این اظهارات خامنه‌ای یک نرمش قهرمانانه‌ی دیگر و چراغ سبز به غربی‌ها برای معامله است.

بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل در نشست کمیته امنیت و سیاست خارجی پارلمان اسرائیل گفت که «ایران و آمریکا به دنبال توافق کوچک هستند... بر اساس این توافق آنها درباره چیزهایی مثل آزادسازی پول‌های بلوکه شده و مبادله زندانیان در برابر توقف غنی‌سازی اورانیوم ایران در سطح بالا در حال گفتگو هستند.»

هنوز مشخص نیست طرفین بر سر «احیای برجام» مذاکره می‌کنند یا «توافق موقت». با اینهمه محمدجواد ظریف وزیر خارجه پیشین جمهوری اسلامی در دو دولت حسن روحانی اخیراً در نشست مجازی که در کلاب‌هاوس برگزار شد به دو نکته اشاره کرد: (۱) روسیه مانع اصلی بی‌نتیجه ماندن گفتگوها با غرب برای «احیای برجام» است و (۲) امکان رسیدن توافق بهتر از برجام وجود ندارد. او توضیح داد: «اگر برجام از بین برود، جانشین آن نمی‌تواند توافقی باشد که بعضی خواسته‌های دیگر غربی‌ها را در بر نداشته باشد.»

در شرایطی که مقامات جمهوری اسلامی و آمریکا هر دو مذاکره با یکدیگر را برای دستیابی به توافق را تأیید می‌کنند برخی منابع گزارش می‌دهند علی باقری کنی معاون وزیر

Boloh مشاوران سازمان کمک‌دهنده
با تسلط به زبان مادری شما، همواره آماده همکاری و کمک به متقاضیان بزرگسال پناهندگی در بریتانیا هستند.

لطفاً با شماره تلفن:
۰۸۰۰۱۵۱۲۶۰۵
تماس بگیرید.



Believe in children
Barnardo's

هشدار رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت درباره «آبرپروژه امنیتی» علیه نظام



دیش‌های ماهواره بر پشت‌بام‌های تهران

به خانه برگردانیم!» این سخنان به نوعی اعتراف به ریزش بدنه‌ی نظام و روی آوردن و توجه «خواهران و برادران» به مخالفان رژیم است. در مقابل اما برخی عوامل نظام مدعی‌اند که پیروز جنگ ترکیبی جمهوری اسلامی است و دشمن در آن شکست خورده است.

نشست نظامی‌ها و دانشگاهی‌ها برای مقابله با جنگ شناختی

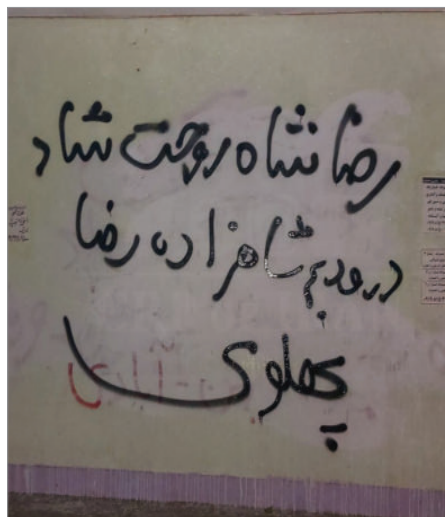
بخشی از پروژه‌های ارگان‌های امنیتی و نظامی جمهوری اسلامی بر «مقابله با جنگ شناختی در فضای مجازی» متمرکز است. جایی که حکومت حتا با فیلترینگ هم نتوانسته فضای آن را مدیریت کند. در همین ارتباط روز ۲۳ خرداد محمدمهدی طهرانچی رئیس دانشگاه آزاد اسلامی با سردار ابوالفضل شکارچی سخنگوی ارشد نیروهای مسلح جلسه داشت.

در این جلسه طهرانچی گفته «میدان جنگ ترکیبی اکنون در خانه‌ها و کف خیابان‌هاست و ابزار آن برای القای فرهنگی در دست دشمن است.»

وی هشدار می‌دهد: «همی‌شود با کسی که با اسلحه به جنگ آمده، با شمشیر جنگید و در فضای جدید باید با درک و پیشروی در فناوری اطلاعات و شناخت، وارد جنگ شد. امروز ابزار جنگ، فناوری اطلاعات و هوش مصنوعی و ابزار مقابله نیز در همین فضا تعریف می‌شود و دانشگاه‌ها باید در این زمینه پیشرو بوده و روی آن کار کنند.»

در همین ارتباط این نکته مطرح شده است که دیدگاه یادشده در اتاق‌های فکری نظام به معنای اعتراف به زمینگیر شدن ماشین سرکوب از جمله شلیک‌های خیابانی و اعدام است.

تأکید می‌کند جریان‌سازی و تبلیغ روایت‌های دروغ و جعلی در مقابل خاندان پهلوی است. درباره وضعیت نظام در مقابل «جنگ ترکیبی و شناختی» بین دست‌اندرکاران و عوامل حکومت اختلاف نظر وجود دارد. شماری از آنها دائم در این مورد هشدار می‌دهند.



عبدالرحیم موسوی فرمانده ارتش معتقد است «دشمنان با جنگ شناختی موفق شده‌اند در ادراک و شناخت برخی از مردم ما تأثیر بگذارند و این یعنی توانسته‌اند خرمشهرهایی را فتح کنند.»

وی با اشاره به اعتراضات خیابانی گسترده علیه نظام تأکید کرده «باید تلاش کنیم این خرمشهرها را آزاد کنیم و خواهران و برادرانمان که به اسارت دشمن آمده‌اند را

● سپهر خلجی رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت در گردهمایی استانداران در حضور سردار پاسدار احمد وحیدی وزیر کشور جمهوری اسلامی گفته «آرایش رسانه‌های دشمنان از مدت‌ها قبل حالت آفندی پیدا کرده‌اند و تلاش می‌کنند با تصویرسازی سیاه نظام را ناکارآمد نشان دهند.»

● وی هشدار داده «در صورتی که از رسانه‌های داخلی حمایت نشود و روایت اول را تولید نکنیم، روایت اول در دست دیگران خواهد بود.»

● عمده تمرکز مقامات جمهوری اسلامی روی جنگ ترکیبی محبوبیت پهلوی‌ها در ایران میان اقشار مختلف مردم است. اساس «جهاد تبیین» که علی خامنه‌ای دائم روی آن تأکید می‌کند جریان‌سازی و تبلیغ روایت‌های دروغ و جعلی در مقابل خاندان پهلوی است.

● محمدمهدی طهرانچی رئیس دانشگاه آزاد اسلامی در جلسه با سردار ابوالفضل شکارچی سخنگوی ارشد نیروهای مسلح گفته «میدان جنگ ترکیبی اکنون در خانه‌ها و کف خیابان‌هاست و ابزار آن برای القای فرهنگی در دست دشمن است.»

● رئیس دانشگاه آزاد هشدار داده «همی‌شود با کسی که با اسلحه به جنگ آمده، با شمشیر جنگید و در فضای جدید باید با درک و پیشروی در فناوری اطلاعات و شناخت، وارد جنگ شد.»

رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت در گردهمایی استانداران که روز ۲۳ خرداد در سالن وزارت کشور جمهوری اسلامی برگزار شد هشدار داد «درگیر یک آبرپروژه امنیتی از سوی رسانه‌های دشمنان هستیم.»

سپهر خلجی در گردهمایی که سردار پاسدار احمد وحیدی وزیر کشور جمهوری اسلامی نیز در آن حضور داشت گفت: «آرایش رسانه‌های دشمنان از مدت‌ها قبل حالت آفندی پیدا کرده است و نه تنها نقاط ضعف بلکه نقاط قوت را هم در کشور نظیر برگزاری راهپیمایی جهانی اربعین مورد هدف قرار می‌دهند.»

وی توضیح داد که «تمام تلاش دشمنان و رسانه‌های آنها تصویرسازی سیاه، ناکارآمد و غیرکارشناسی از اقدامات، طرح‌ها و برنامه‌ها در کشور و ناامید کردن، معترض و سرخورده نشان دادن مردم است.»

خلجی توصیه کرد: «مأموریت و اولویت اصلی ما تقویت رسانه‌های خودی، اعتمادسازی و برطرف کردن شبهات ایجاد شده و پاسخ به انتقادات است.»

از دیگر مسائلی که رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت نسبت به آن هشدار داد «جنگ ترکیبی و ادراکی علیه جمهوری اسلامی» است. او تأکید کرد چنین جنگی «برای مردم محسوس نیست» اما هدف آن «ناتوان نشان دادن نظام برای رسیدگی به امور کشور است.»

وی همچنین افزود: «در صورتی که از رسانه‌های داخلی حمایت نشود و روایت اول را تولید نکنیم، روایت اول در دست دیگران خواهد بود.»

عمده تمرکز مقامات جمهوری اسلامی روی جنگ ترکیبی محبوبیت پهلوی‌ها در ایران و میان اقشار مختلف مردم است. اساس «جهاد تبیین» که علی خامنه‌ای دائم روی آن

مفهوم تعهدات جهانی و مواضع جمهوری اسلامی

تعهدات جهانی چیست؟



● با وجود روشنی و وضوح اهمیت «تعهدات جهانی» کشورها در قبال منافع جامعه بین‌المللی، جمهوری اسلامی ایران همواره چنین تعهداتی را نادیده گرفته است. در زمینه حقوق بشر، این قصور (عالمانه و یا نادانسته) در انجام «تعهدات جهانی» بیش از هر نوع دیگر بی‌اعتنایی به قوانین بین‌المللی مشهود و بی‌شرمانه است.

محمود مسائلی - در حقوق بین‌الملل و به ویژه در حقوق بشر بین‌المللی، مفهوم «تعهدات جهانی» [۱] و یا به زبان بهتر و روشن‌تر «تعهداتی نسبت به همه جهانیان»، به منزله یک وظیفه اجتناب‌ناپذیر برای همه کشورها نسبت به حفاظت از منافع جامعه بین‌المللی به شمار می‌رود.

تعهدات جهانی چیست؟

تعهدات جهانی دارای چنان اهمیتی برای جامعه بین‌المللی هستند که نمی‌توان از آنها عدول کرد. مفهوم «تعهدات جهانی» که از ریشه لاتین سرچشمه می‌گیرد و به معنای وظایف «در قبال همه» جهانیان است، ایجاب می‌کند که کشورهای جهان از هنجارها و اصولی پیروی کنند که برای جامعه بین‌المللی ارزشمند و گرامی هستند. افزون بر این نوع تعهدات، کشورها موظف هستند به تعهدات ناشی از عهدنامه‌ها و موافقت‌نامه‌هایی که در سطح بین‌المللی منعقد کرده‌اند نیز احترام گذاشته و همه سعی و تلاش خود را برای اجرای آنها به کار گیرند. ایندسته از وظایف کشورها به عنوان تعهداتی که «هر کشور عضو معاهده نسبت به اعضای دیگر معاهده دارد»، شناخته می‌شود. [۲] از جمله اینگونه تعهدات قراردادی می‌توان، به عنوان مثال، منشور ملل متحد را نام برد. بر اساس منشور، اعضای سازمان ملل متحد موظف می‌باشند «ایمان خود را به حقوق اساسی بشر، به حیثیت و ارزش انسان، به حقوق برابر زن و مرد مورد بازتأیید قرار دهند». همچنین اعضای سازمان ملل متحد به «ترویج پیشرفت اجتماعی و استانداردهای بهتر زندگی در آزادی بیشتر» متعهدند. اینها تعهداتی هستند که هیچگونه انحرافی از آنها جایز نیست. [۳] اهمیت اینگونه «تعهدات جهانی» و تعهداتی که «هر کشور عضو معاهده نسبت به اعضای دیگر معاهده دارد»، در نیاز جامعه بین‌المللی به همزیستی مسالمت‌آمیز و توسعه روابط دوستانه بین کشورها بر اساس احترام به هنجارها و اصول ذاتی حقوق بشر، قرار دارد.

با وجود روشنی و وضوح اهمیت «تعهدات جهانی» کشورها در قبال منافع جامعه بین‌المللی، جمهوری اسلامی ایران همواره چنین تعهداتی را نادیده گرفته است. در زمینه حقوق بشر، این قصور (عالمانه و یا نادانسته) در انجام «تعهدات جهانی» بیش از هر نوع دیگر بی‌اعتنایی به قوانین بین‌المللی مشهود و بی‌شرمانه است.

این فصل سه پرسش را به بحث می‌گذارد:

«تعهدات جهانی» چیست؟

چرا جمهوری اسلامی ایران آنها را نادیده می‌گیرد؟

پیامدهای این قصور در قبال حقوق بشر چیست؟

با طرح پرسش‌ها، کوشش می‌شود با ارائه تحلیل کاملی از مفهوم «تعهدات جهانی»، اهمیت آن با توجه به آرای

جهانی» به یک هنجار اساسی رفتار در حقوق بین‌الملل معاصر و به ویژه حقوق بین‌الملل حقوق بشر تبدیل شده است. با الهام از این هنجار حقوقی اساساً جهانشمول، قواعد مرسوم عمومی حاکم بر رفتار کشورها از اصل رضایت مبتنی بر حاکمیت کشورها فراتر رفته و راه خود را به سوی افق نوینی برای برقراری نظمی عادلانه‌تر در جامعه بین‌المللی باز می‌کند. به عبارت دیگر، حقوق بین‌الملل معاصر، چه در تحقیقات دانشگاهی و چه در رویه‌های دیوان بین‌المللی دادگستری، مشتاق است مفهوم «تعهدات جهانی» را در بالاترین درجه اعتبار سلسله مراتب وظایف کشورها در عرصه بین‌المللی قرار دهد. اینها تعهداتی هستند که بر «بایستن» دلالت دارند، یعنی وظایفی که باید مستقل از اراده قانونگذاران بین‌المللی و رضایت کشورها توسط آنان به عهده گرفته شود. اینگونه سلسله مراتب تعهداتی کشورها را می‌توان در نمودار زیر مشاهده نمود.

«تعهدات جهانی» برای همه اعضای جامعه بین‌المللی الزام‌آورند. این در حالیست که تعهدات قراردادی فقط برای کشورهایی که با رضایت خود قراردادی دوجانبه یا چندجانبه را منعقد کرده‌اند الزام‌آور است. این ادعا توسط ماده ۱۱ مقاله‌نامه حقوق معاهدات سال ۱۹۶۹، موسوم به مقاله‌نامه وین، تأیید شده است: «رضایت یک کشور برای التزام به یک معاهده ممکن است با امضا، مبادله اسناد تشکیل‌دهنده یک معاهده، تصویب، پذیرش، تصویب یا الحاق یا هر وسیله دیگری در صورت توافق بیان شود.» با این حال، نوعی همپوشی میان «تعهدات ارگا امنس» و وظایف حقوقی حاصل از قراردادها وجود دارد. منظور این است که اگر قواعد حقوق بین‌الملل به ارزشها و منافع بنیادین جامعه بین‌المللی مربوط باشد، تعهدات قراردادی به وظایف کاملاً الزام‌آوری که «ارگا امنس» تبدیل شده و از این رو در مورد کشورهایی هم که عضو معاهداتی نیستند، اعمال می‌شوند.

ترافعی و نظریه‌های مشورتی دادگاه بین‌المللی دادگستری و همچنین اسناد حقوقی بین‌المللی، توضیح داده شود. در عین حال، این موضوع نیز به بحث گذاشته می‌شود که به دلیل عدم ایمان به حقوق بشر و دموکراسی، جمهوری اسلامی نمی‌تواند به پیروی از «تعهدات جهانی» و هنجارها و اصول حقوق بشر ملتزم و وفادار باشد.

طرح موضوع

«ارگا» واژه‌ای کلاسیک از زبان لاتینی به معنای «به سوی»، «برای»، «با توجه به»، «احترام به»، و «امنس» به معنای «همه» است. این دو واژه عناصر تشکیل‌دهنده مفهوم «تعهدات جهانی»، یعنی «تعهداتی نسبت به همه جهانیان»، را تشکیل می‌دهند. در حقوق بین‌الملل مفهوم «تعهدات جهانی» دربرگیرنده وظایفی است که کشورها نسبت به ارزشها و منافع اساسی جامعه بین‌المللی می‌بایست به عهده گرفته و در انجام آن تعهدات همه مساعی لازم را به کار گیرند. از آنجا که «تعهدات جهانی» در ماهیت خود بر وظایف و مسئولیت‌های استوار و انکارناپذیر قرار دارند که از نوعی ضرورت «بایستن» سرچشمه می‌گیرد، مسئولیت حاصل از قصور و کوتاهی در انجام آن تعهدات، نه تنها بر عهده کشور خاطی است، بلکه جامعه بین‌المللی نیز، به دلیل خساراتی که اینگونه قصور برای همه اعضای خانواده بشری به وجود می‌آورد، باید نسبت به آن واکنش نشان دهد.

این بدان معناست که همه کشورها باید در حفظ ارزشهای مورد احترام جامعه بین‌المللی مسئول بوده و می‌بایست وظایفی را در جهت اجرای آنها به کار گیرند. در مواردی شامل ممنوعیت جنایت علیه بشریت و یا شکنجه کشتار جمعی، هر کشوری ممکن است علیه کشور متخلف، بدون اینکه خودش از آن قصور و کوتاهی آسیب دیده باشد، اقدامات قانونی را انجام دهد. اینگونه است که «تعهدات

فایننشال تایمز:

آمریکا به زودی تخلیه نفت از نفتکش توقیف شده ایرانی «سوئز راجان» را آغاز می کند



تصویر ماهواره‌ای از نفتکش ایرانی «سوئز راجان» در نزدیکی گالوستون

می‌دهد که دولت آمریکا با صاحبان و اپراتورهای نفتکش بر سر مجازات‌های کیفری به توافق رسیده است. مقامات اداره کشتیرانی آمریکا پس از ورود کشتی به تگزاس، برای بازرسی‌های ایمنی به داخل رفتند. آنها گفتند که برای رسیدگی به این پرونده این کشتی مجوز واردات نفت ایران را از وزارت خزانه داری آمریکا دریافت کردند. دولت بایدن اخیراً گشت‌زنی‌های خود را برای پاسخ به توقیف کشتی‌ها توسط جمهوری اسلامی در تنگه هرمز افزایش داده است، جایی که روزانه حدود یک سوم محموله‌های نفتی دنیا از طریق دریا از آن عبور می‌کند. برخی منابع می‌گویند ممکن است آمریکا این محموله را پیشاپیش فروخته باشد و احتمالاً درآمد حاصل از آن به یک صندوق ایجاد شده از سوی کنگره آمریکا برای «قربانیان تروریسم دولتی» اختصاص داده شود. ایالات متحده در سال ۲۰۲۱ نیز ۲ میلیون بشکه نفت ایران را پس از توقیف یک نفتکش در سواحل امارات متحده عربی فروخت و ۵۰۷ هزار بشکه نفت دیگر را در سال ۲۰۲۲ فروخت که گمان می‌رود با توقیف دو نفتکش مرتبط باشد. روزنامه «فایننشال تایمز» می‌نویسد پرونده «سوئز راجان» یکی از چندین حادثه دریایی اخیر است که ایالات متحده و ایران را درگیر کرده و تهدیدی برای افزایش تنش بین دو کشور به شمار می‌رود زیرا واشنگتن و متحدان اروپایی در حال مباحثه و گفتگو بر سر نحوه برخورد با جمهوری اسلامی به خاطر فعالیت‌های هسته‌ای هستند.

● نفتکش «سوئز راجان» که حامل حدود ۸۰۰ هزار بشکه نفت به ارزش ۵۶ میلیون دلار است سال گذشته توقیف شد. محموله این کشتی قرار بود به چین برود. ● یکی از مقامات پیشین دولت جو بایدن گفت که ورود نفتکش «سوئز راجان» به سواحل گالوستون، احتمالاً نشان می‌دهد که دولت آمریکا با صاحبان و اپراتورهای نفتکش بر سر مجازات‌های کیفری به توافق رسیده است. ● برخی منابع می‌گویند ممکن است آمریکا این محموله را پیشاپیش فروخته باشد و احتمالاً درآمد حاصل از آن به یک صندوق ایجاد شده از سوی کنگره آمریکا برای «قربانیان تروریسم دولتی» اختصاص داده شود.

آمریکا به زودی تخلیه نفت از نفتکش ایرانی توقیف شده را که در بندر تگزاس لنگر انداخته آغاز خواهد کرد. روزنامه «فایننشال تایمز» با اعلام این خبر می‌نویسد این رویداد ممکن است به باعث تشدید جنگ سایه با نفتکش‌ها در خلیج فارس توسط تهران شود. نفتکش «سوئز راجان» که حامل حدود ۸۰۰ هزار بشکه نفت به ارزش ۵۶ میلیون دلار است سال گذشته توقیف شد. محموله این کشتی قرار بود به چین برود. به تلافی توقیف آن، جمهوری اسلامی کشتی «ادونتیج سوییت» را توقیف کرد که حامل نفت خام کویت برای شرکت انرژی آمریکایی «شورون» بود. یکی از مقامات پیشین دولت جو بایدن گفت که ورود نفتکش «سوئز راجان» به سواحل گالوستون، احتمالاً نشان

برای ارائه شهادی بر این مدعا می‌توانیم به قضیه‌ای که توسط دادگاه بین‌المللی دادگستری در سال ۱۹۷۱ مورد بررسی قرار گرفت، ارجاع کنیم. موضوع از این قرار است که به دنبال ادامه اشغال غیرقانونی آفریقای جنوب غربی (نامیبیا امروز) توسط آفریقای جنوبی، در ۲۹ ژوئیه ۱۹۷۰، شورای امنیت قطعنامه ۲۷۶ را صادر کرد و از دادگاه خواست تا نظر مشورتی در مورد وضعیت حقوقی اشغال آن سرزمین توسط آفریقای جنوبی ارائه دهد. [۴] شورای امنیت در این قطعنامه خاطرنشان ساخته بود که با پایان یافتن سیستم قیمومت، حضور آفریقای جنوبی در نامیبیا غیرقانونی است. دادگاه نیز در نظر مشورتی خود در ۲۱ ژوئن ۱۹۷۱ اعلام کرد که ادامه حضور آفریقای جنوبی در نامیبیا غیرقانونی است و می‌بایست به سرعت از آن خارج شود. نظر مشورتی بیان می‌کند که آفریقای جنوبی «موظف است که قیمومت ادعایی خود بر سرزمین آفریقای جنوب غربی پایان دهد. آفریقای جنوبی با اشغال غیرقانونی آن سرزمین، مسئولیت بین‌المللی خود را که ناشی از نقض مداوم تعهدات بین‌المللی صورت گرفته نقض کرده است.» [۵] دادگاه همچنین دریافت که کشورهای عضو سازمان ملل متحد موظفند غیرقانونی بودن حضور آفریقای جنوبی در نامیبیا و بی اعتباری اقدامات آن را از طرف یا در رابطه با نامیبیا به رسمیت بشناسند و از هرگونه اقدامی که متضمن به رسمیت شناختن قانونی بودن آن باشد خودداری کرده و یا هر نوع حمایت یا کمک به چنین اشغال سرزمینی را متوقف سازند. دادگاه نظر مشورتی برجسته‌ای صادر کرد که تعهدات کشورها را فراتر از اصل رضایت در حقوق قراردادی تأیید می‌کند:

– ادامه حضور آفریقای جنوبی در نامیبیا غیرقانونی است. آفریقای جنوبی موظف است فوراً حکومت خود را از نامیبیا خارج کند و به اشغال این سرزمین پایان دهد.
– اعضای سازمان ملل متحد موظفند غیرقانونی بودن حضور آفریقای جنوبی در نامیبیا و بی اعتباری آن را به رسمیت بشناسند و از هرگونه اقدام و به ویژه هرگونه معامله با دولت آفریقای جنوبی خودداری کنند.
– کشورهایی که عضو سازمان ملل نیستند موظف می‌باشند در چارچوب بند ۲ فوق در اقداماتی که توسط سازمان ملل در رابطه با نامیبیا انجام شده است همکاری نمایند. [۶]

این حکم در حقیقت به منزله انقلابی در سابقه عملکرد دادگاه بود زیرا اینگونه تعهدات جهانی (ارگا امنس) را مشمول حتی کشورهایی می‌دانست که عضو سازمان ملل متحد نیستند. به نظر دادگاه، برخی تعهدات بین‌المللی برای همه کشورها الزام‌آور است زیرا این تعهدات به ارزش‌ها و منافع جامعه بین‌المللی وابسته هستند.

*دکتر محمود مسائل بنیانگذار و دبیرکل افتخاری اندیشکده بین‌المللی نظریه‌های بدیل؛ با مقام مشورتی نزد سازمان ملل متحد؛ بنیانگذار و مدیر مرکز مطالعات عالی حقوق بشر و توسعه دموکراتیک؛ اتاوا؛ کانادا

- [۱] Erga omnes obligations
- [۲] Erga omnes partes
- [۳] Non-derogable obligations
- [۴] The Situation in Namibia, Security Council Res. ۱۹۷۰(۲۷۰)
- [۵] Legal Consequences for States of the Continued Presence of South Africa in Namibia (Southwest Africa), International Court of Justice, p. ۴۲
- [۶] Ibid. p. ۴۶

پرسش و پاسخ صدرالدین الهی و دکتر مصباحزاده درباره سیاست کیهان و سیاست روز: همه‌ی ما بودیم! دست‌مان بود و تقصیر آستین‌مان نبود!



دکتر مصطفی مصباحزاده و دکتر صدرالدین الهی

اسلامی و توده‌ای و چپی خود را کاملاً نشان دادند و البته در این زمان دیگر کاری از دست کسی ساخته نبود.

رستاخیز کیهانی

-در سال‌های ۴۰-۳۸ شما در کیهان جنبشی به نام «نهضت رستاخیز» ایجاد کردید که از جهت سازمانی و تشکیلاتی بیشتر به یک حزب سیاسی می‌مانست در حالی که ظاهر فرهنگی داشت. در همین حال اقدام به ایجاد تالاری در کیهان کردید که در آن مردمان و شاکیان از هر طبقه و صنف جمع می‌شدند و مشکلات خود را مطرح می‌کردند و روز بعد صفحات کیهان منعکس کننده این نارضایتی‌ها بود. شما سرود رستاخیز درست کردید. نشان رستاخیز درست کردید. حتی شایع شد که نخست وزیر آینده خواهید بود. در مقایسه با رستاخیز کیهان درباره «حزب رستاخیز» که در پایان دوران پادشاه درگذشته ایران درست شد چه فکر می‌کنید؟

دکتر مصباحزاده: «جنبش رستاخیز ملی» به مناسبت بیستمین سال انتشار کیهان به وجود آمد. رستاخیز ملی به ظاهر یک جنبش ملی و اجتماعی بود ولی درحقیقت یک حزب سیاسی بود. اصول رستاخیز ملی همان خواسته‌های ما بود که در اولین سرمقاله کیهان بیست سال پیش [از آن] منتشر شد. شعار رستاخیز ملی عبارت بود از فکر نو، راه نو، ایران نو. مردم نشان رستاخیز را که عبارت بود از نقشه ایران و پرچم ایران به سینه می‌زدند و سرود آن را با آهنگ و بلند می‌خواندند. کانون‌های رستاخیز در تمام شهرها و دهات برای پیشبرد اصول رستاخیز ملی از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کردند. در هر شهر یا روستایی کانون رستاخیز از یک مالک، یک بازرگان، یک کشاورز، یک کارگر و یک دبیر یا آموزگار و یک روحانی تشکیل می‌شد. ناگفته نماند که خود مردم محل اعضای کانون را انتخاب می‌کردند.

یک سال از عمر رستاخیز نگذشته بود که در همه جای کشور از شهر و روستا صحبت از آن بود. در یکی از این روزهای پُر سر و صدای رستاخیز، عَلمِ نخست وزیر تلفن کرد و گفت: «ارباب (مقصودش علیحضرت بود) امر فرموده‌اند هفته‌ای یکبار شرفیاب شوید و از تشریفات به شما خبر خواهند داد.»

در اولین شرفیابی شاهنشاه فرمودند: «این رستاخیز چیه که اینهمه سر و صدا راه انداخته است؟ هزینه این تظاهرات و مجالس سخنانی و مهمانی‌ها و طاق نصرت‌ها را کی می‌دهد؟» عرض کردم: «مردم»؛ فرمودند: «مردم؟ همین مردم عادی؟» خدمتشان عرض کردم بله، همین مردم

گفتگوی کتبی با مصطفی مصباحزاده پرسش‌هایی را با او درباره کیهان و همچنین برخی مسائل دوران پادشاهی محمدرشاه پهلوی در میان گذاشت.

-بعد از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و به ویژه بعد از فروردین ۱۳۴۱ کیهان در عین آنکه یک روزنامه قانونی و مورد قبول دولت بود در بسیاری از مواقع سیاستی تندروتر از سیاست روزنامه رقیب یعنی اطلاعات در پیش می‌گرفت به نحوی که گروهی آن را نشریه‌ای چپ‌رو و حتی «توده‌ای» و پایگاه توده‌ای‌ها [حزب توده ایران] قلمداد می‌کردند؛ در اینباره چه می‌گویید؟

دکتر مصباحزاده: در این سؤال دو مطلب عنوان شده است. یکی اینکه کیهان پس از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و به ویژه پس از فروردین ۱۳۴۱ سیاستی تندروتر از دولت پیش گرفت. دیگر اینکه گروهی کیهان را چپ‌رو و حتی توده‌ای قلمداد می‌کردند. این یک حقیقتی است که کیهان تندرو بود ولی این تندروی در سال ۱۳۳۲ یا ۱۳۴۱ آغاز نشد. کیهان از روز انتشار یک روزنامه تندرو بود و اگر در سال ۱۳۴۱ تندروتر شد بسیار طبیعی بود. شما اگر سرمقاله اولین شماره کیهان را بخوانید ملاحظه می‌کنید آنچه ما آن روز می‌نوشتیم و می‌خواستیم همان اصولی بود که بعدها در فراندوم مطرح شد مانند مبارزه با بیسوادی، الغاء رژیم ارباب-رعیتی، تساوی حقوق زن و مرد، سهم کردن کارگران در سود واحدهای تولیدی. اجرای چنین اصلاحاتی خواسته بیست ساله ما بود. بنابراین کیهان می‌بایستی تندتر از پیش از این اصول دفاع می‌کرد و قلم می‌زد. البته از آغاز انتشار کیهان ما هم تندرو بودیم و هم چپ‌رو اما کدام چپ؟ چپ ملی، نه چپ وابسته. کیهان هیچ زمانی به قدرت خارجی وابسته نبود و از آن دستور نمی‌گرفت. کیهان صدای مردم ایران بود و بهترین گواه استقبالی بود که مردم در طول انتشار از این روزنامه کردند.

اما اینکه کیهان را پایگاه توده‌ای‌ها قلمداد کرده‌اند تصور می‌کنم اشاره‌ای به سال ۱۳۵۷ و بحران انقلاب باشد، چه پیش از این تاریخ ما هیچگاه مشکلی از لحاظ وجود عناصر وابسته در تحریریه کیهان نداشتیم و جز در چند مورد معدود که مقامات امنیتی خود رأساً اقدام کردند و عواملی را که گمان می‌بردند با تشکیلات سیاسی خاصی کار می‌کنند دستگیر نمودند، کیهان هیچگاه تحت نفوذ توده‌ای‌ها نبود. این تنها در جریان اوج‌گیری انقلاب بود که در مؤسسه کیهان هم مانند سایر ادارات و مؤسسات ملی و دولتی عوامل

● دکتر صدرالدین الهی از بنیانگذار مؤسسه کیهان می‌پرسد: برخی می‌گویند کیهان تندرو و حتی چپ‌رو بود. شما چه می‌گویید؟ دکتر مصباحزاده پاسخ می‌دهد: «از آغاز انتشار کیهان ما هم تندرو بودیم و هم چپ‌رو اما کدام چپ؟ چپ ملی، نه چپ وابسته. کیهان هیچ زمانی به قدرت خارجی وابسته نبود و از آن دستور نمی‌گرفت. کیهان صدای مردم ایران بود و بهترین گواه استقبالی بود که مردم در طول انتشار از این روزنامه کردند. اما اینکه کیهان را پایگاه توده‌ای‌ها قلمداد کرده‌اند تصور می‌کنم اشاره‌ای به سال ۱۳۵۷ و بحران انقلاب باشد، چه پیش از این تاریخ ما هیچگاه مشکلی از لحاظ وجود عناصر وابسته در تحریریه کیهان نداشتیم... تنها در جریان اوج‌گیری انقلاب بود که در مؤسسه کیهان هم مانند سایر ادارات و مؤسسات ملی و دولتی عوامل اسلامی و توده‌ای و چپی خود را کاملاً نشان دادند و البته در این زمان دیگر کاری از دست کسی ساخته نبود.»

● دکتر مصباحزاده: «جنبش رستاخیز ملی» به مناسبت بیستمین سال انتشار کیهان به وجود آمد. رستاخیز ملی به ظاهر یک جنبش ملی و اجتماعی بود ولی درحقیقت یک حزب سیاسی بود. اصول رستاخیز ملی همان خواسته‌های ما بود که در اولین سرمقاله کیهان بیست سال پیش [از آن] منتشر شد. شعار رستاخیز ملی عبارت بود از فکر نو، راه نو، ایران نو. مردم نشان رستاخیز را که عبارت بود از نقشه ایران و پرچم ایران به سینه می‌زدند و سرود آن را با آهنگ و بلند می‌خواندند. کانون‌های رستاخیز در تمام شهرها و دهات برای پیشبرد اصول رستاخیز ملی از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کردند. در هر شهر یا روستایی کانون رستاخیز از یک مالک، یک بازرگان، یک کشاورز، یک کارگر و یک دبیر یا آموزگار و یک روحانی تشکیل می‌شد. ناگفته نماند که خود مردم محل اعضای کانون را انتخاب می‌کردند.»

این گفتگو که حدود بیست سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۷۶ انجام شده، پیشتر در کیهان لندن (نسخه آنلاین شماره ۱۱۵) به مناسبت هفتاد و پنج سال بنیانگذاری مؤسسه کیهان منتشر شد، اکنون به مناسبت درگذشت دکتر صدرالدین الهی که صبح چهارشنبه ۲۹ دسامبر ۲۰۲۱ (۸ دی‌ماه ۱۴۰۰) در سن ۸۷ سالگی در کالیفرنیا چشم از جهان فرو بست، بازنشر می‌شود. در پاییز سال ۱۹۹۷ میلادی برابر با ۱۳۷۷ خورشیدی صدرالدین الهی روزنامه‌نگار پیشکسوت ایران در یک

عادی. شاهنشاه سکوت کردند و ژستی گرفتند که معنی آن این بود «من که باور نمی‌کنم، غیرممکن است». برای اینکه شاهنشاه را مطمئن کنم عرض کردم اگر اجازه فرمایید چند تن از شخصیت‌های مورد اعتماد را مأمور بفرمایید به این موضوع رسیدگی کنند و گزارشی حضورتان تقدیم نمایند. در پایان شرفیابی خواستند که اساسنامه رستاخیز را حضورشان ببرم.

پس از شرفیابی حضور شاهنشاه خبردار شدم دربار از وزارت فرهنگ و هنر خواسته است که عکس‌ها و فیلم‌هایی را که از اجتماعات و تظاهرات مردم در مراسم رستاخیز در تهران و شهرستان‌ها برداشته شده است به دربار بفرستد. این خبرحکایت از این می‌کرد که شاهنشاه به جنبش رستاخیز علاقه پیدا کرده‌اند و می‌خواهند از کم و کیف آن بیشتر خبردار شوند.

در یکی از این شرفیابی‌ها سؤال فرمودند «آیا خارجی‌ها با شما تماس گرفته‌اند؟» خدمتشان عرض کردم آنها با ما تماس نگرفته‌اند، ما با آنها تماس گرفته‌ایم. به این معنی که یک شب از تمام سفرا و وزرای مختار دعوت کردم و در آن مهمانی فیلم‌های رستاخیز را نشان دادیم. تماشای این فیلم‌ها آنقدر برای این خارجی‌ها جالب بود که می‌خواستند بار دیگر فیلم‌ها را ببینند.

کم‌کم محافل سیاسی از شرفیابی‌های مرتب من خبردار شده بودند و برای خودشان تصوراتی می‌کردند و حدس‌هایی می‌زدند. شایع شده بود که جنبش رستاخیز ملی حزب می‌شود و من هم نخست وزیر آینده خواهم بود حتی از وزرای دولت نام می‌بردند و حدس‌هایی می‌زدند. چون از احتمال نخست وزیری من سخن به میان آمد باید این حقیقت را بگویم که در سال‌های اول انتشار کیهان بدم نمی‌آمد که وکیل و یک روزی هم وزیر شوم. ولی هرچه زمان می‌گذشت و کیهان بزرگ و بزرگتر می‌شد این میل و علاقه من به کار وکالت و سناتوری و وزارت کمتر می‌شد. کار به جایی رسید که مجلس و سنا را فراموش کردم و در جلسات آن شرکت نمی‌کردم. در هر جلسه مجلس و بعد در سنا اسم من اولین اسم در صورت غایبین بی‌اجازه بود که در صورت جلسه مجلس و سنا خوانده می‌شد.

«امپراتوری کیهان» و «جنبش رستاخیز»

حالا کیهان آنقدر توسعه یافته بود که از آن به عنوان اولین گروه مطبوعاتی و انتشاراتی خاورمیانه یاد می‌شد. خبرنگاران و روزنامه‌نگاران خارجی کیهان را «امپراتوری کیهان» می‌خواندند. تعداد کسانی که در آن زمان در کیهان کار می‌کردند از مرز هزار گذشته بود و مدیریت تمام وقت مرا لازم داشت. به همین جهت من وقت اینکه به کار «رستاخیز» برسم نداشتم چون «رستاخیز» در آن زمان غولی شده بود و همه کشور را فرا گرفته بود. از همین رو، در جستجوی یک شخصیت تحصیل‌کرده جوان و از همه مهم‌تر از خانواده اصیل و نجیب ایرانی بودم که کار رستاخیز را به او واگذار کنم؛ کسی که شاهنشاه او را بشناسد و به او اعتماد داشته باشد. این موضوع را با چند تن از دوستان نزدیک در میان گذاشته بودم تا اشخاص را به من معرفی کنند و از بین آنها یکی را انتخاب کنم و به عرض شاهنشاه برسانم. روزی این موضوع را با یکی از دوستان و دانشجوی قدیم خود آقای قاسم لاجوردی در میان گذاشتم و او از آقای دکتر جمشید آموزگار اسم برد. این پیشنهاد به دم نشست دیدم آقای دکتر آموزگار فرزند حبیب‌الله آموزگار است از خانواده‌ای اصیل و فرهنگی، جوان و تحصیلکرده و خوشنام که به درد رستاخیز می‌خورد. ضمناً مطمئن بودم که وقتی به عرض شاهنشاه می‌رسانم تأیید خواهند فرمود.

قرار شد موضوع را با آقای دکتر آموزگار در میان بگذارم

و اگر اظهار علاقه و تمایل کرد با او ملاقات کنم. پس از چند روز آقای لاجوردی به من خبرداد که با آقای دکتر آموزگار بطور مختصر صحبتی کرده است و پیشنهاد کرد روزی به منزل ایشان بروم و در آنجا آقای دکتر آموزگار را ببینم و ایشان را در جریان کار رستاخیز قرار دهم. من آن روز به منزل آقای لاجوردی رفتم و آقای دکتر آموزگار را ملاقات کردم. ضمناً پرونده رستاخیز و عکس‌ها و فیلم‌ها را نیز همراه برده بودم که آقای دکتر آموزگار همه چیز را ببیند. جلسه آن روز ما چند ساعت طول کشید و آقای دکتر آموزگار همه را دیدند. دکتر آموزگار از دیدن فیلم‌ها خیلی تحت تأثیر قرار گرفته بود. چون باورکردنی نبود که هزاران نفر در این مراسم به پای خودشان بیایند و در این مراسم که در همه ایران برپا می‌شد شرکت کنند.

از جمله سؤالاتی که در آن جلسه مطرح شد این بود که هزینه این جنبش چگونه تأمین می‌شود. وقتی پاسخ دادم خود مردم محل هزینه این مراسم را تأمین می‌کنند و هیچ مقام دولتی دیناری کمک نمی‌کند، دکتر آموزگار بسیار تعجب کرد و در فکر فرو رفت. همه دنبال این بودند که ببینند سرخ کجاست. پس از آن جلسه دیگر خبری از دکتر آموزگار نشد ولی از حق نباید گذشت که بسیار از جنبش رستاخیز تجلیل کرد، مثل اینکه می‌دانست ده دوازده سال دیگر با پای خودش به سراغ رستاخیز خواهد رفت و راه گریز هم نخواهد داشت. دکتر آموزگار ابتدا رئیس هیئت اجرایی «حزب رستاخیز» شد و طولی نکشید که رهبر جناح پیشرو، سپس دبیرکل حزب، و بعد هم نخست وزیر شد. این را می‌گویند سرنوشت.

در هر شرفیابی، شاهنشاه سؤالات تازه‌ای می‌فرمودند که پاسخ عرض می‌کردم و ایشان را بیشتر در جریان رستاخیز قرار می‌دادم از جمله درباره کانون‌های رستاخیز و وظایف و ارتباط آنها با یکدیگر و با کیهان سؤالاتی می‌فرمودند که جواب عرض می‌کردم. شاهنشاه مقصودشان از این سؤالات این بود که آیا سرخ دست کیهان است و به عبارت دیگر دست من است یا دست سازمان یا افراد دیگری. بدون اینکه اشاره‌ای بفرمایند می‌خواستند بدانند و مطمئن شوند که سرخ دست افراد مشکوک و مخصوصاً خارجی‌ها نباشد.

رسم بر این بود که هر هفته از دربار خبر می‌دادند چه روز و چه ساعتی باید شرفیاب شوم. پس از چند شرفیابی چون دیگر از دربار خبری نشد فهمیدم که دیگر شرفیابی ندارم ولی از اینکه از نظریات شاهنشاه درباره مسائل مملکتی آگاه شده بودم و مخصوصاً از اینکه فرصت یافته بودم که به سؤالات شاهنشاه درباره جنبش رستاخیز ملی پاسخ عرض کنم بسیار خوشحال و راضی بودم.

در آن روزها من قرار داشتم با علم نخست وزیر که بروم و ناهار با ایشان صرف کنم. یک روز قبل از آن حسنعلی منصور نخست وزیر شده بود. علم به من خبر داد که بجای نخست وزیری به منزلش بروم. در آن روز سر میز ناهار علم به من گفت: «نخست وزیری از بیخ گوشات پرید.» گفتم قرار نبود که من نخست وزیر بشوم تا از بیخ گوشام بپرد. علم گفت: «شاهنشاه می‌خواستند بین حسنعلی منصور و شما یکی را انتخاب کنند و به همین جهت بود که شما و منصور چند هفته شرفیاب می‌شدید.» از علم پرسیدم «چرا نخست وزیری از بیخ گوشام پرید و توی گوشام نرفت؟» علم خندید و گفت: «علت آن جنبش رستاخیز ملی خودتان است. شما یک جنبش فراگیر به راه انداختید. این جنبش اساسنامه دارد و شعار دارد و سرود و پرچم و نشان دارد ولی در هیچیک از این اصول و شعارها اشاره‌ای به شاه مملکت که بانی و مبتکر این اصول انقلاب است اصلاً نشده. کسی که می‌خواهد نخست وزیر بشود باید به شاه مملکت احترام

بگذارد و رضایت او را به دست آورد. شما بطور کلی این موضوع را نادیده گرفته‌اید.»

گفته علم هم درست بود و هم نبود. درست بود برای اینکه همیشه رسم بر این بود که هر اقدام مثبت و مفیدی که صورت می‌گرفت به شکلی نام شاهنشاه در آن برده شود. بنابراین در جنبش رستاخیز ملی که سراسر کشور را فرا گرفته بود و صحبت از اصلاحات بزرگ و مفید برای کشور می‌رفت چطور ممکن بود که حتی اشاره‌ای هم به نام شاه نشود. درست نبود برای آنکه اگر ما نام شاه را در اصول و یا در سرود و شعارهای رستاخیز می‌آوردیم همه تصور می‌کردند این جنبش هم مانند سایر جنبش‌ها دولتی است و دولت هزینه آن را تأمین می‌کند. نتیجه این می‌شد که کسی سراغ ما نیاید و ما نمی‌توانستیم تظاهرات پنجهزار و ده‌هزار نفری در شهرها داشته باشیم و مردم هم برای تأمین هزینه‌های رستاخیز دیناری که نمی‌دادند هیچ حتی توقع داشتند که ما به هر شرکت‌کننده مبلغی هم دستی بدهیم.

پس از اینکه حسنعلی منصور نخست وزیر شد در همان روزهای اول به دیدن من آمد و همکاری کیهان را با دولت می‌خواست و می‌گفت راه کیهان و گروه مترقی و جنبش رستاخیز ملی و دولت همه یکی است و ما همه باید برای به ثمر رساندن اصول انقلاب همکاری داشته باشیم. پاسخ من این بود که تردیدی نیست که ما همه باید همکاری کنیم ولی توجه داشته باشید که کیهان بیست سال است که در این راه قدم برمی‌دارد. سرمقاله شماره اول کیهان گواه بر این حقیقت است. آنچه کیهان آن روز نوشت خواسته‌های شاهنشاه در آغاز سلطنت‌شان بود و امروز هم پس از گذشت بیست سال همان خواسته‌ها اصول منشور انقلاب شاه و مردم است. ولی توجه داشته باشید که اگر امروز می‌توان به راحتی و بدون مشکلی از این اصول اسم برد و آنها را یکی بعد از دیگری انجام داد بیست سال پیش بسیار مشکل و غیرقابل تصور بود ولی ما خواستیم و نوشتیم و به آرزوی خودمان که همان آرزوهای شاهنشاه بود رسیدیم. به عبارت دیگر انقلاب بیست سال پیش آغاز گردید و امروز به نتیجه رسید. البته من به نخست وزیر وعده همکاری دادم و بسیار هم خوشوقت شد.

ولی وقتی اظهار داشت اگر این همکاری ما ادامه داشته باشد در موقع انتخابات می‌توانیم کرسی‌های وکالت را بین گروه مترقی و رستاخیز ملی تقسیم کنیم و سپس در دولت هم نمایندگان رستاخیز باشند و هم نمایندگان گروه مترقی، من ضمن تشکر از حسن نیت نخست وزیر، آب پاکی را روی دستش ریختم و گفتم جنبش رستاخیز [جنبش مربوط به کیهان] هنوز زود است که به حزب تبدیل شود.

نخست وزیر که ساختمان کیهان را ندیده بود از تأسیسات آن بازدید کوتاهی کرد. جالب این بود که از هر جا که می‌گذشت اصول و شعارهای رستاخیز را به چشم می‌دید که به در و دیوار ساختمان نوشته شده است مخصوصاً این دوبیت از سرود رستاخیز را بسیار پسندید و یادداشت کرد: ای برزگر، روزگار تو شد این روزگار رستاخیز ای کارگر، دست و بازوی تو شد یار رستاخیز

تقلید رستاخیز کیهان با «حزب ایران نوین»

از این ملاقات پی بردم که نخست وزیر متوجه شده است که با صد یا دویست تحصیلکرده نمی‌تواند بار سنگین انقلاب شاه و مردم را به دوش بکشد و از همین رو فکر کرده که بهترین راه این است که با جنبش رستاخیز روی هم بریزد تا دولت پایه حزبی و مردمی پیدا کند. نخست وزیر تصور نمی‌کرد که از من جواب منفی بشنود. ←

«حزب رستاخیز»

و اما در مورد حزبی که به همین نام رستاخیز در پایان دوران پادشاه درست شد. در اسفندماه ۱۳۵۳ از وزارت دربار به من اطلاع دادند که روز یازدهم همان ماه، ساعت چهار بعد از ظهر، به کاخ نیاوران بروم و در جلسه‌ای که در حضور شاهنشاه تشکیل می‌شود شرکت کنم. آن روز سر ساعت ۴ بعد از ظهر به کاخ نیاوران رفته دیدم بسیاری از شخصیت‌های مملکتی مانند نخست وزیر، رؤسای مجلسین، عده‌ای از وزراء و نمایندگان مجلس سنا و شورای ملی و مدیران روزنامه‌ها و همچنین خبرنگاران و عکاسان روزنامه‌های داخلی و خارجی نیز حضور دارند. علاوه بر این، دوربین‌های تلویزیون و دستگاه‌های رادیو در سالن نصب شده بود تا بیانات شاهنشاه در سراسر کشور پخش شود. حدس زدم که باید خبر مهمی باشد. سر ساعت ۴ بعد از ظهر رئیس تشریفات دربار تشریف‌فرمایی شاهنشاه را اعلام نمود و شاهنشاه تشریف‌فرما شدند و پشت میکروفون قرار گرفتند. شاهنشاه ابتدا درباره اوضاع آشفته ایران قبل از سلسله پهلوی و از پیشرفت‌های کشور در زمان سلطنت رضاشاه

در اختیار داشت نتوانست تظاهراتی مانند تظاهرات جنبش رستاخیز ملی ترتیب دهد که مردم خودشان با پای خود و با عشق و علاقه به ایران در تظاهرات شرکت کنند و از دل شعار بدهند و کف بزنند و پاینده ایران بگویند. بیشتر کسانی که عضویت حزب دولتی ایران نوین را می‌پذیرفتند کسانی بودند که دنبال مقام یا نفوذ و یا پول بودند. در جنبش رستاخیز ملی خیری از مقام و پول و نفوذ نبود. در جنبش رستاخیز همه با صدای بلند می‌خواندند:

ای هموطن برخیز این زمان

تا گردد آباد کشور ایران

با عشق ایران برپا خیز

با پرچم این رستاخیز

مردم در تالار کیهان

در مورد تالار کیهان و ارتباط آن با جنبش رستاخیز ملی باید توضیح بدهم که در آغاز تالار کیهان اختصاص به پذیرایی از مهمانان کیهان داشت. بعدها که کیهان توسعه یافت، مراجعه‌کنندگان نیز در تالار کیهان پذیرایی می‌شدند و نویسندگان و خبرنگاران به دیدن آنها می‌رفتند و مطالب

→ به هر حال، کیهان را با ناراحتی بسیار ترک کرد. ولی می‌دانستم که او گزارش ملاقات را به عرض شاهنشاه خواهد رساند. مترصد بودم ببینم چه پیش خواهد آمد. کم کم زرمه تبدیل کانون مترقی به حزب از گوشه و کنار و حتی از زبان اعضای کانون شنیده می‌شد و طولی نکشید که «حزب ایران نوین» تأسیس گردید. تفاوت بین «رستاخیز ملی» و «حزب ایران نوین» بیشتر از این جهت بود که اولی چند ساله و مردمی بود و دومی حزب یک‌شبه و دولتی. تفاوت سومی هم وجود داشت: جنبش رستاخیز متکی به کمک بسیار محدود مردم بود در صورتی که «حزب ایران نوین» بودجه‌ای نامحدود داشت و از نفوذ و امکانات دولت نیز در سراسر کشور بهره می‌برد.

با این تفاوت‌ها که وجود داشت باز ما آماده بودیم که راه خودمان را ادامه دهیم و رستاخیز ملی را مردمی‌تر سازیم ولی پس از چندی با جریان تازه‌ای روبرو شدیم. در سخنرانی‌ها آنقدر نام شاهنشاه را می‌بردند و زنده‌باد شاه می‌گفتند و کف می‌زدند که سخنرانی‌ها تحت‌الشعاع شعارها قرار می‌گرفت. مانند این بود که جمعیتی را آورده‌اند که فقط فریاد کنند «زنده‌باد شاه، شاه، شاه». تملق و چاپلوسی را به حد کمال رسانده بودند. این زیاده‌روی‌ها و تملق‌گویی‌های «حزب ایران نوین» دردسری برای جنبش رستاخیز [جنبش مربوط به کیهان] شد. از مقامات امنیتی به ما مراجعه کردند که علت اینکه در تظاهرات رستاخیز مانند تظاهرات «حزب ایران نوین» شعار زنده‌باد شاه را تکرار نمی‌کنیم و فقط به یکبار اکتفا می‌کنیم چیست. ما نتوانستیم به این مقامات بفهمانیم که تمام اصول رستاخیز و همه این سخنرانی‌ها و تظاهرات درباره انقلاب شاه و مردم است که از بیست سال پیش توسط کیهان شروع شده و بیست سال هم است، یعنی از اولین روز انتشار کیهان، که ما درباره همین اصول نوشته‌ایم و باز هم خواهیم نوشت.

ولی مقامات امنیتی از ما می‌خواستند که بجای یکبار چندین بار اسم شاه برده شود و برای هر بار مردم شرکت‌کننده چندین بار زنده‌باد شاه، شاه، شاه بگویند. آنها از ما انتظار داشتند که بیشتر وقت سخنران به «زنده‌باد شاه» اختصاص داده شود تا به اصل سخنرانی. این خواسته مأموران همان چیزی بود که ما از آن فرار می‌کردیم، نه برای اینکه از بردن نام شاهنشاه بیم داشتیم، بلکه از آن رو که اگر این کار را می‌کردیم مردم تصور می‌کردند جنبش ما یک حرکت دولتی است و در نتیجه موفقیت‌هایی که به دست آورده بودیم باطل می‌شد.

به هر حال، دخالت مأموران ادامه پیدا کرد و کار به جایی رسید که مأموران در تظاهراتی که در تهران برپا می‌شد نیز دخالت و کارشکنی می‌کردند. برای اینکه کار به زد و خورد و پیشامدهای دیگر نرسد جلسه‌ای با شرکت نمایندگان کانون‌های رستاخیز ترتیب دادیم و موضوع را مطرح کردیم و به این نتیجه رسیدیم که باید تا آنجا که ممکن است تعداد سخنرانی‌ها را کم کنیم و تظاهرات برپا نکنیم و بیشتر به انجام مسابقات ورزشی اکتفا کنیم و همین برنامه اجرا شد. بعدها متوجه شدم که اگر ما به برگزاری تظاهرات ادامه می‌دادیم با مشکلات و کارشکنی‌های فراوانی مواجه می‌شدیم که نه تنها جنبش رستاخیز را متلاشی می‌ساخت، کیهان را هم تهدید می‌کرد. البته من به روی خودم نمی‌آوردم ولی خوب می‌دانستم که در پشت پرده عامل اصلی این کارشکنی‌ها نخست وزیر و «حزب ایران نوین» است. آنها با تمام امکانات مالی و دولتی که در اختیار داشتند نمی‌توانستند تظاهراتی مانند تظاهرات رستاخیز ملی برپا کنند.

تصور می‌کنم که حزب دولتی ایران نوین برای ده سال در سراسر کشور یگانه‌تاز بود ولی حتی با بودجه کلانی که



شهبانو فرح و محمدرضاشاه پهلوی

و در دوره سلطنت خودشان که مخصوصاً در اثر انقلاب شاه و مردم نصیب مردم ایران شده است بیاناتی فرمودند. قسمت دوم بیانات شاهنشاه بسیار بسیار مهم بود و به نظر می‌آمد که آنچه قبلاً فرموده بودند مقدمه‌ای بود برای اعلام آن تصمیم مهمی که اتخاذ فرموده بودند. آن تصمیم این بود به زبان شاهنشاه: به کسانی که به قانون اساسی-نظام شاهنشاهی و انقلاب ششم بهمن عقیده دارند- ما امروز این پیشنهاد را می‌کنیم. ما امروز یک تشکیلات جدید سیاسی را پایه‌گذاری می‌کنیم و اسمش را هم بد نیست بگذاریم رستاخیز ایران یا رستاخیز ملی، ببینید چنین سابقه‌ای بوده یا نبوده یکی از این اسم‌ها را انتخاب می‌کنیم به شرطی که اشکالات حقوقی یا قانونی نداشته باشد.

از اینکه شاهنشاه اسم «رستاخیز ملی» را برای حزب جدید انتخاب فرمودند یگانه خوردم و حاج و واج ماندم؛ پیش خود می‌گفتم مگر ممکن است که شاهنشاه پس از ده دوازده سال هنوز اسم رستاخیز ملی را به خاطر داشته باشند و آن را مناسب‌ترین اسم برای حزب جدید بدانند؟ همچنین از خودم می‌پرسیدم چرا شاهنشاه آن روزی که رستاخیز ملی تمام ایران را فرا گرفته بود و اسمی هم از «حزب ایران نوین» نبود این تصمیم را اتخاذ نفرمودند؟ تصمیم داشتم در یکی از شرفیاب‌های این سؤال را مطرح کنم ولی موقعیت اجازه نداد و هنوز هم که این خاطره را می‌نویسم این ←

آنان را برای چاپ در آن یا نشریات دیگر یادداشت می‌کردند. بیشتر مراجعه‌کنندگان اعضای انجمن‌های محلی و کارمندان دولت یا بخش خصوصی، ورزشکاران، فرهنگیان و هنرمندان و بازاریان بودند. تالار کیهان پیش از جنبش رستاخیز ملی ساخته شده بود. البته پس از اینکه رستاخیز ملی فعالیت‌های خود را شروع کرد برای انجام برخی مراسم از تالار کیهان هم استفاده می‌شد. رفت و آمد به تالار کیهان روز به روز توسعه می‌یافت. آمار ماهانه نشان می‌داد بطور متوسط روزی بیش از صد نفر در تالار پذیرایی می‌شدند.

این رفت و آمدها از لحاظ روابط عمومی نیز برای کیهان مفید بود زیرا کسانی که به تالار کیهان می‌آمدند قسمت‌های مختلف مؤسسه را نیز می‌دیدند و مشاهدات خود را برای دوستان و آشنایان حکایت می‌کردند. همچنین رسم بر این شده بود که هر وقت سمیناری یا کنفرانسی در تهران تشکیل می‌شد نمایندگان که چه از خارج و چه از شهرستان‌ها به تهران می‌آمدند یک روز مهمان کیهان بودند و پس از صرف ناهار یا شام از کیهان بازدید می‌کردند و فیلم‌های کیهان و رستاخیز ملی را مشاهده می‌کردند و با خاطره خوبی کیهان را ترک می‌کردند. خبرنگاران و نویسندگان کیهان نیز با استفاده از فرصت پرسش‌های خود را با مهمانان در میان می‌گذاشتند و یا به آنها توضیح می‌دادند و به این ترتیب آشنایی بسیار نزدیکی بین بازدیدکنندگان و کیهانی‌ها ایجاد می‌شد.

سؤال برای من مطرح است.

من از شرفیابی آن روز هم خوشحال بودم و هم بسیار متأسف و ناراحت. خوشحال بودم که دیدم پس از ده دوازده سال که از جنبش رستاخیز ملی گذشته بود شاهنشاه فعالیت‌های ما را تایید فرمودند و با انحلال دو حزب دیگر نسبت به هر دو حزب که به دست دولت و با بودجه دولت اداره می‌شد عدم رضایت خود را اعلام فرمودند. اما ناراحت و متأثر بودم زیرا می‌دیدم که این حزب سرنوشتی مانند سایر احزاب دولتی خواهد داشت و طولی نخواهد کشید که از بین خواهد رفت. حزب باید به دست مردم و برای مردم درست شود. جنبش رستاخیز ملی کیهان جز این هدفی نداشت.

آیا در اموری مانند انتخاب وزیران، طرح‌های مهم مملکتی مورد مشورت شاه یا لاقل نخست وزیران او قرار می‌گرفتید؟

دکتر مصباح‌زاده: در یکی دو سال اول انتشار کیهان دولت‌ها می‌آمدند و می‌رفتند و به ما کاری نداشتند ولی ما با آنها کار داشتیم. شماره‌ای از کیهان نبود که در آن چند

مرتفع می‌گردید. این اتفاق و سوء تفاهم در سال‌های اول کیهان به ندرت اتفاق می‌افتاد ولی در سال‌های بعد نظایر زیادی داشت، اگر برنامه‌ای مطرح می‌شد که با سنت و یا ساختار فرهنگی- اجتماعی کشور، یا خواست‌های رهبران مذهبی تضاد داشت (فرضاً اصلاحات ارضی، حق رای زنان یا تغییر تقویم).

آیا شما قبلاً در جریان قرار می‌گرفتید و زمینه‌سازی می‌کردید یا اینکه کیهان و شما هم مثل دیگر مردم همان روز از رادیو و خبرنگاران خود خبر را می‌شنیدید و درباره چگونگی برخورد با موضوع تصمیم می‌گرفتید و مشورت می‌کردید؟
دکتر مصباح‌زاده: به ندرت اتفاق می‌افتاد برنامه‌ای مطرح باشد و ما از آن اطلاع قبلی نداشته باشیم و اگر چنین اتفاقی می‌افتاد بیشتر اوقات کوتاهی و غفلت از خود ما بود. اما در چند مورد که اسم برده‌اید مانند اصلاحات ارضی و حق رای زنان، ما روزشماری می‌کردیم که هرچه زودتر این لوایح تصویب شود؛ این اصلاحات از خواست‌های اولیه کیهان بود و از مدت‌ها پیش از کم و کیف آن آگاه بودیم. اما در مورد تغییر تقویم ما اطلاع قبلی نداشتیم و با انتشار خبر از آن



دکتر صدرالدین الهی و دکتر مصباح‌زاده

آگاه شدیم. روش ما نسبت به لایحه تغییر تقویم با لوایح اصلاحات ارضی و حق رای زنان بسیار متفاوت بود. در مورد تغییر تقویم بین کیهانی‌ها اختلاف نظر شدید بود و بیشتر مخالف تغییر تقویم بودند و به همین علت ما به دادن خبر آن اکتفا کردیم و موضوع را به بحث و گفتگو نکشاندیم.

کارشکنی دولتی‌ها

پادشاه که به قول خودتان سرمایه تأسیس کیهان را تامین کرده بود در برابر روش کیهان در سال‌های آخر چه نظری به شما و کیهان داشت؟ به عنوان نمونه، پس از چاپ عکس تمام صفحه آیت‌الله خمینی در کیهان، شما با چه عکس‌عملی از طرف ایشان و یا دولت و نظامیان مواجه شدید؟
دکتر مصباح‌زاده: خوب به خاطر دارم، سال آخر نخست وزیری هویدا بود که روزی شاهنشاه مرا احضار فرمودند. در این شرفیابی از برخوردی که فرمودند متوجه شدم ایشان ناراحت و حتی عصبانی به نظر می‌رسند. بدون هیچ مقدمه‌ای فرمودند: «ما از دست کیهان و شما چه باید بکنیم؟ مسئولین مملکتی را که می‌بینم، از نخست وزیر گرفته تا مقامات امنیتی و وزراء و استانداران، همه از شما شکایت دارند که خبرهای آنها را چاپ نمی‌کنید.»

متوجه شدم که دستی در کار است و می‌خواهند برای کیهان پرونده‌سازی کنند و نظر پادشاه را نسبت به ما عوض کنند. اجازه خواستم قبل از اینکه پاسخ ایشان را عرض کنم

سؤالی بکنم. با ناراحتی فرمودند: «از ما کسی سؤال نمی‌کند ولی بگوئید.» عرض کردم: «چرا هروقت اراده می‌فرمایید که درباره مطلب مهمی چه داخلی چه خارجی مقاله‌ای نوشته شود امر می‌فرمایید کیهان بنویسد و هرزمانی که شاهنشاه اراده می‌فرمایند که مصاحبه صورت گیرد می‌فرمایید سردبیر کیهان یا «کیهان اینترنشنال» شرفیاب شود؟» شاهنشاه فرمودند برای اینکه تیراژ این دو روزنامه خیلی بالا است و خبرنگاری‌ها و خبرنگاران خارجی بیشتر از این دو روزنامه برای فرستادن گزارش‌های خود استفاده می‌کنند.

وقتی متوجه شدم که شاهنشاه دیگر ناراحت نیستند خدمتشان عرض کردم اکنون اجازه فرمایید حضورتان عرض کنم چرا این مأموران عالی‌رتبه دولت که شرفیاب می‌شوند از کیهان شکایت می‌کنند. برای اینکه انتظار دارند که هرچه از خبر و عکس برای ما می‌فرستند تمام آنها را چاپ کنیم! کاری که از کیهان ساخته نیست و کیهان آن خبر و عکسی را چاپ می‌کند که مردم آن را با علاقه بخوانند. کیهان باید روزنامه مردمی بماند و مردم به آن اطمینان و اعتماد داشته باشند نه یک روزنامه دولتی و دوست‌یابی! ما با پادشاه و مردم سر و کار داریم و اگر روزی از این راه منحرف شویم طولی نخواهد کشید که کیهان تیراژش را از دست خواهد داد و ناچار تعطیل خواهد شد.

در این شرفیابی از فرصتی که دست داده بود استفاده کردم و به عرض رساندم که در این سال تیراژ کیهان به مرز یک میلیون خواهد رسید؛ شاهنشاه بسیار مرا مورد محبت و عنایت قرار دادند و مرا مرخص فرمودند. روز بعد آقای هویدا به من تلفن کرد و گفت: «خوب چغلی مارا به ارباب کردی.»

یک سوء تفاهم: چاپ عکس بزرگ خمینی

در مورد چاپ عکس آیت‌الله خمینی، خودتان بهتر می‌دانید که وقتی خبر مهم باشد با عکس چاپ می‌شود. نمی‌دانم به چه علتی در این مورد غفلت شده بود، شاید به دلیل اشاره مقامات امنیتی، که کیهان از ابتدا خبرهای مربوط به آیت‌الله خمینی را بدون عکس چاپ می‌کرد. در عین حال خودمان متوجه بودیم که به زودی باید به شکلی این عکس را چاپ بکنیم که هم این غفلت را جبران کرده باشیم و هم اینکه دیگر مردم برای دیدن عکس آیت‌الله به ماه نگاه نکنند. ولی برای اینکه دردسر کمتری داشته باشیم با روزنامه اطلاعات قرار گذاشتیم که هروقت بخواهیم عکس را چاپ کنیم با هم این کار را بکنیم.

تصور می‌کنم روز نهم یا دهم شهریور ۵۷ ماه بود که کیهان به دستم رسید و دیدم عکس آیت‌الله، نه تمام صفحه ولی بزرگ و با آب و تاب، چاپ شده است. با خودم گفتم چه شده، چه اتفاقی افتاده که این عکس چاپ شده است؟ من آن روز تا ساعت ۲ بعد از ظهر در کیهان بودم و کسی صحبت از چاپ عکس نمی‌کرد. به کیهان رفتم و دیدم قضیه از این قرار است: در آن روزها شایعات بسیار بود. یکی از این شایعه‌ها که هر روز زیادتر می‌شد این بود که دولت با آیت‌الله خمینی مشغول مذاکره است که ایشان به ایران برگردند. همزمان با این شایعه روزی یک هواپیما به بغداد می‌رود و شایعه این بود که هواپیما به بغداد رفته است که آیت‌الله خمینی را به تهران بیاورد. خبرنگار کیهان آن روز به نخست وزیری می‌رود که در خصوص این شایعه خبری به دست آورد. بعد از ظهر دیروقت نخست وزیر به دفترش می‌آید. در سرسرای نخست وزیری خبرنگار ما شریف امامی، نخست وزیر، را می‌بیند و سؤال می‌کند که «آیا این خبر درست است که امروز یک هواپیما به بغداد رفته تا آیت‌الله خمینی را به تهران بیاورد؟» نخست وزیر جوابی نمی‌دهد و تبسم می‌کند. خبرنگار کیهان این تبسم نخست وزیر را پاسخ مثبت تلقی می‌کند و سراسیمه به کیهان می‌رود و ←

دردِ دگردیسی؛ مقاله پنجم: قناتِ بی‌آبِ نان‌دار

● تراژدی قتل حکومتی مهسا امینی جرقه‌ای بود بر انبار باروت ناراضی‌های سرکوب‌شده‌ی طیف بزرگ و متنوعی از طبقات و گروه‌های جامعه ایران. چیزی که موجب همه‌گیری و استمرار این خیزش شد، توافق سریع معترضان بر خواست براندازی نظام تبهکار جمهوری اسلامی بود.

● همنشینی و همبستگی هر چند می‌تواند فرخنده و ارزشمند باشد اما نه غایت مبارزه است و نه لزوماً به براندازی حکومت ختم می‌شود. آنچه طی ماه‌های پس از خیزش ۱۴۰۱ به نام اتحاد و همبستگی رخ داد حکایت از این داشت که صرف دور (یا کنار) یک میز نشست و سخن از اتحاد گفتن و منشور همبستگی نوشتن، نه تنها نیروهای برانداز را همدل و همراه نمی‌کند بلکه موجب تشنج و درگیری‌های بی‌حاصل و فرساینده میان سلیقه‌های مختلف این طیف رنگارنگ هم می‌شود.

● برخلاف آنچه در سبک رسانه‌های جریان اصلی تبلیغ می‌شود، ائتلاف میان گروه‌های ناهمگون اپوزیسیون، شرط ضروری براندازی جمهوری اسلامی نیست. براندازی به وسیله یک نیروی منسجم و منضبط با رهبری واحد و برنامه مشخص- البته با تکیه بر همدلی و یاری در داخل کشور و در صورت امکان استفاده از کمک خارجی- بسیار محتمل‌تر و عملگرایانه‌تر است تا براندازی با فرض هم‌کناری مجموعه‌های ناهمگون و متشتت با اوزان متفاوت و نیروهای نامتوازن در برون‌مرز که به اجبار یا مصلحت برای کوتاه مدتی «متحد» شده‌اند.

یوسف مصدقی- طغیان‌های اجتماعی، پدیده‌هایی پیچیده و سیال هستند. زمینه بروز این طغیان‌ها معمولاً یا بی‌توجهی حکومت‌های فاسد و ناکارآمد به تلنبار شدن مطالبات شهروندان است یا سرکوب مستمر خواسته‌های گروه‌های مختلف جامعه توسط حکومت‌های مستبد. گاهی هم استبداد و ناکارآمدی و فساد در حکومتی چون جمهوری اسلامی بهم می‌رسند و حجم عظیمی از ناراضی‌های و خشم را در جامعه زیر سلطه آن حکومت ایجاد می‌کنند که زمینه‌ای مستعد برای یک طغیان بزرگ را آماده می‌کند.

نفرتِ وحدت‌آفرین

زمینه برای اعتراض اما معمولاً بدون وقوع یک حادثه تراژیک و تکانه‌دهنده به طغیان نمی‌انجامد. درواقع برای بروز طغیان بهانه‌ای لازم است تا همگی ناراضیان حول آن جمع شوند و در مقابل حکومت فاسد و مستبد بایستند. به بیان مرسوم و معروف، وقوع چنین حادثه‌ای، حکم جرقه در انبار باروت را دارد که منجر به انفجار می‌شود. در بیشتر مواقع، فصل مشترک میان طغیانگران، نفرت از وضع موجود است و تمایل به نابودی آن. از این روست که هر اعتراضی در

من تازگی دارد.

درباره سرمقاله‌های معروف فرامرز باید این حقیقت را بگویم که حضور استاد فرامرز و قدرت قلم او کیهان را به حرکت درآورد. اگر استاد فرامرز از روز اول با ما نبود نمی‌دانم ما این راه را چطور طی می‌کردیم. شیوه همکاری ما این بود که هر روز صبح اول وقت مهم‌ترین خبر و مسئله روز را برای نوشتن سرمقاله انتخاب می‌کردیم و استاد فرامرز در دفترکارش می‌نشست و می‌نوشت. مردم هر روز با بی‌صبری انتظار می‌کشیدند که ببینند عصر استاد فرامرز در کیهان چه نوشته است. استاد فرامرز و من در مورد انتخاب موضوع سرمقاله هیچوقت اختلاف پیدا نکردیم و همکاری ما در سطح عالی ادامه داشت.

اما درباره سردبیران. اگر بین سردبیر و من بر سر موضوعی اختلاف نظری بود مطرح می‌کردیم. با توضیحاتی که سردبیر درباره نظر خودش می‌داد اگر من قانع می‌شدم که مشکلی نبود و اگر اختلاف نظر باقی می‌ماند سردبیر طبق نظر من

خبر اختصاصی خودش را می‌دهد. کیهان هم به تصور اینکه خبر اختصاصی به دست آورده است آن را با آب و تاب چاپ می‌کند و آن سر و صدای بی‌سابقه را به راه می‌اندازد و از هول حلیم توی دیگ می‌افتد. آنچه از این خبر درست بود فقط این بود که آن روز هواپیمایی به بغداد رفته ولی نه برای آوردن آیت‌الله خمینی ولی برای آوردن آشوری نامی که به اتهام آتش زدن سینما رکس آبادان دستگیر شده بود. در این تردید ندارم که شاهنشاه از دیدن آن شماره کیهان بسیار ناراحت شدند. من سعی کردم حقیقت را همانطور که اتفاق افتاده بود به عرض برسانم ولی نمی‌دانم ایشان باور فرمودند یا نه. دولت و نظامیان هر دو بسیار ناراحت و عصبانی بودند. من همیشه بار این مسئولیت را به دوش کشیده‌ام و خواهم کشید. ولی نکته‌ای را که به عنوان نتیجه‌گیری اصلی از این بحث می‌خواهم یادآور شوم این است که راه کیهان از روز اول انتشار روزنامه در طول سال‌ها در جریان «ستاخیز ملی» و بعد از آن همان راه سرمقاله اول

از عکس‌العمل حضرت آیت‌الله‌العظمی هنجوز خبری دردست نیست

مذاکره برای بازگشت حضرت آیت الله العظمی خمینی

گزارشهای غیررسمی حاکیست:

هیأتی از طرف دولت عازم

کيهان
تأسیس ۷ شهریور ۱۳۵۷ - ۲۴ بهمن ۱۳۶۸ - شماره ۱۰۵۵۱
جبهه ملی مذاکره با دولت را رد کرد

اقدام می‌کرد و دیگر مسئولیتی نداشت. ولی این به ندرت اتفاق می‌افتاد و به حدی نادر بود که الان موردی به یاد نمی‌آورم تا مثال بزنم.

-حتماً به خاطر دارید که بچه‌ها شعری دارند که در وقت بازی مخصوصی می‌خوانند و در آن گفته می‌شود: کی بود کی بود؟ من نبودم، دستم بود، تقصیر آستینم بود. حالا که قریب بیست سال از انقلاب اسلامی می‌گذرد، بسیاری از دولتمردان سابق در برابر این سؤال که چه کسی یا کسانی باعث این انقلاب شدند مثل همان بچه‌ها همین جواب را می‌دهند که: «من نبودم» و شخص محمدرضا شاه پهلوی را یک تنه مسبب و باعث این حادثه و عواقب آن می‌دانند. شما چه می‌گویید؟

دکتر مصباح‌زاده: این شعری که آوردید که به قول خودتان مال بچه‌هاست، درمورد ایران و ما آدم‌های بزرگ، من آن را اینطور اصلاح می‌کنم: کی بود؟ کی بود؟ منم نبودم، دستم بود، تقصیر آستینم نبود! ما همه، هر کدام در این اتفاق کم و بیش سهمی داشتیم و شکست همه کاسه کوزه‌ها به سر شاهنشاه و ایشان را مسبب همه چیز دانستن کمال بی‌انصافی و بی‌اطلاعی از مسئولیت وجدانی هر کسی است که اینطور فکر می‌کند.

در پایان این گفتگو لازم می‌دانم که از توجه «بنیاد مطالعات ایران» و مجله «ایران‌نامه» در طول سال‌های اخیر نسبت به مسائل اجتماعی، فرهنگی و ادبی ایران تقدیر کنم و این خدمت بزرگ را ارج بگذارم.

ما بود. ما ایران را برای ایرانی می‌خواستیم. ایران آباد، آزاد و متکی به خود را آرزو می‌کردیم. از این جهت فکر می‌کنم که لازم است در پایان این مصاحبه دو سند اساسی را برای ثبت در تاریخ و اثبات این طرز فکر در اختیار شما قرار دهم: یکی اولین سرمقاله کیهان و دیگری اصول «ستاخیز ملی» که در حقیقت مراننامه این جنبش سیاسی شبه‌حزبی بود.

سرمقاله جاودانی فرامرز

-تأثیر شخص شما در تعیین خط مشی سیاسی کیهان چه در مورد سرمقاله‌های معروف فرامرز و چه در مورد سردبیران و دبیران سرویس‌های مختلف چه بود؟ آیا به توصیه‌های شما عمل می‌کردند یا فقط توجه می‌کردند، یا اصلاً توجهی نداشتند؟

دکتر مصباح‌زاده: در آغاز کار کیهان من تازه‌وارد صحنه سیاست و مطبوعات بودم و نمی‌توانستم نفوذ و تأثیر چندانی در مطالب روزنامه داشته باشم. می‌دانستم چه می‌خواهم بکنم ولی به فوت و فن کار آشنا نبودم. ماه‌ها طول کشید تا از کار سر درآوردم. در آن زمان برای اینکه واقعاً سراپا کیهانی شوم سرمقاله اولین شماره کیهان را توی جیبم گذاشته بودم و در خانه و اداره هم روی میز بود. هر وقت فرصت پیدا می‌کردم و هر کجا بودم آن را دوباره و دوباره می‌خواندم و درباره‌اش فکر می‌کردم. خواندن این سرمقاله برای من تمامی نداشت. الان هم که این سطور را می‌نویسم باز به اولین شماره کیهان و آن سرمقاله که روی دیوار دفتر کارم نصب شده نگاه می‌کنم و هنوز هم برای

قدرت برسد که بتواند بدنه معترضان برانداز داخل کشور را به همدلی و همراهی با خود متمایل کند باقی دسته‌ها و احزاب و جمعیت‌ها و دورهمی‌های آویزان به اپوزیسیون یا ناچار به آن نیروی غالب خواهند پیوست و یا برای همیشه از صحنه سیاست ایران حذف خواهند شد.

تکمله

در سیر دگردیسی هر جامعه‌ای، در مراحل فرجامین، نظام ارزش‌های مستقر و کهنه که برای قرن‌ها ساختار آن جامعه را شکل داده با طغیان بخشی از جامعه علیه وضع موجود فرو می‌ریزد. در پی این ریزش، تا شکل‌گیری و استقرار نظم جدید و برآمدن ارزش‌های نو، هرج و مرجی همه‌جانبه بر جامعه حاکم می‌شود. این طغیان و هرج و مرج حاصل از آن

این داشت که صرف دور (یا کنار) یک میز نشست و سخن از اتحاد گفتن و منشور همبستگی نوشتن، نه تنها نیروهای برانداز را همدل و همراه نمی‌کند بلکه موجب تشنج و درگیری‌های بی‌حاصل و فرساینده میان سلیقه‌های مختلف این طیف رنگارنگ هم می‌شود.

وقتی نیروهایی که از نظر وزن و سابقه فرسنگ‌ها با هم فاصله دارند بنا به فشار رسانه‌های وابسته به عربستان و بریتانیا و با جوسازی‌های مسموم و کاذب در شبکه‌های اجتماعی به جبر، بنا را بر ائتلاف می‌گذارند تا دو سه شارلاتان فرصت‌طلب مقیم نیویورک و تورنتو و لندن با نشست کنار شاهزاده رضا پهلوی اعتبار کسب کنند، نتیجه جز نغمه‌ای ناکوک و بدآهنگ نمی‌توانست بشود که چنین نیز شد. تنها حسن این ائتلاف مرحوم خالی شدن باد همان شارلاتان‌های

این وضعیت به سرعت رادیکال می‌شود و با شعارها و رفتارهای براندازانه، بنیان‌های حکومت را به چالش می‌کشد. خیزش سراسری سال ۱۴۰۱ طغیانی بود با زمینه و بهانه‌ای مشابه آنچه شرح داده شد. تراژدی قتل حکومتی مهسا امینی جرقه‌ای بود بر انبار باروت نارضایتی‌های سرکوب‌شده‌ی طیف بزرگ و متنوعی از طبقات و گروه‌های جامعه ایران. چیزی که موجب همه‌گیری و استمرار این خیزش شد، توافق سریع معترضان بر خواست براندازی نظام تبهکار جمهوری اسلامی بود.

توافق بر براندازی شرط همبستگی است

طغیانی که پس از چنین انفجاری رخ می‌دهد، بسته به طیف افرادی که در آن مشارکت می‌کنند، مطالبات و



در اخلاق عمومی، زمینه ظهور انواع و اقسام فرصت‌طلبان و حقه‌بازان را در عرصه عمومی فراهم می‌کند. برخی از این جماعت با اوج‌گیری طغیان، در لباس مصلح و دلسوز مردم، با سوار شدن بر موج اعتراضات، مدعی راهبری و کشتیبانی جامعه می‌شوند. نفع این شارلاتان‌ها در تیرگی و غبارآلودگی فضای سیاسی است و ترفندشان برای کسب سود و قبضه قدرت، معرکه‌گیری و شلوغ‌بازی برای ناشفاف ماندن عرصه سیاست است. حال اگر طغیان جامعه ختم به خیر نشود هم این جماعت را باکی نیست زیرا در هر حالتی سود این موجودات تضمین شده است.

نقل است که حاجی میرزا آقاسی صدراعظم بدنام و صوفی‌مسلك محمدشاه قاجار علاقه‌ای بیمارگونه به احداث قنات در نقاط نامناسب داشت. روزی یکی از مقنن‌های ساده‌دل از او پرسید که اصرارش برای حفر قنات در جایی که در هیچ عمقی به آب نمی‌رسد چیست؟ صدراعظم حقه‌باز با تَسَّر جوابش داد که این قنات برای حاجی اگر آب ندارد حتما برای تو (و البته برای خود حاجی) نان دارد پس سرت به کار خودت باشد و الخ.

به قول زنده‌یاد عمران صلاحی: حالا حکایت [شبه‌رسانه‌های] ماست!

هوچی و روشن شدن وزن و اثر آنها در میان اپوزیسیون بود.

یکی مرد جنگی به از صد هزار!

برخلاف آنچه در سیرک رسانه‌های جریان اصلی تبلیغ می‌شود، ائتلاف میان گروه‌های ناهمگون اپوزیسیون، شرط ضروری براندازی جمهوری اسلامی نیست. براندازی به وسیله یک نیروی منسجم و منضبط با رهبری واحد و برنامه مشخص- البته با تکیه بر همدلی و یاری در داخل کشور و در صورت امکان استفاده از کمک خارجی- بسیار محتمل‌تر و عملگرایانه‌تر است تا براندازی با فرض هم‌کناری مجموعه‌ای ناهمگون و متشتت با اوزان متفاوت و نیروهای نامتوازن در برون‌مرز که به اجبار یا مصلحت برای کوتاه مدتی «متحد» شده‌اند.

یک اتحاد نامتوازن‌نمایشی میان اپوزیسیون، بیشتر از اینکه به کار براندازی بیاید موجب سوء استفاده و سهم‌خواهی موجودات بدسابقه، متوهم و دروغ‌گویی خواهد شد که با دوپینگ شبه‌رسانه‌های فارسی‌زبان سعودی- بریتانیایی و شارلاتان‌بازی‌های رایج در شبکه‌های اجتماعی، چهره شده‌اند و ادعای رهبری اپوزیسیون و «انقلاب» را دارند. هرگاه شناخته‌شده‌ترین نیروی اپوزیسیون به درجه‌ای از

خواسته‌های متنوع و گاه متضادی را اندرون خود جای می‌دهد که در کوتاه‌مدت نتیجه‌ای جز تعارض منافع و درگیری‌های داخلی نخواهد داشت. برای جلوگیری از بروز چنین تعارضات و درگیری‌هایی، چاره در تمرکز بر یک خواسته مشترک میان طیف متنوع معترضان است. درواقع سبب اتحاد معترضان با یکدیگر، دشمن مشترکی به نام نظام جمهوری اسلامی است که توافق بر براندازی آن گروه‌های متنوع معترضان را کنار هم نشانند.

این توافق بر براندازی اما نباید حمل بر این شود که تمام گروه‌های معترض خواسته‌های مشترک داشتند. حقیقت این است که برخلاف روایت رسانه‌های جریان اصلی، فارغ از اشتراک در بعضی شعارها، نوع اعتراضات و مطالبات در خیزش ۱۴۰۱، منطقه به منطقه و از یک طبقه اجتماعی تا طبقه‌ای دیگر، متفاوت هستند.

همبستگی غایت مبارزه نیست

همنشینی و همبستگی هرچند می‌تواند فرخنده و ارزشمند باشد اما نه غایت مبارزه است و نه لزوماً به براندازی حکومت ختم می‌شود. آنچه طی ماه‌های پس از خیزش ۱۴۰۱ به نام اتحاد و همبستگی رخ داد حکایت از

«ممنوع النطق» شدن نماینده افشاگر رشوه‌گیری اتومبیل‌های شاسی‌بلند در مجلس شورای اسلامی



● احمد علی‌رضاییگی نماینده تبریز از حق نطق هفت دقیقه‌ای در جلسات مجلس شورای اسلامی محروم شده و همزمان پرونده رشوه دادن چندین دستگاه اتومبیل شاسی‌بلند به مقامات حکومتی به حاشیه رانده شده است.

● حمید رسایی نماینده پیشین در مجلس شورای اسلامی در واکنش به این خبر گفته که «منع نمایندگان از نطق یک دیکتاتوری پارلمانی است که حتی در دوره ریاست لاریجانی هم سابقه نداشته است!»

● احمد علی‌رضاییگی: «این مسئله یک بدعت است که آقای قالیباف دارد در مجلس این را اعمال و اجرا می‌کند و این ممکن است برای تک تک نمایندگان رخ دهد، لذا انتظار این است که نمایندگان مردم در مقابل این اتفاق بایستند.»

نماینده مجلس شورای اسلامی که موضوع رشوه‌دهی صدها اتومبیل شاسی‌بلند به نمایندگان مجلس و دیگر مقامات حکومتی را افشا کرده بود «ممنوع النطق» شده است.

احمد علی‌رضاییگی نماینده تبریز در مجلس شورای اسلامی که در هفته‌های گذشته درباره رشوه گرفتن تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و دیگر مقامات حکومتی از امامان جمعه تا فرمانداران افشاگری کرده بود با حکم شورای نظارت بر رفتار نمایندگان «ممنوع النطق» شده است.

بر اساس این تصمیم احمد علی‌رضاییگی از حق نطق هفت دقیقه‌ای در جلسات مجلس شورای اسلامی محروم شده است. همزمان پرونده رشوه دادن چندین دستگاه اتومبیل شاسی‌بلند به مقامات حکومتی به حاشیه رانده شده و سرنوشت آن نامشخص است.

سردار پاسدار محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی با تأیید این خبر گفته که «شورای نظارت بر رفتار نمایندگان نامه‌ای را به هیات رئیسه نوشته و در آنجا بحثی داشته و بر این اساس است که آقای علی‌رضا بیگی اجازه نطق ندارند. این تصمیم در هیات رئیسه گرفته نشده بلکه تصمیم هیات نظارت بر رفتار نمایندگان است.»

احمد علی‌رضا بیگی در واکنش به «ممنوع النطق» شدنش گفته که «این مسئله خلاف قانون است، در حوزه اختیارات هیات نظارت بر رفتار نمایندگان و حتی هیات رئیسه مجلس یک چنین اختیاری منظور نشده است و این تحدید حقوق ملت است.»

او گفته است «این مسئله یک بدعت است که آقای قالیباف دارد در مجلس این را اعمال و اجرا می‌کند و این ممکن است برای تک تک نمایندگان رخ دهد، لذا انتظار این است که نمایندگان مردم در مقابل این اتفاق بایستند.»

علیرضاییگی با اشاره به جایگاه قانونی نماینده مجلس شورای اسلامی افزوده که «یک نماینده از جانب ملت تکلیف بر عهده‌اش است و آن کاری که من انجام دادم، کمترین کاری است که یک نماینده می‌تواند در دفاع از حقوق ملت انجام داده باشد و بسیار محل تأسف است که آقای قالیباف به منظور جلوگیری از آشکار شدن حقیقت که دیگر همه مردم در جریان این موضوع هستند، مرتکب چنین فعلی شده که حتما باید در پیشگاه تاریخ پاسخ بدهد؛ هم مجلس

و هم آقای قالیباف باید در مقابل تاریخ پاسخگو باشند.» ممنوع النطق کردن یک نماینده مجلس به دلیل افشای یک پرونده بزرگ فساد حکومتی که از سوی مافیای اتومبیل‌سازی صورت گرفته، با واکنش‌های زیادی روبرو شده است.

حمید رسایی نماینده مجلس شورای اسلامی در واکنش به این خبر گفته که «منع نمایندگان از نطق یک دیکتاتوری پارلمانی است که حتی در دوره ریاست لاریجانی هم سابقه نداشته است!»

ممنوع النطق شدن احمد علی‌رضاییگی بیش از اوایل خردادماه انجام شده اما اکنون سردار پاسدار محمدباقر قالیباف بطور رسمی آن را تأیید کرده است.

احمد علی‌رضاییگی هفتم خردادماه از بسته شدن میکروفون‌اش در صحن مجلس خبر داده و گفته بود که «میکروفن من بسته شده و اجازه نطق به من داده نمی‌شود. در این شرایط انتظار داریم که مجلس و هیات رئیسه در دفاع از حقوق نماینده ملت ایران ورود پیدا کند.»

این نماینده مجلس افزوده بود «اگر ملاحظاتی دارند نشان می‌دهد که آنها نمی‌توانند در جایگاه هیات رئیسه قرار بگیرند. هیچ قانونی به هیچکس این اجازه را نداده که میکروفن نماینده مجلس بسته شود و از نطق او ممانعت شود.»

بر اساس توضیح احمد علی‌رضاییگی «بر اساس ماده ۷۵ آیین‌نامه داخلی مجلس وقتی موضوعاتی علیه هر فردی در مجلس بیان می‌شود آن فرد اجازه دارد که در دفاع از خود صحبت کند، اما این اجازه به من داده نمی‌شود. تاکنون دو بار درخواست تذکر ماده ۷۵ داشتم، اما با آن مخالفت شد و این موضوع نشان می‌دهد که یک قدرت واحد ای بنا دارد مانع ایفای نقش نمایندگی ملت ایران در مجلس شورای اسلامی شود.»

احمد علی‌رضاییگی نخستین بار در هفته نخست اردیبهشت و چند روز پیش از جلسه استیضاح رضا فاطمی امین وزیر پیشین صمت از واگذاری ۷۰ تا ۷۵ اتومبیل شاسی‌بلند ساخت یکی از شرکت‌های اتومبیل‌سازی داخلی به نمایندگان مجلس به عنوان «هدیه» خبر داد.

با گذشت چند روز ابعاد تازه‌ای از این پرونده روشن و مشخص شد شمار اتومبیل‌های رشوه داده شده ۳۰۰ دستگاه بوده است. علی‌رضاییگی در اینبار گفته بود که «در حال حاضر قراردادی در اختیار دارم که حاکی است، شرکت معجول، قرارداد خرید ۳۰۰ دستگاه خودرو را با یکی از خودروسازان امضا کرده است. اسامی‌ای که من در اختیار دارم از وجود ۱۴۷ پوکه (قابل شمارش) حکایت می‌کند و هنوز سرنوشت سایر خودروها مشخص نیست. آیا این خودروها تحویل شده است؟ این خودروها به چه کسانی تحویل داده شده‌اند؟... باید به این ابهامات پاسخ درستی داده شود.»

پس از افشای پرونده رشوه‌گیری اتومبیل، محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی آن را تکذیب و چنین ادعایی را «هجمه جدید به دولت و مجلس» عنوان کرد، اما طولی نکشید که بازرس ویژه رئیس دولت موضوع را تأیید نمود.

حسن درویشیان درباره واگذاری شاسی‌بلندها گفت «بر اساس تفاهم‌نامه‌ای از سال ۱۴۰۰ این موضوع مطرح بوده و ۱۰۰ خودرو به نمایندگان بدون قرعه‌کشی واگذار شده است.»

او درباره آخرین اخبار پیگیری پرونده واگذاری رانته اتومبیل‌ها توضیح داده بود که «در پی دستور رئیس‌جمهور برای بررسی موضوع، بلافاصله با وزارت صمت و خودروسازان مکاتبه کردیم و از آنها در این خصوص توضیح خواستیم. پس از ارزیابی دقیق ابعاد موضوع و احراز تخلف،



آتش زدن دو «امامزاده» در دهلران و آبدانان



مدیرکل اوقاف ایلام می‌گوید ورودی این دو بقعه همیشه باز بوده اما در زمان وقوع حادثه در این دو بقعه بسته بوده که باید ابعاد ماجرا با دقت بررسی شود

شناسایی شده و زیر نظر قرار گرفته‌اند. در همین ارتباط شماری از حامیان نظام روز شنبه ۲۰ خرداد در مقابل مسجد جامع آبدانان تجمع کردند. خبرگزاری «تسنیم» گزارش داد دو امامزاده «سیدیوسف» و «سیدحیب» که در فاصله ۶ کیلومتری از هم قرار دارند، در اقدامی «داعش‌گونه» توسط این افراد مورد حمله قرار گرفت.

در ماه‌های اخیر موارد آتش زدن مساجد، امامزاده‌ها، دفاتر امامان جمعه، دفاتر نمایندگان رهبر جمهوری اسلامی در استان‌ها و همچنین دفاتر نمایندگان مجلس شورای اسلامی که آخوند هستند افزایش پیدا کرده و به موازات این موارد حمله به آخوندها در شهرهای مختلف نیز شدت گرفته است.

در همین ارتباط بر اساس آنچه در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده، فردی با تیغ موکت‌بری اخیراً به امام جماعت مسجد «امام حسن مجتبی» در مشهد حمله کرد. فرد ضارب برشی بر گردن امام جماعت مسجد زد که تیغ با شاهرگ برخوردی نداشت و آسیب جدی به آخوند مربوطه وارد نشد اما دو ماه پیش از این دست‌کم در چهار شهر به چند آخوند حمله شد که مهمترین آنها کشته شدن آیت‌الله عباسعلی سلیمانی عضو مجلس خبرگان در بابلرس و همچنین زیر گرفتگی آخوند در قم و تهران و اراک بود.

احمدحسین فلاحی عضو فراکسیون روحانیت مجلس شورای اسلامی در همین ارتباط گفته بود «تعرض به روحانیون، اصلاً نگران‌کننده نیست» و «به کوری چشم دشمنان، مردم طرفدار روحانیت هستند».

● **حجت‌الاسلام محسن موسوی امام جمعه شهرستان دهلران** گفته این دو امامزاده نزد مردم محترم بودند و خبر آتش زدن این محل «دردناک» و «حرکت غیرانسانی و غیردینی» است که موجب «تأسف مردم و مسئولان» شده است.

● **نماینده شهرستان آبدانان در مجلس شورای اسلامی** نیز مدعی شده آتش زدن این دو امامزاده و «قرآن» باعث **جریحه‌دار شدن احساسات همه مردم به ویژه سادات منطقه» شده است.**

فرد یا افرادی ناشناس جمعه ۱۹ خرداد بنای دو امامزاده در مسیر جاده آبدانان به دهلران واقع در استان ایلام را به آتش کشیدند.

بر اساس تصاویری که از این آتش‌سوزی در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده بخش‌هایی از داخل صحن کوچک این دو امامزاده در آتش سوخته است.

حجت‌الاسلام محسن موسوی امام جمعه شهرستان دهلران گفته این دو امامزاده نزد مردم محترم بودند و خبر آتش زدن این محل «دردناک» و «حرکت غیرانسانی و غیردینی» است که موجب «تأسف مردم و مسئولان شده است».

نماینده شهرستان آبدانان در مجلس شورای اسلامی نیز مدعی شده آتش زدن این دو امامزاده و «قرآن» باعث **جریحه‌دار شدن احساسات همه مردم به ویژه سادات منطقه» شده است.**

دادستانی ایلام دستور پیگیری و شناسایی عامل یا عاملین این آتش‌سوزی را داده است. حتا ادعا شده چند نفر مظنون

→ در گام اول از ادامه واگذاری خودروهای درخواستی به اشخاص که در قالب تفاهم نامه و امثالهم خارج از روال فروش خودرو به عموم مردم بوده جلوگیری کردیم.» او افزوده بود که «در گزارشی محرمانه، دستگاه‌ها و افراد متخلف را به رئیس‌جمهور معرفی کردیم و در همان بدو امر مدیرعامل ایران خودرو نیز در همین رابطه برکنار شد. البته این شرکت در گذشته نیز با مصوبه داخلی درصد واگذاری تعدادی خودروی شاسی بلند (هایما SA وارداتی CKD) قبل از عرضه عمومی به مردم و با رانت قابل توجه به مدیران خود بود که با ورود به موقع بازرسی ویژه منتفی شد.»

حسن درویشیان حتی از دستوراتی به اتومبیل‌سازان برای توقف رانت‌پاشی و رشوه‌دهی خبر داده و گفته بود که «تحت هیچ شرایطی حق واگذاری بی ضابطه خودرو به مدیران و کارکنان دستگاه‌های اجرایی در سه قوه و یا سایر اشخاص حقیقی یا حقوقی خصوصی را مغایر با روال عادی فروش به آحاد مردم ندارند و از وزیر وقت صمت هم خواسته شد ضمن توقف تفاهم نامه‌های خودروسازان با دستگاه‌های اجرایی نظارت مضاعف و جدی‌تری داشته باشند تا شاهد تکرار این مسئله نباشیم.»

ابوالفضل ابوترابی یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی فاش کرده که برخی از اتومبیل‌های رشوه‌ای سر از خانه امامان جمعه و فرمانداران درآورده است و برخی از این ۵۷ نماینده اتومبیل شاسی بلند را برای اقوام، دوستان و آشنایان و برخی برای امامان جمعه یا فرماندارشان تحویل گرفتند.

این نماینده با تأکید بر اینکه «اسامی نمایندگانی که خودرو دریافت کرده اند دست خود هیات رئیسه و هیات نظارت است» گفته است: «اینکه هیئت رئیسه رد کرد درست نیست چرا که این خودرو که رانت است به نمایندگان داده شده است.»

مصطفی میرسلیم نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی که از جمله فعالان در مافیای اتومبیل‌سازی است هم در توجیه چنین فسادگی گفته که «اخیراً هیچ موضوعی اتفاق نیفتاده است. اگر موردی بوده برای دو تا سه سال پیش است. حقیقت مشخص است اصل قضیه به یکسری از خودروها برمی‌گردد که اوایل این دوره مجلس بوده و طبق یک روالی به برخی افراد داده شد و اصلاً به استیضاح وزیر صمت ربط نداشته است.»

احمد علیرضاییگی در پی این افشاگری نه تنها از سوی مجلس شورای اسلامی بلکه از سوی قوه قضاییه و نهادهای امنیتی هم زیر فشار قرار گرفت و به دادسرا احضار و قرار تأمین کیفری برای او صادر شد.

او هفته نخست خردادماه اطلاعات جدیدی از این پرونده افشا کرد و گفت که «برخی نمایندگان با اسامی از قبیل دفترداران، رانندگان، عروس و دامادشان این خودروها را دریافت کردند. بنابراین این نمایندگان نسبت به قباحت این کار آگاهی داشتند و می‌دانستند این اقدام برانزده خانه ملت نیست.»

این عضو کمیسیون شوراها و امور داخلی افزوده با اشاره به اطلاع بخش منابع انسانی معاونت اجرایی وقت مجلس اضافه کرد: «امضای رئیس منابع انسانی معاونت اجرایی وقت مجلس پای نامه خامی که شرکت صوری و جعلی به نام وی تشکیل شده دیده می‌شود.»

او همچنین تأکید کرد که «امضای یک مقام ارشد اداری مجلس» در کنار امضای خامی است که در کوهشدت در حال زراعت است و شرکت به نام این خانم و خواهرش ثبت شده و روح‌شان هم از این موضوع خبر ندارد.

نماینده مجلس شورای اسلامی می‌گوید در عمل آزادسازی پول‌های بلوکه شده اتفاق نمی‌افتد؛ هشدار نسبت به پیامدهای سیاسی گسترش فقر

● محمد باقری بنایی: قشر متوسط جامعه عملاً به سمت حاشیه‌نشینی در تهران و یا شهرهای همجوار سوق پیدا کرده و ممکن است در آینده نه چندان دور شاهد مسائل اجتماعی و سیاسی متعدد باشیم.

● عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی: آزادسازی دلارهای بلوکه شده عملاً اتفاق نخواهد افتاد و دلاری به ایران ارسال نخواهد شد؛ احتمالاً به ازای دلاری که در عراق، افغانستان، پاکستان، کره جنوبی و ... داریم به ایران کالاهای اساسی مثل دارو خواهند داد.

● ایجاد موج‌های سازمانیافته خبری درباره آزادسازی پول‌های بلوکه شده ایران در دیگر کشورها از جمله اقدامات تیم اقتصادی دولت در پی تشدید بحران اقتصادی هفته‌های گذشته و با هدف مدیریت افکار عمومی صورت گرفته است.

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی با هشدار نسبت به افزایش رقم خط فقر در کشور تأکید کرده در عمل آزادسازی پول‌های بلوکه شده اتفاق نمی‌افتد بلکه ممکن است به ازای پول‌های بلوکه شده، کالاهای اساسی وارد شود.

محمد باقری بنایی عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی روز سه‌شنبه ۲۳ خرداد ۱۴۰۲ نسبت به افزایش رقم خط فقر در کشور هشدار داده و گفته است «با توجه به تورمی که در یکی دو سال اخیر شکل گرفته به نظر می‌رسد که در تهران خط فقر ۳۰ میلیون تومان باشد. با توجه به شرایط مسکن، اجاره، معیشت و تورم مشاهده می‌کنیم که قشر متوسط جامعه عملاً به سمت حاشیه‌نشینی در تهران و یا شهرهای همجوار سوق پیدا کرده و به همین علت ممکن است در آینده نه چندان دور شاهد مسائل اجتماعی و سیاسی متعدد باشیم.»

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی در حالی خط فقر در تهران را ۳۰ میلیون تومان عنوان کرده که پاییز سال گذشته کارشناسان اقتصادی با توجه به تورم و افزایش قیمت کالاهای پرمصرف در سبد خانوار اعلام کرده بودند رقم خط فقر برای یک خانواده سه تا چهار نفره در پایتخت ماهانه ۳۲ میلیون تومان و میانگین رقم خط فقر برای خانوارهای ساکن دیگر شهرهای کشور ۲۰ میلیون تومان در ماه است. به بیان دیگر یک خانواده سه تا چهار نفره در تهران اگر کمتر از ۳۲ میلیون تومان در ماه، و خانواده ساکن دیگر شهرها بطور میانگین کمتر از ۲۰ میلیون تومان در ماه درآمد در پاییز ۱۴۰۱ می‌داشت برای تأمین هزینه‌های ضروری زندگی دچار بحران بود.

محمد باقری بنایی در ادامه سخنان خود به پول‌های بلوکه شده و خبرهایی که این روزها در ارتباط با آزاد شدن آنها مطرح است پرداخت و گفت که «حتی با ۱۰۰ میلیارد دلار منابع ارزی که به گفته بانک مرکزی در کشورهای دیگر داریم نیز نمی‌توان برای کشور کار مهمی انجام داد، چون آنقدر هزینه‌های دولت سرسام‌آور بالا رفته که این مبالغ شاید برای چند ماه کافی باشد، اما برای طرح‌های بلندمدت کافی نیست.» او همچنین تأکید کرده که قرار نیست اسکناس به دولت داده شود بلکه معامله در برابر کالا صورت خواهد گرفت: «آزادسازی دلارهای بلوکه شده عملاً اتفاق نخواهد افتاد و



ریالی و ارزی در جمهوری اسلامی حکایت دارند. افزایش پر سرعت تورم در دو سال گذشته و کاهش شدید ارزش پول ملی سبب گسترش فقر شده بطوریکه برخی آمارهای ارائه شده از سوی مقامات حکومتی بر زیر خط فقر قرار داشت بیش از نیمی از جمعیت کشور حکایت دارد. علی آقامحمدی عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام صبح پنجشنبه ۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۲ در پنجمین اجلاس رؤسای کمیسیون‌های شهرسازی و معماری کلانشهرها و مراکز استان‌ها گفته که «دو هزار و ۲۰۰ محله، و ۱۹ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر از جمعیت در سراسر ایران وجود دارد که از امکانات اولیه زندگی مانند مسکن، اشتغال، تحصیلات تا ۱۲ سال، سلامت، خوراک و پوشاک محروم هستند.»

این عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام در حالی جمعیت محروم کشور را نزدیک به ۲۰ میلیون نفر اعلام کرده که وزارت راه و شهرسازی، جمعیت حاشیه‌نشین ایران را در سال ۱۳۹۹ نزدیک به ۲۰ میلیون عنوان کرده بود. با توجه به بحران تورم به ویژه در بخش مسکن و مواد خوراکی، بدون شک جمعیت حاشیه‌نشین و بدمسکن، و همچنین روستاییان محروم خیلی بیش از رقم ۱۹ میلیون و ۷۰۰ هزار نفری اعلام شده از سوی علی آقامحمدی است.

یکی از مهمترین عوامل حاشیه‌نشینی و بدمسکنی در کشور، تورم نجومی بخش اجاره‌بهای مسکن است. آخرین گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نشان می‌دهد تورم در بازار مسکن ایران طی دو دهه ۲۸ برابر شده است. در همین بازه زمانی و از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۹۹ شاخص هر متر زیربنای مسکونی در تهران ۳۳۰ برابر شده که بیانگر اختلاف بالاتر از تورم عمومی اقتصاد بوده است. در این میان دولت نیز برنامه‌ای برای بهبود وضعیت شاخص‌های اقتصادی ندارد و نشان داده توان و اراده حمایت از افشار تنگدست و نیازمندان را نیز ندارد.

یکی از تازه‌ترین طرح‌های دولت توزیع کالا برگ الکترونیک یا «کوپن» برای دریافت یارانه‌ای یازده قلم مواد خوراکی است. طرحی که مشخص نیست اجرای آن به درستی ←

دلاری به ایران ارسال نخواهد شد؛ احتمالاً به ازای دلارهایی که در عراق، افغانستان، پاکستان، کره جنوبی و ... داریم به ایران کالاهای اساسی مثل دارو خواهند داد.»

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی همچنین تأکید کرده که «هرچه سریع‌تر به عنوان یک مسئله اضطراری باید به دنبال راهکاری برای حل این مشکلات باشیم، در غیر اینصورت شاهد تورم وحشتناک به ویژه برای قشر متوسط خواهیم بود؛ راهکارهایی مثل جذب سرمایه‌گذاران خارجی و مولدسازی سرمایه‌های داخلی می‌تواند برای برطرف کردن مشکلات ایران مناسب باشد.»

ایجاد موج‌های سازمانیافته خبری درباره آزادسازی پول‌های بلوکه شده ایران در دیگر کشورها از جمله اقدامات تیم اقتصادی دولت در پی تشدید بحران اقتصادی هفته‌های گذشته و با هدف مدیریت افکار عمومی صورت گرفته است. محمدرضا فرزین، رئیس کل بانک مرکزی روز دوشنبه ۲۲ خردادماه در سخنانی ادعا کرد که «بالای ۱۰۰ میلیارد دلار منابع ارزی داریم و با اقدامات خوب دستگاه دیپلماسی باید از منابعی که در کشورهای دیگر داریم استفاده کنیم.» محمدرضا فرزین در بخش دیگری از سخنانش گفت که راهکار او برای مهار تورم فزاینده در ایران ایجاد ثبات اقتصادی است و افزوده که «ثبات اقتصادی با دخالت شروع می‌شود و نمی‌توان کنار نشست تا اقتصاد به ثبات برسد.»

او در ادامه افزود که «شروع هرسبب سیاست تثبیتی نرخ ارز است؛ ولی باید سیاست مالی هم با سیاست ارزی هماهنگ شود تا سیاست تثبیت موفق شود» و «نرخ ارز در بازار غیررسمی موضوع مهمی است که همه را نگران کرده است البته در روزهای اخیر شاهد کاهش این نرخ هستیم؛ تقاضای ارز در بازار غیررسمی شامل قاچاق وارداتی، فرار سرمایه و پوشش زیان‌های احتمالی ناشی از نااطمینانی‌های آینده است.» رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی در حالی با اطمینان از ذخایر قابل توجه ارزی و برنامه‌های اثرگذار برای ایجاد ثبات اقتصادی سخن گفته که نشانگرهای اقتصادی از وضعیت ناپایدار در بازارهای مختلف و کمبود شدید منابع

آزاد ساختن حدود ۲/۷ میلیارد دلار پول‌های بلوکه شده ایران

مقداری از پول صرف «هزینه حُجاج»، «خرید دارو» و «بدهی به ترکمنستان» شد!



سفر وزیر خارجه عراق به تهران / اسفند ۱۴۰۱

با آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا داشت که منجر به پیشرفت‌های مهمی در امور مالی میان ایران و عراق شد. یحیی آل‌اسحاق رئیس اتاق بازرگانی مشترک ایران و عراق می‌گوید: «این اتفاق بطور قطع تاثیر مثبتی بر بازارها خواهد داشت چرا که هم نیازهای بانک مرکزی مرتفع و هم کالاهای اساسی خریداری شده است. درواقع این گشایش ارزی می‌تواند به ثبات بازار ارز و همچنین کالاهای اساسی کمک قابل توجهی کند.»

به گفته رئیس اتاق بازرگانی مشترک ایران و عراق «مقداری از منابع بلوکه شده ایران در عراق برای نیازهای حجاج تخصیص یافت و بخشی از پول‌ها نیز برای تامین کالاهای اساسی پرداخت شد. شنیده‌ها حاکی از این است که مبلغ پرداختی حدود سه میلیارد دلار است.»

اما ضیاء الناصری مشاور نخست وزیر عراق می‌گوید پولی که آزاد شده حدود ۱/۵ میلیارد یورو بوده و یک میلیون یورو دیگر در آینده نزدیک آزاد می‌شود.

مقامات عراق از آمریکا بابت اجازه برای تامین هزینه‌های حجاج ایرانی از پول‌های تهران در بانک‌های عراق تشکر کرده‌اند. فؤاد حسین خطاب به بلینکن گفته «حل مشکل بدهی‌های بغداد به ایران بر فرایند برق‌رسانی در عراق تاثیر مستقیم دارد.» همزمان با انتشار گزارش‌ها در مورد آزاد شدن این پول وحید حاجی‌پور سردبیر وبسایت «میز نفت» در توییته نوشت: «با محکومیت ایران در داوری بین‌المللی، حکم آمد که ۱/۶ میلیارد دلار بدهی به ترکمنستان باید از محل منابع بلوکه شده تسویه شود. آمریکا مجوز داد و بانک TBI عراق طبق حکم بین‌المللی، این پول را به حساب ترکمن‌ها ریخت. در ایران اما وزیر نفت گفت با دیپلماسی انرژی، طلب‌مان از عراق وصول شد!» حدود ۱۲ میلیارد دلار از پول‌های ایران در عراق بلوکه شده که از قرار معلوم با چراج سبز آمریکا حدود ۲/۷ میلیارد دلار از آن آزاد شده است.

پیش از این جواد اوجی وزیر نفت جمهوری اسلامی گفته بود مقامات کشور عراق اعلام کرده‌اند که در ازای بدهی گازی به ایران تنها حاضر به ارائه غذا و دارو هستند نه پرداخت پول.

● احمد الصحاف سخنگوی وزارت خارجه عراق توضیح داده «فؤاد حسین [وزیر خارجه عراق] در جریان کنفرانس بین‌المللی مبارزه با تروریسم که در ریاض برگزار شد، گفتگوهای خوبی با آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا داشت که منجر به پیشرفت‌های مهمی در امور مالی میان ایران و عراق شد.»

● یحیی آل‌اسحاق رئیس اتاق بازرگانی مشترک ایران و عراق می‌گوید «مقداری از منابع بلوکه شده ایران در عراق برای نیازهای حجاج تخصیص یافت و بخشی از پول‌ها نیز برای تامین کالاهای اساسی پرداخت شد.»

● مقامات عراقی از آمریکا بابت اجازه برای تامین هزینه‌های حجاج ایرانی از پول‌های تهران در بانک‌های عراق تشکر کرده‌اند. فؤاد حسین خطاب به بلینکن گفته «حل مشکل بدهی‌های بغداد به ایران بر فرایند برق‌رسانی در عراق تاثیر مستقیم دارد.»

● همزمان با انتشار گزارش‌ها در مورد آزاد شدن این پول وحید حاجی‌پور سردبیر وبسایت «میز نفت» در توییته نوشت: «با محکومیت ایران در داوری بین‌المللی، حکم آمد که ۱/۶ میلیارد دلار بدهی به ترکمنستان باید از محل منابع بلوکه شده تسویه شود. آمریکا مجوز داد و بانک TBI عراق طبق حکم بین‌المللی، این پول را به حساب ترکمن‌ها ریخت. در ایران اما وزیر نفت گفت با دیپلماسی انرژی، طلب‌مان از عراق وصول شد!»

خبرگزاری رویترز به نقل از یک مقام ارشد وزارت خارجه عراق گزارش داد که بغداد پس از دریافت معافیت تحریمی از سوی آمریکا، با پرداخت حدود ۲/۷ میلیارد دلار بدهی گاز و برق به ایران موافقت کرده است.

این مقام عراقی توضیح داده فؤاد حسین وزیر خارجه این کشور در همین ارتباط با بدر البوسعیدی وزیر خارجه عمان گفتگوهای مستمری را در سطح عالی انجام دادند.

آزادسازی این مقدار پول بی‌ارتباط با سفر اخیر وزیر خارجه آمریکا به ریاض نیست. احمد الصحاف سخنگوی وزارت خارجه عراق تأکید کرد «فؤاد حسین در جریان کنفرانس بین‌المللی مبارزه با تروریسم که در ریاض برگزار شد، گفتگوهای خوبی

انجام شود یا نه اما حتی در صورت اجرای درست نیز با توجه به رقم ناچیز اختصاص یافته به عنوان یارانه نمی‌تواند بر معیشت مردم اثر مثبتی بگذارد.

هرچند قرار بود از ابتدای سال گذشته با حذف ارز ترجیحی برای حمایت از اقشار تنگدست و کم‌درآمد کوپن توزیع شود اما اکنون با بیش از یک سال تأخیر دولت از اجرای این طرح با عنوان «کالابرج الکترونیک» خبر داده است. سردار پاسدار احمد وحیدی وزیر کشور جمهوری اسلامی روز گذشته از آمادگی اجرا بودن طرح کالابرج الکترونیک خبر داد و گفت که «کسانی که که مایلند یارانه خود را به صورت کالابرج دریافت کنند، می‌توانند به سامانه شبکه ملی اعتبار (شما) مراجعه کنند. این سامانه غیر از تأمین کالاهای اساسی، می‌تواند کارهای دیگری از جمله زنجیره تأمین مالی را سامان بدهد.»

وزیر کشور افزود که «مسئول این طرح، وزارت تعاون است، ولی در سطح استان‌ها، استانداری‌ها، فرمانداری‌ها، بخشداری‌ها و دهیاری‌ها درگیر هستند؛ بنابراین لازم بود هماهنگی‌های بیشتر صورت بگیرد و آمادگی اجرایی فراهم شده است. همه آمادگی اجرای این طرح را دارند.»

در حالیکه وزیر پاسدار وزارت کشور گفته یارانه‌بگیران می‌توانند در سامانه ایجاد شده برای کالابرج الکترونیک درخواست بدهند اما هفته گذشته وزیر کار از اجرای مرحله‌ای این طرح خبر داده و گفته بود در گام نخست فقط مستمری‌بگیران سازمان بهزیستی و کمیته امداد می‌توانند از کوپن استفاده کنند.

صورت مرتضوی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی گفته که در گام اول، یارانه کالابرج ۲۰ درصد افزایش پیدا می‌کند و کسانی که مشمول یارانه هستند می‌توانند تا ۷۰ درصد یارانه‌شان را کالای خریداری کنند و مشمول افزایش یارانه شوند. صورت مرتضوی در توضیحات تکمیلی از افزایش ۸۰ هزار تومانی مبلغ یارانه کالابرج الکترونیک خبر داده و اعلام کرده لود این طرح از هفته آینده اجرا می‌شود و همه یارانه‌بگیران یا هر عضو از خانواده‌هایشان که ۴۰۰ هزار تومان دریافت نقدی یارانه دارند، در صورت استفاده و خرید کالابرج الکترونیکی مبلغ یارانه آنها به ۴۸۰ هزار تومان افزایش می‌یابد.

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی افزوده بود که در این طرح امکان خرید اعتباری ۱۰ قلم کالای اساسی شامل ماست، شیر، پنیر، قند و شکر، ماکارونی، روغن مایع، برنج، مرغ و تخم مرغ تا سقف مبلغ یارانه خانوار یک ماه زودتر از تاریخ واریز نقدی فراهم شده است. ارزش ریالی سبد مذکور ۵۳۰ هزار تومان است ولی سهم پرداختی مردم برای خرید ۱۰ قلم کالا ۲۳۵ هزار و ۷۵۰ هزار تومان است که در صورت تورم احتمالی و افزایش قیمت‌ها این سهم تغییر نمی‌کند. معاون وزیر کار نیز از سه دهک اول درآمدی به عنوان افراد مشمول این طرح در گام سخن گفته است. علیرضا عسگریان، معاون رفاه و امور اقتصادی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی با حضور در رسانه ملی توضیحاتی درباره افزایش ۲۰ درصدی مبلغ یارانه سه دهک اول درآمدی ارائه و اظهار کرد: «سه دهک اول به عنوان اولویت اصلی در نظر گرفته می‌شوند، اما در ماه اول به صورت آزمایشی ما یارانه و افزایش یارانه‌ای را به مددجویان امداد و بهزیستی اختصاص می‌دهیم.»

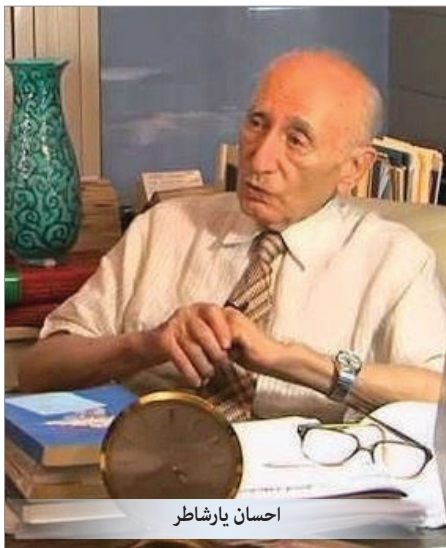
او افزوده بود که «به عبارتی از سیزدهم این ماه یارانه مددجویان بهزیستی و کمیته امداد را با توجه به طرح جدید شارژ می‌کنیم. درواقع مددجویان، بخشی از سه دهک هستند و امیدوار هستیم در ماه‌های آتی همه افراد در این سه دهک پوشش یابند و اگر تصمیم گرفته شود در ادامه به دهک‌های بالاتر تسری پیدا کند.»

برطرف شدن اختلافات دانشگاه کلمبیا و بنیاد دانشنامه ایرانیکا

● در بیانیه‌ای که دانشگاه کلمبیا و بنیاد دانشنامه ایرانیکا EIF منتشر کرده‌اند گفته می‌شود که دو نهاد تقریباً سه دهه برای حمایت از انتشار دانشنامه با یکدیگر همکاری می‌کرده‌اند. از سال ۲۰۱۸، طرفین در یک مجادله حقوقی بر سر حق مالکیت معنوی دانشنامه درگیر بوده‌اند.

● دانشنامه ایرانیکا توسط پروفیسور احسان یارشاطر مورخ و اندیشمند و استاد دانشگاه کلمبیا و مدیر مرکز یارشاطر برای مطالعات ایران در دانشگاه کلمبیا بنیان گذاشته شد.

● در بیانیه مشترک دانشگاه کلمبیا و ایرانیکا آمده است که بر اساس توافق، وظایف و فعالیت‌های آکادمیک



احسان یارشاطر

دانشنامه به یک نهاد آکادمیک معتبر با برنامه تثبیت شده‌ای برای مطالعات ایران منتقل خواهد شد. EIF حمایت‌های لازم را برای دانشنامه فراهم خواهد آورد. این توافق تمام اختلافات باقیمانده بین طرفین را برطرف خواهد ساخت و چگونگی حقوق مالکیت فرهنگی در ارتباط با دانشنامه را روشن خواهد کرد.

دانشگاه کلمبیا و بنیاد دانشنامه ایرانیکا (EIF) اعلام کردند در مورد آینده مرکز احسان یارشاطر برای مطالعات ایران به توافق رسیده‌اند. این مرکز به زودی بسته خواهد شد، اما انتشار دانشنامه در نهاد آکادمیک معتبر دیگری ادامه خواهد یافت و نسخه آنلاین آن همچنان به رایگان در دسترس علاقمندان خواهد بود.

دانشنامه ایرانیکا توسط پروفیسور احسان یارشاطر مورخ و اندیشمند و استاد دانشگاه کلمبیا و مدیر مرکز یارشاطر برای مطالعات ایران در دانشگاه کلمبیا بنیان گذاشته شد.

در سال ۱۹۹۰، پروفیسور یارشاطر EIF را تاسیس کرد ←

آمریکا رسماً ارسال پهپاد از جمهوری اسلامی به روسیه از طریق دریای خزر را تأیید کرد



جمهوری اسلامی در پوشش شرکت‌های صنعتی غیرنظامی اقدام به ساخت موشک و پهپاد می‌کند

کردند پهپادهای ساخت جمهوری اسلامی در بندر «امیرآباد» در نزدیکی بهشهر در استان مازندران بارگیری شده و از طریق دریای کاسپین (خزر) به بندر «مخاچ‌قلعه» در جمهوری داغستان در جنوب روسیه در حاشیه دریا منتقل می‌شوند. روس‌ها سپس از دو مسیر متفاوت این پهپادها را به مرزهای غربی در خط مقدم جنگ با اوکراین منتقل می‌کنند.

با اینهمه پیش از آنکه مقامات آمریکایی این مسیرها را تأیید کنند روزنامه «وال استریٹ ژورنال» و «سی‌ان‌ان» چند مورد درباره مسیر ارسال پهپادها از ایران به روسیه گزارش داده بودند. یکی دیگر از بنادری که در این گزارش‌ها به آن اشاره شده بود «بندر انزلی» است.

جان کربی می‌گوید که مسکو به تهران پیشنهاد همکاری‌های دفاعی بی‌سابقه از جمله در زمینه موشکی و تکنولوژی الکترونیک ارائه کرده است.

وی با ارائه تصاویر ماهواره‌ای از کارخانه مورد اشاره خود در منطقه ویژه اقتصادی آلابوگا در روسیه گفت که مسکو در حال دریافت اطلاعات و تجهیزات لازم از رژیم ایران است. پیش‌بینی شده کارخانه‌ای که در منطقه ویژه اقتصادی آلابوگا قرار دارد، می‌تواند تا اوایل سال ۲۰۲۴ به بهره‌برداری کامل برسد. کربی ادعا کرده که آمریکا از تمام ابزارهایی که در اختیار دارد برای مختل کردن این فعالیت‌ها استفاده خواهد کرد و در این زمینه آماده دست زدن به اقدام‌های بیشتر است.

دولت آمریکا به شرکت‌ها و سایر دولت‌ها در مورد خطرات برنامه‌های پهپادی جمهوری اسلامی و راه‌های غیرقانونی تهران برای تأمین تجهیزات برای آن هشدار داده است. در ماه‌های اخیر بارها افراد و کارخانه‌ها و شرکت‌هایی که در انتقال تجهیزات نظامی ایران به روسیه برای استفاده در اوکراین دخالت داشته‌اند در فهرست سیاه تحریم‌ها قرار گرفته‌اند.

● جان کربی هماهنگ‌کننده ارتباطات راهبردی شورای امنیت ملی کاخ سفید گفت که روسیه تا ماه مه (اردیبهشت- خرداد) صدها پهپاد انتحاری و تجهیزات برای تولید پهپاد از جمهوری اسلامی ایران دریافت کرده است.

● این اطلاعات بر اساس اسناد تازه‌ای است که از همکاری نظامی رژیم ایران و روسیه در جنگ با اوکراین منتشر شده است. در این گزارش‌ها تأیید شده روسیه با کمک عوامل جمهوری اسلامی در حال آماده شدن برای تأسیس کارخانه تولید پهپاد در خاک خود است.

● بر اساس گزارش‌هایی که منابع اطلاعاتی آمریکا منتشر کرده‌اند، پهپادهای ساخت جمهوری اسلامی در بندر «امیرآباد» در نزدیکی بهشهر در استان مازندران بارگیری شده و از طریق دریای کاسپین به بندر «مخاچ‌قلعه» در جمهوری داغستان در جنوب روسیه در حاشیه دریا منتقل می‌شوند. روس‌ها سپس از دو مسیر متفاوت این پهپادها را به مرزهای غربی در خط مقدم جنگ با اوکراین منتقل می‌کنند.

● جان کربی با ارائه تصاویر ماهواره‌ای از کارخانه مورد اشاره خود در منطقه ویژه اقتصادی آلابوگا در روسیه گفت که مسکو در حال دریافت اطلاعات و تجهیزات لازم از رژیم ایران است.

جان کربی هماهنگ‌کننده ارتباطات راهبردی شورای امنیت ملی کاخ سفید جمعه نهم ژوئیه (۱۹ خرداد) گفت که روسیه تا ماه مه (اردیبهشت- خرداد) صدها پهپاد انتحاری و تجهیزات مرتبط برای تولید پهپاد از جمهوری اسلامی دریافت کرده است.

این اطلاعات بر اساس اسناد تازه از همکاری نظامی رژیم ایران و روسیه در جنگ با اوکراین منتشر شده است. در این گزارش‌ها تأیید شده روسیه با کمک عوامل جمهوری اسلامی در حال آماده شدن برای تأسیس کارخانه تولید پهپاد در خاک خود است.

بر اساس گزارش‌هایی که منابع اطلاعاتی آمریکا منتشر

فخری خوروش بازیگر پیشکسوت ایرانی درگذشت



هنری‌اش و شرایط آن دوران در ارتباط با فعالیت هنری زنان به ویژه در تئاتر و سینما گفته است «سنم کم بود که ازدواج کردم، آنهم در شرایطی که هنوز دو خواهر بزرگتر از من ازدواج نکرده بودند. وقتی این اتفاق رخ داد از کرمانشاه به تهران آمدم. به همین خاطر از طرف پدر و مادرم طرد شدم. آنهم به مدت ۹ سال، بطوری که وقتی پدرم بیمار شد و برای معالجه به تهران آمد، اجازه ندادند او را ببینم و من مجبور شدم از پشت شیشه‌های اتاقی که در آن بستری بود او را ببینم.»

فخری خوروش از سال ۱۳۳۹ تا ۱۳۵۶ در تله‌تئاترهای بسیاری به ایفای نقش پرداخت و طی بیش از یک دهه اجرای هفتگی تله‌تئاتر در تلویزیون ملی ایران با بازیگران سرشناسی چون عزت‌الله انتظامی، داوود رشیدی، بهروز وثوقی، محمدعلی کشاورز، جمیله شیخی، پرویز فنی‌زاده، علی نصیریان و جمشید مشایخی همبازی بود.

حضور او در سینمای ایران با نقش‌آفرینی در فیلم «برای تو» محصول ۱۳۳۴ به کارگردانی صادق بهرامی آغاز شد. وی تازه از اواخر دهه ۱۳۴۰ حضور پررنگ‌تری در سینما داشت. فخری خوروش در فیلم‌های معروفی چون «آقای هالو» به کارگردانی داریوش مهرجویی، «نفرین» به کارگردانی ناصر تقوایی، «شازده احتجاب» به کارگردانی بهمن فرمان‌آرا، «شترنچ باد» به کارگردانی محمدرضا اصلانی و «سوته‌دلان» به کارگردانی علی حاتمی بازی کرد.

فخری خوروش از اوایل دهه شصت خورشیدی به ایفای نقش در سینمای پس از انقلاب اسلامی پرداخت و در چند سریال تلویزیونی نیز بازی کرد. یکی از برجسته‌ترین بازی‌های فخری خوروش در سریال «امیرکبیر» و بازی در نقش مهدعلیا مادر ناصرالدین شاه بود. این سریال محصول سال ۱۳۶۳ به کارگردانی سعید نیک‌پور بود.

در سال ۲۰۱۰ در سومین دوره جشنواره «فیلم‌های ایرانی سانفرانسیسکو» از فخری خوروش برای ۵۰ سال فعالیت هنری تقدیر شد.

آخرین بازی فخری خوروش در سکنس آخر فیلم «یک بوس کوچولو» به کارگردانی بهمن فرمان‌آرا در سال ۱۳۸۴ بود. فخری خوروش از دهه هشتاد به همکاری با سینمای ایران پایان داد و بعد از مدتی به ایالات متحده آمریکا مهاجرت کرد.

● فخری خوروش متولد ۱۰ خرداد ۱۳۰۸ در کرمانشاه بود و فعالیت هنری خود را با نقش‌آفرینی در نمایش «دست‌های آلوده» اثر ژان پل سارتر آغاز کرد.

● این هنرمند تئاتر و سینما در سن ۱۶ سالگی دیپلم گرفت و در دانشسرا تحصیل کرد و به شغل آموزگاری مشغول شد. او تصمیم داشت در رشته پزشکی تحصیل کند.

● خوروش نخست در نمایش‌های تلویزیونی ملی ایران به هنرمندی پرداخت و سپس حضور او در سینمای ایران با نقش‌آفرینی در فیلم «برای تو» محصول ۱۳۳۴ به کارگردانی صادق بهرامی آغاز شد و در سال‌های بعد در فیلم‌های معروفی چون «آقای هالو» به کارگردانی داریوش مهرجویی، «نفرین» به کارگردانی ناصر تقوایی، «شازده احتجاب» به کارگردانی بهمن فرمان‌آرا، «شترنچ باد» به کارگردانی محمدرضا اصلانی و «سوته‌دلان» به کارگردانی علی حاتمی بازی کرد.

● در سال ۲۰۱۰ در سومین دوره جشنواره «فیلم‌های ایرانی سانفرانسیسکو» از فخری خوروش برای ۵۰ سال فعالیت هنری تقدیر شد.

فخری خوروش بازیگر پیشکسوت تئاتر، سینما و تلویزیون روز گذشته در سن ۹۴ سالگی در ایالات متحده آمریکا درگذشت.

فخری خوروش همکاری با کارگردانی چون علی حاتمی، ناصر تقوایی، داریوش مهرجویی، محمدرضا اصلانی و بهمن فرمان‌آرا را در کارنامه‌ی هنری خود داشت.

وی فخری متولد ۱۰ خرداد ۱۳۰۸ در کرمانشاه بود و فعالیت هنری خود را با نقش‌آفرینی در نمایش «دست‌های آلوده» اثر ژان پل سارتر آغاز کرد.

این هنرمند تئاتر و سینما در سن ۱۶ سالگی دیپلم گرفت و در دانشسرا تحصیل کرد و به شغل آموزگاری مشغول شد. او تصمیم داشت در رشته پزشکی تحصیل کند اما توسط انجمن جامعه لیسانس‌ها برای بازیگری در تئاتر انتخاب شد. خوروش با آغاز فعالیت هنری، وضعیت استخدامی خود از وزارت آموزش و پرورش را به وزارت فرهنگ و هنر تغییر داد و بطور رسمی مشغول بازی در تله‌تئاتر برای تلویزیون ملی ایران شد.

فخری خوروش درباره واکنش خانواده‌اش به فعالیت

تا منابع لازم را برای اطمینان از ادامه انتشار دانشنامه فراهم آورد.

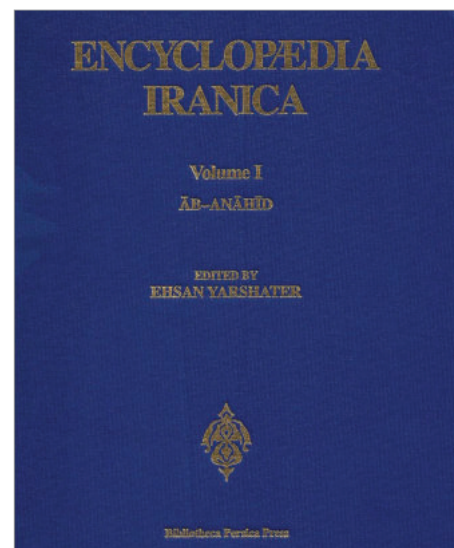
دانشنامه ایرانیکا یک پروژه گروهی بین‌المللی و بزرگ‌ترین و جامع‌ترین پروژه ایران‌شناختی است که در سال ۱۹۸۵ در دانشگاه کلمبیا در نیویورک به اجرا درآمد. دکتر احسان یارشاطر از آغاز سردبیر آن بود، اما این سمت از ابتدای سال ۲۰۱۷ به آلتون دانیل واگذار شد.

دانشنامه بر بررسی تاریخ و تمدن ایران در خاورمیانه، قفقاز، آسیای مرکزی و شبه‌قاره هند متمرکز بود و به همه جنبه‌های تاریخ و فرهنگ ایران از جمله ادبیات و زبان‌های ایرانی می‌پرداخت.

در سال ۱۹۹۰، بنیاد دانشنامه ایرانیکا با هدف تضمین استقلال فکری دایره‌المعارف ایرانیکا و اطمینان از تداوم انتشار آن در نسخه‌های دیجیتال و چاپی تاسیس شد.

در بیانیه‌ای که دانشگاه کلمبیا و بنیاد دانشنامه ایرانیکا EIF منتشر کرده‌اند گفته می‌شود که دو نهاد تقریباً سه دهه برای حمایت از انتشار دانشنامه با یکدیگر همکاری می‌کرده‌اند. از سال ۲۰۱۸، طرفین در یک مجادله حقوقی بر سر حق مالکیت معنوی دانشنامه درگیر بوده‌اند.

با این حال آنها علاقه مشترکی به موفقیت و ادامه انتشار دانشنامه دارند، همچنین تشخیص می‌دهند که اختلاف جاری به سود این علائق، اندیشمندی در سراسر جهان که در محتوای آکادمیک آن سهیم بوده‌اند، کمک‌کنندگان سخاوتمندی که از آن حمایت مالی کرده‌اند و همچنین



خوانندگان اروپا قرص دانشنامه نیست. بنابراین برای رسیدن به توافقی که منافع و علائق ایرانیکا، حامیان و همکاران آنرا در مقام نخست قرار دهد، به همکاری پرداختند.

در بیانیه آمده است که بر اساس توافق، وظایف و فعالیت‌های آکادمیک دانشنامه به یک نهاد آکادمیک معتبر با برنامه تثبیت شده‌ای برای مطالعات ایران منتقل خواهد شد. EIF حمایت‌های لازم را برای دانشنامه فراهم خواهد آورد. این توافق تمام اختلافات باقی‌مانده بین طرفین را برطرف خواهد ساخت و چگونگی حقوق مالکیت فرهنگی در ارتباط با دانشنامه را روشن خواهد کرد.

احسان یارشاطر در سال ۱۲۹۹ خورشیدی در همدان زاده شد و شامگاه شنبه دهم شهریور ۱۳۹۷ در ۹۸ سالگی در کالیفرنیا درگذشت. او به گفته خودش، در گفتگو با بی‌بی‌سی، در دهه ۱۳۲۰ خورشیدی به ایران‌شناسی علاقمند شد و به پژوهش در زمینه ایران پیش از اسلام و زبان‌ها و گویش‌های ایرانی روی آورد.

فرش قرمز زیر پای سرکوبگران؛ «علیرضا زاکانی را آنهایی به بروکسل دعوت کردند که با مجاهدین و اصلاح طلبان کار می کنند»



حضور پاسدار علیرضا زاکانی در جمع شهرداران کلانشهرهای دنیا «متروپولیس» / خرداد ۱۴۰۲

در بین احزاب چپ و بسیاری از نمایندگان پارلمان اروپا لابی بسیار قوی دارند.»

وی توضیح می دهد: «حزب لیبرال دموکرات مدت هاست در صدد دعوت شاهزاده رضا پهلوی به پارلمان اروپاست ولی همین احزاب با نامه نگاری و لابی مخالفت می کنند. این درخواست را حزب لیبرال دموکرات مطرح کرده بود. با حزب راستگرای پارلمان نیز صحبت کردیم آنها هم موافق بودند. اما دوباره نامه های درخواست رد می شود چون احزاب چپ علیه آن هستند. بعضی از اعضای پارلمان اروپا هم ترجیح می دهند وارد این قضیه نشوند چون این مسائل برای آنها حاشیه دارد و ترجیح می دهند درگیر آن نشوند. هر حرکتی از طرف احزاب راست و لیبرال می شود بلافاصله چپ ها و مجاهدین با هم علیه آن اقدام می کنند.»

به گفته ی ملیسا امیرخیزی «بعضی احزاب پروتکل دارند که حتا با اعضای سازمان مجاهدین نباید صحبت کنند اما چپ ها تمام قد در پارلمان اروپا از آنها حمایت می کنند. بعضی از این احزاب چپ اصلاح طلبان جمهوری اسلامی را نیز پشتیبانی می کنند. البته حزب سبز اعلام کرده از دعوت زاکانی بی خبر بوده اما جای تردید وجود دارد چون اغلب آنها با چپ ها همکاری می کنند. این در حالیکه بیشتر احزاب اعتراض کردند و گفتند چرا چنین آدمی اصلا باید بتواند ویزا بگیرد.»

پایگاه خبری «پولیتیکو» روز ۲۴ خرداد در گزارشی نوشت فیلیپ کلوز شهردار بروکسل و پاسکال اسمت وزیر امور شهرسازی بروکسل به دلیل دعوت از علیرضا زاکانی مورد انتقاد قرار گرفته اند.

پاسدار علیرضا زاکانی یکی از طراحان و مجری طرح تبدیل «سراهای محله» به «قرارگاه محلی» با مشارکت نیروهای بسیج و مساجد و حوزوی ها است. طرحی که برای تقویت ماشین سرکوب رژیم در پایتخت برنامه ریزی شده و اجرا می شود.

بعد از اعتراضات سال ۱۳۸۸ شهرداری ها به ویژه شهرداری تهران نیروهایی را استخدام کردند که در مواقع عادی کارشان جمع کردن بساط دستفروشان و مقابله با سد معبر در خیابان هاست اما در مواقع اضطراری در سرکوب اعتراضات از این نیروها نیز استفاده می شود. علیرضا زاکانی سال هاست این واحدهای متشکل از بسیجی ها و لباس شخصی ها را تحت امر خود دارد.

که در ایران به گروگان گرفته شده بود، علیرضا زاکانی شهردار تهران و عضو سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای شرکت در مجمع عمومی «متروپولیس» (انجمن کلانشهرهای مهم جهان) به بروکسل سفر کرد.

در این سفر لطف الله فروزنده معاون مالی و اقتصاد شهری شهرداری تهران و مهدی عباسی رئیس کمیسیون شهرسازی و معماری شورای اسلامی شهر تهران و همچنین تعدادی لباس شخصی زاکانی را همراهی می کردند.

انجمن متروپولیس در سال ۱۹۸۴ به ابتکار شهرداری پاریس بنیانگذاری شد و در سال ۱۹۸۵ در مونترال کانادا آغاز به کار کرد و هدف اصلی آن ارتقاء توسعه شهری پایدار در شهرهای بزرگ به منظور افزایش کیفیت زندگی شهروندان از طریق هدایت شبکه جهانی کلانشهرها و نظارت بر مسیر توسعه مناطق شهرهای بزرگ و مهم جهان است.

اما در مورد جمهوری اسلامی و تهران موضوع بر سر این است که زاکانی شهردار پایتخت عضو سپاه پاسداران انقلاب اسلامی یکی از عوامل اصلی سرکوب مردم در جریان اعتراضات از جمله خیزش ملی اخیر در کشور است. وی که در دهه ۷۰ رئیس سازمان بسیج دانشجویی بود همراه با قاسم سلیمانی و علی فضلی نقش اصلی در سرکوب اعتراضات ۱۸ تیر ۱۳۷۸ و حمله به کوی دانشگاه تهران را نیز داشت.

زاکانی در پاسخ به پرسش خبرنگار شبکه «آرتال اینفو»، منکر تجمعات ایرانیان در اعتراض به سفر او به اروپا شد و ادعا کرد: «آنچه من در اینجا مشاهده کردم استقبال از پیشرفت های ما بوده است!»

دریا صفایی نماینده پارلمان بلژیک در واکنش به حضور علیرضا زاکانی در بروکسل با اشاره به سوابق او گفت: «سازمانی که او رئیس آن بوده به دلیل نقض فاحش حقوق بشر توسط اتحادیه اروپا تحریم است. ببینید تروریست های رژیم قاتل چگونه می توانند آزادانه در قلب اروپا راه بروند!»

در جریان تجمع اعتراضی ایرانیان در بروکسل دارودستهی زاکانی، درست مانند خیابان های ایران، اقدام به فیلمبرداری از تجمع کنندگان کردند!

ملیسا امیرخیزی مسئول کمیسیون اقتصادی پارلمان بلژیک در گفتگو با کیهان لندن می گوید: «زاکانی را احزاب چپ به بروکسل دعوت کردند که با مجاهدین کار می کنند. آنها

سه هفته پس از مبادله اسدالله اسدی دیپلمات-مبگذار جمهوری اسلامی با اولیویه وانده کاستیل امدادگر بلژیکی که در ایران به گروگان گرفته شده بود، علیرضا زاکانی شهردار تهران و عضو سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای شرکت در مجمع عمومی «متروپولیس» (انجمن کلانشهرهای مهم جهان) به بروکسل سفر کرد.

در این سفر لطف الله فروزنده معاون مالی و اقتصاد شهری شهرداری تهران و مهدی عباسی رئیس کمیسیون شهرسازی و معماری شورای اسلامی شهر تهران و همچنین تعدادی لباس شخصی زاکانی را همراهی می کردند.

ملیسا امیرخیزی مسئول کمیسیون اقتصادی پارلمان بلژیک به کیهان لندن می گوید: «زاکانی را احزاب چپ به بروکسل دعوت کردند که با مجاهدین کار می کنند. آنها در بین احزاب چپ و بسیاری از نمایندگان پارلمان اروپا لابی بسیار قوی دارند.»

«حزب لیبرال دموکرات مدت هاست در صدد دعوت شاهزاده رضا پهلوی به پارلمان اروپاست ولی همین احزاب با نامه نگاری و لابی مخالفت می کنند. این درخواست را حزب لیبرال دموکرات مطرح کرده بود. با حزب راستگرای پارلمان نیز صحبت کردیم آنها هم موافق بودند. اما دوباره نامه های درخواست رد می شود چون احزاب چپ علیه آن هستند.»

دریا صفایی نماینده پارلمان بلژیک در واکنش به حضور علیرضا زاکانی در بروکسل با اشاره به سوابق او گفت: «سازمانی که او رئیس آن بوده به دلیل نقض فاحش حقوق بشر توسط اتحادیه اروپا تحریم است. ببینید تروریست های رژیم قاتل چگونه می توانند آزادانه در قلب اروپا راه بروند!»

در جریان تجمع اعتراضی ایرانیان در بروکسل دارودستهی زاکانی، درست مانند خیابان های ایران، اقدام به فیلمبرداری از تجمع کنندگان کردند!

پایگاه خبری «پولیتیکو» گزارش داد فیلیپ کلوز شهردار بروکسل و پاسکال اسمت وزیر امور شهرسازی بروکسل به دلیل دعوت از زاکانی مورد انتقاد قرار گرفتند.

سه هفته پس از مبادله اسدالله اسدی دیپلمات-مبگذار جمهوری اسلامی با اولیویه وانده کاستیل امدادگر بلژیکی



کنفرانس مبوطعاتی ابراهیم رئیسی و نیکلاس مادورو رؤسای جمهوری رژیم‌های ایران و ونزوئلا / ۲۳ خرداد ۱۴۰۲

سفر ابراهیم رئیسی به آمریکای لاتین؛ شراکت ملاها و سپاه پاسداران با دولت‌های چپگرایی که «آه در بساط ندارند»

او توسط آمریکا در دولت دونالد ترامپ را «جنایت» خواند. سفر بعدی رئیسی به هاوانا پایتخت کوبا خواهد بود. منابع حکومتی در ایران می‌نویسد جمهوری اسلامی با ونزوئلا، کوبا و نیکاراگوئه منافع مشترک دارد که محور آن «مقابله با آمریکا و حمایت از نظام چندقطبی» است. واقعیت اما این است که هر چهار حکومت تحت نفوذ روسیه قرار دادند و از این نظر همچنان در همان «اردوگاه شرق» هستند.

اینهمه در حالیست که رژیم ایران منزوی و بحران‌زده هزاران کیلومتر دورتر به دنبال افزایش «عمق استراتژیک در حیط خلوت آمریکا» و شراکت با رژیم‌های چپ‌گرای بحرانی تلاش می‌کند اما همزمان بغل گوش ایران، کنفرانس تجاری کشورهای عربی با چین در ریاض برای جذب صدها میلیارد دلار سرمایه در جریان است.

برخی تحلیلگران می‌گویند این سفر بیشتر از آنکه منافع تجاری داشته باشد «فمایش وحدت کلمه»ی ضدامپریالیستی در مقابل آمریکا است تا نشان دهند منزوی نیستند.

واقعیت اینست که تا کنون هم روابط تجاری با کشورهای آمریکای لاتین برای جمهوری اسلامی عایدی نداشته و این همواره سرمایه مردم ایران بوده که به سوی این کشورها به ویژه ونزوئلا سرازیر شده است. در سال ۲۰۰۸ زمانی که محمود احمدی‌نژاد روابط نزدیکی با هوگو چاوز، که مدتی بعد بر اثر ابتلا به سرطان درگذشت، داشت اعلام شد حجم روابط اقتصادی دو کشور ۴ میلیارد دلار است. حالا با گذشت ۱۸ سال گفته می‌شود این حجم به ۳ میلیارد دلار رسیده است!

ونزوئلا سال‌هاست به بهشت «قرارگاه خاتم‌النبیاء» سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و شرکت‌های وابسته به رژیم برای ساخت و ساز تبدیل شده که پروژه‌هایی مثل توسعه پالایشگاهی و تقویت خطوط اتومبیل‌سازی و همچنین خانه‌سازی را پیش می‌برده‌اند. اما به اعتقاد کارشناسان اقتصادی این کشور نتوانسته به عنوان شریک قابل توجه کمکی به اقتصاد ایران کند و صرفاً منافع جریان‌های مافیایی سپاه و شرکت‌های خودی را تأمین کرده است. سطح داد و ستد اقتصادی تجار ایرانی در سایر کشورهای آمریکای لاتین نیز آنقدر محدود است که حتا در بعضی موارد با وجود توافق همکاری و امضای سند بیشتر از آنکه سوددهی داشته باشد به دلایل مسائلی از جمله بُعد مسافت و تحریم‌ها بیشتر زیان به بار آورده است.

ابراهیم رئیسی که روزنامه دولتی «ایران» از وی با لقب «دکتر» نام برده به رئیس جمهوری ونزوئلا گفته «برخورداری از منافع، نگاه و دشمن مشترک، همکاری‌های فیما بین را عمیق و راهبردی کرده است.»

این روزنامه در گزارشی با عنوان «دیپلماسی برد-برد در حیط خلوت آمریکا» سفر رئیسی به کاراکاس را «مهم و اثرگذار» دانسته و ادعا کرده این سفر «می‌تواند عمق نفوذ ایران» را گسترش دهد و ارتباط میان «ملت ایران» با ملت‌های آمریکای لاتین را تقویت کند.

رئیسی که به دلیل جنایاتش به «قاضی مرگ» مشهور است در سخنانی با تأکید بر اینکه «نظم نوین جهانی» در حال رقم خوردن است گفت: «در این نظم جدید کشورهای مستقل مثل ایران و ونزوئلا، جایگاه اصلی را خواهند داشت و قدرت‌های سلطه‌گر و استکباری افول خواهند کرد!» وی همچنین تأکید کرد «ونزوئلا می‌تواند از تجارب ایران برای تبدیل تهدید به فرصت استفاده کند» که البته اشاره‌اش به دور زدن تحریم‌هاست که جواد ظریف وزیر خارجه پیشین گفته بود جمهوری اسلامی در آن تخصص در حد «دکتر» دارد! در شرایطی که رژیم ایران برای معامله با آمریکا لحظه‌شماری می‌کند و علی‌خامنه‌ای نیز چراغ سبز نشان داده که «توافق عیبی ندارد»، رئیسی در دفتر یادبود آرامگاه سیمون بولیوار، مبارز آزادیخواه ونزوئلایی در اوایل قرن نوزدهم، متنی نوشت و در آن از مردم ونزوئلا خواست در برابر آمریکا ایستادگی کنند.

سفر رئیس دولت جمهوری اسلامی به ونزوئلا یک سال و یک روز پس از سفر نیکلاس مادورو به تهران انجام شد. طرفین اعلام کرده بودند به دنبال امضای «سند همکاری ۲۰ ساله» هستند.

رئیسی پس از ترک ونزوئلا به نیکاراگوئه سفر کرد و در شهر ماناگوآ مورد استقبال دانیل اورتگا رئیس جمهوری سابق و کنونی این کشور قرار گرفت.

رئیسی همان حرف‌ها را دوباره در اینجا هم تکرار کرد و گفت: «استقلال‌خواهی، آزادیخواهی و عدالت‌طلبی وجه مشترک انقلاب‌های مردم ایران و نیکاراگوئه است.» او دموکراسی و حقوق بشر غربی‌ها را «دروغین» خواند و گفت: «غربی‌ها به ویژه آمریکایی‌ها باید به نظام‌های برآمده از رأی مردم احترام بگذارند، اما برعکس عمل می‌کنند.»

اورتگانی‌به‌تعریف و تمجید از قاسم سلیمانی پرداخت و حذف

ادعا شده است که حجم تجارت سالانه بین ایران و ونزوئلا قرار است از سه میلیارد دلار فعلی به ۱۰ میلیارد دلار در مرحله اول برسد و در مرحله بعدی تا ۲۰ میلیارد دلار افزایش پیدا کند اما چارچوب زمانی برای آن تعیین نشد.

ابراهیم رئیسی که روزنامه دولتی «ایران» از وی با لقب «دکتر» نام برده، به رئیس جمهوری ونزوئلا گفته «برخورداری از منافع، نگاه و دشمن مشترک، همکاری‌های فیما بین را عمیق و راهبردی کرده است.»

این روزنامه در گزارشی با عنوان «دیپلماسی برد-برد در حیط خلوت آمریکا» سفر رئیسی به کاراکاس را «مهم و اثرگذار» دانسته و ادعا کرده این سفر «می‌تواند عمق نفوذ ایران» را گسترش دهد و ارتباط میان «ملت ایران» با ملت‌های آمریکای لاتین را تقویت کند.

رژیم ایران منزوی و بحران‌زده هزاران کیلومتر دورتر به دنبال افزایش «عمق استراتژیک در حیط خلوت آمریکا» و شراکت با رژیم‌های چپ‌گرای بحرانی است اما همزمان در منطقه کنفرانس تجاری کشورهای عربی با چین در ریاض برای جذب صدها میلیارد دلار سرمایه در جریان است.

برخی تحلیلگران می‌گویند این سفر بیشتر از آنکه منافع تجاری داشته باشد «فمایش وحدت کلمه»ی ضدامپریالیستی در مقابل آمریکا است تا نشان دهند منزوی نیستند.

روابط تجاری با کشورهای آمریکایی لاتین برای رژیم ایران عایدی نداشته است. سال ۲۰۰۸ در زمان محمود احمدی‌نژاد که روابط نزدیکی با هوگو چاوز داشت اعلام شد حجم روابط اقتصادی دو کشور ۴ میلیارد دلار است. حالا با گذشت ۱۸ سال گفته می‌شود این حجم به ۳ میلیارد دلار رسیده است!

جمهوری اسلامی و ونزوئلا روز سه‌شنبه ۲۳ خرداد در جریان سفر ابراهیم رئیسی به کاراکاس ۱۹ قرارداد همکاری امضا کردند که بخشی از آنها در حوزه امنیتی و نظامی است. در این سفر وزرای خارجه، دفاع، بهداشت و فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز همراه رئیسی بودند.

همچنین ادعا شد حجم تجارت سالانه بین ایران و ونزوئلا قرار است از سه میلیارد دلار فعلی به ۱۰ میلیارد دلار در مرحله اول برسد و در مرحله بعدی تا ۲۰ میلیارد دلار افزایش پیدا کند اما چارچوب زمانی برای آن تعیین نشد.

ادعاهای عجیب رئیس کل بانک مرکزی درباره منابع ارزی ایران، ثبات اقتصادی و مهار تورم



● محمدرضا فرزین رئیس بانک مرکزی: بالای ۱۰۰ میلیارد دلار منابع ارزی داریم. باید از منابعی که در کشورهای دیگر داریم استفاده کنیم؛ دستگاه دیپلماسی اقدامات خوبی در این زمینه انجام داده است.

● رئیس کل بانک مرکزی همچنین گفته که شروع هر سیاست تثبیتی نرخ ارز است؛ ولی باید سیاست مالی هم با سیاست ارزی هماهنگ شود تا سیاست تثبیت موفق شود. ● کارشناسان می‌گویند حتی در صورت آزاد ساختن منابع مورد نظر رئیس بانک مرکزی هم تا زمانی که سیاست‌گذاری و مدیریت اقتصادی کشور دستخوش تغییرات اساسی نشود، قیمت دلار نیز ثبات پیدا نمی‌کند.

رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی مدعی شده منابع ارزی ایران بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار است. او همچنین وعده ایجاد ثبات اقتصادی در کشور و مهار تورم را داده است! محمدرضا فرزین رئیس کل بانک مرکزی امروز دوشنبه ۲۲ خرداد ۱۴۰۲ در اظهاراتی عجیب گفته که «بالای ۱۰۰ میلیارد دلار منابع ارزی داریم!» وی افزوده که «باید از منابعی که در کشورهای دیگر داریم استفاده کنیم؛ دستگاه دیپلماسی اقدامات خوبی در این زمینه انجام داده است.» رئیس کل بانک مرکزی همچنین می‌گوید این نهاد از سال ۱۳۸۹ تا ۱۴۰۱ روی هم ۵۷ میلیارد دلار، یعنی تقریباً سالی پنج میلیارد دلار به بازار غیررسمی تزریق کرده است. به گفته محمدرضا فرزین این رقم شامل ۱۴/۶ میلیارد دلار اسکناس و ۴۲/۵ میلیارد دلار حواله ارزی بوده است. این ادعا در حالی مطرح شده که قیمت دلار در بازار آزاد در ۱۲ سال مورد اشاره فرزین که با دو دوره تحریم نیز همراه بوده، تقریباً ۵۰ برابر شده و از هزار تومان در سال ۱۳۸۹ به نزدیک به ۵۰ هزار تومان در هفته‌های پایانی ۱۴۰۱ رسید.

محمدرضا فرزین در بخش دیگری از سخنانش گفته که راهکار او برای مهار تورم فزاینده در ایران ایجاد ثبات اقتصادی است و افزوده که «ثبات اقتصادی با دخالت شروع می‌شود و نمی‌توان کنار نشست تا اقتصاد به ثبات برسد.» او در ادامه گفته که «شروع هر سیاست تثبیتی نرخ ارز است؛ ولی باید سیاست مالی هم با سیاست ارزی هماهنگ شود تا سیاست تثبیت موفق شود» و «نرخ ارز در بازار غیررسمی موضوع مهمی است که همه را نگران کرده است البته در روزهای اخیر شاهد کاهش این نرخ هستیم؛ تقاضای ارز در بازار غیررسمی شامل قاچاق وارداتی، فرار سرمایه و پوشش زیان‌های احتمالی ناشی از نااطمینانی‌های آینده است.»

رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی در حالی با اطمینان از ذخایر قابل توجه ارزی و برنامه‌های اثرگذار برای ایجاد ثبات اقتصادی سخن گفته که نشانگرهای اقتصادی از وضعیت ناپایدار در بازارهای مختلف و کمبود شدید منابع ریالی و ارزی در جمهوری اسلامی حکایت دارند.

عدم اختصاص ارز برای واردات کالاهای اساسی و مواد اولیه طی ماه‌های گذشته سبب بروز بحران در تولید کالاهایی چون مواد غذایی شده و صنایع کشور را با مشکلات زیادی روبرو کرده است. این بحران از یکسو سبب افزایش قیمت پرسرعت کالاها و کاهش حجم تولید شده، و

«مصونیت قضایی» شدند تا بعدها برای چنین اقدامی تحت پیگرد قانونی قرار نگیرند.

احمد علی‌رضا بیگی نماینده تبریز در مجلس شورای اسلامی این مصوبه را به معنای به حراج گذاشتن اموال عمومی دانسته و افزوده بود: «اعطای اختیارات اینچنینی پیامدهای شومی دارد. مخصوصاً که جامعه تجربه خصوصی‌سازی را با آنهمه هیات، کمیسیون و نمایندگانی که در هیات‌های واگذاری بودند، دیده‌اند.»

جدا از ادعاهای امروز محمدرضا فرزین، در روزهای گذشته خبرهایی درباره آزاد ساختن منابع بلوکه‌شده ایران در دیگر کشورها و دریافت ۶/۷ میلیارد دلار از صندوق بین‌المللی پول، و همچنین احتمال گشایش در روند به بن‌بست خورده مذاکرات هسته‌ای منتشر شده است. به نظر می‌رسد بار دیگر در بحران اقتصادی کنونی، مقامات جمهوری اسلامی با «خبردرمانی» به دنبال بازی با افکار عمومی و مدیریت بازارها هستند.

جمهوری اسلامی طی سال‌های گذشته و پس از خروج ایالات متحده از برجام و بازگشت تحریم‌های بین‌المللی در چند مقطع موجی از خررها درباره آزادسازی منابع بلوکه شده یا پیشرفت مذاکرات را منتشر کرد اما در عمل نه پولی آزاد شد و نه مذاکره‌ای پیش رفت!

ورود منابع ارزی جدید به کشور باعث کاهش قیمت دلار در بازار و به تبع آن، تغییر مسیر سایر بازارها خواهد شد. اما این شرایط در حالی به وجود می‌آید که به گواه کارشناسان، مسیر تورم را تغییر نمی‌دهد و کاهشی نمی‌کند. به باور آن‌ها، از نظر واقعیت‌های اقتصادی تعادلی در ارز مورد نیاز و ارز ورودی دیده نمی‌شود.

حسین محمودی‌اصل کارشناس اقتصادی در اینباره به «خبرآنلاین» گفته که امید به آزادی منابع از یک سو و لغو بخشی از تحریم‌ها از سوی دیگر، فعلاً تنها امید برای ثبات در بازارها است.

حسین محمودی‌اصل افزوده که با رصد وضعیت تجارت خارجی و همچنین خلق پول و رشد نقدینگی ثابت حدود ۳۵ درصدی، شرایط تورمی فعلاً پایدار خواهد بود و ←

از سوی دیگر هشدارهایی درباره امنیت غذایی کشور را در پی داشته است.

احسان سلطانی کارشناس و تحلیلگر اقتصادی هفته پیش با اشاره به افزایش قیمت دلار گفته بود که «افزایش قیمت دلار یعنی افزایش قیمت همه چیز از آب معدنی و پوشک بچه گرفته تا غذا، دارو و اجاره خانه. قیمت دستوری و غیرواقعی دلار مبنای قیمت همه چیز حتی کالاها و خدمات دولتی قرار گرفته است.»

به گفته احسان سلطانی «وقتی تورم نقطه به نقطه واقعی بیش از ۷۰ درصد و تورم نرخ دلار (تاثیرگذارترین مولفه در تعیین نرخ تمام کالاها و خدمات) ۱۰۰ درصد است، خانواده‌های کارگری در بهار امسال بین ۷۰ تا ۱۰۰ درصد بیشتر از سال قبل برای یکسری کالاها و خدمات ثابت و مشخص، هزینه پرداخته‌اند؛ تورم ملموس و واقعی زندگی کارگران در کمترین حالت، بین ۷۰ تا ۱۰۰ درصد است اما افزایش دستمزد فقط ۲۷ درصد!»

یکی از نشانه‌هایی که ادعاهای محمدرضا فرزین را با ابهام روبرو می‌کند نبود منابع کافی ریالی در کشور است و این پرسش را ایجاد می‌کند که اگر واقعا ارزآوری صادرات به ایران ادامه دارد و بانک مرکزی منابع ریالی و ارزی کافی در دست دارد چرا برای هزینه‌های جاری پولی در دست نیست و دولت به فروش دارایی‌های ملی و دولتی برای جبران کسری بودجه روی آورده است؟

شورای هماهنگی اقتصادی سران قوا سال گذشته «مولدسازی» اموال دولت را تصویب کرد و این طرح در ۲۱ آبان سال جاری به تأیید علی خامنه‌ای رسید. بر اساس آن باید دولت به فروش اموال مازاد دولتی اعم از زمین و ساختمان بپردازد تا از این طریق بخشی از منابع بودجه و کسری آن جبران شود.

این مصوبه نشان می‌داد کفگیر جمهوری اسلامی آنچنان به ته دیگ خورده که قرار است حجم بالایی از دارایی‌های دولتی و ملی که متعلق به مردم ایران است به فروش برساند. حتی برای محکم‌کاری تیم هیئت اجرایی این مصوبه که قرار است چوب حراج به اموال کشور بزنند نیز دارای

«قدرت اتمی و موشکی» برای هواشناسی «رادار» ندارد؛ پیش‌بینی بارش‌های سیل آسا ممکن نیست!



بعضی ماشین‌ها با خوش‌شانسی نزدیک پرتگاه سد متوقف شدند

یکی دو ساعت را صادر کرد. این مسئول ارشد سازمان هواشناسی بطور مشخص تشریح می‌کند «برای پیش‌بینی سیستم‌های تابستانی که به صورت بارش‌های رگباری همچون توفان پنجشنبه هفته پیش که سرعت آن بیش از ۱۰۰ کیلومتر در بازه زمانی نیم‌ساعت بود، وجود رادار هواشناسی ضروری است.» بر اساس گفته احد وظیفه به وسیله رادار هواشناسی «سلول ابر، جهت حرکت ابر و شدت بارندگی را می‌توان با دقت خوب تخمین زد.» همچنین در کنار شبکه رادار، «شبکه دیده‌بانی منسجم و داده‌های برخط هواشناسی و هیدرولوژی برای صدور پیش‌بینی‌های جوی لازم است که در ایران موجود نیست.»

رئیس مرکز ملی اقلیم و مدیریت بحران خشکسالی سازمان هواشناسی می‌گوید: «اگر بخواهیم صادقانه خودمان را با دنیای پیشرفته مقایسه کنیم، فاصله‌مان قابل توجه است.»

هرچند پدیده‌های طبیعی مثل سیل و توفان عمدتاً قابل پیش‌بینی هستند اما به علت کمبود تجهیزات و تکنولوژی در ایران پیش‌بینی‌های سریع و نقطه‌ای ممکن نیست. به همین دلیل صدها نفر از مردم سالیانه جان و مال خود را از دست می‌دهند. در شرایط اضطراری حتا سازمان‌های امدادی برای کمک‌رسانی آمادگی لازم ندارند.

شدت سیلاب اخیر در جاده چالوس در حوالی سد کرج آنقدر زیاد بود که تعدادی از ماشین‌ها به دریاچه پشت سد و رودخانه کرج سقوط کردند.

به گفته مسئولان سازمان هواشناسی، میزان بودجه‌ای که برای فعالیت این سازمان در نظر گرفته شده فقط کفاف ۴۰ درصد از نیازها را می‌دهد.

احد وظیفه همچنین عنوان می‌کند «پدیده‌هایی همچون بارش‌های سیل‌آسای تابستانی از حالا به صورت دقیق قابل پیش‌بینی نیست و حداکثر در بازه زمانی دو تا سه روزه می‌توان آنها را پیش‌بینی کرد.»

● سیل و توفان در استان تهران و مناطق شمالی ایران ده‌ها نفر کشته و مصدوم برجای گذاشته اما رئیس مرکز ملی اقلیم و مدیریت بحران خشکسالی سازمان هواشناسی جمهوری اسلامی می‌گوید به علت کمبود تجهیزات هواشناسی از جمله «شبکه رادار» امکان پیش‌بینی بعضی پدیده‌های هواشناسی از جمله «باران‌های سیل‌آسای تابستانی» وجود ندارد.

● به گفته احد وظیفه رئیس این مرکز «متأسفانه هنوز شبکه راداری هواشناسی در ایران کامل نیست و بسیاری از نقاط کشور دارای خلاء است.»

● «برای پیش‌بینی سیستم‌های تابستانی که به صورت بارش‌های رگباری همچون توفان اخیر که سرعت آن بیش از ۱۰۰ کیلومتر در بازه زمانی نیم‌ساعت بود، وجود رادار هواشناسی ضروری است... اگر بخواهیم صادقانه خودمان را با دنیای پیشرفته مقایسه کنیم، فاصله‌مان قابل توجه است.»

در شرایطی که سیل و توفان در استان تهران و مناطق شمالی ایران ده‌ها نفر کشته و مصدوم برجای گذاشته، رئیس مرکز ملی اقلیم و مدیریت بحران خشکسالی سازمان هواشناسی جمهوری اسلامی می‌گوید به علت کمبود تجهیزات هواشناسی از جمله «شبکه رادار» امکان پیش‌بینی بعضی پدیده‌های هواشناسی وجود ندارد.

احد وظیفه روز دوشنبه ۲۲ خرداد در مصاحبه با خبرگزاری «ایرنا» گفته «برای پیش‌بینی پدیده‌هایی از جمله توفان اخیر تهران که اوج آن ۱۸ خرداد بود رادار هواشناسی الزامی است، اما متأسفانه هنوز شبکه راداری هواشناسی در ایران کامل نیست و بسیاری از نقاط کشور دارای خلاء است.»

وی با اشاره به اینکه «رادار هواشناسی مهمترین ابزار برای پیش‌بینی‌های دقیق و نقطه‌ای در مقیاس کوچک است» توضیح داده فقط با استفاده از چنین داده‌های دقیق است که می‌توان هشدارهای کوتاه‌مدت در مقیاس

تنها یک توافق خوب و لغو تحریم‌ها می‌تواند مسیر را تغییر دهد.

یکی از موارد مورد تأکید کارشناسان اقتصادی اینست که حتی در صورت آزاد ساختن منابع مورد نظر رئیس بانک مرکزی هم تا زمانی که سیاست‌گذاری و مدیریت اقتصادی کشور دستخوش تغییرات اساسی نشود، قیمت دلار نیز ثابت پیدا نمی‌کند.

سعید لیلانز تحلیلگر اقتصادی اصلاح‌طلب به تازگی در واکنش به سیاست‌های اقتصادی دولت از جمله خلق پول که اثر زیادی در افزایش تورم دارد گفته که «از روز ازل اختراع پول تا پایان حکومت محمدرضا پهلوی، کلا ۴۲۰ میلیارد تومان تولید نقدینگی داشتیم. الان هر دو ساعت این مقدار پول چاپ می‌کنیم روزی پنج هزار میلیارد تومان نقدینگی تولید می‌کنیم که یک سوم این پول برای کسر بودجه استفاده می‌شود و دو سوم آن صرف دزدی می‌شود.» پیمان مولوی اقتصاددان و دبیرکل انجمن اقتصاددانان ایران درباره تلاش دولت برای جلوگیری از افزایش قیمت ارز گفته که «سال گذشته ارزش صادرات ایران حدود ۵۳ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار بود و تقاضای کالا هم در اقتصاد ایران به دلیل خلق پول و نقدینگی موجود بسیار بالاست و وزارت صمت با محدود کردن تقاضای واردات درصدد مدیریت این بازار است، اما این نوع مدیریت باعث شده تا همه کالاها در ایران از خودرو گرفته تا لوازم خانگی و... با رشد قیمتی مواجه شوند.»

این اقتصاددان تأکید کرده که یکی دیگر از کالاهایی که به دلیل محدودیت‌ها با رشد قیمتی زیادی روبرو شد دلار است که هر چند با رشد تورم قیمت آن بالا رفت، اما گاهی از تورم هم پیشی گرفته است.

دبیر کل انجمن اقتصاددانان ایران با اشاره به اخبار مرتبط با آزادسازی ۷ میلیارد دلار منابع ارزی ایران از سوی کره جنوبی افزوده که «این عدد برای اقتصاد ایران با جمعیتی حدود ۸۶ میلیون نفر رقم چندانی نیست که بخواهیم برآوردی از تأثیر آن بر نرخ دلار و اقتصاد داشته باشیم.» یکی دیگر از سیاست‌های جمهوری اسلامی برای جریان‌سازی روانی علیه افزایش قیمت ارز در کشور ادعای «دلزدایی» از اقتصاد بوده است. این سیاست در سال‌های گذشته بارها مطرح و به تازگی نیز از سوی محمدرضا فرزین مورد تأکید قرار گرفته است.

مقامات اقتصادی جمهوری اسلامی در حالی با اقدام کاذب و تبلیغاتی نتوانسته‌اند قیمت ارز در کشور را به ثبات برسانند که در آنسو با قیمت‌گذاری دستوری کالاها و خدمات تلاش دارند از افزایش روزافزون قیمت‌ها جلوگیری کنند تا واقعیت ناگوار اقتصاد ایران بطور طبیعی و در فرایند عرضه و تقاضا در بازارهای مختلف نمایان نشود.

علی نقیب عضو اتاق بازرگانی و رئیس کمیسیون صنعت و معدن اتاق بازرگانی تهران با انتقاد از قیمت‌گذاری دستوری از سوی دولت گفته اقتصاد کارآمد اقتصادی است که در آن سازوکار عرضه و تقاضا تعیین‌کننده قیمت‌ها باشند، به ویژه در شرایطی که مؤلفه‌های تولید کالا نیز متغیر است.

عضو اتاق بازرگانی ایران افزوده که سایه سنگین نظام دستوری در اقتصاد ایران طی سال‌های گذشته پیامدهای ناگواری همچون کاهش اشتغال، به خطر افتادن حیات صنایع، فرار سرمایه و سود بردن عده‌ای رانت‌باز را به همراه داشته است.

قیمت‌گذاری دستوری به عنوان یک اقدام فراقانونی از سوی مقامات دولتی، شکست‌خورده است و در نهایت تولیدکنندگان بر سر دوراهی افزایش قیمت محصولات یا تعطیلی واحد صنفی قرار می‌گیرند.

نامه اعتراضی جمهوری اسلامی به شورای حکام: تورقوزآباد انبار ضایعات است؛ ذرات اورانیوم کشف شده احتمالاً «خرابکاری» است!



تصویری از بازدید بازرسان آژانس از تأسیسات اتمی جمهوری اسلامی در سال‌های گذشته

● در شرایطی که منابع حکومتی ادعا کرده بودند «دو پرونده اختلاف آژانس و جمهوری اسلامی حل و فصل و بسته شده» نماینده دائم رژیم ایران در سازمان ملل در نامه‌ای به شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، گزارش اخیر رافائل گروسی را ناشی از «بی‌طرفی آژانس» و «تحت تأثیر اطلاعات ساختگی اسرائیل» و «خرابکاری» دانسته است.

● آژانس بار دیگر بر وجود آثار ذرات اورانیوم در مکان‌های اعلام نشده و «پاسخ‌های نامعتبر» جمهوری اسلامی تأکید کرده است.

● در نامه‌ای که جمهوری اسلامی به شورای حکام ارائه داده از یکسو آمده «هیچ ماده هسته‌ای اظهارنشده‌ای در ایران وجود ندارد و ادعای آژانس بر اساس اطلاعات نادرست و ساختگی اسرائیل است» و از سوی دیگر توجیه شده «ایران هنوز نتوانسته هیچ دلیل فنی برای وجود ذرات اورانیومی بیابد، منطقی است که احتمال داده شود عناصر خارجی، مانند خرابکاری و اقدامات خصمانه، در این آلودگی دخیل بوده باشند».

● جمهوری اسلامی از آژانس خواسته در «راستی‌آزمایی» بی‌طرف باشد و تأکید کرده «آژانس نباید احتمال دخالت دشمنان سرسخت ایران در ارائه اطلاعات نادرست و ساختگی و ارتکاب اقدامات خرابکارانه مختلف را نادیده بگیرد».

● این روزها موضوع فعال شدن «مکانیسم ماشه» برای ارجاع پرونده اتمی جمهوری اسلامی به شورای امنیت سازمان ملل و بازگشت تحریم‌های بین‌المللی که برجام آنها را متوقف کرده بود، بار دیگر مورد توجه کارشناسان قرار گرفته است.

نماینده دائم جمهوری اسلامی در سازمان ملل متحد در نامه‌ای به شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، بار دیگر گزارش اخیر رافائل گروسی این نهاد را در مورد تأکید مجدد بر وجود آثار ذرات اورانیوم در مکان‌های اعلام نشده ناشی از «بی‌طرفی آژانس» و «تحت تأثیر اطلاعات ساختگی اسرائیل» و «خرابکاری» دانسته است.

در این نامه که رونوشت آن شنبه ۲۰ خرداد منتشر شده است، آمده آژانس بر اساس اطلاعات ساختگی اسرائیل ادعای وجود ذرات اورانیوم را مطرح کرده است. این در حالیست که نهم خرداد منابع حکومتی ادعا کرده بودند «دو پرونده اختلاف آژانس و جمهوری اسلامی حل و فصل و بسته شده است». در این نامه که در واقع ناقض ادعای حل و فصل اختلاف با آژانس است، جمهوری اسلامی مدعی شده «صرفاً یافتن ذرات اورانیوم طبیعی در نمونه‌های محیطی در یک مکان نمی‌تواند به عنوان نشانه‌ای از وجود مقادیری از مواد هسته‌ای در آن مکان تلقی گردد... همانگونه که بارها به آژانس توضیح داده شد، هیچ ماده هسته‌ای اظهارنشده‌ای در ایران وجود ندارد و ادعای آژانس صرفاً بر اساس اطلاعات نادرست و ساختگی ارائه شده توسط رژیم نامشروع اسرائیل با پیشینه‌ای طولانی‌مدت از رشته دروغ‌های زنجیره‌ای می‌باشد».

البته آنچه در این نامه آمده، مانند اظهارات پیشین مقامات جمهوری اسلامی، تأیید می‌کند که ذرات اورانیوم در مکان‌های اعلام نشده وجود داشته اما ادعای آنها این است که آن ذرات منشأ طبیعی دارند در صورتی که در آژانس تأکید شده ذرات اورانیوم کشف شده دارای «منشأ انسانی» است. در این نامه ادعا شده «ایران تمام تلاش‌های خود را برای

کشف منشأ چنین ذراتی به اوج رسانده» است. در عین حال مقامات جمهوری اسلامی خودشان تأکید کرده‌اند «ایران هنوز نتوانسته هیچ دلیل فنی برای وجود ذرات اورانیومی بیابد، اما استدلال می‌کنند که «منطقی است احتمال داده شود عناصر خارجی، مانند خرابکاری و اقدامات خصمانه، در این آلودگی دخیل بوده باشند».

در نامه‌ای که نمایندگی جمهوری اسلامی به شورای حکام ارائه داده همچنین نوشته شده «صرف وجود ذرات اورانیومی کم در مکان‌های مورد ادعا نمی‌تواند به عنوان وجود مواد هسته‌ای یا تجهیزات آلوده تلقی شود». این در حالیست که رژیم ایران تا یک سال پیش حتا وجود چنین مکان‌هایی را هم منکر می‌شد.

در گزارش آژانس قید شده «... برخی از کانتینرهای ذخیره شده در تورقوزآباد از محل برچیده شدند، برخی دیگر در سال ۲۰۱۸ دست نخورده از تورقوزآباد خارج و به مکان نامعلومی منتقل شدند...» اما جمهوری اسلامی ادعا می‌کند «شواهد و اطلاعات معتبر نیست» و «تورقوزآباد در واقع یک مکان صنعتی است که شامل انواع انبارها برای نگهداری مواد شوینده، مواد شیمیایی، مواد غذایی، پارچه و منسوجات، لاستیک و قطعات خودرو، لوله و اتصالات و برخی ضایعات صنعتی است».

در گذشته مقامات جمهوری اسلامی ادعا کرده بودند تورقوزآباد انبار قالب‌شویی است! محمدجواد ظریف وزیر خارجه پیشین جمهوری اسلامی و دستیارش عباس عراقچی حتا وجود تورقوزآباد را هم انکار می‌کردند. آنها می‌گفتند «یکی نتانیاهاو را سر کار گذاشته است» اکنون اما مقامات رژیم ایران می‌گویند ذرات اورانیومی که آنجا کشف شده یا «منشأ طبیعی» دارد یا «خرابکاری» است!

سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی درست یکسال پیش از این (خرداد ۱۴۰۱) ادعا کرده بود «احتمالاً عناصر خارجی با خرابکاری، در آلودگی برخی مکان‌ها به ذرات اورانیوم دخیل بوده‌اند و هیچ منطقه اظهارنشده‌ای در ایران وجود ندارد».

اکنون نیز همان ادعاها را دوباره تکرار می‌کند.

انکار آزمایش انفجاری

در بخشی از گزارش اخیر آژانس تأکید شده بود «ایران آزمایش‌های انفجاری با سپر حفاظتی در آماده‌سازی برای استفاده از آشکارسازهای نوترونی و مواد هسته‌ای انجام داده است». اما جمهوری اسلامی در نامه به شورای حکام ادعا می‌کند «این یک اتهام بی‌اساس و بدون هیچ مدرک تأییدکننده معتبری است که نتیجه گیری بر اساس آن کاملاً نادرست، غیرواقعی و مغرضانه است».

در بخش دیگری از این نامه آمده «مایه تأسف است که آژانس تمام اسناد ساختگی و اطلاعات جعلی ارائه شده توسط رژیم اسرائیل را معتبر می‌داند و به این نتیجه رسیده است که... باید حل شود تا آژانس در موقعیتی باشد که تضمین دهد برنامه هسته‌ای ایران منحصراً صلح‌آمیز است... چنین بی‌انیه‌ای بی‌طرفی آژانس را تضعیف می‌کند و دور از رویکرد حرفه‌ای است که آژانس باید اتخاذ کند».

اینهمه در حالیست که دیپلمات‌های غربی می‌گویند «پیشرفت زیادی در همکاری ایران با آژانس انرژی اتمی حاصل نشده است». همچنین براساس گزارش رافائل گروسی، میزان اورانیوم ذخیره شده غیرقانونی در ایران به ۲۳ برابر حد مجاز رسیده است.

جمهوری اسلامی از آژانس خواسته در «راستی‌آزمایی» بی‌طرف باشد و تأکید کرده «آژانس نباید احتمال دخالت دشمنان سرسخت ایران در ارائه اطلاعات نادرست و ساختگی و ارتکاب اقدامات خرابکارانه مختلف را نادیده بگیرد».

در گزارش‌ها و مواضع مختلفی که این اواخر از سوی دیپلمات‌ها و رسانه‌های بین‌المللی منتشر می‌شود، موضوع فعال شدن «مکانیسم ماشه» برای ارجاع پرونده اتمی جمهوری اسلامی به شورای امنیت سازمان ملل و بازگشت تحریم‌های بین‌المللی که برجام آنها را متوقف کرده بود، بار دیگر مورد توجه قرار گرفته است.

«خدا»، «موشک» و «غنی‌سازی اورانیوم» ارکان راهبرد نوین جمهوری اسلامی برای «بازدارندگی»



نمایشگاه موشکی سپاه پاسداران در شهر قم / خرداد ۱۴۰۲

اورانیوم «قدرت‌ساز» است. با اینکه این نوع «بازدارندگی» و «قدرت‌سازی» با تکیه بر موشک و غنی‌سازی اورانیوم تا سطوح نزدیک به کاربردهای نظامی با اقتصادی که رو به فروپاشی است، بیشتر از همه خطر بزرگی برای خود رژیم ایران است اما به نظر می‌رسد بخش عمده‌ای از سران حکومت آن را برای ادامه حیات نظام ضروری می‌دانند.

حسین امیرعبداللہیان وزیر خارجه جمهوری اسلامی می‌گوید: «قدرت بازدارندگی ایران، تضمین‌کننده امنیت و صلح پایدار منطقه است.»

در این میان، آنچه مقامات جمهوری اسلامی به آن «بازدارندگی» و «روش‌های راهبردی جدید» می‌گویند در عمل شامل ارسال تسلیحات از جمله پهپادهای انتحاری و انواع راکت و موشک برای روسیه و ارسال تسلیحات به گروه‌های نیابتی و افزایش غنی‌سازی اورانیوم و همزمان افزایش بُرد موشک‌های بالستیک و کار روی ظرفیت کلاهک آنها برای حمل محموله‌های سنگین است. ترجیح‌بند رجزخوانی‌ها و تهدیدات این مقامات نیز «فضل الهی» و «یاری خداوند» است.

در همین ارتباط، سیدابراهیم رئیسی نیز در مراسم رونمایی از موشک ادعایی هایپرسونیک «فتاح» گفت «باید خداوند را سپاسگزاری کنیم به خاطر این روحیه و اقتداری که به جمهوری اسلامی ایران مرحمت کرده است.»

البته این «روحیه» و «اقتدار» تا کنون نتیجه زیادی در پی نداشته و دولت‌های غربی درمورد تهدیدات چندوجهی جمهوری اسلامی دائم هشدار می‌دهند. امانوئل ماکرون شنبه ۲۰ خرداد در تماس تلفنی با ابراهیم رئیسی توصیه کرد که جمهوری اسلامی فوراً به حمایت از جنگ تجاوزکارانه روسیه علیه اوکراین از جمله از طریق تحویل پهپاد پایان دهد. وی در مورد جدی بودن پیامدهای امنیتی و انسانی تحویل پهپادها به روسیه به رئیس دولت سیزدهم جمهوری اسلامی هشدار داده است.

قدرت قرار گرفته و در حال استفاده از ظرفیت‌های خود برای یک حرکت جهشی رو به جلو در همه زمینه‌ها است.» وی با اشاره به «جنگ ترکیبی» علیه جمهوری اسلامی به نیروهای مسلح هشدار داد «در این دوره سخت و پر از ابهام که اغواگری‌های دشمن در فضای مجازی غوغا می‌کند» در مسیر دین اسلام و رهنمودهای علی خامنه‌ای حرکت کنند.

این اظهارات در حالی بیان می‌شود که دولت‌های غربی در هفته‌های اخیر بار دیگر در مورد توسعه فعالیت‌های اتمی جمهوری اسلامی، تست موشک‌های بالستیک و ادامه همکاری نظامی با روسیه در جنگ اوکراین هشدار داده‌اند. بر اساس گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، میزان ذخایر اورانیوم غیرمجاز در ایران به ۲۳ برابر حد مجاز رسیده است. تخمین زده می‌شود جمهوری اسلامی با توجه به مواد کافی انباشته شده از زمان تصمیم برای ساختن بمب اتم تا اجرای آن فقط دو هفته فاصله دارد.

آژانس و دولت‌های غربی می‌گویند غنی‌سازی ۶۰ درصدی اورانیوم در ایران هیچ مصرف غیرنظامی منطقی ندارد اما محمد اسلامی رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی در اظهاراتی متناقض می‌گوید: «ما غنی‌سازی ۶۰ درصدی اورانیوم را بر اساس تکلیفی که قانون اقدام راهبردی روی دوشمان گذاشته است و موظف به اجرای آن هستیم، انجام می‌دهیم، البته این سطح از غنی‌سازی مصارف گوناگونی از جمله تولید مواد اولیه رادیودارو، آشکارسازها و غیره دارد. آنها چنین القاء می‌کنند ایران در پی مقاصد نظامی است، ولی هدف اصلی ما اجرای قانون اقدام راهبردی است و هدف این قانون هم متقاعد و وادار کردن طرف‌های مقابل به کاهش تحریم‌های ظالمانه اقتصادی ایران است.»

به این ترتیب محمد اسلامی با صراحت اعلام می‌کند افزایش غنی‌سازی ابزاری برای فشار به غرب و مقابله با تحریم‌هاست. به باور رئیس سازمان انرژی اتمی و سایر مسئولان جمهوری اسلامی، چرخه سوخت اتمی و غنی‌سازی

محمد باقری رئیس ستاد کل نیروهای مسلح می‌گوید «برای ایجاد بازدارندگی ماندن پای روش‌های قدیمی و محصولات بدون استفاده خطای بزرگ است و جمهوری اسلامی به یاری خدا در مسیر افزایش قدرت قرار گرفته است.» محمد اسلامی رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی با تأیید ادامه غنی‌سازی ۶۰ درصدی در ایران گفته «القاء می‌کنند ایران در پی مقاصد نظامی است، ولی هدف اصلی ما وادار کردن طرف‌های مقابل به کاهش تحریم‌هاست.»

در همین ارتباط، سیدابراهیم رئیسی در مراسم رونمایی از موشک ادعایی هایپرسونیک «فتاح» گفت «باید خداوند را سپاسگزاری کنیم به خاطر این روحیه و اقتداری که به جمهوری اسلامی ایران مرحمت کرده است.»

البته این «روحیه» و «اقتدار» تا کنون نتیجه زیادی در پی نداشته و دولت‌های غربی درمورد تهدیدات چندوجهی جمهوری اسلامی دائم هشدار می‌دهند. امانوئل ماکرون شنبه ۲۰ خرداد در تماس تلفنی با ابراهیم رئیسی توصیه کرد که جمهوری اسلامی فوراً به حمایت از جنگ تجاوزکارانه روسیه علیه اوکراین از جمله از طریق تحویل پهپاد پایان دهد. وی در مورد جدی بودن پیامدهای امنیتی و انسانی تحویل پهپادها به روسیه به رئیس دولت سیزدهم جمهوری اسلامی هشدار داده است.

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی شنبه ۲۰ خرداد در همایش مدیران ارشد وزارت دفاع به آنها تأکید کرد که «ماندن پای روش‌های قدیمی و محصولات بدون استفاده خطای بزرگ است.»

محمد باقری با اشاره به نقش وزارت دفاع در «ایجاد بازدارندگی» به نشانه‌های «شکست آمریکا در منطقه» اشاره کرد و گفت: «جهان در آستانه نظم نوینی ایستاده است که در آن آمریکا در رأس هرم قدرت جهانی نیست و رژیم صهیونیستی نیز در مسیر تضعیف قرار دارد و در مقابل، جمهوری اسلامی به یاری خدا در مسیر افزایش

عروسک‌های پارسی در پاریس



در اطراف من به زبان فارسی صحبت می‌کردند به گریه افتادم. به آنها گفتم فرانسه کشور خوبی است و من هیچ کمبود و مشکلی در فرانسه ندارم و تمام امکانات برای من در آنجا مهیاست. اما احساس می‌کنم ریشه‌هایم را جایی قطع کرده‌اند و به خاک دیگری برده‌اند! نیم عظیمی از وجود من در ایران است.»

توفان منوچهری در پایان توضیح می‌دهد: «وقتی آیدا اصغرزاده به من پیشنهاد بازی در نمایش عروسک‌های پارسی را داد بلافاصله پذیرفتم زیرا زندگی پدر و مادرم را برای من یادآوری می‌کرد.»

آیدا اصغرزاده نویسنده نمایشنامه «عروسک‌های پارسی» می‌گوید: «داستان عروسک‌های پارسی به من به ارث رسیده است و باید آنرا بازگو می‌کردم. پدر و مادر برای هر کودکی قهرمان هستند. من بسیار تحت تاثیر قرار گرفتم وقتی شنیدم پدر و مادرم برای پیروزی انقلاب مبارزه کردند و بعد به زندان افتاده و شکنجه شدند و سپس مجبور شدند از راه کوه‌ها فرار کنند، این واقعا تاثیربرانگیز است.»

این هنرمند در ادامه می‌افزاید: «من در فرانسه به دنیا آمدم و بیشتر به فرهنگ این کشور نزدیک هستم اما همیشه خودم را یک ایرانی می‌دانم. اتفاقاتی که امروز در ایران می‌افتد مرا شگفت‌زده کرده است. شجاعت زنان و مردان ایران تحسین‌برانگیز و دیوانه‌کننده است. من به شجاعت آنها افتخار می‌کنم که زندگی خود را خطر می‌کنند و فریاد می‌زنند: می‌خواهیم آزاد باشیم!»

«عروسک‌های پارسی» به قلم آیدا اصغرزاده و به کارگردانی رژیس والی با بازی آیدا اصغرزاده، کامل ایسکر، عزیز کبوج، توفان منوچهری، سیلوان موسو، آریان موریر بار دیگر از ۱۴ سپتامبر در سالن La Pépinière-Théâtre هر شب در پاریس به نمایش درخواهد آمد.

این نمایش همچنین در جشنواره تئاتر مولیر امسال (۲۰۲۳) موفق به دریافت جایزه بهترین بازیگر نقش دوم مرد برای کامل ایسکر و همچنین بهترین نمایشنامه‌نویسی برای آیدا اصغر زاده شد.

*کپی رایت عکس‌های این گزارش به Alexandre Guerreiro@ تعلق دارد.

که به همراه رئیس و دو دختر خود به تعطیلات زمستانی می‌رود. دختران وی هیچ اشتیاقی برای گذراندن تعطیلات زمستانی همراه با خانواده و برگزاری مراسم سال نو را ندارند.

در خلال اتفاقاتی که برای این خانواده در این تعطیلات می‌افتد نویسنده‌ی متن مروری کم‌دی- تراژیک بر تحولات ایران در اواخر سال‌های ۱۹۷۰ میلادی دارد.

«عروسک‌های پارسی» نگاهی تلخ اما آمیخته با طنز به برخی مخالفان حکومت پادشاهی و مبارزه آنها تا وقوع انقلاب اسلامی در ایران دارد. همچنین داستان زندان‌ها، شکنجه‌ها، اعدام‌ها و سپس وحشت‌زدگان و جان به دربردگانی که در تاریکی شب‌ها مرزهای ایران را برای همیشه پشت سر گذاشته و جلای وطن می‌کنند.

«عروسک‌های پارسی» در طول چند ماه نمایش خود در پاریس و شهرهای دیگر فرانسه بسیار موفق بوده است. همزمانی اجرای این نمایش با صدای بلند انقلاب مردم ایران جمعیت بسیاری را به سوی سالن این نمایش کشانده است. توفان منوچهری نویسنده، بازیگر و کارگردان مقیم فرانسه که در «عروسک‌های پارسی» چند نقش را به عهده دارد می‌گوید: «زمانی که با اسب به همراه مادرم از مسیر کوه‌ها فرار کردیم، تنها نه سال داشتم. مادرم پس از انقلاب به خاطر موقعیت پدرم که از یاران نزدیک و هم‌رزم شاپور بختیار بود به زندان افتاد و شکنجه شد.»

وی می‌افزاید: «خاطرات زیادی از کودکی‌ام با پدرم ندارم زیرا او را بسیار کم می‌دیدم. ایران برای پدرم همیشه پیش از هر چیز در اولویت بود. او در زمان ازدواج با مادرم این را به او یادآور شده بود و گفته بود اگر روزی مجبور شود جان‌اش را برای ایران بگذارد این کار را خواهد کرد. او سرانجام در سال ۱۳۸۰ چندی قبل از قتل شاپور بختیار در ترکیه توسط مزدوران جمهوری اسلامی به قتل رسید.»

توفان منوچهری در ادامه می‌گوید: «با اینکه در کودکی ایران را ترک کرده بودم اما اولین باری که به ایران رفتم، احساس عجیبی داشتم. همه چیز برایم آشنا بود؛ بوی خاک، شعاع نور آفتاب و... و آنجا بود که با خودم گفتم من متعلق به این سرزمین هستم. هنگامی که اعضای فامیلم

● «عروسک‌های پارسی» نمایش تازه‌ی آیدا اصغرزاده هنرمند ساکن فرانسه، نگاهی تلخ اما آمیخته با طنز به برخی مخالفان حکومت پادشاهی و مبارزه آنها تا وقوع انقلاب اسلامی در ایران دارد. همچنین داستان زندان‌ها، شکنجه‌ها، اعدام‌ها و سپس وحشت‌زدگان و جان به دربردگانی که در تاریکی شب‌ها مرزهای ایران را برای همیشه پشت سر گذاشته و جلای وطن می‌کنند.

● آیدا اصغرزاده نویسنده نمایشنامه «عروسک‌های پارسی» می‌گوید: «داستان عروسک‌های پارسی به من به ارث رسیده است و باید آنرا بازگو می‌کردم. پدر و مادر برای هر کودکی قهرمان هستند. من بسیار تحت تاثیر قرار گرفتم وقتی شنیدم پدر و مادرم برای پیروزی انقلاب مبارزه کردند و بعد به زندان افتاده و شکنجه شدند و سپس مجبور شدند از راه کوه‌ها فرار کنند، این واقعا تاثیربرانگیز است.»

● توفان منوچهری نویسنده، بازیگر و کارگردان مقیم فرانسه که در «عروسک‌های پارسی» چند نقش را به عهده دارد می‌گوید: «خاطرات زیادی از کودکی‌ام با پدرم ندارم زیرا او را بسیار کم می‌دیدم. ایران برای پدرم همیشه پیش از هر چیز در اولویت بود. او در زمان ازدواج با مادرم این را به او یادآور شده بود و گفته بود اگر روزی مجبور شود جان‌اش را برای ایران بگذارد این کار را خواهد کرد. او سرانجام در سال ۱۳۸۰ چندی قبل از قتل شاپور بختیار در ترکیه توسط مزدوران جمهوری اسلامی به قتل رسید.»

کتایون حلاجان - «یکی بود یکی نبود غیر از خدا هیچکس نبود. داستان‌های ایرانی معمولا اینگونه آغاز می‌شوند و ما امروز داستان بیژن و منبژه را برای شما نقل می‌کنیم. روزی روزگاری در سال‌های ۱۹۷۰ میلادی در ایران چهار دانشگاه وجود داشت، حکومت پادشاهی در ایران سقوط کرد و رژیم اسلامی قدرت را تصاحب نمود. مبارزه‌ی نافرجام، مردمی فدا شده، جوانانی پر از امید با رازهایی درهم پیچیده و عشق، عشقی که نمی‌دانیم با آن چه کنیم و دیگر نمی‌داند به کجا باید برود.»

نمایش «عروسک‌های پارسی» نوشته آیدا اصغرزاده اینگونه آغاز می‌شود.

آیدا اصغرزاده نویسنده و هنرپیشه ساکن فرانسه است. خانواده او پس از روی کار آمدن حکومت اسلامی به اجبار ایران را ترک کرده و در فرانسه ساکن شدند.

آیدا اصغرزاده دانش‌آموخته ادبیات مدرن و سینما از دانشگاه سوربن پاریس است. او به موازات تحصیلات دانشگاهی تئاتر را هم آموزش دید و با ایفای نقش در چند نمایشنامه وارد عرصه تئاتر در فرانسه شد. در سال ۲۰۱۳ نمایشنامه «آدم‌های لرزان» (Les Vibrants) را نوشت و آن را در جشنواره «آوبینون» به روی صحنه برد. همچنین در سال ۲۰۱۶ نمایشنامه «دست لیلیا» (La main de Leïla) را با همکاری «کامل ایسکر» نوشت.

آیدا اصغرزاده از سال ۲۰۰۹ در چند فیلم و سریال به عنوان هنرپیشه نیز ایفای نقش کرده است.

«عروسک‌های پارسی» نام آخرین نمایشنامه آیدا اصغرزاده است که در پاریس و شهرهای دیگر فرانسه به روی صحنه رفته و بسیار پرمخاطب و موفق بوده است. نمایشنامه‌ای کم‌دی- تراژیک که برای بسیاری از ما ایرانی‌ها یادآور روزهای تلخ و وحشتناک سال ۱۳۵۷ است. نمایشنامه روایت سرنوشت خامی ایرانی در فرانسه است

سوخت‌بران؛ گلوله و شعله‌های آتش برای لقمه‌ای نان



● در ۲۱ روز نخست سال جدید خورشیدی ۱۷ سوخت‌بر به دنبال شلیک نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی یا عوامل دیگری همچون تصادف، آتش گرفتن اتومبیل یا انبارهای سوخت جان باختند.

● در سال ۲۰۲۲ میلادی دست‌کم ۱۰۵ سوخت‌بر بر اثر تیراندازی بی‌ضابطه مأموران یا بر اثر سانحه هنگام تعقیب و گریز جان خود را از دست دادند.

گسترش فقر و بیکاری در استان سیستان و بلوچستان سبب بروز پدیده‌ای به عنوان «سوخت‌بری» شده که زنان و مردان و حتی نوجوانان بشکه‌های سوخت را به آنسوی مرز حمل می‌کنند تا رقم ناچیزی دستمزد دریافت کنند. سوخت‌بری که برای بسیاری از مرزنشینان تنها راه داشتن درآمد است تا کنون جان صدها شهروند سوخت‌بر را گرفته است.

نیمه خردادماه امسال بر اثر باران و طغیان رودخانه «نهنگ» در نقطه صفر مرزی پیرکور شهرستان راسک، ده‌ها اتومبیل سوخت‌بر واژگون و غرق شدند. دو هفته پیشتر و در اواخر اردیبهشت‌ماه هم رسانه‌ها از جان باختن دست‌کم ۱۲ سوخت‌بر بلوچ طی پنج روز و بر اثر تیراندازی مأموران جمهوری اسلامی خبر دادند که دو تن از آنها نوجوانان ۱۷ ساله بودند.

گزارش دیگری نشان می‌دهد که در ۲۱ روز نخست سال جدید خورشیدی ۱۷ سوخت‌بر به دنبال شلیک نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی یا عوامل دیگری همچون تصادف، آتش گرفتن اتومبیل یا انبارهای سوخت جانباخته و دست‌کم شش تن زخمی شدند. چهار نفر از جانباختگان زیر ۱۸ سال بودند. نبود زیرساخت‌های صنعتی و تولیدی، و نابودی کشاورزی و دامپروری و ماهیگیری از رودخانه به دلیل خشکسالی دو عامل اصلی افزایش نرخ بیکاری در استان سیستان و بلوچستان بوده است. آمارهای جمهوری اسلامی نشان می‌دهد نرخ بیکاری در برخی مناطق استان به ۶۰ درصد می‌رسد؛ به بیان دیگر ۶۰ درصد از جمعیت در سن کار و جویای کار در برخی مناطق بیکار هستند.

نرخ بالای بیکاری و عدم حمایت دولت از افراد تنگدست و کم‌درآمد مهم‌ترین و اصلی‌ترین عامل روی آوردن مردم به سوخت‌بری در استان شده است. گزارش‌ها بیانگر اینست که اکنون حدود دو دهه است که پدیده سوخت‌بری به عنوان راهی برای کسب درآمد از سوی مردم شناخته شده اما آمار سوخت‌برها در سال‌های اخیر و با تشدید مشکلات اقتصادی و معیشتی افزایش یافته است.

بسیاری از سوخت‌بران اما به کام مرگ کشیده می‌شوند. تیراندازی مأموران جمهوری اسلامی و آتش‌سوزی و سوختگی دو عامل اصلی جان باختن سوخت‌بران است.

وبسایت «حال‌وش» که خبرهای مربوط به استان سیستان و بلوچستان را بازتاب می‌دهد اعلام کرده که در سال ۱۴۰۱ دست‌کم ۸۲ سوخت‌بر در سیستان و بلوچستان جان خود را از دست دادند.

«کمپین فعالین بلوچ» هم در گزارش سالانه ۲۰۲۲ خود از مرگ دست‌کم ۱۰۵ سوخت‌بر بر اثر تیراندازی بی‌ضابطه مأموران یا بر اثر سانحه هنگام تعقیب و گریز خبر داده بود. مولوی عبدالحمید امام‌جمعه اهل سنت زاهدان نیز در اسفند سال ۱۳۹۹ پس از کشته شدن دست‌کم ۱۶ سوخت‌بر در پی شلیک نیروهای سپاه پاسداران فاش کرده بود که «خودمستولین راضی بودند برای دور زدن تحریم‌ها سوخت خارج شود». روزنامه «اعتماد» چاپ تهران نیز در شماره امروز پنجشنبه

مرزی، معرבה و بیراهه‌های سوخت‌کشی چنان ناامن است که زنده ماندن سوخت‌برها در این محورها، در مقیاس ثانیه‌ها تعریف می‌شود. پزشک بیمارستان خاتم شهرستان ایران‌شهر که هفته‌ای دو یا سه جوان سوخته در آتش سوخت‌کشی را معاینه و جراحی می‌کند، می‌گفت: «اینجا جان می‌دهند برای هیچ». به نوشته روزنامه «اعتماد» نه سوخت‌برها و نه صاحبان مَدَنی‌ها [واسطه‌ها] نمی‌دانند تعیین‌کننده نرخ خرید یا فروش چه کسی است، اما همه‌شان می‌دانند که باز و بسته بودن مرز پاکستان و حتی بالا و پایین رفتن سطح آب رودخانه مرزی در کم و زیاد شدن قیمت خرید و فروش گازوییل تاثیر دارد. این گزارش افزوده که آخر هم پول سوخت‌بری فقط به سیر کردن شکم‌شان می‌رسد و نه بیشتر. بعضی سوخت‌برها حتی ماشین ندارند و صاحب ماشین و سوخت، فرد دیگری است و این سوخت‌برها فقط مزد رانندگی و تحویل بار به دلال پاکستانی را می‌گیرند.»

این گزارش افزوده که شوربختی از اوایل دهه ۱۳۸۰ به جان ایران‌شهر و روستاهایش افتاد وقتی هفت سال پیاپی یک قطره باران بر سر ایران‌شهر نبارید و پروژه‌های عظیم سدسازی در شمال و جنوب و شرق و غرب شهرستان به بهانه سیراب کردن ۲۰۰ هزار آدم تشنه ساکن در این منطقه آغاز شد.

بخش دیگری از گزارش بیکاری در شهرستان ایران‌شهر را روایت کرده است؛ شهرستان ایران‌شهر هیچ کارخانه‌ای ندارد. قبلاً داشته. معدن آهنک و مرمر حوالی شهرستان، سال‌هاست تعطیل شده، معدن منگنز فقط خام‌فروشی دارد و مردم بومی را به معدن طلا راه نمی‌دهند. تمام کارگاه‌های منطقه از نیمه دهه ۱۳۸۰ به بخش خصوصی واگذار شد اما بخش خصوصی فقیر بود و توان نگهداشت کارخانه و کارگاه نداشت و همه کارگاه‌ها از اواخر دهه ۱۳۸۰ تعطیل شد.

در شهر هیچ تابلویی از کارگاه و کارخانه نیست با وجود آنکه هنوز نرخ ولادت در این شهرستان از میانگین کل کشور بالاتر است و در هر شبانه‌روز، در بیمارستان «ایران» ایران‌شهر ۹۷ الی ۱۱۰ نوزاد پا به این دنیا می‌گذارند. اغلب تبلیغات سطح شهر مربوط به کلاس کنکور است و تابلوهایی بالای سردر اسناد رسمی و دانشگاه و شهرداری و کارگزاری بیمه و بانک و اغذیه‌فروشی و بقالی و نظام مهندسی و داروخانه.

۲۵ خرداد ۱۴۰۲ یک گزارشی میدانی که طی شش ماه تهیه شده از وضعیت اسفناک سوخت‌بران سیستان و بلوچستان منتشر کرده است. در این گزارش آمده که «سوخت‌برها» در منطقه بلوچستان، مردانی هستند که هفته‌ای یک یا دو بار، ۵۰۰ یا ۶۰۰ کیلومتر در مسیرهای ناامن و کور منتهی به مرز پاکستان می‌رانند که ۲۶۰۰ لیتر گازوییل بار زده بر کول نیشان‌شان را به دلالان پاکستانی بفروشند. هر نیشان سوخت‌کش، دو سرنشین دارد؛ سوخت‌بر و شاگردش.

اغلب سوخت‌برها کمتر از ۳۰ سال دارند. شاگرد سوخت‌برها، نوجوانانی هستند که پایشان به پدال گاز و ترمز نمی‌رسد و قَلق جاده‌های مرگ را بلد نیستند. شاگرد سوخت‌بر باید چند بار و چند ماه با یک سوخت‌بر همراه شود و علاوه بر دریافت مزدی ناچیز، جغرافیای معرهبایی را از بر کند که بویی از تعریف معمول «جاده» نبرده و یاد بگیرد چطور نیشان کمر خم کرده از سنگینی ۲۶۰۰ لیتر گازوییل را روی شیب کوه و شانه‌های دره براند و بار را سالم به مقصد برساند و زنده برگردد.

هر سوخت‌بر، خرج حداقل دو خانواده را به عهده دارد. سال ۱۴۰۱ بطور میانگین هر هفته ۴ نیشان سوخت‌کش در جاده‌های خروجی ایران‌شهر منفجر شده است. وقتی خبر انفجار یک نیشان سوخت‌کش به گوش مردم ایران‌شهر می‌رسد، همه می‌دانند که حکایت سوختن فقط دو نفر نیست؛ با سوختن یک سوخت‌بر، حداقل ۱۰ نفر نان‌آورشان را از دست می‌دهند. بیمارستان خاتم در شهرستان ایران‌شهر، بالاترین آمار جراحی‌های سوختگی، معلولیت، قطع عضو و فلج به دلیل شدت سوختگی را در کشور دارد. تمام سوخت‌برهای آتش‌گرفته در جاده‌های اطراف شهرستان‌های ایران‌شهر و سرباز و قصر قند و دشتیاری و چاپهار و نیک‌شهر و تا مرز پاکستان، به بیمارستان خاتم منتقل می‌شوند چون تا شعاع ۴۰۰ کیلومتر دورتر از ایران‌شهر و تا مرز پاکستان، غیر از ۱۰ تخت سوختگی و ۳ اتاق جراحی بیمارستان خاتم هیچ امکان و تجهیزاتی برای مداوای سوخت‌برهای سوخته وجود ندارد. بیشترین جراحی‌های پلاستیک در بیمارستان خاتم، برای سوخت‌برهایی انجام می‌شود که حوالی شهرستان «سرباز» در انفجار و آتش نیشان‌شان سوخته‌اند.

در نوار جنوبی منطقه، ۵۰ یا ۱۰۰ کیلومتر قبل از فنس‌کشی

مذاکرات پشت پرده بین جمهوری اسلامی و فرستاده‌های دولت بایدن؛ طرفین دستیابی به «توافق موقت» را رد می‌کنند



راهپیمایی حزب اللهی‌ها در اعتراض به مذاکرات با غربی‌ها پس از ترور قاسم سلیمانی

بهترین راه برای دستیابی به این هدف بر مبنای قابل تأیید و بادوام است. رئیس‌جمهور و وزیر خارجه نیز به صراحت گفته‌اند که ما هیچ گزینه‌ای را از میز حذف نکرده‌ایم، بنابراین من فقط آن را کنار می‌گذارم.»

بر اساس شواهد، جمهوری اسلامی از ادعای «پیشرفت مذاکرات» و خبرسازی در مورد «آزاد شدن پول‌های بولکه شده» برای تحت تأثیر قرار دادن فضای سیاسی بهره‌برداری می‌کند اما بلافاصله بعد از تکذیب مقامات آمریکایی در مورد توافق رسانه‌ها و کارشناسان حکومتی کارزار توجیه و انکار دروغ‌های حکومت درباره پیشرفت مذاکرات را آغاز و با وارونه‌نمایی واقعیت ادعا می‌کند «توافق موقت بازی غرب و آمریکا است.»

توصیه‌های ظریف به نظام در مورد «احیای برجام»

پیش از این محمدجواد ظریف وزیر خارجه جمهوری اسلامی در یک نشست مجازی شش ساعته در «کلاب هائوس» به دفاع از برجام که آن را حاصل «دیپلماسی» خود می‌داند پرداخت و با توصیه به مقامات جمهوری اسلامی گفت «به نظر امکان رسیدن توافق بهتر از برجام وجود ندارد.» او توضیح داد: «اگر برجام از بین برود، جانشین آن نمی‌تواند توافقی باشد که بعضی خواسته‌های دیگر غربی‌ها را در بر نداشته باشد.» به عبارت دیگر، در صورت توافق جدید با غربی‌ها آنها امتیازات بیشتری از جمهوری اسلامی طلب خواهند کرد.

به نظر می‌رسد فشارهای بین‌المللی علیه برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی و به موازات آن انگیزه غربی‌ها برای مقابله با همکاری‌های نظامی تهران با روسیه در جنگ اوکراین بیشتر شده است. در همین ارتباط ۳۵ قانونگذار مجلس نمایندگان آمریکا پنجشنبه ۸ ژوئیه (۱۸ خرداد) در نامه‌ای به رهبران آلمان، فرانسه و بریتانیا خواستار فعال شدن «مکانیسم ماشه» علیه جمهوری اسلامی شدند.

سنگینی خواهد پرداخت.»

منابع آگاه افزوده‌اند که هدف از تبادل غیرمستقیم پیام‌هایی بین دولت بایدن و نمایندگان جمهوری اسلامی، دستیابی به یک «تفاهم» در مورد راه‌های کاهش تنش‌ها در برنامه هسته‌ای ایران، تحرکات منطقه‌ای جمهوری اسلامی و همکاری با روسیه در جنگ اوکراین بوده است. علاوه بر جمهوریخواهان و مقامات اسرائیلی، مخالفان جمهوری اسلامی مدام به دولت‌های غربی هشدار می‌دهند هرگونه توافق با رژیم ایران اشتباه است و بهایش را مردم ایران و منطقه می‌پردازند.

در هفته‌های اخیر موضوع «توافق موقت» بین جمهوری اسلامی و دولت بایدن برای چندمین بار در دو سال گذشته مطرح شد. حتی برخی منابع داخل ایران جزئیاتی از این توافق را نیز منتشر کردند.

در همین ارتباط نشریه «میدل‌ایست‌آی» به نقل از منابع نزدیک به مذاکرات گزارش داده بود ایران و آمریکا به توافق موقتی نزدیک شده‌اند که بر اساس آن جمهوری اسلامی در ازای لغو تحریم‌ها موافقت کرده فعالیت‌های غنی‌سازی اورانیوم خود را کاهش دهد اما هر دو طرف چنین توافقی را انکار کردند.

نماینده‌های جمهوری اسلامی در سازمان ملل جمعه ۱۹ خرداد بارد هرگونه توافق موقت با آمریکا تأکید کرد «هیچ توافق موقتی به جایگزینی برجام در دستور کار نیست.» همچنین ودانت پاتل معاون سخنگوی وزارت خارجه آمریکا نیز با رد اخبار و گزارش‌ها در مورد «توافق موقت» با جمهوری اسلامی آنها را ناشی از شایعات و درز مکالمات دیپلماتیک آنهم به دروغ و گمراه کننده دانست و تأکید کرد که «پرزیدنت بایدن کاملاً واضح گفته ایالات متحده متعهد است هرگز به ایران اجازه دستیابی به سلاح هسته‌ای را ندهد. ما همچنان بر این باوریم که دیپلماسی

پایگاه خبری «آکسیوس» به نقل از منابع مطلع گزارش داد مقامات جمهوری اسلامی و آمریکا در ماه گذشته (ماه مه) بطور غیرمستقیم در عمان مذاکره کرده‌اند؛ همزمان تهران و واشنگتن هرگونه «توافق» را رد می‌کنند.

این منابع گفتند که ایالات متحده به صراحت اعلام کرده است که اگر ایران با غنی‌سازی ۹۰ درصدی اورانیوم که سطح مورد نیاز برای تولید سلاح هسته‌ای است «بهای سنگینی خواهد پرداخت.»

در هفته‌های اخیر موضوع «توافق موقت» بین جمهوری اسلامی و دولت بایدن برای چندمین بار در دو سال گذشته مطرح شده است. حتی برخی منابع داخل ایران جزئیاتی از این توافق را نیز منتشر کردند. ادعا شده بود «ایران و آمریکا به توافق موقتی نزدیک شده‌اند که بر اساس آن جمهوری اسلامی در ازای لغو تحریم‌ها موافقت کرده فعالیت‌های غنی‌سازی اورانیوم خود را کاهش دهد» اما هر دو طرف چنین توافقی را انکار کردند.

نماینده‌های جمهوری اسلامی در سازمان ملل با رد هرگونه توافق موقت با آمریکا تأکید کرد «هیچ توافق موقتی به جایگزینی برجام در دستور کار نیست.» ودانت پاتل معاون سخنگوی وزارت خارجه آمریکا نیز با رد اخبار و گزارش‌ها در مورد «توافق موقت» با جمهوری اسلامی آنها را ناشی از شایعات و درز مکالمات دیپلماتیک آنهم به دروغ و گمراه کننده دانست.

۳۵ قانونگذار مجلس نمایندگان آمریکا پنجشنبه در نامه‌ای به رهبران آلمان، فرانسه و بریتانیا خواستار فعال شدن «مکانیسم ماشه» علیه جمهوری اسلامی شدند.

شواهد نشان می‌دهد جمهوری اسلامی از ادعای «پیشرفت مذاکرات» و خبرسازی در مورد «آزاد شدن پول‌های بولکه شده» برای تحت تأثیر قرار دادن فضای سیاسی بهره‌برداری می‌کند اما بلافاصله بعد از تکذیب مقامات آمریکایی در مورد توافق رسانه‌ها و کارشناسان حکومتی کارزار توجیه و انکار دروغ‌های حکومت درباره پیشرفت مذاکرات را آغاز و با وارونه‌نمایی واقعیت ادعا می‌کند «توافق موقت بازی غرب و آمریکا است.»

پایگاه خبری «آکسیوس» روز شنبه ۱۰ ژوئیه (۲۰ خرداد) به نقل از منابع مطلع گزارش داد مقامات جمهوری اسلامی و آمریکا در ماه گذشته (ماه مه) بطور غیرمستقیم در عمان مذاکره کرده‌اند؛ همزمان تهران و واشنگتن هرگونه «توافق» را رد می‌کنند.

آکسیوس هفته گذشته گزارش داده بود که برت مک گورک هماهنگ‌کننده امور خاورمیانه در کاخ سفید، ماه گذشته محرمانه به عمان سفر کرد تا با مقامات عمانی درباره برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی گفتگو کند.

به گفته منابع آگاه، مک گورک و مقامات ایرانی با یکدیگر ملاقات نکردند و دو طرف در مکان‌های جداگانه‌ای حضور داشتند و مقامات عمانی بین آنها رفت و آمد داشتند و پیام‌هایی را رد و بدل کرده‌اند.

این منابع گفتند که ایالات متحده به صراحت اعلام کرده است که اگر ایران با غنی‌سازی ۹۰ درصدی اورانیوم که سطح مورد نیاز برای تولید سلاح هسته‌ای است «بهای

نشست «اسرائیل و اپوزیسیون ایران»: «رضا پهلوی را به اسرائیل بردند تا بپذیرد بر اساس صهیونیسم و لیبرالیسم حکمرانی کند»



«نشست اسرائیل و اپوزیسیون ایران» / ۲۳ خرداد ۱۴۰۲

حمله اقتصادی آمریکا علیه جمهوری اسلامی است و علیه جمهوری اسلامی اقدامات اقتصادی انجام می‌دهد. وی با اشاره به توصیه‌های شاهزاده پهلوی به نیروهای مسلح به ویژه ارتش‌ها برای پیوستن به مردم گفت: «علی‌رغم تمام سرمایه‌گذاری‌های دشمن در اغتشاشات سال گذشته روی ارتش، ما هیچ ریزشی نداشتیم.»

شاهزاده رضا پهلوی و همراهانش طی یک سفر چهار روزه در اواخر فروردین به اسرائیل با مقامات ارشد این کشور دیدار و گفتگو کرد. گفتگوی دوجانبه با بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر و دیدار با اسحاق هرترتوگ رئیس جمهوری اسرائیل و گیلا گاملیل وزیر اطلاعات این کشور و همچنین گفتگو با زچی هانگی مشاور امنیت ملی اسرائیل و همکارانش از محورهای سیاسی و امنیتی این سفر بود.

حیدر مصلحی وزیر سابق اطلاعات جمهوری اسلامی دهم خرداد در اختتامیه دومین جشنواره «پرچمداران انقلاب اسلامی» گفته بود «متأسفانه نسل امروز اطلاعاتش از رژیم پهلوی بیشتر است تا امام». وی هشدار داد دستگاه‌های اطلاعاتی دشمن «سنگین» روی فضای مجازی کار می‌کنند. در همین ارتباط حجت‌الاسلام محمود محمودی امام جمعه شهر کنگان در استان بوشهر نیز با اشاره به حملات موشکی گروه‌های نیابتی به اسرائیل با پشتیبانی سپاه پاسداران گفته بود، «پیام ملت ایران به اسرائیل با موشک‌های مقاومت ارسال می‌شود نه با سفر رضا پهلوی.»

اواسط اردیبهشت «جهاد اسلامی» با هدایت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی حملات راکتی وسیعی علیه اسرائیل انجام داد. اتفاقاً یکی از مباحث مورد اشاره در نشست «اسرائیل و اپوزیسیون ایران» نیز در مورد ضرورت تقویت جریان «مقاومت» برای رویارویی با اسرائیل بود. به ویژه آنکه مطرح شد «صهیونیست‌ها برای مقابله با جمهوری اسلامی به دنبال طراحی و تقویت اغتشاشات هستند.»

سخنرانان این مراسم شماری از دیپلمات‌های سابق جمهوری اسلامی و شماری از فرماندهان نیروهای مسلح از جمله سرتیپ خداداد فلاح معاون سیاسی ارتش جمهوری اسلامی، مجتبی فردوسی‌پور سفیر سابق جمهوری اسلامی در اردن، حسین کنعانی مقدم دبیر سیاسی «جبهه ایستادگی» و چند کارشناس در حوزه اسرائیل و منطقه بود. فردوسی‌پور سفیر سابق رژیم در اردن ادعا کرد که در ایالات متحده و فرانسه هرکس می‌خواهد رئیس جمهور شود، باید نظر صهیونیست‌ها را جلب و منافع آنها را تضمین کند... یا برای آپیک [کمیته روابط عمومی آمریکا و اسرائیل] سخنرانی کند و رضا پهلوی هم برای اینکه به عنوان فرد اصلی اپوزیسیون شناخته شود به اسرائیل رفت تا نظر آنها را جلب کند.»

وی مدعی شد، «پهلوی تلاش می‌کند بر اساس فرهنگ و مسائل تاریخی بین مردم ایران و اسرائیل پُل بزند.» وی همچنین با اشاره به روابط حسنه ایران و اسرائیل قبل از انقلاب عنوان کرد: «مبدأ تجربه ساواک، موساد است نه سیا؛ و ساواک نماد وابستگی پهلوی به اسرائیل است.»

فردوسی‌پور در بخش دیگری از این نشست ادعا کرد: «وقتی صهیونیست‌ها رضا پهلوی را به اسرائیل بردند به این خاطر بود که مَهر تأیید پای زنگوله‌ی او بزنند تا او بپذیرد به عنوان شخصیت هدایت شده و تأیید شده در چارچوب‌های صهیونیستی حکمرانی را تعریف کند.»

حسین کنعانی مقدم از فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با بیان اینکه «اسرائیل حداکثر یک پادگان نظامی بزرگ است، نه یک دولت یا کشور» ادعا کرد «من اسرائیل را در اندازه مخالفت و دشمنی با جمهوری اسلامی نمی‌بینم.» وی گفت رضا پهلوی با سفر به اسرائیل «آخرین میخ را بر تابوت خود کوبید.»

سرتیپ فلاح معاون سیاسی ارتش نیز ادعا کرد اسرائیل امکان حمله نظامی به ایران را ندارد اما یکی از پایگاه‌های

● نشست ضدیهود «اسرائیل و اپوزیسیون ایران» سه‌شنبه ۲۳ خرداد با همکاری خبرگزاری «تسنیم» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و مؤسسه مطالعاتی «ابرار معاصر» در تهران برگزار شد. محور این بررسی جایگاه یهودیان در معادلات بین‌المللی و پیامدهای سفر اخیر شاهزاده رضا پهلوی به اسرائیل و دیدار وی با مقامات ارشد این کشور بود.

● فردوسی‌پور سفیر سابق رژیم ایران در اردن ادعا کرد که «در ایالات متحده و فرانسه هرکس می‌خواهد رئیس جمهور شود، باید نظر صهیونیست‌ها را جلب و منافع آنها را تضمین کند... وقتی صهیونیست‌ها رضا پهلوی را به اسرائیل بردند به این خاطر بود که مَهر تأیید پای زنگوله‌ی او بزنند تا او بپذیرد به عنوان شخصیت هدایت شده و تأیید شده در چارچوب‌های صهیونیستی حکمرانی را تعریف کند.»

● حسین کنعانی مقدم از فرماندهان سپاه پاسداران و دبیر سیاسی «جبهه ایستادگی» مدعی شد رضا پهلوی با سفر به اسرائیل «آخرین میخ را بر تابوت خود کوبید.»

● سرتیپ فلاح معاون سیاسی ارتش با اشاره به توصیه‌های شاهزاده پهلوی به نیروهای مسلح به ویژه ارتش‌ها برای پیوستن به مردم گفت: «علی‌رغم تمام سرمایه‌گذاری‌های دشمن در اغتشاشات سال گذشته روی ارتش، ما هیچ ریزشی نداشتیم.»

نشست «اسرائیل و اپوزیسیون ایران» روز سه‌شنبه ۲۳ خرداد با همکاری خبرگزاری «تسنیم» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و مؤسسه مطالعاتی «ابرار معاصر» در تهران برگزار شد.

محور این نشست ضدیهود بررسی جایگاه یهودیان در معادلات بین‌المللی و پیامدهای سفر اخیر شاهزاده رضا پهلوی به اسرائیل و دیدار وی با مقامات ارشد این کشور بود.

قیمت نجومی محصولات لوازم خانگی مونتاژ داخل زوج‌ها از سمساری جهیزیه می‌خرند



بازار لوازم خانگی افزایش قدرت خرید مردم توسط دولت است. از دولت انتظار است که ضمن کنترل و مهار تورم به رشد اقتصادی هم توجه داشته باشد تا هم رشد تولید را داشته باشیم و هم تورم مهار شود.»

قیمت لوازم خانگی در حالی افزایش می‌یابد که به همان نسبت تقاضا نیز در این بازار کاهش پیدا می‌کند بطوری که زوج‌های جوان نیز برای خرید جهیزیه به سمساری‌ها کشیده شده‌اند.

داوود عبداللهی رئیس اتحادیه سمساران و امانت‌فروشان امروز جمعه ۱۹ خرداد ۱۴۰۲ با اشاره به افزایش قیمت لوازم خانگی در دو سال گذشته گفته که «برخی از زوج‌ها برای تهیه مایحتاج زندگی و جهیزیه به سمساری‌ها مراجعه می‌کنند، البته این موضوع چندان در بین زوج‌ها فراگیر نشده است اما نمی‌توان گفت که اصلا وجود ندارد.»

رئیس اتحادیه سمساران و امانت‌فروشان افزوده که «امروز ما به تفاوت تبدیل کالای دسته دوم به کالای نو برای بسیاری از خانواده‌ها سنگین شده است از این‌رو تا کالای آنها کاملا فرسوده نشود آن را تعویض و تبدیل به احسن نمی‌کنند و همین موضوع بر بازار سمساری‌ها تاثیر مستقیم گذاشته است این در حالیست که در گذشته مردم حداقل چند سال یکبار وسایل خانه خود را نو می‌کردند.»

داوود عبداللهی کولر گازی را یکی از کالاهای پرتقاضا از سمساری‌ها اعلام کرده و گفته که «مراجعه برای خرید کولرهای گازی دسته دوم در روزهای گذشته افزایش پیدا کرده است چراکه مصرف برق و آب این کولرها مناسب است از این‌رو این کالا در بورس خرید و فروش کالاهایی روزانه سمساری‌ها شده است. افزایش قیمت جنس نو تاثیر خود را بر قیمت کالاهای دسته دوم می‌گذارد سمسارها نیز کالای دسته دوم را می‌خرند و از آنجایی که فروشنده قیمت‌ها را دارد به راحتی و با نرخ پایین کالایی خود را نمی‌فروشد.»

به گفته این فعال صنفی، کالای دسته دوم نرخ مصوب ندارد و نرخ کولر آبی در سمساری‌ها حداقل بین ۳ تا ۴ میلیون تومان است و کولرهای گازی دسته دوم ۱۵ میلیون تومان به بالا خرید و فروش می‌شوند.

محصولات خود را افزایش ندهد؟ در این حالت تولیدکننده تنها دو راه دارد: یا خط تولید خود را تعطیل کند و دست به تعدیل بزند یا همانند خودروسازان کیفیت محصولات خود را کاهش دهد و مثل خوراکی‌ها از حجم داخل بسته بندی کم بگذارد.»

احسان فدایی افزوده که «تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان نمی‌توانند نقشی در مهار تورم داشته باشند. در اولین قدم باید قیمت مواد اولیه تولید صنعت لوازم خانگی مهار شود تا بتوان کالا را تامین کرد و مانع رشد بی‌رویه قیمت‌ها در این صنعت شد و این کنترل هم تنها از مجرای کنترل و ثبات نرخ ارز با گشایش در مناسبات میسر خواهد بود.»

وبسایت «اقتصاد ۲۴» در گزارشی میدانی درباره افزایش قیمت لوازم خانگی نوشته ماشین لباسشویی به عنوان یکی از کالاهای پرمصرف نشان می‌دهد قیمت این محصول در سال ۱۳۹۷ در برندهای خارجی از ۲ میلیون تومان شروع می‌شد. این در حالیست که امروز قیمت برندهای معتبر داخلی ماشین لباسشویی در همان ظرفیت‌ها و مدل‌های مشابه، ۲۰ میلیون آغاز می‌شود یعنی افزایش ۱۰ برابری! قیمت‌های چند ده و چند صد میلیون تومانی برای لوازم خانگی سبب شده روزنامه‌های اصولگرا و حامی دولت هم گزارش‌هایی از افزایش قیمت‌ها منتشر کنند. روزنامه «جوان» چاپ تهران اوایل خردادماه با اشاره به ادعای وزارت صمت درباره افزایش هشت درصدی تولید داخلی لوازم خانگی نوشته که «رشد تولید داخل و حضور پررنگ نشان‌های داخلی این تصور را در میان عموم ایجاد می‌کرد که قیمت لوازم خانگی افزایش چشمگیری نداشته باشد و کالای ایرانی به قیمت مناسب‌تری در خانه‌های ایرانی حضور یابد؛ اما محصولات ایرانی نه تنها از نرخ تورم عقب نماندند، بلکه با تغییر هر فصل، قیمت لوازم خانگی هم تغییر پیدا کرد. در آغاز سال ۱۴۰۲ افزایش ۴۰ درصدی قیمت لوازم خانگی داخلی تأیید شد و تولیدکنندگان مهم‌ترین دلیل آن را عدم حمایت دولت، عدم تخصیص ارز ۴۲۰۰ تومانی و نبود تسهیلات ارزان قیمت عنوان کردند.»

حسینعلی حاجی دلپگانی، نماینده مجلس شورای اسلامی هم به این موضوع پرداخته و گفته که «بهترین راه رونق در

● در سال ۱۳۹۷ قیمت ماشین لباسشویی برندهای خارجی از ۲ میلیون تومان شروع می‌شد اما اکنون قیمت تولیدات داخلی در همان ظرفیت‌ها و مدل‌های مشابه، از ۲۰ میلیون آغاز می‌شود یعنی افزایش ۱۰ برابری!

● علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی سال ۱۴۰۰ در حکم حکومتی خواهان ممنوعیت واردات لوازم خانگی از کشورهایی مانند کره جنوبی با ادعای «تقویت تولید داخلی» شده بود.

● تحریم‌ها سبب خروج نمایندگی‌های رسمی لوازم خانگی از ایران شده و کالاهای خارجی موجود در بازار، عمدتاً قاچاق هستند که با توجه به گرانی ارز با قیمت‌های نجومی عرضه می‌شوند.

در شرایطی که فعالان صنعت لوازم خانگی ایران از افزایش دوباره قیمت‌ها خبر می‌دهند، گزارش‌ها از کاهش شدید تقاضا در این بازار حکایت دارد بطوری که زوج‌های جوان نیز برای خرید جهیزیه به سمساری‌ها مراجعه می‌کنند.

لوازم خانگی نیز از جمله صنایعی است که درگیر قیمت‌گذاری دستوری از سوی دولت است. تولیدکنندگان داخلی که بیشتر به مونتاژ می‌پردازند ناچارند بخش عمده قطعات و تجهیزات تولید لوازم خانگی را از خارج وارد کنند. افزایش قیمت ارز هزینه تولید لوازم داخلی را افزایش داده اما دولت اصرار دارد قیمت‌ها به صورت دستوری ثابت نگه داشته شود.

از سوی دیگر تحریم‌ها نیز سبب خروج نمایندگی‌های رسمی لوازم خانگی از ایران شده و کالاهای خارجی موجود در بازار، عمدتاً قاچاق هستند که با توجه به گرانی ارز با قیمت‌های نجومی عرضه می‌شوند. علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی سال ۱۴۰۰ در حکم حکومتی خواهان ممنوعیت واردات لوازم خانگی از کشورهایی مانند کره جنوبی با ادعای «تقویت تولید داخلی» شده بود.

وزارت صمت و سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان ماه‌هاست از افزایش قیمت لوازم خانگی تولید داخل جلوگیری کرده است اما یک کارشناس صنعت لوازم خانگی از افزایش دوباره قیمت‌ها خبر داده است. لوازم خانگی پیشتر در ابتدای امسال ۴۰ درصد افزایش قیمت داشت. احسان فدایی کارشناس لوازم خانگی گفته که واردات قطعات و مواد اولیه تولید لوازم خانگی از پروسه ثبت سفارش کالا تا رسیدن به خط مونتاژ، بین ۴ تا ۸ ماه طول می‌کشد؛ بنابراین اگر افزایش قیمتی رخ می‌دهد باید ریشه آن را از چند ماه قبل و افزایش پرسرعت قیمت ارز بررسی کنیم. او افزوده که مقامات حکومتی با اهداف سیاسی از افزایش قیمت جلوگیری می‌کنند و تأکید کرده «در حالی در آستانه انتخابات مجلس قرار گرفته ایم که نمایندگان مجلس برای کسب محبوبیت، آزادسازی واردات لوازم خانگی را به عنوان ابزاری برای مهار قیمت‌ها و ممانعت از انحصاری شدن بازار در لیست نطق‌ها و مصاحبه‌های خود قرار داده اند؛ در حالی که به جای این شعارها باید پاسخ دهند افزایش تورم آیا تنها در محصولات لوازم خانگی رخ داده یا در تمام کالاها شاهد گرانی چشمگیر بوده‌ایم؟

این کارشناس با انتقاد از روند قیمت‌گذاری دستوری گفته که «وقتی تمام مؤلفه‌ها و پارامترهای تولید افزایش قیمت دارد، چگونه تولیدکننده لوازم خانگی می‌تواند قیمت



سردار «اقتصاددان» محسن رضایی از معاونت اقتصادی دولت سیزدهم استعفا داد

● خبرگزاری «تسنیم» مدعی شده استعفای محسن رضایی و منصوب شدن او به عنوان رئیس دبیرخانه شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا در پی انتقاد خامنه‌ای از عملکرد این شورا بوده است.

● محسن رضایی هرچند تحصیلکرده رشته اقتصاد است اما اظهارات عجیب او درباره اقتصاد ایران و راهکارهای حل مشکلات مالی و معیشتی کشور مورد تمسخر افکار عمومی بوده است از جمله اینکه وی برای تأمین پول گفته بود سربازان آمریکایی را گروگان بگیریم و برای آزادی هر کدام چند هزار دلار بخواهیم!

● با کناره‌گیری محسن رضایی از معاونت اقتصادی ریاست جمهوری اسلامی، برخی رسانه‌ها از احتمال جانشینی محمد خوش‌چهره نماینده اصولگرا در مجلس هفتم شورای اسلامی بجای او نوشته‌اند.

سردار پاسدار محسن رضایی پس از یک سال و ۹ ماه همکاری با دولت سیزدهم از معاونت اقتصادی ریاست جمهوری «قاضی مرگ» استعفا داد.

به گزارش رسانه‌های داخلی سردار پاسدار محسن رضایی از معاونت اقتصادی ریاست دولت سیزدهم استعفا داده است. ابراهیم رئیسی صبح دوشنبه ۲۲ خرداد ۱۴۰۲ با این استعفا موافقت و محسن رضایی را به عنوان «رئیس دبیرخانه شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا» منصوب کرد.

سردار پاسدار محسن رضایی در نخستین روزها پس از آغاز به کار دولت سیزدهم در تابستان ۱۴۰۰ از سوی ابراهیم رئیسی به عنوان «معاون اقتصادی ریاست جمهوری»، «دبیر شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا» و «دبیر ستاد اقتصادی دولت» منصوب شد. محسن رضایی از جمله نامزدهای انتخاباتی ۱۴۰۰ و از رقبای ابراهیم رئیسی بود.

خبرگزاری «تسنیم» نزدیک به سپاه پاسداران جمهوری اسلامی گزارش داده که رئیسی ضمن قبول استعفای محسن رضایی از معاونت اقتصادی دولت، طی حکمی وی را به عنوان رئیس دبیرخانه شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا منصوب کرد. بر اساس این گزارش سمت جدید محسن رضایی پس از انتقاد علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی از «عدم تحقق اهداف شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا» ایجاد شده است. در این گزارش به نقل از «یک فرد نزدیک به محسن رضایی» آمده که در پی انتقاد علی خامنه‌ای «تغییراتی در شورای عالی در نظر گرفته شد که یکی از مهمترین این تغییرات تکمیل دبیرخانه دائمی و تمام‌وقت برای این شورای عالی به‌منظور ساماندهی بهتر برگزاری جلسات تا پیگیری مصوبات است؛ رئیس‌جمهور به عنوان فرمانده شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا برای ساماندهی وظایف جدید دبیرخانه،

طی حکمی آقای دکتر رضایی را به عنوان رئیس دبیرخانه شورای عالی منصوب کردند که این حکم به زودی به شکل رسمی اعلام خواهد شد.»

علی خامنه‌ای فروردین‌ماه سال‌های ۱۳۹۷ با خروج آمریکا از برجام و به خدمات در کشور در سخنرانی در جمع شماری از دانشجویان گفت که اهداف جلسات اقتصادی سران قوا تحقق نیافته است. شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران سه قوه جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۹۷ با خروج آمریکا از برجام و به دستور علی خامنه‌ای تشکیل شد. رهبر جمهوری اسلامی این شورا را «اتاق جنگ اقتصادی» خوانده بود. اکنون با گذشت چهار سال از تشکیل این شورا، مشخص شده عملکرد آن نه تنها کمکی به بهبود وضعیت اقتصادی کشور نکرده بلکه به صورت موازی با مجلس و دولت به دخالت در امور اقتصادی کشور مشغول است.

محسن رضایی فرمانده سابق سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دو دهه برای رسیدن به کرسی ریاست جمهوری اسلامی تلاش کرد بطوری که به «نامزد مادام‌العمر» معروف شد اما هر بار نتیجه انتخابات نمایشی را مجبور شد به یکی از رقبای خود واگذار کند. در انتخابات نمایندگی سال ۱۴۰۰ نیز او در ته جدول قرار گرفت و حتی آرای باطله نیز از شمار آرای وی و همچنین بقیه از جمله ناصر همتی نامزد اصلاح‌طلبان بیشتر بود.

محسن رضایی هرچند تحصیلکرده رشته اقتصاد است و اکنون گفته شده در پی انتقاد خامنه‌ای به عنوان رئیس دبیرخانه شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا منصوب شده اما اظهارات عجیب او درباره اقتصاد ایران و راهکارهای حل مشکلات مالی و معیشتی کشور همواره مورد تمسخر افکار عمومی قرار گرفته است.

او یکی از راهکارهای درآمدزایی جمهوری اسلامی در پی تحریم‌های آمریکا را گروگانگیری چند هزار سرباز آمریکایی و دریافت چند هزار دلار برای آزادی آنها عنوان کرده بود!

محسن رضایی آبان‌ماه گذشته و در میانه یکی از بحرانی‌ترین روزهای اقتصاد ایران مدعی شده بود که «امروز برای طی مسیر پیشرفت کشور یک مبارزه و مسابقه جدی بین ما و مخالفان ایران در خارج و در منطقه وجود دارد تا پیشرفت کشور شتاب گیرد.» وی همچنین افزوده بود که «روز به روز وضعیت اقتصادی کشور رو به‌بهبود است ولی نباید این موضوع فراموش شود که اکنون در جنگ اقتصادی درگیر هستیم. دشمنان ایران اسلامی بخوبی متوجه شدند که ایران در مسیر پیشرفت خود سرعت گرفته و بدون تردید در ماه‌ها و سال‌های آینده دیوارهای تحریم بیشتر شکسته خواهد شد.»

اینهمه در حالیست که یکی از موضوعات پشت پرده استعفای محسن رضایی که خبرگزاری «تسنیم» آن را به انتقاد

خامنه‌ای از شورای هماهنگی اقتصادی سران قوا مرتبط کرده، اختلافات در میان تیم اقتصادی دولت سیزدهم است.

رسانه‌های داخلی بارها بطور غیرمستقیم از وجود اختلاف میان تیم اقتصادی دولت سیزدهم و به ویژه محمد مخبر معاون اول ابراهیم رئیسی و محسن رضایی خبر داده بودند. بسیاری معتقدند محمد مخبر افسار هیئت دولت را در دست دارد و مهره‌چینی‌ها در دولت سیزدهم با اراده او صورت می‌گیرد. تابستان گذشته گزارش‌هایی از تشدید اختلاف میان محسن رضایی و محمد مخبر منتشر شد.

وبسایت «اقتصاد نیوز» در این‌باره نوشته بود «از آنجا که مهمترین وعده‌های دولت حول محور اقتصاد می‌چرخید امروز عملیاتی کردن این وعده‌ها به نوعی به یک موضوع حیثیتی برای دولت رئیسی تبدیل شده است و از همین جهت درگیری‌ها در تیم اقتصادی را می‌توان به وضوح مشاهده کرد.

در همین راستا شاید یک طرف اختلاف یا بهتر بگوییم کفه سنگین آن متوجه اختلافات محسن رضایی و مخبر باشد اما این حلقه بزرگتر از این دو نفر است و حضور افراد دیگری مانند مسعود میرکامی رئیس سازمان برنامه و بودجه، خاندوزی وزیر اقتصاد و رستم قاسمی وزیر راه را نیز در این دایره ببینیم. و به قول حمید حسینی کارشناس اقتصادی مخبر، محسن رضایی، احسان خاندوزی و مسعود میرکامی لایه اول مسئولانی هستند که در این راستا خود را در جایگاه سیاستگذار می‌بینند. بنابراین با چنین نگاهی می‌شد پیش‌بینی کرد که دیر یا زود اختلافات به مرز حذف یکدیگر نیز برسد.» همزمان با کناره‌گیری محسن رضایی از معاونت اقتصادی ریاست جمهوری اسلامی، برخی رسانه‌ها از احتمال جانشینی محمد خوش‌چهره نماینده اصولگرا در مجلس هفتم شورای اسلامی بجای او نوشته‌اند. محمد خوش‌چهره استاد دانشگاه در رشته اقتصاد است که در انتخابات دوره نهم ریاست جمهوری اسلامی از حامیات سرسخت محمود احمدی‌نژاد بود و حتی از سوی او در مناظرات انتخاباتی حضور داشت اما چهار سال بعد در دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری به عنوان منتقد احمدی‌نژاد موضع‌گیری کرد.

محمد خوش‌چهره در پاسخ به احتمال جانشینی خود بجای محسن رضایی به خبرنگاران گفته «حرف‌هایی که برخی می‌زنند را نمی‌شود گفت پیشنهاد چرا که پیشنهاد رسمیت خاصی دارد اما در هر صورت بنده برای ورود به دولت به جمع‌بندی نرسیدم.»

این پاسخ بیشتر این موضوع را نشان می‌دهد که مسئولیت معاونت اقتصادی دولت سیزدهم به صورت غیررسمی به خوش‌چهره پیشنهاد شده اما او تا ظهر دوشنبه ۲۲ خرداد تصمیمی در این‌باره نگرفته است.

رأی اعتماد مجلس شورای اسلامی به یک مدیر رانته نزدیک به سپاه پاسداران برای جلوس بر کرسی وزارت صمت



● عباس علی‌آبادی محورهای ۸ برنامه خود را برای وزارت صمت ارائه داد و گفت: اولین برنامه راهبردی ما تمرکز بر تأکید بر توسعه صنعت صادرات محور است!

● برنامه‌های علی‌آبادی در حالی که فهرست جذابی برای اقتصاد و تجارت بحران‌زده ایران به نظر می‌رسد اما هیچیک از اقدامات در ساختار ایدئولوژیک، مافیایی و غرب‌ستیز جمهوری اسلامی امکان‌پذیر نیست.

● عباس علی‌آبادی مدیرعامل هلدینگ بزرگ «مینا» است و سابقه همکاری تجاری گسترده‌ای با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و قرارگاه «خاتم الانبیاء» سپاه پاسداران را در کارنامه دارد.

عباس علی‌آبادی گزینه پیشنهادی وزیر صنعت، معدن و تجارت در نشست امروز مجلس شورای اسلامی موفق به دریافت رأی اعتماد از نمایندگان شد. وزیر صمت ۸ برنامه راهبردی برای این وزارتخانه ارائه کرد که همگی تکرار کلی‌گویی و وعده‌های عمل نشده مدیران صنعتی پیشین جمهوری اسلامی است.

عباس علی‌آبادی با ۱۸۷ رأی موافق، ۵۸ رأی مخالف، هشت رأی ممتنع و دو رأی باطله از مجموع ۲۵۵ نماینده حاضر در صحن، وزیر صمت شد.

در نشست امروز مجلس شورای اسلامی عباس علی‌آبادی محورهای ۸ برنامه خود را ارائه داد و گفت «اولین برنامه راهبردی ما تمرکز بر تأکید بر توسعه صنعت صادرات محور است، هشت استراتژی بسیار مهم در برنامه من آمده که در برنامه‌های قبلی نبوده است. به عنوان کسی که کف صنعت را می‌شناسم و هم در دولت حضور داشته‌ام، به نظرم این راهبردها استثنایی و باارزش است. امیدوارم با تأکید بر این راهبردها بتوان بسیاری از مسائل مانند حمایت تولید مشترک با برندهای معتبر دنیا و... محقق شود.»

او همچنین «توسعه زیرساخت‌های کشور از طریق دیپلماسی تجاری اقتصادی» را دومین استراتژی خود در وزارت صمت عنوان کرد و گفت «ما باید به سمت ساختار ژئواکونومیک حرکت کنیم. نمی‌توان از یک کشور، کالا وارد کنیم و بعد به همان کشور کالا صادر نکنیم. باید ارزش مورد نیاز برای واردات را داشته باشیم، این ارزش باید حاصل صادرات کالا یا خدمات به آن کشور باشد.»

عباس علی‌آبادی سخنان و طرح‌های تکراری و عملی نشده مقامات پیشین صنعتی و اقتصادی جمهوری اسلامی را با «باید» و «بتوانیم» تکرار کرد و گفت که «ما باید بتوانیم در بازار منطقه و روسیه، ترکیه، عراق، کشورهای حاشیه خلیج فارس، پاکستان، افغانستان، کشورهای CIS ارتباط ارگانیک و اقتصاد صنعتی برقرار کنیم تا بتوان کالاهایی که در آن مزیت نسبی بالایی داریم را به این کشورها صادر کنیم و در مقابل از این کشورها کالاهایی که مزیت نسبی بالایی دارد را بخریم. این موضوع در حوزه خودرو، گندم، یخچال و... وجود دارد. همه چیز باید در تعامل مشترک با دنیا انجام شود. اگر با دنیا تعامل نداشته باشیم از همینجا دچار مشکل می‌شویم.»

«حمایت از نوآوری و قابلیت ارتقای فناورانه را با تمرکز بر تحول دیجیتال»، «بازآفرینی و اصلاح حکمرانی بخش صنعت و معدن با تأکید بر تنظیم‌گری»، «تسهیل‌گری و

نظارت و کاهش تصدی‌گری»، «استفاده از ابزارهای تامین مالی بنگاه‌های تولیدی و توسعه سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی»، «تجمیع مجموعه شرکت‌های کوچک در شهرک‌های صنعتی» و «عدم قطعیت محیط‌های کلان» از دیگر محورهای طرح شده از سوی عباس علی‌آبادی برای ساماندهی به وزارت صمت بود.

او همچنین به موارد دیگری از جمله «جذب و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی با بهره‌گیری حداکثری از دیپلماسی تجاری» و «تدوین استراتژی توسعه تجارت خارجی» اشاره کرد و گفت: «اگر استراتژی نداشته باشیم ارتباط برقرار نمی‌شود و اگر برقرار شود دوامی ندارد، تسهیل مبادلات و ساده سازی قوانین و مقررات و بهبود فضای تجاری کشور در برنامه‌ها وجود دارد. متأسفانه مقررات دست و پاگیر زیادی وجود دارد و باید کار بزرگی صورت گیرد. باید موانع را برداریم و تسهیل‌گری کنیم، موانع را می‌شناسم و سعی می‌کنم آن‌ها را رفع کنم.»

برنامه‌های علی‌آبادی در حالی که فهرست جذابی برای اقتصاد و تجارت بحران‌زده ایران به نظر می‌رسد اما هیچیک از اقدامات در ساختار ایدئولوژیک، مافیایی و غرب‌ستیز جمهوری اسلامی امکان‌پذیر نیست مگر ساختار و نظام فکری و اعتقادی سران قوا و شخص علی‌خامنه‌ای بطور زیربنایی دچار تغییر شود!

در جلسه رأی اعتماد به عباس علی‌آبادی شماری از نمایندگان مخالف و موافق او نیز سخنرانی کردند. جلیل رحیمی جهان‌آبادی نماینده تربت جام که به عنوان نماینده مخالف صحبت می‌کرد با کتایه‌های بسیاری از برنامه علی‌آبادی انتقاد کرد. رحیمی جهان‌آبادی درباره برنامه وزیر پیشنهادی گفت: «این برنامه‌ها شعاری است و در میدان انقلاب می‌شود ده نمونه از این برنامه‌ها را پرینت گرفت و آورد و ارائه کرد.»

او همچنین خطاب به عباس علی‌آبادی گفت: «سابقه شما نشان می‌دهد موانع واردات لکوموتیو در کشور شدید و حالا موافق واردات خودرو هستید؟»

جلال محمودزاده دیگر نماینده مخالف با عباس علی‌آبادی نیز گفت که «وزیر پیشنهادی صمت در برنامه‌هایش هیچ

اشاره‌ای به صنعت خودروسازی نکرده است. از کجا مطمئن باشیم شما در دام مافیای خودروسازی گیر نیفتید. برخی می‌گویند علی‌آبادی رای دیکتاتوری دارد که این مدل مدیریتی بسیار منفی است.»

یکی از حاشیه‌های جلسه امروز در مجلس شورای اسلامی خبرهای غیررسمی بود که روز گذشته درباره مدرک تحصیلی علی‌آبادی مطرح شده بود. صبا آذربیک روزنامه‌نگار اصلاح‌طلب در یک رشته توییت مدرک تحصیلی عباس علی‌آبادی را جعلی خواند و گفت: «مدبری که به یورو ماهانه ۶۰۰ میلیون تومان می‌گیرد! و مدارک تحصیلی‌اش جعلی است چطور قراره وزیر دولت انقلابی باشه؟»

صبا آذربیک نوشته بود که «حقوق ۶۰۰ میلیونی از مینا می‌گرفته یا نه؟ آیا استعلام کردید که برای مدیر خاورمیانه شدن زمینس اپلای کرده بوده و اگر گزینه وزارت نمی‌شد، قرار بوده بره زمینس؟ پسرش سال‌ها آلمان، بوده، آیا تابعیت آلمان رو داره یا نه؟ چطور با دانشجوی لیسانس، عضو هیئت علمی بوده؟» این روزنامه‌نگار مدعی شده بود که «تاریخ ورود به دانشگاه ۱۳۵۸؛ تاریخ اخذ لیسانس مکانیک در مدرک صادره از دانشگاه شریف سال ۱۳۶۸» و «فوق لیسانس مکانیک از دانشگاه تهران را فرهاد رهبر سال ۱۳۹۰ امضا کرده روی یک کاغذ معمولی بی سربرگ دانشگاه و بدون مهر؛ در حالی که تاریخ اخذ مدرک فوق لیسانس سال ۱۳۷۴ ذکر شده.»

صبا آذربیک افزوده بود که «بر اساس مدرک ارائه شده به مینا، در سال ۶۵ عضو هیات علمی دانشگاه امام حسین شده (وقتی حتی لیسانس نداشته!) و از ۷۰ معاون علمی دانشگاه (وقتی فوق لیسانس نداشته).»

موضوع مدرک تحصیلی علی‌آبادی و تخلفات علمی او به حدی برجسته شد که در نشست امروز مجلس شورای اسلامی نیز چند بار به آن اشاره شد. مهرداد گودرزوند چگینی نماینده رودبار در مجلس در دفاع از عباس علی‌آبادی گفت که او «در بهترین دانشگاه‌های ایران تحصیل کرده است.»

محمد مهدی زاهدی نیز که سابقه وزارت علوم در دولت احمدی‌نژاد را دارد و اکنون نماینده کرمان در مجلس شورای اسلامی است در نشست امروز به عنوان نماینده موافق گفت: «ممکن است در تاریخ صدور مدارک تحصیلی

قطع آب در تهران و کرج وارد پنجمین روز شد بی تفاوتی مسئولان به مختل شدن زندگی شهروندان



رانش گسترده زمین و کوه در حوالی جاده چالوس، مسیر انتقال آب از سد امیرکبیر به تاسیسات آبرسانی تهران در بستر رودخانه کرج مسدود شده بود» ادعا کرده بود مشکل آبرسانی به تهران حل شده است.

در این اطلاعیه آمده بود که «با تلاش شبانه‌روزی و بسیج امکانات، هم‌اکنون مسیری از میان توده‌های عظیم سنگ به همراه گل و لای در بستر رودخانه ایجاد و آب در مسیر رودخانه جاری شده است. افزون بر این اقدامات در این مدت بخش قابل توجهی از نیاز شبکه از طریق سامانه‌های دیگر آبرسانی تامین شد تا از گسترش محدوده‌های افت فشار جلوگیری شود.»

شرکت آبفا همچنین با تشکر از «شکیبایی مردم» اعلام کرده بود که «روند توزیع آب در شبکه و محدوده‌های دارای افت فشار تا ساعاتی دیگر عادی می‌شود.»

برخلاف ادعای شرکت آبفا اما قطع آب امروز سه‌شنبه ۲۳ خرداد ۱۴۰۲ نیز ادامه یافته است. روزنامه «پیام ما» در گزارشی نوشته که نه تنها آب تهران وصل نشده بلکه قطع آب گسترش یافته است.

در این گزارش آمده که با وجود اطلاعیه روز گذشته شرکت آب و فاضلاب تهران مبنی بر رفع مشکل آب در محله‌های تهران، نه فقط مشکل محله‌های پیشین رفع نشد، بلکه از شب گذشته محله‌های جدیدی مانند قائم مقام فراهانی، «هفت تیر» و «مدرس» نیز به آب آشامیدنی دسترسی ندارند.

خرپرگزار فارس هم با تایید تداوم قطع آب در مناطق گسترده‌ای از پایتخت اعلام کرد: «مسدود شدن مسیر انتقال آب از سد کرج به تاسیسات آبرسانی تهران در اثر جاری شدن سیل در جاده چالوس، علت بروز این مشکل است» و از مردم خواست «صبور» باشند و مصرفشان را «مدیریت» کنند تا مشکل برطرف شود.

خرپرگزار فارس در حالی مردم را مسئول دانسته و به آنها توصیه کرده که با صبوری و مدیریت مصرف آب، بحران را پشت سر بگذارند، که هیچیک از مقامات مسئول دولتی در تهران در پنج روز گذشته به قطع آب در فصل گرم سال در پایتخت واکنش نشان نداده و با بی‌تفاوتی از کنار

● شرکت آبفا در اطلاعیه‌ای اعلام کرده ریزش کوه بر اثر بارندگی مسیر انتقال آب از سد امیرکبیر به تاسیسات آبرسانی تهران در بستر رودخانه کرج را مسدود کرده است. ● شرکت آبفا روز گذشته از حل مشکل خبر داده بود

اما قطع آب امروز نیز ادامه یافته و نه تنها آب تهران وصل نشده بلکه قطع آب گسترش یافته است.

● آب در مناطق مختلف کرج با قطع چند ساعت و بدون اطلاع قبلی روبرو بوده و به گفته شهروندان وقتی آب وصل می‌شود فشار آن به حدی پایین است که عملاً امکان استفاده برای امور روزمره وجود ندارد.

● پس از دو روز قطع آب در برخی مناطق تهران با تانکر آبرسانی شده اما میزان آب منتقل شده به محلات متناسب با جمعیت ساکن نبوده و در نتیجه نارضایتی بیشتری در میان مردم ایجاد کرده است.

● کارشناسان معتقدند قطع آب حتی در نبود بارندگی و سیل هم قابل پیش‌بینی بوده است. عدم توجه جمهوری اسلامی به مدیریت منابع آب و ساختار فرسوده توزیع این ماهی‌های حیات از جمله دلایل کارشناسان برای بروز قطع آب است.

خرپرگزارهای داخلی از قطع آب بدون اطلاعیه‌های قبلی به مدت طولانی در چند شهر از جمله تهران و کرج خبر می‌دهند. در تهران آب برخی مناطق برای پنجمین روز پیاپی قطع است. شرکت آبفا در اطلاعیه‌ای اعلام کرده ریزش کوه بر اثر بارندگی مسیر انتقال آب از سد امیرکبیر به تاسیسات آبرسانی تهران در بستر رودخانه کرج را مسدود کرده است. آب چند منطقه از تهران شامل مناطقی از جمله «آزادی»، آذربایجان، اسکندری، تهران ویلا، ستارخان، شهرآرا، «طالقانی»، زرگنده، ظفر و مولوی امروز سه‌شنبه ۲۳ خرداد ۱۴۰۲ برای پنجمین روز پیاپی قطع است. قطع آب در پایتخت از روز جمعه ۱۹ خرداد آغاز شده و با وجود اینکه شرکت آبفا دیروز از «رفع مشکل» خبر داده بود، این مشکل همچنان ادامه دارد.

شرکت آبفای تهران روز دوشنبه ۲۲ خرداد در اطلاعیه‌ای با اعلام اینکه «بر اثر بارش باران، جاری شدن سیلاب و

بلا پایین باشد اما اصل مسئله را نباید زیر سوال برد. لیسانس ایشان از دانشگاه شریف فوق لیسانس دانشگاه تهران و دکتری خواجه نصیر است.»

خود عباس علی‌آبادی در دفاع خود گفت: «آقایانی که در بحث علمی بنده شبهه دارند به دانشگاه‌ها مراجعه کنند، در پیشگاه خداوند باید پاسخگو باشند. بنده فارغ‌التحصیل دانشگاه صنعتی شریف هستم. عکس بنده در کتاب سرآمدان شریف چاپ شده است، کسانی که شبهه دارند بروند و ببینند. در دانشگاه تهران سال‌ها تدریس می‌کنم و سال‌ها در شورای عالی برنامه‌ریزی عضو هستم.»

عباس علی‌آبادی مدیرعامل هلدینگ بزرگ «مینا» است و سابقه همکاری تجاری گسترده‌ای با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و قرارگاه «خاتم الانبیاء» سپاه پاسداران را در کارنامه دارد. پیشنهاد یکی از مدیران رانتی و نزدیک به سپاه پاسداران به عنوان وزیر صمت قابل توجه است.

هلدینگ «مینا» و شرکت‌های وابسته به آن، یکی از بزرگ‌ترین «مجموعه‌های صنعتی ایران»، سازنده «نیروگاه‌های بزرگ حرارتی» و «مجری پروژه‌های کلان» نفت و گاز و حمل‌ونقل ریلی در ایران است.

در عین حال، بخش‌هایی از هلدینگ بزرگ مینا در لیست تحریم‌های بین‌المللی قرار دارد که به دلیل فعالیت‌های اتمی جمهوری اسلامی و اقدامات خصمانه و مداخله‌جویانه جمهوری اسلامی در منطقه اعمال شده‌اند.

عباس علی‌آبادی همچنین سابقه ریاست دانشگاه «مالک اشتر» وابسته به وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی و همچنین مدیرعاملی «ایران خودرو» را نیز در کارنامه دارد. او همچنین در دولت اصلاح‌طلب حسن روحانی معاون وزیر نیرو در امور برق و انرژی بوده است. فعالیت در جهاد سازندگی، مشارکت در اجرا و مدیریت پروژه‌های نیروگاهی کرخه و کارون ۳، مدیرعاملی شرکت توسعه منابع آب و نیروی ایران از دیگر سوابق علی‌آبادی است.

همچنین در سوابق تحصیلی وی آمده که فارغ‌التحصیل مقاطع تحصیلی کارشناسی و کارشناسی ارشد مکانیک با گرایش تبدیل انرژی از دانشگاه‌های صنعتی «شریف» و دانشگاه تهران و درجه دکتری مهندسی مکانیک از دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی با گرایش کنترل است.

عباس علی‌آبادی از جمله مدیران رانتی و حکومتی است که خبرهای غیررسمی درباره بریز و بهاش‌ها و ولخرجی‌های وی نیز منتشر شده است. او همچنین متهم است که در «مینا» یک شبکه از مدیران رانتی حکومت را که در سن بازنشستگی هستند به کار گرفته است.

بر اساس گزارش‌ها، عباس علی‌آبادی به جوانگرایی اعتقاد خاصی نداشته و به خاطر خصوصی بودن (خصوصیتی بودن) تعدادی از بازنشسته‌های وزارت نیرو را در «مینا» جای داده است طوری که منتقدان از مینا به عنوان حیاط خلوت وزارت نیرویی‌ها نام می‌برند. استخدام این افراد گرچه گفته می‌شود برای استفاده از دانش فنی آنهاست، ولی اغلب برای استفاده از نفوذ و ارتباطات آنها و تثبیت شبکه رانتی-مافیایی انجام می‌گیرد. استخدام رانتی فرزندان رضا اردکانیان وزیر نیرو در «مینا» در زمان ریاست عباس علی‌آبادی هم از دیگر موارد حاشیه‌ساز برای این مدیر حکومتی بوده است.

دو سال پیش بعد از تشکیل دولت ابراهیم رئیسی عباس علی‌آبادی گزینه ابراهیم رئیسی برای وزارت نیرو بود. اما گفته می‌شد وی علاقه‌ای به حضور در وزارت نیرو نداشته و به همین دلیل نام او در آخرین روز از لیست نهایی رئیسی خط خورد و علی‌اکبر محرابیان به عنوان گزینه پیشنهادی وزیر نیروی دولت سیزدهم معرفی شد.

➔ مشکلاتی که در روند زندگی مردم ایجاد شده عبور کرده‌اند.

در روزهای گذشته آب در مناطق مختلف کرج با قطع چند ساعته و بدون اطلاع قبلی روبرو بوده و به گفته شهروندان وقتی آب وصل می‌شود فشار آن به حدی پایین است که عملاً امکان استفاده برای امور روزمره وجود ندارد. در پنجمین روز قطع آب پیپی در تعدادی از محله‌ها، حسین فاضلی هریکندی رئیس کل دادگستری استان البرز به این موضوع واکنش نشان داد و گفت این مسئله به بسته شدن خروجی سد کرج بر اثر سیل اخیر ارتباط دارد.

او وعده داد که «با تلاش‌های انجام شده» مشکل آب آشامیدنی برخی از مناطق تهران و کرج «تا ساعات آینده برطرف می‌شود». گزارش‌های مردمی از کرج اما نشان می‌دهد آب محلات مختلف تا بعد از ظهر روز سه‌شنبه همچنان قطع بوده است.

بر اساس گزارش‌های مردمی در شبکه‌های اجتماعی پس از دو روز قطع آب در برخی مناطق تهران با تاخر آبرسانی شده اما میزان آب منتقل شده به محلات متناسب با جمعیت ساکن نبوده و در نتیجه نارضایتی بیشتری در میان مردم ایجاد کرده است.

خبرگزاری رکنا در انتقاد از اقدامات نهادهای مسئول برای حل مشکل قطع آب در روزهای گذشته و خدمات‌رسانی به شهروندان نوشته که «به نظر می‌رسد این ۵ روز بی‌آبی، آزمونی برای سازمان‌های ذیربط بود و نشان داد این سازمان‌ها از مدیریت و سازماندهی کافی برخوردار نبوده و به وقت بحران توانایی مدیریت و حل مشکل شهروندان را ندارند». وزارت نیرو در حالی مشکل قطع آب در کرج و تهران را آسیب‌دیدگی و مسدود شدن مسیر آبرسانی در پی بارندگی عنوان کرده که بسیاری از کارشناسان معتقدند بروز چنین بحرانی حتی در نبود بارندگی و سیل هم قابل پیش‌بینی بوده است. عدم توجه جمهوری اسلامی به مدیریت منابع آب و ساختار فرسوده توزیع این مایه‌ی حیات از جمله دلایل کارشناسان برای بروز قطع آب است.

روزنامه «هم‌میهن» امروز در گزارشی به نقل از آرش میلانی رئیس سابق کمیته محیط زیست شورای شهر تهران نوشت که حجم فرسودگی شبکه آب تهران قابل توجه است و پیش‌بینی میزان رسوب بارندگی‌ها به سیستم‌های خاصی نیاز دارد که در ایران موجود نیست.

به گفته این مقام سابق شورای شهر، همواره درصدی از آب تهران به دلیل فرسودگی شبکه آب شهری هدر می‌رود، در حالی که با تخصیص بودجه کافی می‌توان از آن جلوگیری کرد. محمدرضا بختیاری مدیرعامل سابق آب و فاضلاب تهران نیز پیشتر اعلام کرده است که «حدود یک‌پنجم آب شرب شهری به دلیل شبکه آبرسانی فرسوده به هدر می‌رود».

اوایل فروردین امسال نیز کمیته‌ای با عنوان «کمیته اضطراری ستاد پیشگیری، هماهنگی و فرماندهی عملیات پاسخ به بحران استان با محوریت مدیریت مصرف آب» در استانداری تهران تشکیل شد.

علیرضا فخاری استاندار تهران در اینبار گفته بود که در جلسه این کمیته مباحث آب استان، تطبیق با شرایط سال‌های گذشته، میزان نزولات، مصارف و نوع مصرف و کنترل آنها مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

به گفته علیرضا فخاری ایران با کاهش نزولات و افزایش سطح مصرف مواجه است و از سوی دیگر، تغییرات اقلیمی آب و هوا نیز از عوامل موثر در حوزه مصرف آب است که این مسائل، نظام برنامه‌ریزی جدی در حوزه آب را می‌طلبد. احد وظیفه رئیس مرکز ملی اقلیم و مدیریت بحران سازمان هواشناسی روز دوشنبه ۱۵ خرداد نسبت به تابستان

داغ و بحران کمبود آب هشدار داده و گفته بود که «به صورت تقریبی می‌توان انتظار داشت که متوسط دمای هوای ایران در تابستان سال جاری حدود یک تا ۵/۱ درجه و حتی در مناطق شمال شرق کشور تا ۲ درجه سانتی‌گراد نسبت به متوسط درازمدت یا همان شرایط نرمال بالاتر باشد». احد وظیفه همچنین توضیح داده که ایران تابستان امسال با افزایش ۱۰ درصدی تبخیر آب‌های سطحی به دلیل افزایش دمای هوا روبرو خواهد بود و افزوده بود که «در چنین شرایطی اگر تابستانی را پیش رو داشته باشیم که متوسط دمای هوا در آن حدود ۱.۵ درجه سانتی‌گراد از شرایط نرمال بیشتر باشد، این مساله منجر به افزایش نزدیک به ۱۰ درصدی تبخیر آب‌های سطحی و تعرق در گیاهان خواهد شد که خود این می‌تواند، میزان دسترسی به آب را کمتر کند». احد وظیفه همچنین گفته که تابستان امسال نیز میزان بارندگی‌ها از شرایط نرمال کمتر خواهد بود: «بحران سازمان هواشناسی کشور ادامه داد: با توجه به این که در تابستان سال گذشته فعالیت سامانه مونسون تاثیر خود را بر ایران هم گذاشت و شاهد وقوع باران‌های سیل‌آسا در نقاط مختلف کشور بودیم، تابستان امسال حتماً میزان بارندگی‌ها نسبت به سال قبل بسیار کمتر خواهد بود».

بارندگی در ایران در پاییز و زمستان گذشته نیز روندی نزولی داشته و آب ذخیره پشت سدهای کشور به شکل قابل توجهی کاهش یافته بود.



بر اساس آخرین آمار اعلام‌شده دفتر مطالعات پایه منابع آب، از ابتدای سال آبی جاری تا کنون یعنی از اول مهرماه سال ۱۴۰۱ تا نیمه اردیبهشت جاری، ارتفاع کل ریزش‌های جوی کشور معادل ۱/۱۸ میلی‌متر بوده که این مقدار بارندگی نسبت به میانگین دوره‌های مشابه درازمدت ۱۵ درصد کاهش دارد.

همچنین موجودی مخزن ۳۳ سد کشور کاهش داشته که از این میان حجم آب «سد دوستی» در استان خراسان رضوی با کاهش ۵۳ درصدی پس از سد «چاه‌نیمه» در استان سیستان و بلوچستان، با کاهش ۵۹ درصدی، دومین رتبه وضعیت حاد را در میان سدهای کشور دارد.

بر اساس آخرین آمار اعلام شده از سوی وزارت نیرو در حال حاضر سدهای پنج‌گانه تهران ۵۰۴ میلیون مترمکعب آب دارند که نسبت به سال قبل ۴۱ میلیون مترمکعب کاهش یافته است. این در حالیست که سال گذشته در همین زمان حجم آب سدهای تهران ۵۴۵ میلیون مترمکعب ثبت شده است.

کمبود دارو به مرز هشدار رسید؛ تولیدکنندگان توان ادامه فعالیت ندارند

● رئیس سازمان غذا و دارو: بخشی از مشکلات به دلیل عدم امکان حواله ارز است که از بهمن سال گذشته تا کنون ما را با مشکلات زیادی در تأمین مواد اولیه و... مواجه کرده است.

● نایب رئیس انجمن داروسازان ایران گفته کمبودهای دارویی در کشور سه رقمی شده و به دلیل اختلاف آمار کمبودها بین بخش دولتی و خصوصی نمی‌توان عدد خاصی را اعلام کرد.

● منتقدان سیاست‌های حوزه سلامت کشور می‌گویند دارو تحریم نیست. آنها انتقادهای اصلی خود را متوجه مدیریت و سیاست‌گذاری وزارت بهداشت می‌دانند.

● سال گذشته هنگام بررسی لایحه بودجه ۱۴۰۲ نیز کارشناسان نسبت به کمبود بودجه دارو هشدارهای لازم را دادند اما هیچ تغییری در میزان بودجه دارو داده نشد.

رئیس سازمان غذا و دارو نسبت به تشدید کمبودهای دارویی هشدار داد و گفت هدف ما کمک به تولیدکنندگان است تا مشکلات آنها برطرف شود. گزارش‌ها از کمبود و گرانی همزمان دارو در کشور حکایت دارد و تولیدکنندگان و واردکنندگان می‌گویند به دلیل عدم تسویه حساب دولت و در دست نبودن منابع کافی امکان تولید بیشتر را ندارند. حیدر محمدی رئیس سازمان غذا و دارو روز گذشته توضیح داده که «بخشی از مشکلات فرایضی است. به عنوان مثال بخشی از مشکلات به دلیل عدم امکان حواله ارز است که از بهمن سال گذشته تا کنون ما را با مشکلات زیادی در تأمین مواد اولیه و... مواجه کرده است؛ به شکلی که برخی شرکت‌ها حتی ۳ ماه است نتوانسته‌اند مواد اولیه تأمین کنند و این نشان می‌دهد که باید با تسهیل فرایندها به سمت افزایش تولید برویم».

علی فاطمی نایب رئیس انجمن داروسازان ایران نیز روز یکشنبه ۲۱ خرداد ۱۴۰۲ گفته بود که کمبودهای دارویی در کشور سه رقمی شده و به دلیل اختلاف آمار کمبودها بین بخش دولتی و خصوصی نمی‌توان عدد خاصی را اعلام کرد. علی فاطمی علت اصلی کمبود دارو در کشور را عدم سرمایه‌گذاری در داروسازی کشور با وجود افزایش مصرف و رشد جمعیت دانسته و گفته بود که «قیمت‌گذاری دستوری دولت نیز باعث شده است برخی از شرکت‌ها زیان‌ده شوند؛ همچنین برخی مشکلات در زمینه تأمین ارز باعث شده تا هلدینگ‌ها رغبت لازم را برای فعالیت در ایران نداشته باشند به همین دلیل در کشورهای همسایه سرمایه‌گذاری می‌کنند».

بهرام عین‌اللهی وزیر بهداشت جمهوری اسلامی نیز هفته گذشته از وجود «مشکلات متعددی در بودجه» برای تولید و تأمین دارو خبر داده و گفته بود که «امسال برای تأمین دارو به ۱۰۵ هزار میلیارد تومان اعتبار



حجم نقدینگی را ۴۰ هزار میلیارد تومان اعلام کردند اما این نقدینگی در کشور وجود ندارد و به نظر می‌رسد به تولیدکنندگان پرداخت نشود.»

این فعال صنفی همچنین با تأکید بر لزوم پرداخت مطالبات تولیدکنندگان از سوی دولت گفته بود که «دولت مطالبات را پرداخت نمی‌کند اما انتظار دارد که چرخه تولید ادامه داشته باشد. در حال حاضر بسیاری از شرکت‌های تولیدی با مشکل مواجه شدند داروهای مانند پنی سیلین، سرماخوردگی به راحتی در بازار پیدا نمی‌شود.» همزمان در فروردین امسال مسعود پزشک‌های عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی نیز از بدتر شدن وضعیت تأمین دارو در سال جدید خورشیدی خبر داده و گفته بود پس از آنکه دولت ارز دارو را که حذف کرد، تولیدکننده‌ها نیز نتوانستند با ریالی که در اختیار دارند، ماده اولیه تولید دارو خریداری و وارد کنند. مسعود پزشک‌های افزوده بود که در چنین شرایطی، دارو در سال جاری باز هم گران‌تر می‌شود و تولیدکننده‌های دارو چون بودجه لازم برای واردات ماده اولیه تولید دارو ندارند، ممکن است نتوانند به اندازه نیاز جامعه دارو تولید کنند بنابراین با کمبود دارو نیز مواجه خواهیم شد. تمام هشدارها و توضیحات فعالان صنعت دارو در حالی است که بهرام عین‌الهی وزیر بهداشت جمهوری اسلامی ابتدای اردیبهشت‌ماه جاری ادعا کرد که کمبود دارو از ۴۰۰

بیماران مبتلا به بیماری‌های خاص بیش از دیگر بیماران دچار بحران تهیه دارو شده‌اند.

در حالی که مقامات جمهوری اسلامی تلاش دارند علت کمبود دارو را به «تحریم‌ها» ربط دهند که طبق گزارش مرکز آمار، ارزش تولید فرآورده‌های دارویی، شیمیایی و گیاهی در کشور از سال ۱۳۹۷ روندی افزایشی داشته و در سال ۱۳۹۹ به بالاترین میزان یک دهه اخیر رسیده است. منتقدان سیاست‌های حوزه سلامت کشور می‌گویند دارو تحریم نیست. آنها انتقادهای اصلی خود را متوجه مدیریت و سیاست‌گذاری وزارت بهداشت می‌دانند. مقامات جمهوری اسلامی اما همچنان اصرار دارند تحریم را به عنوان ابزاری برای فراقکنی و عدم پاسخگویی درباره ساختار فاسد و ناکارآمد واردات و تولید و توزیع دارو به کار ببرند. وزیر بهداشت جمهوری اسلامی در نشست سازمان‌های بین‌المللی مقیم ایران ادعاهای واهی درباره تحریم دارو را تکرار کرده و گفته بود: «در طول تاریخ سابقه نداشته بیماران را تحریم کرده باشند؛ اما این کار نسبت به بیماران ایرانی انجام شده است.»

مجتبی بوربور نایب رئیس اتحادیه واردکنندگان دارو فروردین امسال گفته که «شرکت‌های تولیدکننده و واردکننده بعد از تغییرات نرخ ارز دچار مشکلاتی در قیمت‌گذاری شدند که اگر به این مشکلات زودتر رسیدگی می‌شد، شاهد این کمبودها با این شدت نبودیم.» او

نیاز داریم، ولی در قانون بودجه فقط ۶۹ هزار میلیارد تومان اعتبار اختصاص یافته و اگر این بودجه محقق نشود با مشکلاتی روبرو خواهیم شد.»

وزیر بهداشت جمهوری اسلامی تأمین دارو و تجهیزات پزشکی را با اختصاص اعتبارات بودجه مرتبط دانست و از «دستگاه‌های فرابخشی» خواست برای تأمین دارو همکاری کنند. فعالان و مسئولان حوزه دارویی کشور تأکید دارند که همواره رفع مشکلات و موانع در مسیر تولید و تأمین دارو در کشور، فقط در دست سازمان غذا و دارو نیست و سازمان‌ها و دستگاه‌های دیگری همچون سازمان برنامه و بودجه، بانک مرکزی و... نیز در بروز شرایط بحرانی دارو سهیم هستند.

سال گذشته هنگام بررسی لایحه بودجه ۱۴۰۲ کارشناسان نسبت به کمبود بودجه دارو هشدارهای لازم را دادند اما هیچ تغییری در میزان بودجه دارو داده نشد.

نازنین فرزادی‌فر مدیرعامل کانون هموفیلی ایران هفته گذشته از تداوم مشکل نایاب و کمیاب بودن داروهای بیماران هموفیلی خبر داد. او تأکید کرده که شرکت‌های تولیدکننده دارو ظرفیت تولید داروهای پلاسمایی مورد نیاز بیماران هموفیلی را ندارند و بخش قابل توجهی از دارو باید از خارج وارد شود.

وی گفت که «ما این تعهد را از سازمان غذا و دارو گرفته‌ایم که حتی در صورت تولید دارو توسط یک شرکت



به ۷۰ قلم، و ذخایر دارویی به هفتاد درصد رسیده است. این ادعا درست در روزهایی مطرح شد که گزارش‌ها از کمبود بسیاری از اقلام دارویی در داروخانه‌ها، و سرگردانی بیماران منتشر می‌شد. اوایل اردیبهشت‌ماه وبسایت «خبرآنلاین» با اشاره به بحران داروهای شیمی‌درمانی به عنوان مشکل بزرگ خانواده‌های بیماران مبتلا به سرطان و بیماری‌های خاص نوشته است: «بجز وین بلاستین آلمانی و مجارستانی، قیمت سایر داروهای شیمی‌درمانی در بازار آزاد و آنچه در دست دلال است نیز بسیار زیاد و حتی باورنکردنی است؛ به عنوان مثال قیمت غیردولتی هر آمپول «کیترودا/Keytrud» بین ۵۰ تا ۹۰ میلیون تومان است. آمپول «انکاسپار/oncaspar» با قیمتی بین ۷۵ تا ۱۰۰ میلیون به فروش می‌رسد.»

بر اساس این گزارش قیمت آمپول «ادستریس/adcetris» نیز ۸۰ میلیون تومان است. سایر داروهای شیمی‌درمانی مانند بلینسیتو/blincyto، نلارابین/nelarabine بین ۴۰ تا ۳۵ میلیون در بازار آزاد قیمت دارند.

همچنین گرانی دارو را متأثر از تورم دانسته بود. مجتبی بوربور برخلاف وزیر بهداشت مشکلات صنعت دارویی کشور را تحریم ارزیابی نکرده و گفته بود که «کمبود نقدینگی، افزایش قیمت نهاده‌ها و مواد اولیه تولید، تأخیر در وصول مطالبات از بدهکاران دولتی مانند تأمین اجتماعی و دانشگاه علوم پزشکی را می‌توان به‌عنوان مهم‌ترین چالش تولید دارو در کشور معرفی کرد؛ تردید نداشته باشید که تولیدکنندگان تمایل به تولید دارند اما نمی‌توانند با این شرایط ادامه بدهند.»

نایب رئیس اتحادیه واردکنندگان دارو افزوده بود که «بعد از اصلاح نظام پارانهای دولت مقرر کرد فاصله ۴ هزار و ۲۰۰ تومانی تا ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی را جبران کند از این‌رو بانک‌ها با نامه بانک مرکزی موظف به پرداخت تسهیلات به واردکنندگان و کارخانه‌های تولیدی داروسازی شدند مبلغ اعطای تسهیلات به تولیدکنندگان ۱۵ هزار میلیارد تومان در نظر گرفته شد اما در عمل ۱۵۰۰ میلیارد تومان پرداخت کردند؛ در سال جاری فعالان اقتصادی

دیگر در ایران باز هم واردات دارو را داشته باشیم، چرا که نمی‌خواهیم تجربه تلخ سال گذشته دوباره تکرار شود و از همین رو واردات خواهیم داشت سازمان هم این موضوع را پذیرفته است.»

حسینعلی شهریاری رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی نیز روز شنبه ۲۰ خرداد ۱۴۰۲ در نامه‌ای «فوری» خطاب به وزیر بهداشت از کمبود داروهای استراتژیک و افزایش پرداختی از جیب شهروندان ابراز نگرانی کرد. حسینعلی شهریاری در این نامه تأکید کرده بود کمبود دارو «در بازدهی‌های میدانی و همچنین مراجعات حضوری محرز شده» و مقامات وزارت بهداشت را که از عدم کمبود دارو سخن می‌گویند به «اظهارنظرهای خلاف واقع» متهم کرد.

در آنسو نیز گزارش‌ها نشان می‌دهد طرح «دارویار» که از سال گذشته توسط وزارت بهداشت با هدف نظم بخشیدن به چرخه تولید و پخش دارو اجرا شد نتوانسته به اهداف تعیین شده دست پیدا کند و در این میان



عکس هفته | ۲۶ خرداد زادروز مجیدرضا رهنورد «روز ملی شیروخورشید»

مجیدرضا رهنورد ۲۳ ساله از مبارزان انقلاب ملی ایران ۲۱ آذر ۱۴۰۱ توسط جمهوری اسلامی اعدام شد. وی بر دست چپ خود نشان شیروخورشید را خالکوبی کرده بود و شکنجه‌گران همین دست را شکسته و سپس او را به دار کشیدند. چندی پیش گروهی از زندانیان سیاسی زادروز وی را به عنوان «روز ملی شیروخورشید» نامگذاری کردند.